

سال گنجگوی تمدنیا ۲۰۰۱

شابک: ۰ - ۰۴۷ - ۳۶۱ - ۹۶۴

# اسناد و ارتباط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمدرشاه قاجار

۱۲۶۳ - ۱۲۴۰ قمری / ۱۸۴۷ - ۱۸۲۴ میلادی

کوشش: فاطمه قاضیما



اسناد و ارتباط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمدرشاه قاجار

کوشش: فاطمه قاضیما



مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه  
دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۷۲۶  
بها: ۱۵۰۰۰ ریال

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

(مجموعه ایران و قدرتهای بزرگ - روسیه / ۲)

تبرستان  
www.tabarestan.info

**اسناد روابط ایران و روسیه  
در دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار**

۱۲۶۳-۱۲۴۰ قمری / ۱۸۴۷-۱۸۲۴ میلادی

به کوشش: فاطمه قاضیها

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی  
تهران-۱۳۸۰

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

قاضیها، فاطمه، ۱۳۳۵ -

اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار ۱۲۶۳-۱۲۴۰ قمری / ۱۸۲۴-۱۸۲۷ میلادی / به کوشش فاطمه قاضیها؛ [برای] مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی - تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

بیست و هشت، ۳۴۰ ص: جدول، نمونه. - (مجموعه ایران و قدرتهای بزرگ - روسیه / ۲. مباحث اسناد) ۸۲

ISBN 964 - 361 - 047 - 0: بها: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار) ص.خ. به انگلیسی:

Patemeh Ghaziha

Documents of Iran-Russia Relations Under Fath Ali Shah and Mohammad Shah Qajar

(1824-1847 A.D. / 1240-1263 A.H.)

واژه نامه.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. - اسناد و مدارک. ۲. ایران - روابط خارجی - روسیه - قرن ۱۳ ق. - اسناد و مدارک. ۳. روسیه - روابط خارجی - ایران - قرن ۱۹ - اسناد و مدارک. القه. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. ب. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات. ج. عنوان.

DSR ۱۳۲۲ / ۸ ر / ۹۵۵/۰۷۲۰۷۲۷

۱۳۸۰

۲۰۰۲ - ۸۰ م

کتابخانه ملی ایران

اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار

۱۲۴۰-۱۲۴۳ قمری / ۱۸۲۴-۱۸۲۷ میلادی

به کوشش: فاطمه قاضیها

چاپ اول: ۱۳۸۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

سندوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۷۲۶، تلفن: ۰۵۹-۲۸۰۲۶۵۸، فاکس: ۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۲۲۹۳۳۷-۰۷۱

فهرست مندرجات

دباجه..... شش

پیشگفتار..... هفت

مقدمه..... نه

بخش اول: اسناد روابط ایران و روسیه در دوره فتحعلی‌شاه..... ۱

    - تفکیک موضوعی اسناد..... ۳

    - فهرست موضوعی اسناد..... ۵

    - متون اسناد..... ۷

بخش دوم: اسناد روابط ایران و روسیه در دوره محمدشاه..... ۳۳

    - تفکیک موضوعی اسناد..... ۳۵

    - فهرست اسناد..... ۳۷

    - متون اسناد..... ۴۷

\* \* \*

واژه‌نامه..... ۲۴۳

فهرست عمومی اعلام..... ۲۷۵

گزیده تصاویر اسناد..... ۲۸۷

تبرستان  
www.tabarestan.info

## پیشگفتار

بدون تردید ضرورت بازنگری و مطالعه عملکردهای پیشینیان به منظور کسب تجربه یکی از ویژگی‌های فعالیت هوشمندانه در عرصه سیاست خارجی است. امروزه یک کارگزار سیاست خارجی باید بتواند در برابر مسائل و بحرانهای حوزه کاری خود تصویری دقیق و سنجیده از موضوعات داشته باشد تا در هنگام مواجهه با شرایط ویژه از قدرت تصمیم‌گیری و انجام واکنش لازم در حداقل ممکن بهره‌جوید. این مهم مقدور نمی‌گردد مگر زمانی که از قدرت تصمیم‌گیری و انجام واکنش لازم در حداقل زمان ممکن بهره‌جوید. این مهم مقدور نمی‌گردد مگر زمانی که بر سوابق تحولات و عملکردهای گذشته اشراف حاصل آید و بتوان در مواجهه با هر مسأله‌ای تمام احتمالات ممکن را بازآفرینی کرد.

گنجینه ارزشمند و پر اهمیت اسناد وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران که در برگرفته مهم‌ترین اسناد و مدارک سیاسی چند قرن گذشته است می‌تواند به این نیاز طبیعی کارگزاران سیاست خارجی پاسخ دهد. اهمیت این اسناد و لزوم بهره‌گیری از آن امری است که وزارت امور خارجه را واداشته تا ضمن انتشار فهرستی جامع از آنچه که در این محل نگهداری می‌شود مبادرت ورزد. امری که طی سالیان گذشته با همکاری این مرکز در حال انجام است.

## دیباچه

مجموعه ایران و قدرتهای بزرگ عنوان عمومی مجموعه‌ای است که به روابط خارجی ایران و قدرتهای مُعظّم و مؤثر در تاریخ معاصر ایران می‌پردازد.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی با درک ضرورت انجام پژوهشها و تحقیقات در حوزه تاریخ معاصر ایران می‌کوشد ضمن تنوع در ارائه مستندات تاریخی زمینه‌ای را فراهم سازد که پژوهشگران معاصر بتوانند با توجه به ادبیات خاص آن به ارزیابی تحولات تاریخی‌ای که طی دو قرن اخیر روی نموده پرداخته، و بدین ترتیب به افزایش سطح دانش و تجربه ملی در مقابله با رخدادهای بین‌المللی بیافزایند.

مجموعه حاضر خاص مستندات مناسبات تاریخی ایران و روسیه در فاصله ۱۲۴۰ - ۱۲۶۳ق / ۱۸۲۴ - ۱۸۴۷م یا دوره نخست حکومت قاجاران می‌باشد، و امید است بتواند به روشن شدن فضای مناسبات سیاسی دو کشور طی آن عصر بیانجامد.

## به نام خدا

آثار مکتوب گذشتگان و بخصوص دست نوشته‌های باقی مانده دولت مردان از اصیل ترین منابع پژوهشند که بدون بررسی و تتبع در آنها، ریشه‌یابی رویدادهای تاریخی نامقدور است. این اوراق - که مشحون از شرح وقایع و اطلاعات است - به خوبی نمایانگر ضعفها، تلاشها، مشکلات و تصمیم‌گیریهای حکومت‌های گذشته است. بنابراین تصحیح و انتشار آنها، ضمن آن که نیازهای اطلاعاتی محققان را برطرف می‌سازد، دولتمردان کنونی را نیز در سیاست‌گذاریها یاری می‌نماید و اگر به نحو مطلوب از آنها استفاده شود، چراغی است فراسوی آینده.

اسناد تاریخی، نه پرورده ذهن کسی است، نه متأثر از جهت‌گیری مورخ و مؤلف و نه حاصل سخن‌پردازی نویسندگان، بلکه جزئی از منابع و مأخذ تحقیقند که به سبب اعتبار وجودیشان بر دیگر اقسام منابع، مقدم و مرجح می‌باشند.

انتشار اسناد، می‌تواند در نشان دادن ساز و کار نظام حکومتی ایران در دوره معاصر، نحوه اعمال حاکمیت نظام‌های سیاسی گذشته، روابط خارجی ایران در مقاطع مختلف تاریخی، نقش و حدود قدرت نمایندگان قدرتهای بزرگ و مأمورین اعزامی آنها به ایران و ضعف و ناتوانی حکومت‌های گذشته ایران نقش شایانی داشته باشد.

نگارنده، در سال ۱۳۷۴، در مقدمه کتاب اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای، اظهار امیدواری نمودم، مکمل آن اسناد - که احتمال می‌رود در آرشیو وزارت امور خارجه و سایر مراکز آرشیوی باشد - در دسترس محققین قرار گیرد تا با انتشار آنها، ابهامات این دوره از تاریخ برطرف گردد. اینک مفتخرم که خود به اسناد مزبور دست یافته، رنج تصحیح و تنقیح آنها را بر خود هموار ساخته و به جامعه محققین

و علاقمندان تاریخ کشور تقدیم می‌نمایم.

جهت معرفی اسناد این مجموعه که حاوی اسناد روابط ایران و روسیه از سال ۱۲۴۰ قمری می‌باشد، یعنی زمانی که اوضاع و شرایط در جهت شروع جنگ دوم ایران و روس شکل می‌گرفت، گریزی از پرداختن هر چند خلاصه به چگونگی پیدایش جنگهای اول و دوم ایران و روس نیست، لذا به دوره صفویه باز می‌گردیم که در سراسر این دوره گرجستان تا سواحل شرقی دریای سیاه جزو خاک ایران شده بود و هر وقت سلاطین عثمانی نیرومند شده و آنجا را تصرف کرده بودند پادشاهان صفوی به جنگشان رفته و آن سرزمین را گرفته بودند. منتهی چون پادشاهان گرجستان مسیحی بودند، صفویه یک قسم اتحادی با ایشان برقرار کرده بودند و در برخی کارها جزئی استقلال به پادشاهان گرجستان داده بودند<sup>۱۰۰</sup>، پس از انقراض صفویه و ضعف دربار ایران روسها بر تصرفات جنوبی خود افزوده و با گرجستان همسایه شده بودند. بنابراین هر وقت که پادشاهان گرجستان از جانب ایران نگران می‌شدند در صدد هواخواهی و پشتیبانی دربار روسیه برمی‌آمدند<sup>۱۰۱</sup>.

پطر کبیر در سال ۱۱۳۵ قمری که نقطه زوال حکومت صفوی بود به بهانه کشتن اتباع روس توسط کارگزاران ایران، از گردنه‌های جبال قفقاز گذشته و در بند و همچنین نواحی ساحلی دریای خزر را تصرف کرد، اما چند سال بعد نادرشاه آن نواحی را بازستاند<sup>۱۰۲</sup>.

۱۰۰ ر.ک. سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۷۲، چاپ نهم)، ج ۱، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۱۰۱ ر.ک. سعید نفیسی، همان ص ۶۶.

۱۰۲ ر.ک. محمدعلی جمالزاده، تاریخ روابط ایران و روس، (تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۷۲) ص

تا این که پس از نادرشاه اوضاع ایران دوباره دچار هرج و مرج شد، جانشینان نادرشاه و پس از ایشان کریمخان زند و جانشینان او هم مدت پنجاه سال بدون داشتن تسلط کامل بر تمام نواحی ایران حکمرانی کردند تا این که آقامحمدخان قاجار بر سرکار آمد و سلسله قاجار را تأسیس کرد<sup>۱۰۳</sup> در این زمان پادشاه مسیحی گرجستان خود را تحت حمایت روسیه قرار داد. به همین دلیل آقامحمدخان در صدد حمله به گرجستان برآمد (۱۲۸۹ ق)<sup>۱۰۴</sup>. هجوم آقامحمدخان به گرجستان که با بی‌رحمی و خشونت فوق‌العاده‌ای همراه بود نتجراً به عواقب وحشتناکی گردید که کمترین آن گرایش ملل قفقاز به روسیه تزاری بود تا خود را از هجوم و اسارت ایرانیان نجات دهند. روسیه نیز با استفاده از این موقعیت، توانست منطقه زرخیز و پهناور قفقاز را که در حدود ۴۰۰ سال تحت حاکمیت ایران قرار داشت زیر نفوذ حاکمیت خود قرار دهد<sup>۱۰۵</sup>.

زمانی که فتحعلی‌شاه در ایران و پل امپراطور روسیه به سلطنت رسیدند (بعد از مرگ کاترین و آقامحمدخان) قیصر گرجستان (سال ۱۸۰۰ میلادی) به نفع امپراطور روسیه از سلطنت کناره‌گیری کرد ولی برادرش که مخالف این عمل بود از فتحعلی‌شاه کمک خواست، فتحعلی‌شاه هم برای بیرون راندن روسها از گرجستان قبول کرد که با وی همراهی کند، روسها به موقع از این نقشه آگاه شده در صدد مقابله برآمدند و به این ترتیب بود که در سال ۱۲۱۸ ه. ق (۱۸۰۳ م) قوای روس شهر گنجه را مورد تهاجم قرار دادند، با حمله روسها این شهر بر اثر توطئه و خیانت سقوط کرد و مسلمانان آنجا قتل

۱۰۳ ر.ک. سرهنگ غلامرضا مقتدر، تاریخ نظامی ایران، (تهران، چاپخانه فردین و برادر، ۱۹ - ۱۳۱۸) ص ۲۲۴.

۱۰۴ ر.ک. سعید نفیسی، همان، ص ۶۷.

۱۰۵ ر.ک. خانک عشقی، سیاست نظامی روسیه در ایران (تهران، شرکت افست، ۱۳۵۲) ص ۳۸.

عام شدند. این خبر باعث صادر نمودن حکم جهاد و جنگ با کفار روسیه توسط علمای تهران گردید.<sup>۱۰۰</sup> عباس میرزا به فرماندهی سپاه ایران منصوب شد و در روز ۱۴ صفر ۱۲۱۹ از تبریز به جانب ایروان حرکت کرد. و به این ترتیب بود که جنگ اول ایران و روس که علت اساسی آن را می‌توان تمایل هر دو دولت به تصرف ناحیه گرجستان دانست آغاز شد.<sup>۱۰۱</sup> سال اول جنگ بر قشون ایران چندین شکست فاحش پی در پی وارد آمد. تا سال ۱۲۲۷ قمری (۱۸۱۲ م) جنگ و گریز بین دو کشور ادامه داشت و هر زمان فتح و پیروزی نصیب یکی از طرفین می‌گردید. باید گفت که کشورهای انگلستان و فرانسه در این میان به رقابت برخاسته بودند و هر یک مدتی حکومت ایران را فریب داده و دیگری را متهم به ریاکاری نموده، قول به تجهیز ایران علیه جنگ با روسیه می‌دادند، ولی هر بار در حالی که ایران با این وعده‌ها فریفته گشته و در صدد دفاع یا حمله برمی‌آمد، کمک خود را دریغ نموده و قشون ضعیف و ناتوان ایران را تنها می‌گذاشتند.

تا این که استقلال و تمامیت ارضی روسیه به علت فتوحات تاریخی ناپلئون در سالهای ۱۸۱۲-۱۸۱۳ م (۱۲۲۷-۱۲۲۸ ق) به خطر افتاد و امپراطور روسیه مصمم شد که عمده قوای خود را در مرزهای غربی متمرکز سازد. برای اجرای این امر مجبور به خاتمه دادن جنگ با ایران شد. پیشنهاد صلح و ترک مخاصمه از طرف روسیه مورد استقبال ولیعهد ایران قرار گرفت. اما سعی و کوشش دیپلماتهای ایران و روسیه جهت تأمین آرامش و استقرار صلح در سرحدات به جایی نرسید و آتش جنگ مجدداً شعله‌ور

۱۰۰ ر.ک. گرنٹ وائسن، همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۱۰۱ ر.ک. علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار (تهران، انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۷۱) ص

شد. این بار نیروهای روس با یک حمله ناگهانی و غیرمنتظره به قلب سپاه ایران یورش بردند و لشکر ولیعهد بکلی تار و مار شد.<sup>۱۰۲</sup> با سقوط لنکران تمام سواحل غربی دریای خزر به دست روسها افتاد.<sup>۱۰۳</sup> این بار ناچار فتحعلی شاه شرایط کمرشکن صلح را پذیرفت و قرارداد صلحی را منعقد ساخت که به عهدنامه گلستان معروف است.<sup>۱۰۴</sup>

عهدنامه گلستان که پس از ده سال جنگ بین ایران و روسیه ۱۸۱۳ م ۱۲۲۸ ق منعقد گردید، مواد آن نه روسها را راضی کرده بود و نه حکومت ایران را، بخصوص به علت ابهاماتی که در خطوط سرحدی وجود داشت، نمایندگان از طرف هر دو کشور جهت مذاکره اعزام می‌شدند. گاهی نیز تجاوزهایی از سوی روسیه تزاری به ایران صورت می‌گرفت. تا این که در سال ۱۲۴۱ گوگچه توسط قوای روس تصرف شد. دولت ایران نسبت به این تصرف و بدرفتاری با مسلمانان آنجا شدیداً اعتراض کرد. و سفیری به روسیه اعزام نمود، در این اثنا الکساندر امپراطور روسیه در گذشت (۱۲۴۱ قمری) و پرنس منچیکوف یا منشیکوف<sup>۱۰۵</sup> Mentchikoffe از طرف نیکلا امپراطور جدید روسیه به دربار ایران اعزام شد تا نسبت به طرز رفتار با مسلمانان گنجه و همچنین تصرف ناحیه گوگچه رسیدگی نماید. اما خشوتی که پرنس روس در رفتار و گفتگوهای خود با ایرانیان به کار برد مزید بر اخیار وحشتناکی که از زجر و شکنجه اهالی مسلمان قفقاز به دست روسها می‌رسید باعث بروز هیجان عمومی در تهران گردید.

۱۰۲ ر.ک. خانک عشقی، همان کتاب، ص ۱۷۰ تا ۱۷۲.

۱۰۳ ر.ک. گرنٹ وائسن، همان، ص ۱۶۰-۱۶۳.

۱۰۴ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهان،

(تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴)، چاپ سوم، ص ۲۱۴.

۱۰۵ ر.ک. سند شماره ۲ همین مجموعه.



بنابراین به قول عبداللہ یف نویسنده روسی، شرفیابی سفیر روس در محیط آشکارا ناخوشایند و غیردوستانه‌ای صورت گرفت و اکنون دیگر جنگ دوم بین ایران و روسیه اجتناب‌ناپذیر بود\*.

بدین ترتیب بود که با صدور حکم جهاد از طرف علماء، جنگ دوم ایران و روس آغاز گردید. در عملیات سالهای ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ قمری موفقیت بیشتر نصیب سپاهان ایران گردید و روسها کاری از پیش نبردند. به همین دلیل و دلایلی دیگر نیکلا امپراطور روسیه، پاسکویچ را بجای یرملوف به سرداری گرجستان اعزام نمود\*\* . با در دست گرفتن عملیات جنگی توسط پاسکویچ، حملات تعرضی ارتش روسیه به قلعه‌های نظامی ایران آغاز گردید\*\*\* و بدین منوال روسها تدریجاً بر سرزمینهای متعلق به ایران غلبه کردند و متعاقب آن جنگ دوم ایران و روس که در تاریخ ۲۷ ذیحجه سال ۱۲۴۱ آغاز شده بود، در تاریخ سوم ربیع‌الثانی ۱۲۴۳ با تصرف شهر تبریز توسط روسها خاتمه یافت و عباس میرزا مجبور به قبول صلحی با شرایط تحمیلی بسیار سنگین گردید\*\*\*\*، عهدنامه صلح ترکمان‌چای بین ایران و روسیه مشتمل بر یک مقدمه و ۱۶ فصل انعقاد یافت. به موجب این عهدنامه بعضی از ایالات ایران به روسیه واگذار گردید، مقرر شد ایران مبلغ ده کروور تومان (پنج میلیون تومان)، بابت خسارت جنگ به روسیه پردازد، سرحد دو کشور ارس تعیین شد، عبور و مرور کشتیهای جنگی در بحر خزر

\* ر.ک. فتح‌الله عبداللہ یف، گوشه‌ای از تاریخ ایران، ترجمه غلامحسین متین (انتشارات ستاره، ۱۳۵۶) ص ۹۹. به نقل از تحکیم فرمانروایی روسیه در قفقاز، جلد پنجم، قسمت اول، نقلی، ۱۹۰۶.

\*\* محمدامین رباحی، سقارنامه‌های ایران (تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸) ص ۲۳۷.

\*\*\* علی‌اصغر شمیم همان، ص ۱۰۰.

\*\*\*\* جهانگیر قائم‌مقامی، «نوطه حسینعلی میرزا فرمانفرما در فارس»، یفما سال اول، شماره اول (فروردین

منحصراً به روسیه واگذار گردید و دولت ایران ملزم شد، خیانت‌های بعضی از اهالی آذربایجان و یاری آنها را با دشمن، ببخشد و با برقراری کنسولگریهای روسیه در نقاط شمالی ایران موافقت کند. در مقابل دولت روسیه حقوق عباس میرزا و اولاد او را نسبت به تاج و تخت ایران به رسمیت شناخت و به این ترتیب عباس میرزا برای خود امتیاز حمایت امپراتور روسیه را نسبت به سایر اعضای قاجاریه بدست آورد\*.

از این پس مصالح حکومت روسیه ایجاب می‌کرد که با کشور مغلوب همسایه رابطه سیاسی مطلوبی داشته باشد، زیرا مسائل چندی از جمله موضوع غرامات جنگی وجود داشت که تکلیف آنها روشن نشده و یا معوق مانده بود و دولت ایران می‌بایست در محیطی دوستانه به آنها پردازد. جهت اجرای این امر الکساندر گریبایدوف که متن روسی معاهده ترکمان‌چای به انشاء و قلم او بود، با سمت وزیر مختار به ایران اعزام شد و در روز پنجم رجب ۱۲۴۴ وارد تهران شد. این مرد که خود را نماینده دولت فاتحی در پایتخت کشور مغلوبی تصور می‌کرد، بنای تفاخر و بی‌اعتنائی به شاه و بدرفتاری و خشونت به مردم را گذاشت. اعمال او باعث شورش مردم عاصی و رنج‌دیده گردید، بطوری که جمعی به سفارت یورش برده و گریبایدوف و همه اعضای سفارت او را بجز یک نفر به قتل رساندند. و بدین ترتیب درست یک سال بعد از اتمام جنگ، اولین سفیر روس در تهران توسط مردم دل‌سوخته کشته شد.\*\*

شهادت منصفانهٔ ملسوف «شخصی که منشی سفارت بود و جان سالم از غوغا به در برده بود» که دال بر رفتار تحریک‌آمیز گریبایدوف بود موجب شد امپراتور روسیه

\* ر.ک. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، همان، ص ۲۳۷.

\*\* ر.ک. جهانگیر قائم‌مقامی «نکاتی دربارهٔ قتل گریبایدوف»، بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، شماره ۵ و ۶،

سیاست ملایمت آمیزی در پیش بگیرد. به هر حال، دولت ایران از دلجوئی چیزی فرو نگذاشت و با اظهار تمایل روسیه و توافق ایران هیأتی جهت عذرخواهی از آن واقعه به دربار روسیه اعزام شد. این هیأت که خسرو میرزا فرزند عباس میرزا در رأس آن بود، مورد التفات و استقبال امپراتور قرار گرفت. امپراتور نامه‌ای به فتحعلی شاه نوشت و دربار ایران را نسبت به گذشت خود از واقعه قتل گریبایدوف مطمئن ساخت<sup>۱۰</sup> و کنیاز دالغوروکی را بجای وی به ایران اعزام داشت، وی چند سالی در ایران به رفتن و رفتن امور و حفظ منافع دولت خویش پرداخت و پس از او ایوان سیمونچ در سال ۱۲۴۸ بجای وی به سمت وزیر مختاری روسیه در ایران برگزیده شد که بسیاری از اسناد این مجموعه مکاتبات اوست با دولت ایران.<sup>۱۱</sup>

به طور کلی، اسناد این مجموعه، اسناد روابط ایران و روسیه از سال ۱۲۴۰ ه. ق یعنی زمانی که ۲۸ سال از سلطنت فتحعلی شاه می‌گذشت تا اواخر پادشاهی و زندگی محمدشاه یعنی حدوداً ۲۳ سال را در برمی‌گیرد. مجموعه حاضر شامل دو بخش می‌باشد.

بخش اول اسناد دوره فتحعلی شاه است، جمعاً حاوی ۱۰ سند، که اولین آنها نامه‌ای است از عباس میرزا به میرزا ابوالحسن خان ایلچی وزیر امور خارجه وقت، که حکایت از سختگیریهای فرمانده سپاه قفقاز در امر سرحدات و تهدید به توپ و حمله از طرف وی می‌کند و به نظر می‌رسد زمینه‌ساز جنگ دوم ایران و روس می‌باشد. این سند تنها سند این مجموعه است که مربوط به دوران امپراطوری الکساندر اول تزار روسیه است، وی

۱۰ ر. ک. جهانگیر قائم مقامی، نکاتی درباره قتل گریبایدوف، همان، ص ۲۶۵.

۱۱ ر. ک. فاطمه قاضیها، اسنادی از روند معاهده ترکمانچای، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴، ص ۳۹ و ۴۰ و اسناد شماره‌های ۳ - ۵۱ و ۵۲ - ۶۰، ۶۳، ۶۵ - ۶۹ و ۷۳ همان کتاب.

از سال ۱۸۰۱ الی ۱۸۲۵ میلادی مقارن ۱۲۱۶ الی ۱۲۴۱ قمری تزار و امپراتور روسیه بود. ۹ سند دیگر دوره فتحعلی شاه مربوط به دوره امپراطوری نیکلای اول، نیکلای پاولویچ است، وی برادر امپراتور الکساندر بود و در سال ۱۲۴۱ قمری (۱۸۲۵) بر تخت امپراتوری جلوس نمود و تا سال ۱۲۷۱ قمری مصادف با ۱۸۵۵ میلادی سلطنت کرد. این امپراتور با استبداد تمام حکومت کرد، برای استقرار سلطه خود به تفتیش افکار پرداخت و شورش لهستان را در سال ۳۱ - ۱۸۳۰ فرونشاند. گفتنی است سرداری که شورش لهستان را فرونشاند، همان پاسکویچ معروف یعنی فرمانده نیروهای روس در جنگهای دوم ایران و روس بود<sup>۱۲</sup>، که به نظر می‌رسد یکی از دلایل انتصاب وی به این امر پیروزیهای بود که در ایران به دست آورد. آتش جنگهای کریمه نیز در زمان این امپراتور روشن شد و با مرگ وی در سال ۱۸۵۵ به پایان رسید. این توضیح مختصر راجع به امپراتور مزبور از آن روی داده شد که آشکار گردد توسعه‌طلبی وی محدود به ایران نبوده است.

اسناد شماره‌های ۲ و ۳ نیز مربوط به قبل از شروع جنگ دوم می‌باشد و به خوبی بیانگر بهانه‌جوئی‌ها و خشونت‌های سرداران روس و نقش آنان در برافروختن شعله‌های جنگ می‌باشد. بخصوص خشونت‌ها را که در رفتار و کردار به فرستاده امپراتور در ایران یعنی پرنس منشیکوف نسبت داده‌اند، در نامه وی به خوبی می‌توان یافت<sup>۱۳</sup>.

به هر روی بعد از اتمام جنگ و برقراری صلح، عباس میرزا ولیعهد ایران خواستار ملاقات با تزار روس می‌شود که این تقاضا از طریق پاسکویچ رد شده و اذعان بر عدم

۱۲ ر. ک. سند شماره ۱۰ همین مجموعه. از این پس زمانی که شماره سند ارجاع داده می‌شود، منظور شماره سند در مجموعه حاضر است.

۱۳ ر. ک. سند شماره ۲.

امکان ملاقات با عباس میرزا می‌نماید\*، ولی اندکی بعد که واقعه قتل گریبایدوف و سایر افراد سفارت روس در تهران رخ می‌دهد، همان طور که مذکور گردید خسرو میرزا فرزند وی در رأس هیأتی به روسیه اعزام می‌شود\*\* و مورد محبت، مهربانی و التفات امپراتور قرار می‌گیرد و پاسکوویچ و نسلرود (وزیر خارجه روسیه)، نجابت، هشیاری و حسن مراد این شاهزاده را به عباس میرزا تبریک گفته و «تأثیر فروزان صفات نیک وی را در دوام و ثبات روابط دوستی بین دو دولت» محرز می‌دانند\*\*\*. بواسطه حسن رفتار خسرو میرزا، امپراتور - به قول پاسکوویچ - اشفاق بی‌کران خود را ابراز داشته، یک کرور از ۱۰ کرور غرامت جنگ مربوط به معاهده ترکمانچای را به ایران می‌بخشد و مقرر می‌گردد کرور دهم نیز به اقساط پنج ساله از طرف ایران پرداخت شود. از کل مبلغ غرامت، هفت کرور قبلاً پرداخت شده بود و از بابت کرور هشتم نیز هنوز دولت ایران مبلغی بدهکار بود که عباس میرزا مجدداً خواستار بخشش کرور دهم و باقیمانده کرور هشتم می‌شود، پاسکوویچ با این درخواست مخالفت نموده و اظهار می‌دارد که وی حق ندارد چنین مطالبی را به حضور امپراتور بیان دارد\*\*\*\*.

لازم به توضیح است که در باب نحوه پرداخت هفت کرور اول و مبلغ عمده کرور هشتم نگارنده قبلاً در کتاب اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای توضیح داد و متذکر گردید که تا ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۲۴۶ هنوز دولت ایران مبلغ پانزده هزار تومان از بابت کرور هشتم بدهکار بود\*\*\*\*\* کرور آخرین نیز که مهلت پنج ساله برای آن تعیین

\* ر.ک. سند شماره ۴.

\*\* ر.ک. تهمورس آدمیت، تفصیل انتخاب هیأت نمایندگان ایران، یادگار، سال اول، شماره ۸، ص ۸.

\*\*\* ر.ک. اسناد شماره‌های ۵ و ۶.

\*\*\*\* ر.ک. سند شماره ۷.

\*\*\*\*\* ر.ک. فاطمه قاضیها، اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای، همان، ص ۵۰ - ۵۷.

شده بود، باید تا اول محرم ۱۲۵۰ جمیع اقساط آن پرداخت می‌شد.

بدون این که سندی در دست باشد، مضمون اسناد چنان می‌نمایند که بالاخره تنمه کرور هشتم پرداخت گردید، زیرا در ذیحجه ۱۲۵۱، اولیای دولت ایران، به جهت تحمل مخارج سنگین اولین سال سلطنت تقاضای مهلت بیشتری برای پرداخت آخرین کرور نموده‌اند. از قرار معلوم آخرین زمان پرداخت کرور آخر نیز تمدید شده و موعد آن به اول محرم ۱۲۵۲ موکول شده بود، ولی هنگام نزدیک شدن موعد مزبور، پیشنهاد دولت ایران مبنی بر پرداخت ۱۲۵ هزار تومان در این تاریخ و پرداخت باقی آن طی ۱۸ ماه آینده بوده است\*. دولت تزاری این خواسته را قبول نموده و بدین ترتیب وزیر مختار سیمونیچ «موجبات مزید حسن اعتقاد و اعتماد محمدشاه را نسبت به خود فراهم می‌آورد»\*\*.

در تاریخ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۲۵۲ به معتمدالدوله (منوچهرخان ارمنی معروف به گرجی) که در این تاریخ حاکم کرمانشاهان بود، از طرف صدر اعظم امر گردید که از محل اعتبار خود مبلغ بیست و نه هزار و هشتاد و چهار تومان و چهار هزار دینار باقی‌مانده قسط اول کرور آخرین را در وجه سیمونیچ وزیر مختار روسیه کارسازی کند\*\*\* و در غره جمادی‌الثانی ۱۲۵۲ سیمونیچ وزیر مختار روس از حاجی میرزا آقاسی به جهت وفای به عهد قدردانی می‌کند\*\*\*\*. در ادای قسط دوم آخرین کرور خسارت جنگ نیز مجدداً تأخیر می‌شود، در این رابطه وزیر مختار روس علت را جویا شده و منظور اولیای

\* ر.ک. سند شماره ۲۰.

\*\* ر.ک. سند شماره ۲۱.

\*\*\* ر.ک. سند شماره ۳۵.

\*\*\*\* ر.ک. سند شماره ۲۰.

دولت ایران را خواهانست.<sup>۵۱</sup> در ۲۷ صفر ۱۲۵۳ حاجی میرزا آقاسی به وزیر مختار قول می‌دهد که وجه کرور آخرین را به تدریج خواهد پرداخت و او را اطمینان می‌دهد که تعلل و کوتاهی در کار نیست.<sup>۵۲</sup> در این رابطه چند ماه بعد، زمانی که سی هزار تومان حواله معتمدالدوله شده بود که به فرستاده وزیر مختار بپردازد، معتمدالدوله، با توجیهاتی حاضر به پرداخت فقط نیمی از وجه مزبور شده است.<sup>۵۳</sup>

به هر روی با توجه به محتوای اسناد این مجموعه، در ۱۷ رمضان ۱۲۵۴، نیز از قسط اول کرور آخر، هنوز یک هزار و ششصد و شصت و هفت تومان و ۵ هزار دینار باقی بود و از بابت قسط دوم بیست هزار تومان پرداخت شده بود و بدین ترتیب در تاریخ مزبور یعنی ۱۱ سال بعد از عقد معاهده ترکمان‌چای هنوز دولت ایران مبلغ سیصد و پنجاه و شش هزار و ششصد و هفتاد و پنج تومان و دوهزار دینار (۳۵۶۶۷۵/۲) بابت خسارت جنگ بدهکار بود.<sup>۵۴</sup> یعنی در فاصله هشت ساله ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۲۴۶ الی ۱۷ رمضان ۱۲۵۴ حکومت ایران یکصد و پنجاه و هشت هزار و سیصد و بیست و چهار تومان و هشت هزار دینار (۱۵۸۳۲۴/۸) پرداخت کرده بود.

آن طور که از مضمون مقالات مورد بررسی برمی‌آید به نظر می‌رسد که مبلغ ۱۱۶۷۵/۲ تومان دیگر نیز از طرف ایران پرداخت گردید و به همه جهت محمدشاه ۱۷۰ هزار تومان از یک کرور تومان را پرداخته و ۳۳۰ هزار تومان دیگر تا زمان پادشاهی ناصرالدین شاه و صدارت میرزا آقاخان نوری باقی بوده است. تا این که در آن زمان

۵۱. ر.ک. سند شماره ۵۱.

۵۲. ر.ک. سند شماره ۵۸.

۵۳. ر.ک. سند شماره ۶۱.

۵۴. ر.ک. سند شماره ۷۸.

جنگهای کریمه بین روسیه و عثمانی، انگلیس، فرانسه واقع می‌شود، در این هنگام دولت روسیه از بیم نزدیک شدن دولت ایران به عثمانی، با اولیای ایران وارد مذاکره شد و حاصل مذاکرات، معاهده‌ای سری بود که در چهار فصل بین ایران و روسیه منعقد گردید (۱۸ محرم ۱۲۷۱ برابر با ۲ سپتامبر ۱۸۵۴) که به استناد فصل سوم این معاهده دولت روسیه از باقی کرور آخر یعنی از ۳۳۰ هزار تومان دیگر برای همیشه صرف نظر کرد. فصل سوم معاهده مزبور به شرح ذیل است:

«فصل سوم - دولت روسیه از طرف خویش به ملاحظه اجرای صحیح فصول مسطوره و نظر به انجام آن با صداقت و حقانیت و وظایف دوستی و حسن همجواریت از جانب دولت ایران، اگر در تمام مدت امتداد جنگ دولت روسیه با دشمنان خود، این مواد با حسن عمل انجام شود و هیچ دلیلی موجه در خلال آن زمان بر نقض آنها شهادت ندهند، در ضمن انعقاد صلح، مطالبه بقیه آخرین کرور تومانی را که دولت ایران الان هم به دولت روسیه مقروض است، دولت روسیه گذشت و انکار خواهد کرد.»<sup>۵۵</sup>

به این ترتیب مسئله کرور آخر غرامات جنگ ایران و روس که پرداخت آن در زمان سه پادشاه قاجار به طول انجامید، آخرالامر با گذشت روسیه در برابر عدم سازش ایران با عثمانی در زمان ناصرالدین شاه پایان پذیرفت.

متون اسناد نشان‌دهنده این نکته‌اند که اولیای دولت ایران در صدد پرداخت خسارت بوده‌اند ولی ضعف مالی باعث می‌شده که این امر به تأخیر بیفتد و دست وزیر مختار

۵۵. ر.ک. جهانگیر قائم‌مقامی، مسئله غرامات جنگ دوم ایران و روسیه، بررسیهای تاریخی، شماره ۲، سال نهم، ص ۲۰۷ - ۲۲۷.

۵۶. محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، از انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکا، بی‌تا، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۶۷۱، ۶۷۲.

روس را در دستیابی به سایر خواسته‌های زورگویانه و غیراصولی‌اش از دولت مغلوب بازکند. از همه مهمتر تحکم مؤدبانهٔ وزیر مختار در ارتباط با نحوهٔ اخذ این مبالغ می‌باشد. وی به وضوح دستور می‌دهد که پرداخت وجه در محلی باشد که صاحب متصبان دولت روسیه توقف دارند<sup>۱۰۰</sup> و یا حکم می‌کند که غرامات از هر نقطه‌ای که اخذ می‌شود، علیرغم این که تحویل روسها شده، باید صحیح و سالم و بدون هیچ گونه آسیبی به سرحد برسد و مسئول هر گونه آسیب تا سرحد دولت ایران خواهد بود.<sup>۱۰۱</sup> تعیین تکلیف وزیر مختار روس نسبت به اولیای این کشور به نحوهٔ دریافت غرامات محدود نمی‌شود و این وضعیت در امور مختلف روابط دو کشور اعمال می‌شود. چنانچه زمانی که قونسول جدیدی قرار است به تبریز بیاید، وزیر مختار مجدداً خواستار می‌شود که شاه فرمانی صادر کند که موجبات عزت و احترام وی را توأم با تشریفات کامل به عمل آورند.<sup>۱۰۲</sup>

علیرغم ظلمهایی که از دولت روسیهٔ تزاری به ایران می‌شده و زورگوئیهای توأم با تهدید و تحکم که از یک وزیر مختار به صدر اعظم (میرزا آقاسی) و وزیر خارجه اعمال می‌شده باز می‌بینیم که پادشاه ناتوان دست یاری به سوی دشمن نیرومند دراز می‌کند و حمایت و اعانت آنها را در ارتباط با مسئله هرات و مقابله با انگلیسی‌ها تقاضا می‌کند، تا حدی که مکاتبات مکتیل سفیر انگلیس را با دولت ایران در اختیار وزیر خارجه روسیه گذاشته و اذعان می‌نماید که علیرغم تحمل مخارج سنگین جنگ و تصرف کل افغانستان بجز هرات، به جهت تهدید مکتیل مبنی بر استقرار قوای انگلیس در بحر فارس و جزایر

۱۰۰ ر.ک. سند شمارهٔ ۵۳

۱۰۱ ر.ک. سند شمارهٔ ۳۵

۱۰۲ ر.ک. سند شمارهٔ ۷۱

جنوب، شاه مجبور به فراخواندن قوای خود شده است.<sup>۱۰۳</sup> چنین است که شاه قاجار ضعیف و ناچار، از ظلم و جور دشمنی به دشمن دیگر پناه می‌برد. از طرف دیگر مکتیل نیز صدر اعظم را تهدید می‌کند که به وی خبر رسیده است که حاجی میرزا آقاسی در حضور شاه اظهار داشته است اگر هراتیها ایستادگی کنند مردم تهران را تحریک به قتل مکتیل خواهد نمود، یعنی بر او همان رود که بر سر گریبایدوف آمد، سفیر انگلیس حاجی با مورد بازخواست قرار داده و مصرأ از او می‌خواهد که این خبر را تأیید یا تکذیب کند.<sup>۱۰۴</sup>

در مورد شاهزادگان پناهنده به روسیه نیز این حکومت تزاری است که تعیین می‌نماید دولت ایران برای آنها مستمری و مقرری قرار دهد و حتی میزان آن را تحت شرایط مختلف مشخص نموده و از آنها حمایت می‌کند.<sup>۱۰۵</sup> حکومت ایران خواستار عودت آنها می‌شود و یا دور کردن آنها از سرحد.<sup>۱۰۶</sup> در این رابطه پادشاهی قاجار از ترس پناهندگی سایر شاهزادگان مقیم وطن، آنها را در مضیقه قرار می‌دهد و وزیر مختار از پادشاه ایران می‌خواهد که «اولاد شاهی را نیازارند» و سلامت آنها را ضمانت کنند.<sup>۱۰۷</sup>

از قرار معلوم حمایت بیگانه به شاهزادگان قاجار محدود نمی‌شود، زیرا وزیر مختار روس از یک شاهزادهٔ صفوی (حیدر میرزا) نام برده و تقاضای برقراری مقرری در حق او

۱۰۳ ر.ک. سند شمارهٔ ۱۲

۱۰۴ ر.ک. آرشیو وزارت امور خارجه، س ۱۲۵۳، ک ۳

۱۰۵ ر.ک. سند شمارهٔ ۸۰

۱۰۶ ر.ک. سند شمارهٔ ۲۷

۱۰۷ ر.ک. سند شمارهٔ ۷۹

و بازگرداندن اموال و املاک وی را در اصفهان دارد.<sup>۳۰</sup>

به نظر می‌رسد که فقط سران حکومت مجبور بوده‌اند که ملاحظاتی نسبت به وزیر مختار روس را رعایت نمایند و سایر طبقات خود را ملزم به این انعطاف نمی‌دانسته‌اند، زیرا در شماری از اسناد از اجحاف گمرکچیان ایرانی نسبت به تجار روس سخن رفته و یا زمانی که در مورد یک نفر تاجر باشی روس به علت شرابخواری به دستور حاجی ملاصادق مجتهد رشت حدّ شرعی جاری می‌شود، مجتهد توسط میرزا الکسندر قونسول<sup>۳۱</sup> روس در آنجا مورد سؤال قرار می‌گیرد که این عمل خلاف عهدنامه ترکمانچای است، مجتهد اظهار می‌دارد که شغل من پیوسته مطالعه و تفاسیر قرآن مجید و احادیث است، من در آنجا صلح‌نامه و عهدنامه ندیده‌ام و در جایی که احکام شرع مستطاب است، مصلحت دولت و پادشاه را نمی‌شناسم.<sup>۳۲</sup>

آنچه از متن سند مذکور مستفاد می‌شود این است که مردم نیز با مجتهد در این امر همراه بوده‌اند. با این همه وزیر مختار مؤکداً از پادشاه می‌خواهد که حاکم گیلان را بلا تأمل عزل و بازو بسته به تهران آورده و تنبیه نمایند و مبلغی از او گرفته به تاجر باشی روس بدهند. بنابراین باز این حکومت است که باید جبران عمل مجتهد و جسارت اهالی

۳۰ ر.ک. سند شماره ۸۲.

۳۱ این شخص همان کسی است که در اسناد این مجموعه و همچنین در تاریخهای دوره قاجار نام او را میرزا الکسندر ضبط کرده‌اند. نام وی الکساندر خودرکف بوده و زبان فارسی را به خوبی می‌دانست، او صاحب کتابی است به نام دستور زبان فارسی که به زبان فرانسوی تألیف کرده و در پاریس به چاپ رسیده است. وی در پایان عمر خود به پاریس رفت و پس از مرگش کتابهای خطی و مجموعه اسناد و مکاتبات او که از مراجع معتبر و مهم تاریخ قاجار به است به کتابخانه ملی پاریس منتقل شد. (جهانگیر قائم مقامی، مسئله غرامات جنگ دوم ایران و روسیه، همان، ص ۲۵).

۳۲ ر.ک. سند شماره ۳۶.

را بنماید.

در بعضی موارد وزرای مختار روس پا را فراتر از عهدنامه گذاشته و لزوم تغییر بعضی از مواد عهدنامه از قبیل فصل چهاردهم که آزادی مهاجرت رعایای جانیین را شامل می‌شود نموده و تأکید بر این می‌نمایند که ایرانیان جهت ورود به روسیه باید از ایلچی روس مجوز داشته باشند، که این امر باعث گلایه اولیای ایران را فراهم می‌آورد.<sup>۳۳</sup> همین طور ارتباط با تجاوزات سرحد خراسان و مناطق آن حدود و لنگر انداختن کشتیهای جنگی روسی برخلاف قراردادهای بین دو کشور در دریای خزر و خلیج استرآباد و غیره، پادشاه و صدراعظم و ...، علیرغم آگاهی به وضعیت نامطلوب موجود، به دلیل قوت و قدرت دشمن مجبور به تسامح هستند تا جایی که محمدشاه علناً می‌نویسد که برای چه روسها می‌خواهند بیمارستان لب دریا بسازند، شاید منظور دیگری دارند و راضی نمی‌شود، ولی علیرغم نارضایتی شاه حاجی میرزا آقاسی به ناچار موافقت حکومت را با ساختن «بیمارخانه» لب دریا اعلام می‌دارد.<sup>۳۴</sup>

به هر روی بخش قابل توجهی از این اسناد مربوط به مسائلی است که در سرحد دو کشور بروز می‌نموده است، از قبیل کوچ جمعی خانوارهای سرزمینهای اشغال شده به ایران، عبور و مرور اشرار، ایلات و امثالهم. همینطور مسائلی که در اسناد مطرح شده مربوط به روابط تجاری و تجار، امور مربوط به ترکمانان، دخالت و رهنمودهای وزیر مختار روس در مورد جنگ هرات، رقابت سفیر انگلیس با سفیر روس و سایر مسائل مربوط به روابط دو کشور را در برمی‌گیرد.

اکثر مکاتبات دوره محمدشاه که از سند شماره ۱۱ در مجموعه حاضر آغاز می‌شود

۳۳ ر.ک. سند شماره ۳۷.

۳۴ ر.ک. اسناد شماره‌های ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۴.

توسط وزرای مختار روس که به ترتیب گراف ایوان سیمونیچ، کلنل دوخامل، گراف مدم و دالغوروکی بوده‌اند ارسال گردیده و گیرنده این نامه‌ها در اکثر موارد وزیر خارجه (میرزا مسعود انصاری گرمرویی) و بعضاً حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم، نایب وزیر خارجه و غیره بوده‌اند. بعضی از مراسلات نیز از طرف وزیر خارجه یا قونسول‌های روس به اولیای دولت ایران نوشته می‌شده است.

\* \* \*

### نحوه تدوین:

اسناد هر دو بخش فتحعلی‌شاه و محمدشاه با تفکیک موضوعی آغاز می‌شود، سپس فهرست اسناد هر بخش قبل از متن اسناد با قید شماره سند در این مجموعه، شماره صفحه کتاب و چکیده موضوع کلی سند ارائه می‌گردد. ستون دیگر در بخش فهرست اسناد، نمایانگر محل سند در آرشیو وزارت امور خارجه است، بطور مثال در این ستون منظور از «س ۱۲۵۰ / ک ۲ / پ ۱۳» مجموعه اسناد سال ۱۲۵۰ قمری / کارتین ۲ / پوشه ۱۳ می‌باشد. بنابراین «س» حرف اختصاری سال است و منظور مجموعه اسنادی است که تحت تاریخ این سال بایگانی شده و لزوماً به معنی تاریخ سند نیست. حرف «ک» به معنی کارتین و حرف «پ» به معنی پوشه است.

پس از فهرست اسناد، متن هر سند با قید شماره و فرستنده و گیرنده نامه مشخص گردیده است. در سمت راست سند تاریخ سند قید گردیده که در اکثر مواقع این تاریخ از خود سند گرفته شده، ولی در بعضی موارد با توجه به مطلب سند در ارتباط با اسناد دیگر تاریخ سند با احتمال قریب به یقین و داخل کروش قرار گرفته است. بخش عمده اسناد دوره محمدشاه مربوط به سالهای ۱۲۵۰ یعنی آغاز پادشاهی محمدشاه الی ۱۲۵۵ می‌باشد (۹۱ سند) و فقط تعداد ۱۴ سند مربوط به فواصل سالهای ۱۲۵۶ الی ۱۲۶۳ یعنی یک سال قبل از مرگ اوست.

در مورد متن این اسناد حتی الامکان سعی شده است که تصحیح و ویرایش سجاوندی آن با تلاش بر حفظ اصالت اسناد صورت گیرد و در مواردی که اجباراً املائی لغت بطور کامل عوض شده یا به دلیل غلط بودن آن بوده و یا به دلیل مغایرت با رسم الخط امروزی، که در هر دو صورت اصل آن در ذیل همان صفحه و فقط برای یک بار درج گردیده است. در مورد عبارات متن پشت سند نیز در بعضی موارد به نظر می‌رسد افتادگی دارد و یا جمله ناقص است، که در اصل چنین بوده است و کوتاهی از جانب نگارنده نبوده است. نیز در متن اسناد هر جا که لازم بوده در مورد محل، یا واقعه یا نام اشخاص و غیره توضیح داده شود در پانویس همان صفحه توضیح داده شده است. البته تنظیم و تصحیح اسناد مجموعه حاضر کار آسانی نبود، چون بعضی اسناد بسیار ریز و درهم بود، از طرفی به علت نوع جوهری که در آن زمان به کار برده بودند تصویر بعضی از آنها خوانا نبود، همین طور بعضی نامه‌ها توسط افرادی نوشته شده بودند که با لهجه‌های گرجی و قفقازی می‌نوشتند و این فقط در نگارش کلمات نبود، بلکه در تدوین عبارات و جملات این نقیصه کاملاً به چشم می‌خورد که بعد از مطالعه مکرر و درک مطلب با حذف و اضافه «و» در، را، و نقطه و ویرگول بجای «و» های مکرر و ایجاد پاراگراف و غیره به ساده نمودن مطلب (در حد امکان) مبادرت می‌شد.

برای آگاهی محققین گرامی از عین رسم الخط و نحوه املائی کلمات، گزیده تصاویر اسناد در انتهای کتاب کلیشه شده است.

بعد از متن اسناد هر دو بخش، واژه‌نامه تقدیم به مطالعه کنندگان گرامی می‌شود، این واژه‌نامه که حدوداً سی صفحه است حاوی واژه‌های اسناد روابط ایران و روس از سال ۱۲۴۰ قمری تا سقوط قاجاریه در سال ۱۲۴۴ قمری می‌باشد. زیرا بعد از این کتاب نیز مجموعه دیگری تحت عنوان «اسناد روابط ایران و روسیه از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه» که توسط نگارنده تدوین یافته منتشر خواهد گشت که چون هر دو

کتاب توأمان مورد پژوهش قرار گرفت و ازه‌نامه واحدی برای آنها تهیه شد. یکی از مشکلات تدوین این مجموعه همین وازه‌نامه بود که برای بعضی لغات که در هیچ لغت‌نامه‌ای معنی و ریشه آن موجود نبود هفته‌ها و شاید ماهها جستجو لازم بود، که علاوه بر مراجعه مکرر به منابع کتبی، به مراجع شفاهی نیز مراجعه می‌شد، از جمله ابهامات چند لغت با راهنمایی دانشمند معظم، استاد ایرج افشار برطرف شد که از ایشان بسیار سپاسگزارم.

آخرین بخش کتاب حاضر فهرست عمومی اعلام است که محققین را در بازیابی اسامی افراد، اماکن، کتب و غیره یاری می‌نماید. با کلیشه تصویرگزیده اسناد در انتهای کتاب نیز کار تدوین مجموعه پایان می‌پذیرد.

به هر ترتیب نهایت تلاش به کار برده شد که این مجموعه خالی از اشتباه باشد، با این همه از مورخین و پژوهشگران گرامی خواهشمندم که عنایت فرموده کاستیها را گوشزد نموده و اینجانب را آگاه فرمایند. عزیزان بسیاری در این امر مرا یاری رساندند که از یکایک آنها سپاسگزارم. کار شروع و اتمام این مجموعه بدون حمایت و همراهی جناب آقای سیدعلی موجانی مدیر کل محترم اسناد و تاریخ دیپلماسی میسر نبود که بدین وسیله از ایشان قدردانی و سپاسگزاری می‌نمایم.

فاطمه قاضیها

بهار ۱۳۸۰

## بخش اول

اسناد روابط ایران و روسیه  
در دوره فتحعلی شاه

تاریخ اسناد (۱۲۴۰ - ۱۲۴۸ ه.ق)



تفکیک موضوعی اسناد  
بخش اول

شماره اسناد	موضوع
۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۱۰	۱- سرحدات
۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰	۲- سران، کارگزاران و امور سیاسی دو کشور
۸	۳- اتباع دو کشور
۷، ۶	۴- غرامات عهدنامه ترکمان چای
۱	۵- روابط تجاری

### فهرست اسناد بخش اول

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱	مذاکره با پرمولوف فرمانده سپاه قفقاز از طریق اعزام سفیر و مکاتبه، سختگیری و عدم انعطاف وی در رابطه با سرحدات [مقدمات جنگ] و موضوع آمدن تجار فرانسوی به ایران و نحوه مماشات با آنان در ارتباط با تجار روس.	۷	س ۱۲۵۱/۲ک/۲۵پ
۲	تمایل امپراطور روس بر لزوم تعیین خط سرحد بنابر سواد عهدنامه گلستان به خواهش دولت روسیه و محافظت از روابط دوستی دو کشور موافق عهدنامه [قبل از شروع جنگ دوم] به تاریخ پانزدهم محرم ۱۲۲۱ ه.ق.	۱۱	س ۱۲۴۱/۱ک
۳	اقدامات حسین خان سردار در ارتباط با سرحدات و اعتراض ولیمینوف نایب فرمانده سپاه قفقاز.	۱۵	س ۱۲۳۳/۱ک/۲۶پ
۴	قصد عزیمت عباس میرزا به ملاقات با امپراطور روسیه (نیکلای اول) و پاسخ پاسکویچ از طریق گریبایدوف مینی بر عدم امکان ملاقات و لیسعهد ایران با امپراطور روسیه.	۱۷	س ۱۲۳۴/۱ک/۱۸پ
۵	نامه پاسکویچ به عباس میرزا در تمجید و تعریف از متانت و حسن فراست خسرو میرزا و مذاکرات محرمانه با وی و ارسال چند رأس اسب برای عباس میرزا توسط وی.	۱۹	س ۱۲۷۴/۸ک/۳۳پ

## اسناد بخش اول

تبرستان  
www.tabarestan.info

### سند شماره ۱

[نامه عباس میرزا به میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه]

[شوال ۱۲۴۰ ه.ق.]

[سجع مهر بالای سند]: درُ دریای خسروی عباس

عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجدد و نجات همراه، فخامت و مناعت اتبناه،

ارادت و عقیدت پناه، مقرب‌الخاقان، حاجی میرزا ابوالحسن خان وزیر امور دول خارجه

به عواطف ضمیر منیر، قرین افتخار بوده بداند، که عریضه ارادت ترجمه آن عالی‌جاه که مشحون به ارادت کامل و مشعر از عقیدت وافر بود، به لحاظ اشرف رسیده، مضامین آن کمابینگی، معلوم خاطر مرحمت مظاهر گردید و از وصول معذرت نامه عالی‌جاه ینارال مزارویج<sup>۱</sup> و خبر مراجعت جارج نانیل مرام و وارد نشدن ایلچی جدید که عرض و

۱ مزارویج از سرداران روس بوده است، که قبل از شروع جنگ‌های دوم ایران و روس از طرف سردار گرجستان مأمور مذاکره منتهی به جنگ با ایران بود. رک. سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر (تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۸) ص ۱۰۱.

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۶	تخفیف در غرامات معاهده ترکمان‌چای از طرف امپراطور روسیه و اذعان بر اخلاق بسیار ممتاز شاهزاده خسرو میرزا.	۲۱	س ۱۲۵۰/۲/۱۲/پ
۷	موضوع تعیین سرحدات و غرامات معاهده ترکمان‌چای در ارتباط با عباس میرزا و پاسکویچ.	۲۳	س ۱۲۴۵/۱/۱/پ
۸	فرار یک تبعه روس از خاک روسیه به ایران و محرومیت وی از میراث پدر مطابق حکم امپراطور.	۲۵	س ۱۲۲۵/۱/۱/پ
۹	تأکید دولت روسیه مبنی بر تعیین قنصل در گیلان.	۲۶	س ۱۲۵۶/۵/۲/پ
۱۰	پاسخ پاسکویچ به تهنیت و تبریک ولیعهد ایران به مناسبت فتوحات روسیه در لهستان بخصوص تسخیر شهر ورشو. ابراز تأسف پاسکویچ از حوادثی که قبلاً در ایران روی داده [جنگ‌های ایران و روس] و اشاره به درخواست عباس میرزا مبنی بر وضعیت تجاوزات در حدود خراسان به تاریخ ۱۸۳۲ میلادی [۱۲۴۸ ه.ق].	۲۸	س ۱۲۷۴/۸/۳/پ

اخبار کرده بود، استحضار به هم رساندیم، به حقیقت مراتب ارادت آن عالی‌جاه و محاسن دقت و اهتمامی که از آن عالی‌جاه در امور و خدمات ملحوظ و مشهود است و مدارج عنایت ما و اعتقادی که به هم رسانده‌ایم، مستغنی از شرح و بسط و توصیف و تعریف است، و ان‌شاءالله تعالی این مراتب یوماً فیوماً در تزیید و تضاعف خواهد بود.

بالجمله از اخبار جدید و اشخاص جدیدالورود در این ثغور و حدود یکی مراجعت عالی‌جاه فتحعلی‌خان است، که برای قطع و فصل امر سرحد دویاره به تغلیس نزد جناب جنرال یرملوف فرستاده بودیم، کیفیت رفتار و گفتاری هم که با او نموده‌اند، این است که در استقبال و مهماننداری و توقیر و احترام و امور رسمیه آنچه لازم بوده به عمل آورده‌اند، اما در اصل مطلب بقدر سر موئی از صرفه و صلاح و سختگیری نگذشته‌اند و مادام که آنجا بوده، نوبدی می‌داده‌اند که ترا مقضی‌المرام اعاده خواهیم داد. در مراجعت کاغذ سر به مهری به دست او داده، شاهمیرخان را هم همراه نموده روانه کرده بودند.

حال از تقریرات شاهمیرخان و تحریرات کاغذ یرملوف سوای تغییری جزئی که در گوگچه داده‌اند، در سایر سرحدات کماکان بلکه بدتر و بیشتر سختگیری و توقع دارند. اگر ما از کلی و گوگچه چشم پوشیده بودیم، کار را مناسب‌تر و با صرفه‌تر از این گذرانده بودیم. اما چون سابقاً از جانب اقدس شهریاری به صراحت منعی از دادن آن شده بود، جرأت نکردیم و به یرملوف موافق سیاق و رفتاری که با فتحعلی‌خان کرده بود با کمال رأفت و ملایمت نوشتیم، که ما خود از عهده این تکلیفات شاقه نمی‌توانیم برآمد.

الی‌الآن سعی و جهد ما این بود که بدون این که عرض و استدعایی درین مواد به دربار دو پادشاه بشود، این مطلب بگذرد، حال که توقعات و تکالیف شما این است مراتب را خودتان به دربار همایون عرض کنید، یا ما را به عرض آن مأذون نمایید، بعد از

آن مالک رد و قبول هر چه کند پادشاه است<sup>۹</sup>. اختیار گذشت از ملک و مملکت با پادشاه مملکت است.

نظر به این اعلام و پیغام ما و شرحی که نوشته‌ایم یحتمل که شکایت و عریضه توقع آنها بیه دربار اقدس بیاید، اگر آدم و عریضه از آنها آمد، در صورتی که امنای دولت خواسته باشند به تفصیل با او حرف زنند مهندس و نقشه از اینجا می‌فرستیم که از روی استحضار و بصیرت گفتگو نمایند، والا از جانب اقدس همین قدر فرمایش شود که ما به هیچ وجه نکول از عهدنامه نداریم، هر چه در عهدنامه نوشته شده باشد، مقبول و ممضی است، اگر مایه اختلاف و اشتباهی در میان باشد چند نفر آدم بی‌غرض از انگلیس و عثمانی و سایر دول که دسترس باشند، رفته رفع اختلاف و اشتباه نمایند.

خلاصه علاوه بر سختگیری، بدهوائی هم به هم رسانده‌اند، که آخر حرفشان به توپ و تهدید است.

دیگر گرافی که از منسوبان یکی از وزرای دولت فرانسه است، به حکومت چند ولایتی از مملکت هندوستان، که در مصالحه میان انگلیس و فرانسه به دولت فرانسه واگذار شده، منصوب و مأمور گشته و از راه تغلیس آمده روانه است. پیشکشی که برای سرکار اقدس دارد صورت پادشاه فرانسه است، مرصع با بعضی جزئیات دیگر، یک زوج طپانچه هم به ما تعارف داد، ارمانی هم برای برادر نامدار فرمانفرما و یک دستگاه ساعت برای وزیر دولت دارد، لیکن توقعی که از دولت قاهره دارد این است که اجازت به آمد [و] شد و تجارت تجار فرانسه در ملک محروس حاصل شود و از آنها خرج و گمرک از قرار صد سه باز یافت شود. از دو طرف هم راه تردد تجار آنهاست، یکی از طرف بندر بوشهر و دیگر از طرف تغلیس. حالا اگر این توقع او قبول شود، با تجار روس

که موافق عهدنامه صد پنج قرارداد و داد و ستد می‌شود، آنها نیز متوقع خواهند بود. رد توقع مایه رنجش کامل و قبول آن مایه نقصان و ضرر کلی است. قبول توقع صد سه، با وجود صد پنج تجار روس، موافق صرفه و صلاح نیست و حال آن که تجار آنها همین که راه آمد [و] شد را باز<sup>۱</sup> کردند، دکان تجار ایرانی تخته خواهد شد، آنها که مردمان صاحب مکنت و بضاعت هستند معامله منحصر به آنها خواهد شد. اما خودش مرد متین بادرایت و با متانت است، باید موافق قاعده رفتار نمود. این اوقات که موکب همایون<sup>۲</sup> در اصفهان بود، عزیمت او را مناسب ندانستیم، همین که خبر معاودت موکب مسعود از اصفهان رسید، با مهماندار او را روانه خواهم نمود، که مقارن ورود موکب اقدس به مقر خلافت و شوکت، او نیز وارد شود.

چون اعلام این مراتب را از غایت التفات و اعتقادی که داریم به آن عالی‌جاه لازم می‌دانیم لهذا کیفیت را به تفصیل جهت اطلاع آن عالی‌جاه مرقوم داشتیم.

اشفاق ما را شامل و کامل دانسته مستدعیات خود را عرض کند و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر شوال‌المکرم سنه ۱۲۴۰

[ متن دستخط پشت سند ]: عالی‌جاه مقرب‌الخاقان میرزا ابوالحسن خان سرافراز شود.

۱ و ۲: اصل

۳: اصل: همیون

سند شماره ۲\*

[ نامه پرنس منشیکوف<sup>۱</sup> ]

[ ۱۵ ذیحجه ۱۲۴۱ ]

جناب مجدت و نجدت نصاب، شهامت و

بسالت انتساب، دوست مشفق دام مجده

نوشته آن جناب واصل و جواب آن را محبت تحریر می‌نماید.

در وقتی که اعلیحضرت پادشاه اعظم و امپراطور اکرم نیکلای<sup>۲</sup> پاولویچ، بر سریر سلطنت موروثی جلوس کردند، اوضاع امورات دول خارجه را مطالعه می‌نمودند، پاره ای [ امور ناتمام در باب سرحد دولت علیه ایران دریافت فرمودند. از تحریرات آخرین که به پترزبورغ<sup>۳</sup> رسیده بود، از یک طرف نوشته خط گذاشته جناب پرنال لیدناند

\* سند شماره ۲ و اسناد شماره‌های ۳، ۴، ۲۳، ۲۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶ قبلاً در مجموعه دیگری با مشخصات ذیل به چاپ رسیده که توجه مطالعه کنندگان گرامی را به سایر اسناد مربوط نیز جلب می‌نماید. ر.ک. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، تهران: ۱۳۷۲، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به ترتیب در صفحات ۲۲، ۳۲۸، ۳۷۱، ۳۸۷، ۳۸۱، ۴۱۱، ۴۰۶، ۴۱۳، ۴۲۳.

\*\* در سال ۱۸۲۶م (۱۲۴۱ق) پرنس منشیکوف یا منچیکوف Mentchikoffe از طرف نیکلا امپراطور جدید روسیه به دربار ایران فرستاده شد تا در مورد اختلافات مرزی دو کشور رسیدگی نماید. ر.ک. احمد تاجبخش، سیاستهای استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲، چاپ اول) ص ۲۷.

\*\*\* اصل: نیکولای

\*\*\*\* اصل: پترزبورغ

ولیمینوف که در سنه هزار و هشتصد و بیست و پنج در بیست و هشتم شهر مارت<sup>۱۰۰</sup> تحریر شده، خواهش دولت روسیه را اظهار و معلوم می‌داشت و از طرف دیگر نوشته جناب نواب نایب‌السلطنه العلیه‌العالیه را که به جناب ینرال یرملوف قلمی داشته خطوط سرحدات دولت علیه ایران را بیان و مشخص داشته بودند ملاحظه نمود. خواهش طرفین را به مرتبه به یکدیگر نزدیک دیدند که ناتمامی این امور را به بعضی ناهمیدگیها حمل نمودند.

در وقتی که محب مأمور به این شده بود که جناب اعلیحضرت شاهنشاه جم‌جاه را از جلوس اعلیحضرت امپراطور<sup>۱۰۱</sup> اعظم مخبر نماید، این امر نیز به من سپرده شد که با اولیای دولت علیه ایران، درخصوص امر سرحد بنا بر مبنای مذکور یعنی موافق نوشته نواب نایب‌السلطنه العلیه‌العالیه که به جناب ینرال یرملوف نوشته بودند مکالمه و مشاوره نمایم که آن به این قرار است.

لهذا محض رضاجویی و خاطرخواهی آن جناب هر قراری که در باب قبان و گوگچه<sup>۱۰۲</sup> داده بود، در بار دوم که او مراجعت نمود قبول کردیم و تعهد می‌کنیم که امضای آن را از دربار سپهر اقتدار شاهنشاه سازیم. لکن بخدا بخدا و به جقه شاهنشاه قسم که زیاده از این در مرآت ما نیست. در این صورت جناب نواب نایب‌السلطنه العلیه‌العالیه درخصوص قبان و گوگچه<sup>۱۰۳</sup>... و اختیار را بر خود تصدیق فرمود.

در باب سایر جاها در همان نوشته پیشنهادهای پر شرایط نموده و آنچه زیاده از اختیار

۱۰۰ March انگلیسی

۱۰۱ نیکلای اول

۱۰۲ اصل: ککچه

۱۰۳ یک کلمه در اصل محو شده و ناخواناست.

خود بوده است، به تصدیق و امضای اعلیحضرت شاهنشاه اعظم و الاجاء واگذار فرموده است. در سر این نوشتجات که بنای آن رضای طرفین است، ایستاده، خواهش دولت خود را معلوم و بیان نمودم، لکن چنان که در تبریز، همچنین نیز در سلطانیه، آن جناب هم آن را قبول ننموده، از محب خواهش می‌نماید که نقل سرحد را موافق عهدنامه مبارکه طی و اتمام نماید. در این باب لازم دیده به آن جناب جوابی داده مطمئن می‌نمایم. پیشنهاد ایشان که مراعات و پاس عهدنامه است از طرف دولت روسیه با شوق زیاد مقبول خواهد افتاد، از این جهت که آن باعث محافظت و مقدس داشتن عهدنامه مبارکه خواهد بود، که اصل خواهش ابدی پادشاه اعظم من که پیوسته نسبت به دولت ایران و شاهنشاه اعظم جم‌جاه رابطه دوستی و یک جهتی را دارند این است.

دولت روسیه در پی تحصیل زمین نیست، بلکه استحکامی مبانی دوستی و رفاهیت همه رعایای خود را که بدون فرق، مذهب و تفاوت دین، در ظل عدالت او می‌باشند جویا و خواهانست. از برای ازدیاد اتحاد و حصول مرام و به جهت<sup>۱۰۴</sup> تبعید مباحثه و مجادله و استحکامی مبانی سرحد، موافق عهدنامه مبارکه و مطابق فواید طرفین، محب به اولیای دولت علیه ایران تکلیف می‌نمایم، که یا از طرفین معتمدین صاحب اختیار کلی تعیین فرمایند که در سرحد بدون طرف گیری و جانبداری امور سرحدات را که تا حال برای اضرار و به خلاف رأی دو پادشاه اعظم جم‌جاه به تأخیر افتاده است قطع و فصل نماید و یا وکیل معتبر صاحب اختیار کلی به بطرزبورغ مأمور سازند، که امر سرحد را گذرانیده طی گفتگو نماید.

اگر اولیای دولت ایران به این پیشنهاد رضا داشته باشند، محب مطمئن می‌توان نمود که از طرف دولت روسیه نیز بلا تأخیر و درنگ معتمد صاحب اختیار کلی، به سرحد تعیین

۱۰۴ اصل: جهه

گردد، و یا به خود این محب اذن و اختیار تمام مرجوع و محول می‌شود که در اموری که نسبت به دستورالعمل‌الحاله به محب تعلق ندارند مشاوره و مکالمه نماید.

دوستدار امیدوار است که دولت علیه ایران از این گونه پیشنهادهای حقیقی ملاحظه خواهند فرمود، که خواهش دولت روسیه نه تنها آنست که روابط دوستی دولت علیه ایران را محافظت نمایند بلکه موافق عهدنامه مبارکه عمل نموده، شروط آن را محافظت و نگهداری نماید.

هرگاه دولت ایران این پیشنهاد را بنا بر خواهش در این که به جنگ و قتال دارند قبول ننمایند<sup>۱۰۲</sup> در آن وقت از جهت محافظت نمودن<sup>۱۰۳</sup> عهدنامه و یا سایر مواردی که از این سبب به ظهور آمده معلوم کردند، به دولت روسیه مذمت<sup>۱۰۴</sup> نمی‌توان نمود.

حرر فی پانزدهم شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۲۴۱

پترال مایور پرنس منشیکوف

سند شماره ۳

[نامه ولیمینوف<sup>۱۰۵</sup> به عباس میرزا]

تبرستان  
[۱۲۴۳ ق.ه]  
www.tabarestan.info

به نایب‌السلطنه ایران عباس میرزا

در همان وقتی که اعلیحضرت کیوان رفعت، اوغوست<sup>۱۰۶</sup> منزلت، اعظم شاهان، والد ماجد جناب نواب والا بسطت، به ارسال فرمان مرحمت بنیان خود، المرقوم به تاریخ محرم هذّه‌السنه، عالی‌جاه بلندجایگاه، جناب سالار افخم الکسی پطرویچ یرملوف<sup>۱۰۷</sup> را، قرین مباحات و افتخار فرمود و مضمون فرمان مزبور دال بر اراده و رأی محکم در باب استحفاظ مراتب مصالحه و رابطه دوستانه با روسیه بود، حسین خان سردار ایروان به جهت شکستن آن با زور، قراولهای این طرف را از کلی و گوگچه دنکیز و سداناخاج اخراج و بیرون کرده، در امکانه<sup>۱۰۸</sup> ای که الی حال در دست اهالی رعایای متعلقه اروسیه می‌باشد، خلق ساکن می‌سازند، اما نظر به مضمون فرمان مشفقانه اعلیحضرت شاهنشاه اعظم، بکلی مطمئن هستم که این حرکت زور آمیز و بدخواهانه، خاصاً از خواهش

۱۰۲ جنرال ولیمینوف veliaminof نایب فرمانده سپاه قفقاز. ر.ک. سعید نفیسی، همان، صفحات ۱۰۲-۱۰۴، ۲۴۸.

۱۰۳ احتمالاً منظور اگستوس Augustus است. ر.ک. ولاءنامه انتهای همین کتاب.

۱۰۴ یرملوف Iermolof فرمانده سپاه قفقاز. ر.ک. فاطمه قاضیها، اسنادی از روند اجرای عهدنامه ترکمانچای (تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴، ص ۱۶-۱۹)

۱۰۵ اصل: نه‌نمایند

۱۰۶ اصل: نه‌نمودن

۱۰۷ اصل: منزلت

حسین خان<sup>۱۰</sup> سردار وقوع یافته است.

لهذا بنا بر عزیمت و هجرت جناب سالار اعظم به سفر، مخلص بر خود از لوازم دانسته چگونگی را به جناب نواب والا عرض و اظهار نمودم.

مراتب خصایل بزرگانه و دوربینی عاقلانه زینت افزای نواب والا مخلص را خاطر جمع می‌سازد که جناب والا، حرکات سردار ایروان را پسند نخواهند فرمود. خصوصاً در جائی که هنوز امور سرحدات آخر و تمام نشده و وقتی که بالفعل گفتگو در باب بعضی اراضی و امکنه کنار گوگچه دنکیز در میانه است، و در جائی که دولت ایران در امکنه دیگر اراضی به موجب عهدنامه معوقه گلستان متعلق به اروسیه است در دست دارند. بناً علیه، مخلص بکلی اطمینانی دارد که جناب نواب والا با اختیار و امر خود حرکات نزاع آمیز سردار ایروان را که به مرابطه<sup>۱۱</sup> دوستانه که تا حال در فیما بین دولتین علیتین هست، شایسته نیست، دفع و منع فرموده و به جواب مشفقانه خود مخلص را مباهی خواهند ساخت.

باقی با کمال توقیر و تکریمی که به اعلی مراتب لیاقت، زینت افزای نواب والا دارم دایماً در مقام خلوص و اردتمندی حاضر می‌باشم.

بنارال لیدناند ولیمینوف

<sup>۱۰</sup> حسین خان سردار ایروانی و برادرش از سرداران به نام و شجاع سپاه عباس میرزا بوده‌اند که شهامت و مقاومت‌های آنها در برابر سپاهیان روسیه در جنگ‌های اول و دوم در تاریخ‌های دوره قاجاریه ضبط است. ر.ک. جهانگیر قائم مقامی، نامه‌های پراکنده قائم مقام فراهانی، همان، بخش یکم، ص ۴۸۸.

<sup>۱۱</sup> اصل: مرابط

سند شماره ۴

[نامه ژنرال پاسکویچ<sup>۱۰</sup> به عباس میرزا]

[۱۵ شعبان ۱۲۴۴]

نواب مستطاب والا مقام، ضیا افزای وساده شهرت و احتشام،

فرزانه یگانه کامران، شاهزاده نامدار جمیل‌العنوان، ولیعهد گرام

معین دولت ایران، عباس میرزا دام‌الله زمان شوکت و اقتداره

شش روز پیش‌تر، مخلص جوابی را که از طرف ذی‌شرف اعلیحضرت امپراطور اعظم رسیده بود، مصحوب چاپاری ارسال به نزد وزیر مختار دولت روس در ایران جناب گریبایدوف داشته است و در آن رقیمه اعلیحضرت امپراطور اعظم [با] کمال تأسف اظهار می‌فرماید، از این که فایض به این مسرت که نواب والا را در دارالسلطنه خودش ببیند نمی‌تواند شد و به سبب امور جنگ که اعلیحضرت امپراطور اعظم را مشغول ساخته معلوم نمی‌شود، که آن حضرت وقتی که نواب والا تشریف خواهند آورد در کجا خواهند بود.

در چنین صورت ملاقات اعلیحضرت پادشاه اعظم امپراطور اکرم روسیه با نواب ولیعهد عظام دولت بهیه ایران، غیر ممکن خواهد بود. زیاده تأسف مخلص از آن است که عالی‌جاه منشی خاص سرکار والا، میرزا صالح اظهار نمود که نواب مستطاب والا پیش از آن که مکتوب مخلص به وزیر مختار ما برسد عزیمت این سفر بعیدالمسافه کرده، از

<sup>۱۰</sup> ژنرال فلد مارشال فنودرویچ پاسکویچ (۱۷۸۲-۱۸۵۶م) فرمانده نیروهای روس در جنگ‌های دوم ایران و روس، ر.ک. یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، تهران، زوار، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۳.



تبریز بیرون آمده‌اند پس در کمال تعجیل چاپاری را که حامل ذریعه است روانه می‌نماید که وجود مسعود نواب مستطاب والا را زیاده بر این زحمت حاصل نگرند. و درخصوص سایر مطالب که عالی‌جاه میرزا صالح، فرستاده نواب والا اظهار داشته است، لازم دانسته معروض رأی والا می‌دارد، که به بسیاری از آنها مخلص راضی گشته، اکثر به تقدیم نیز رسیده است.

از آن جمله مقصود نواب والا آن بود که توپهای تبریز مسترد شود، مخلص بدون تأخیر به دادن آنها امر کرد، و نواب والا را میل خاطر چنان بود که به ایلات رعایای ایران به صحرای مغان که متعلق به ماست اذن آمدن یافته‌اند، جای قشلامشی داده شود، حسب الامر نواب والا مخلص پیش از این به حکام سرحدات امر نوشته است و ایلات مزبوره از قراری که پیش از جنگ آخر می‌بودند ساکن شده‌اند.

مخلص همیشه با صفای درون، اهتمام تمام در تقدیم فرمایشات نواب والا داشته در صدد محافظت و استحکام مراتب دوستی و یگانگی دولتین علیتین می‌باشد. باقی با کمال خیرخواهی و حسن صداقت در مقام اعزازگزاری و ارادت‌اندیشی نسبت به ذات مبارک والا بوده و خواهد بود.

جنرال اتشف گراف پاسکویچ ایروانی

فی ۱۵ شهر شعبان سنه ۱۲۴۴

در تغلیس نمره ۱۲۳۳

### سند شماره ۵

#### [ نامه پاسکویچ به عباس میرزا نایب‌السلطنه ]

[ ۱۲۴۴ ق.ه ]

محب بی‌ریا، با کمال اعزاز و ارادت بر لوحه مدعا می‌نگارد که منتهای ممنونیت دارم، از شرف وصول رقیمة نواب والا، که مصحوب عالی‌جاه نظر علی‌خان ارسال فرموده بودند. و کمال افتخار حاصل آمد، از این که نواب والا از اشفاق خسروانه حضرت امپراطوری که درباره محب مبذول افتاده است اظهار خشنودی فرموده بودند. این گونه التفات علیه از جانب شاهزاده نامداری مثل نواب والا، در خاندان محب نشانه مباهات باقی خواهد بود.

محب نیز از طرف خود با کمال خشنودی واجب دانسته، اظهار تهنیت به حضور نواب والا می‌کند، که فرزند گرامی ایشان نواب خسرو<sup>۵</sup> میرزا به سلامت از دارالسلطنه بطرزبورغ مراجعت نمود و مطالبی را که به او محول و مرجوع بود به موجب حسن فراست و کمال هوشمندی به انجام رسانید و هنوز در این صغر سن، اقتضای نجابت خود را بر همه عالمیان آشکار نموده، اثبات کرد که محامد خصال والد نامدار خود را مظهر است و آنچه در ممالک ما و در دربار دولت روسیه دید هر آینه او را مطمئن

۵ خسرو میرزا پسر هفتم عباس میرزا بود که پس از قتل گریبایدوف در رأس حیاتی جهت عذرخواهی به روسیه عزیمت نمود و در آنجا مورد تفقد و مهربانی بسیار از سوی امپراطور روسیه قرار گرفت. وی که جوان بسیار زیبا و دلنایی بود توسط برادر زاده اش محمد شاه تابینا شد و ناصرالدین شاه در خاطرات خود او را خسرو میرزای کور نامیده است.

ساخت، در این که پادشاه اعظم امپراطور اکرم از صمیم دل طالب نیکی برای دولت ایران و راغب به حفظ و استحکام مراتب دوستی شوکتین است.

محب در اینجا با نواب امیرزاده در باب بعضی امور مکالمه احترام آمیز نموده و بر همه مطالب و همچنین بر فقراتی که در رقیمة نواب والا بود ادای جواب نمود.

محب در این زودی اسبهای مادبان روسی را که در ترکمانچای به نواب والا وعده کرده بود، ارسال خواهد داشت و کمال خوشبختی محب است اگر این تحفه محقر که نشانه اختصاص خاص و ارادت بی نهایت محب نسبت به نواب والا است مقبول طبع مبارک افتد.

باقی به حسن دوستی و التفات خاطر والا مباهی و در مقام اعزازگزاری و خیرخواهی هستیم.

تحریراً فی ۱۸ غنوار سنه [۱۲۴۴]

فرمان فرما جنرال فلدمارشال گراف پاسکویچ ایرواتی

سند شماره ۶

[نامه وزیر خارجه روسیه به عباس میرزا نایب السلطنه]

[۱۲۴۴ ق.ا]

تبرستان

www.tabarestan.info

سواد نوشته گراف نسلرود<sup>۱</sup> است به خدمت نواب نایب السلطنه

هو

نواب بسیار با افتخار پسندیده اطوار، شاهزاده عباس میرزا، پسر ارشد و ولیعهد اعلیحضرت پادشاه ایران، وقت عزیمت پسر ارجمند نواب والا را برای عرض مراتب کمال شکرگزاری خود، از برای کاغذی که رأی والا به سرافراز کردن من تعلق گرفته بود، غنیمت شمردم، نظر به مضامین آن دیدم که قبل از آن که شاهزاده خسرومیرزا، قرار داد التفات آمیز اعلیحضرت امپراطور را، در باب مطالب نواب شما اظهار کرده باشد، نوشته اید، گذشت [از] یکی از دو کرور، که دولت ایران مقروض بود و گذاشتن کرور دیگر را به موعد پنج سال قرارداد التفات آمیز، می گویم، چرا که نظر به اوضاع الحاله امور، نواب شما نمی توانید قبول نفرمود که برای دولت روسیه غیر ممکن بود که از این بزرگتر تواضع و کوچک دلی نماید و این است آن که، باید دولت ایران از صداقت اراده های دربار امپراطوری مطمئن نماید. لکن اعلیحضرت امپراطور ما تمنا<sup>۲</sup> دارند که

<sup>۱</sup> کنت کارل واهرت نسلرود وزیر خارجه روسیه از تاریخ ۱۸۲۲ الی ۱۸۵۶ میلادی (۱۲۳۸-۱۲۷۳ق).

ر.ک. فرهنگ تاریخ، ترجمه احمد تدین، شهین احمدی، (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۹)، ج ۲، ص ۱۲۱۸.

۲۲ اصل: متنی

نواب شما، این امور را از برای التفات خاصه و برای این تمنای او که اختلال اوضاع ...<sup>۵۰</sup> شما را کمتر نماید، برهانی واضح بدانید و این اراده ایست که به سبب همان، ولی نعمت بزرگوار من خشنود است، از این که مرآورده داشته باشد، باصفیات حسنه مستدام شما، که در امور متعلقه ما به کار می‌برند.

شاهزاده خسرو میرزا بالمشافهه به شما بیان خواهد کرد، اموری را که به تقدیم رسانده‌ام. و من وظیفه خود می‌دانم این که به عرض شما برسانم، که این شاهزاده به سبب اخلاق ممتاز و احوال مملو از عقل، التفات ولی نعمت را صاحب شد، و همچنین تعلق خاطر عامه خلق را. به طریقی که توقف او با آن همه اختصاص مدت زمان مدید در حافظه کل روسیه منقش خواهد بود و تأثیر فروز این خدمت او بر روابط دوستی دولتین روس و ایران نخواهد بود، مگر با کمال ثبات و دوام.

در باب من خود از نواب توقع دارم که باور بفرمایند که تلاشهای عاجزانه من چون علی السویه مبتنی بر حفظ این روابط هستند، چندان ثابت و دایم‌اند که احترام و اخلاص من به وجود شما مملو از صداقت‌اند.

سند شماره ۷

انامه ژنرال پاسکویچ به عباس میرزا نایب‌السلطنه |

۱۲۴۵ ق. هـ |

روستلن

نوشته گرامی نواب والا وصول یافته بر هر یک از فقرات آن جداگانه جوابی می‌نویسم اولاً نواب والا تکلیف می‌نمایند که با کمال دقت ملاحظه خطی که الحال از ابتدای ارس تا بجای اتصال آن با کُر و از آنجا تا به دریای خزر، سرحد واقع است کرده شود، تا به این سبب احتمال مناقشه در میان سرحد داران طرفین نماند.

تعیین سرحد را وکلای<sup>۵۱</sup> دو دولت کرده، والد ماجد شما نیز امضا داشته است، پس در این صورت صحیح و غیرمتنازع فیه است و اگر نواب والا می‌خواهند که در این مقام، در باب پس دادن طالش گفتگو کنند، بر خود واجب شمرده جواب می‌دهم، که در مجلس دوم در دهخوارقان در ۱۱ شهر نو<sup>۵۲</sup> یا بر سنه ۱۸۲۷ در این خصوص تکلیفی از نواب نایب‌السلطنه بود، اما وکلای مختار دولت روس ابا کردند و به موجب عهدنامه متعقد در ترکمان‌چای، ولایت خان نشین طالش در تملک دولت روس مانده است.

ثانیاً نواب والا در باب گذشت کرور دهم اظهار فرموده بودند، چون در دارالسلطنه بطربزبورغ امپراطور اعظم به اشفاق بی‌کران خود کرور نهم را گذشت و کرور دهم را به مدت پنج سال امهال فرموده است، حالا با کمال احترام اظهار می‌دارم که من حقی ندارم که این گونه تکلیفها را معروض حضور اعلیحضرت امپراطور اعظم داشته باشم.

۵۰ اصل: وکلای

۵۱ برابر با November انگلیسی

۵۲ تصویر سند حاضر یک کلمه انتادگی دارد.

ثالثاً این که تتمهٔ کرور هشتم تخفیف شود، در این خصوص نیز تکرار آنچه در مطلب دوم نوشته‌ام می‌کنم و به همان سبب نمی‌توانم که این مطلب را به عرض حضور امپراطور اعظم برسانم و برخلاف آن امیدوار هستم که چون وعدهٔ تکمیل الحال کرور هشتم نزدیک می‌شود. نواب نایب‌السلطنه همهٔ اهتمام را در باب انجام مطالب حق دولت ما معمول خواهد داشت.

در باب سایر مطالب جزیه که نواب والا خواهش کرده بودند که من شخص معتمدی را برای مشاوره و مکالمه تعیین نمایم، که درخصوص آن مطالب با ارباب مناصبی، که در حضور نواب والا می‌باشند گفتگو نماید. فلهدذا دیستوتینی اسطاسکی سوتینک و لانقالی و کولزسکی سوتینک، هارودافنکین و اوستینوف را تعیین نمودم.

یکان یکان به ادای جواب همهٔ فصول مرقومه شما پرداخته، اطمینان کامل دارم که به این وسیله همهٔ مکالمات درخصوص مطالب مرقومهٔ شما که در عهدنامهٔ طرفین با کمال صراحت و گشادگی نوشته شده است قطع خواهد شد.

[در حاشیه]: برای استحکام و ازدیاد دوستی میمنت آثار که در میان دولین علیین واقع است، در دهم شهر غوار<sup>۱۰</sup> سنهٔ ۱۸۳۰ در تفلیس

فرمان فرما جنرال فلدمارشال گراف پاسکویچ ایروانی

سند شماره ۸

[در ارتباط با نامهٔ پاسکویچ فرمانفرمای گرجستان]

[جدود ۱۲۴۵ ق. ۵]

در این وقت شرحی از جناب فرمانفرمای گرجستان روسیه به دستدار رسیده. مضمون آن از قرار است که به جهت اطلاع آن جناب نگارش می‌رود. والد کاظم خان قراباغی که حاجی آقا لرخان بوده باشد، در سنهٔ ۱۲۴۳ از وطن خود چشم پوشیده از خاک دولت بهیبهٔ روسیه به خاک دولت علیهٔ ایران فرار نموده است. چون حکمی از اعلیحضرت امپراطور اعظم شرف صدور یافته است، که مال و متال هر که را که چشم از وطن اصلی خود پوشیده فرار اختیار کرده است به خودش رد نمایند، در صورتی که به وطن خود مراجعت نموده باشد، والا میان ورثهٔ شرعی او که از وطن خود بجایی نرفته‌اند قسمت نمایند. مع هذا اموال حاجی آقا لرخان را فیما بین دو دختر و یک نفر خواهرش قسمت نموده‌اند. چون کاظم خان به وطن خود مراجعت ننموده است، لهدذا هم خودش و هم عیالش از میراث پدر محروم خواهند بود. والسلام.

## سند شماره ۹

## نامه‌ای احتمالاً از طرف وزیر خارجه روسیه در باب تعیین قونسول در انزلی یا رشت |

صاحباً، مشفقاً

کاغذ آن عالی‌جاه در باب تعیین کردن قونسول در انزلی یا در رشت رسید به من، به وقت خودش، ولیکن سفر پادشاه ما امپراطور، بیرون از سرحد مملکت و خوشبختی که در رکاب اعلیحضرت امپراطور بودم، مانع شدند که جواب را همان وقت بنویسم. حالا که مراجعت نمودیم به پترزبورغ<sup>۱</sup> به دلخوشی خاصه تعجیل می‌کنیم که بسپارم به شما رضامندی<sup>۲</sup> خالص بی‌ریای مرا، از برای تبیین دوستی دائمی شما که مسطور بود در کاغذ شما، مطمئن می‌کنم شمار را در احساس دوستی از طرف من و می‌فهمم که اراده‌های نیک پادشاهان ما و اتحاد آنها [که] حامل دوستیهای صادقند بر ما و باعث بر آن که، تدبیر و تفکر نمایم، نه محض از برای مصالحه و وفاق که مابین دولتین هست. بلکه زیاده و زیاده سعی کنیم در هر آن چیزی که موسع دایره سودمندی است بجهت کسب و تجارت رعایا و برابری و حال مراجعت می‌کنم، به مقصود کاغذ شما که مشتمل بر قونسول بود از گیلان و این مطلب را به ۲ معنی بیان کرده است و تمام کرده است.

۱ اصل: پتربورگ

۲ اصل: رضن مندی

موافق خواهش<sup>۱</sup> شما. جنرال<sup>۲</sup> اتوتانت کنیاز دالغوروکی<sup>۳</sup> به این که بجای قونسول مقیم فرستاده شود به گیلان، منصب‌داری از سفارت ما از برای واری کار تجار رعایای ما، از جهت این که از مقیم بودن قونسول ما در آنجا، و بی‌تمیزی خلق آن بلاد، ناخوشیها حاصل می‌شود. در این خصوص می‌گویم به شما آشکارا، که پیش از جلوس سلطنت شهریاری یعنی اعلیحضرت پادشاه ایران، فتحعلی‌شاه، همیشه بود در رشت و انزلی، قونسول مقیمی از دولت روس، ولیکن هرگز از طرف خلق ناخوشی به هم نرسیده، و این که، نه کنیاز دالغوروکی و نه من می‌توانیم، تغییر داد آن چیز را که مقرر فرمودند سلطانین مقتدرین در عهدنامه مسطور ترکمانچای، که در آن عهدنامه اعلیحضرتین سلطانین واگذارند از برای خودشان اختیار تمامی که بفرستند هر جا که صلاح دانند به ولایتهای طرفین، قونسولهای خودشان را، از برای منفعت رعایای خود. کنیاز دالغوروکی تعویق انداخت تا زمانی تعیین قونسول را و سپرد به سفارت که فرستاده شود منصب‌داری به گیلان، از برای کارهای روس، از [آن] زمان ظاهر شد از یک طرف این که آمدن آن منصب‌دار به انزلی به صورت قونسول، باعث نداد و بی‌نظامی را، و از طرف دیگر که همچون آمدنی هیچ فایده‌ای نمی‌داد، احتیاج رعایای ما را، که آنها از جهت نداشتن قونسول مقیم در آنجا، از برای طی مطالب تجارت، لابد می‌شدند بعد از مراجعت به سوی دولت روسیه، طی مطالب خود را اینجا بچویند. ولیکن نمی‌رسیدند به اتمام کار خویش، از جهت این که ظاهر شود محالات، از پرسیدن شهود و جستجو کردن اتفاقیات آنجا.

۱ اصل: خامش

۲ اصل: جنرال

۳ اصل: دل غروروف

بعد از گذشتن زمان طولانی در چنان وضع کارها، اعلیحضرت پادشاه ما امپراطور وقتی که روانه می‌کرد به درگاه تهران وزیر مختار خود را، فرمود به او که گفتگو بکند به وزرای ایران و برطرف کند، تردیدی که مخالف عهدنامه ترکمن‌چای که مزین شده<sup>۱</sup> به مهر اعلیحضرتین سلطانی و به من سپرد که پیداکنم شخص قابل منصب قونسولی، در انزلی و بفرستم او را بجای تعیین خود و این را حالا بی‌تحمل<sup>۲</sup> به انجام می‌رسانم. متوقعم که این را معروض درگاه شاهنشاه خود دارید و مطمئن هستم، که قونسول ما باعث مراوده تجار طرفین، و باعث نفع رعایای ایران و روس و رفع هرگونه ناخوشیها خواهد بود.

سند شماره ۱۰

[ترجمه نامه پاسکویچ به عباس میرزا نایب‌السلطنه]

[۱۲۴۸ ه.ق.]

ترجمه

محفل حضور شرف ظهور، زیده نوابان عظیم‌الشان، شهزاده اعلتبار ذوالاقتدار، اشرف والا، ولیعهد و وراث تاج و تخت دولت فخریه ایران، عباس میرزا به دعاهاى خالصانه و اعزازات لایقه و احترامات کامله، آراسته و مشحون باد. دو قطعه رقیمه‌های والا، که از راه کمال لطف و توجه عز ارسال و اهدا یافته بود در

احتمالاً منظور تأمل بوده است.

بهترین اوقات شرف وصول بخشیده، زیاده از اندازه موجب خشنودی خاطر و مستوجب سرور و انبساط صمیم گردید. و اظهار بقای حسن عنایت و مکرمت آن اشرف والا، نسبت به این نیازمند چندان باعث امتنان و شکرگزاری این اخلاص شعار گردید که از ادای شرح آن کمابتنی خامه و زیان قاصر و عاجزاند. خصوصاً محاسن جلیله و فواید برگزیده ذات والای ایشان بر بهای این گونه شفقت و عنایت قات<sup>۱</sup> اندرقات افزودند. و تهیت آن اشرف والا درباره فتوحات جلیله عساکر منصوره اعلیحضرت امپراطور<sup>۲</sup> اعظم متبوع من روحی فداه بر عصاة<sup>۳</sup> که مدتی منکر استحقاقات لامتنازع فیه ملوکانه گردیده، معارضه قوت قاهره اعلیحضرت را در پیش خاطر مجاسرت مظاهرشان نهادند، برای این صداقتمند شامل عز و قیمت جداگانه شد، چراکه نشانه آن بود که توجهات درون آن اشرف والا، نسبت به ذات میمنت صفات اعلیحضرت امپراطور معظم و میل و علاقه ایشان به احوال و مصالح این دولت، همان طور که پیوسته باقی و مستمر هستند، دیگر با امیدی که استحضار از تفصیل چگونگی<sup>۴</sup> احوال تسخیر و رشو<sup>۵</sup> و اطلاع همگی مشکلات که برای عساکر امپراطوریه رو<sup>۶</sup> ی [داده، با کمال دلیری و شجاعت دفع آنها میسر گردید، شاید نزد آن اشرف والا که عسکری صاحب تدبیر نامدار هستند مرغوب آیند. یک قطعه رسم استحکامات و رشو و تقریر و تعریف محاریبات که در وقت تسخیر آن بلده در روزهای مشهور بیست و پنج و بیست و شش آغوستوس<sup>۷</sup> سال ماضی وقوع یافتند به حضور والا عرض و فرستاده شد. و چون

۱ قات الرجل: رزقه و اعطاء الثروت و عائله (المنجد فی اللغة، تألیف لويس معلوف، ص ۶۰۶)

۲ اصل: امپراطور

۳ اصل: چه‌گونگی

۴ اصل: وارشاو

۵ اوگوست

اثبات کامل آگاهی و رشادت و ابراز مزید شدت و سطوت، که در اداره ممالک که از طرف همایون شوکت قرون، اعلیحضرت فتحعلی شاه معظم محول عهده تدبیر و لیاقت آن اشرف والا هستند، حیرت انداز عقل این نیازمند باشد. لهذا اعلام این گونه ظن و اعتقاد نسبت به ذات والای ایشان [را] بر خود لازم می‌داند و آن اشرف والا یقین نمایند که از آن آسیب و مختلات که وقتی چند در آن سامان سر زدند هزار حیف و افسوس است.

این نیازمند از فضل خدا تمنای کرم دارد که همگی آثار و خطوات آن اشرف والا همیشه مرسوم انواع اعلام اقبال و دولت و بختیاری شده، همه منظورانشان قرین فتح و ظفر کامل شوند.

دیگر بر حضور والا آشکار می‌گردد که اگر چه نظر به مأموریت حالیه خود احوال و خصوصیات ممالک ماورای قفقاز<sup>۱۰</sup> با لذات متعلق وظیفه ذمت این اخلاص شعار نمی‌تواند بود، لکن بر طبق آرزوی آن اشرف والا، مشروح، ضمن نامه ملاطفت افاده ایشان وکلای این دولت فخیمه را استدعا کرده که بر تجاوزات مخلفه نظام و آسایش مملکت خراسان امعان نظر و دقت نمایند و هم خواهشکار شده که مأمول این ارادتمند را درباره آن که به واسطه اسباب که این دولت در آن حدود دارد. تجدید<sup>۱۱</sup> این طور تجاوزات ممنوع و متروک گردد. در آستان رفیع الارکان اعلیحضرت امپراطوری روحی فداء مکشوف دارند.

باقی این صداقتمند مراسم عزت و احترام تام و ضوابط وثوق و اعتماد جان کلام نسبت به آن اشرف والا به عرض آورده، از فضل خدا خواهان باشد که دوران شادمانی و

۱۰ اصل : فوقاس

۱۱ اصل : تجدد

کامرانی و ایام دولت و بختیاری پایدار باد.

در بلده ورشو در ماه آگوستوس سال هزار و هشتصد و سی و دوم عیسوی نوشته شد.

[۱۲۴۸ ق. ورشو، ۱۸۳۲ عیسوی]

غراف پاسکویچ

پرنس ورشو

[در جاشیه] : ولایت عهد.

تبرستان  
www.tabarestan.info

## بخش دوم

اسناد روابط ایران و روسیه  
در دوره محمدشاه  
تاریخ اسناد (۱۲۵۰-۱۲۶۳ ه.ق)

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



تفکیک موضوعی اسناد  
بخش دوم

شماره اسناد	موضوع
۴۳،۴۲،۴۱،۳۷،۳۴،۳۱،۲۷،۲۲ ۸۵،۶۳،۵۶،۵۵،۴۹،۴۷،۴۶،۴۴ ۱۰۳،۱۰۱،۹۶،۹۳،۸۹،۸۸	۱- سرحدات الف - مرزهای خشکی
۱۰۴،۱۰۳،۸۶،۶۸،۶۲،۶۰،۱۸ ۱۱۵،۱۱۱	ب - مرزهای آبی
۵۷،۵۰،۴۸،۲۷،۲۴،۱۷،۱۵ ۸۷،۹۸،۸۳،۸۱،۷۷،۷۰،۶۵ ۱۱۳،۱۱۰،۱۰۶،۹۵،۹۴،۹۰،۸۹	۲- سران، کارگزاران، صاحب منصبان و امور سیاسی دو کشور

فهرست اسناد بخش دوم

تبرستان

www.tbarestan.info

محل در آرشیو وزارت امور خارجه	شماره صفحه کتاب	موضوع سند	شماره سند
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲	۲۷	پیشنهاد وزیر مختار روس در مورد عملیات جنگ هرات.	۱۱
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲	۲۹	ادعای عدم اثبات سبقت روسیه در جنگ با ایران در ارتباط با عهدنامه ایران و انگلیس.	۱۲
س ۱۲۲۳/ک ۱/پ ۲۸	۵۱	موضوع فوق در ارتباط با تاجرانگلیس.	۱۳
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۳	۵۵	اقدام دولت ایران مبنی بر ارسال مکاتبات متبادله بین ایران و انگلیس به وزیر خارجه روسیه.	۱۴
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۳	۵۹	اعطای نشان از طرف محمدشاه به نظامیان روس، موضوع هرات در ارتباط با سفیر انگلیس و حاجی میرزا آقاسی.	۱۵
س ۱۲۵۱/ک ۲/پ ۲۲	۶۲	طلب میتاس خان تبعه روس از آقاخان محلاتی.	۱۶
س ۱۲۵۱/ک ۲/پ ۲۲	۶۵	کسب تکلیف وزیر مختار روسیه در ارتباط با وزیر خارجه ایران.	۱۷
س ۱۲۵۱/ک ۲/پ ۲۸	۶۷	اختلاف تاجر حاجی ترخانی و قراسیموف ارمنی راجع به ماهیگیری در سواحل استرآباد و کسب تکلیف از دولت ایران.	۱۸
س ۱۲۵۱/ک ۲/پ ۲۲	۶۸	طلب تبعه روس از آقاخان محلاتی.	۱۹
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲	۷۰	تقاضای مهلت بیشتر از طرف ایران برای پرداخت غرامات جنگی.	۲۰
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲	۷۱	تقاضای مهلت بیشتر از طرف ایران برای پرداخت غرامات جنگی.	۲۱
س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲	۷۲	املاک حسین خان سردار در ارتباط با عرووش که دختر فتحعلی شاه بوده است.	۲۲

۴۹،۳۷،۳۶،۳۳،۲۶،۲۲،۱۹،۱۶

۳- اتباع دو کشور

.۱۰۰،۹۷،۹۲،۹۱،۵۲

۵۱،۴۰،۳۹،۳۵،۲۳،۲۱،۲۰

۴- غرامات عهدنامه ترکمانچای

.۷۸،۶۱،۵۸،۵۳

.۱۱۰،۱۰۹،۱۰۲،۸۴،۶۹،۴۹،۴۸

۵- روابط تجاری و تجار

،۵۹،۴۵،۲۸،۲۷،۱۵،۱۴،۱۳،۱۲

۶- انگلیس در ارتباط با ایران و روس

.۱۰۸،۹۹،۹۳

.۹۹،۶۷،۲۸،۲۵،۱۵،۱۴،۱۱

۷- موضوع جنگ هرات

.۵۴،۳۲،۳۰،۲۹،۱۸

۸- ماهیگیری، صیادی و شیلات

.۱۱۱،۱۱۰،۱۰۶،۱۰۳،۱۰۱

۹- ترکمانان

.۱۱۰،۸۲،۸۰،۷۹،۲۷

۱۰- شاهزادگان فراری

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	مسجل در آرشیو وزارت امور خارجه
۲۳	توجیه تأخیر در ادای غرامات جنگ از طرف دولت ایران.	۷۳	س ۱۲۵۰/۲ک/۲پ/۱۲
۲۴	موضوع اعطای مدال نقره از طرف عباس میرزا به بیماران قشون روس در تبریز.	۷۴	س ۱۲۵۱/۲ک/۲پ/۲۲
۲۵	تهدید افغانها و هراتی‌ها از طرف وزیر مختار روس در ارتباط با محمدشاه و ایران.	۷۵	س ۱۲۵۱/۲ک/۲پ/۲۵
۲۶	انتقاد وزیر مختار روس از دفتریان ایران در ارتباط با طلب تبعه روس.	۷۶	س ۱۲۵۱/۲ک/۲پ/۲۲
۲۷	تقاضای وزیر مختار انگلیس مبنی بر داشتن قونسول مانند دولت روس، ورود قریب الوقوع امپراطور روس به تفلیس وعدم امکان ملاقات دو پادشاه، شاهزادگان فراری و ...	۷۸	س ۱۲۵۰/۲ک/۲پ/۷
۲۸	عذر خواهی وزیر مختار روس از انگلیس در ارتباط با روابط ایران و انگلیس.	۸۳	س ۱۲۵۱/۲ک/۲پ/۲۵
۲۹	وجه اجاره شیل گرگان رود.	۸۴	س ۱۲۵۲/۳ک/۵پ/۵
۳۰	ابطال مجوز ماهگیری بدون اجازه دولت در ارتباط با رعایای دولت روسیه.	۸۵	س ۱۲۵۲/۳ک/۵پ/۵
۳۱	اغتشاش در سرحد طالش.	۸۶	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۳۲	اختلاف اهالی مازنداران با تاجر حاجی ترخانی در ارتباط با صید ماهی.	۸۸	س ۱۲۵۲/۳ک/۲۲پ/۲۲
۳۳	طلب تبعه روس از آقاخان محلاتی.	۹۰	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۶پ/۱۶
۳۴	عبور و مرور شرارت آمیز طایفه چلییانلو به خاک روسیه.	۹۲	س ۱۲۵۲/۳ک/۹پ/۹
۳۵	لزوم همراه نمودن قراولان با حامل وجه غرامات معاهده ترکمان‌چای تا سرحد.	۹۳	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۳۶	تنبیه تاجر باشی روس از طرف داروغه و مجتهد به اتهام شراپخواری.	۹۴	س ۱۲۵۱/۲ک/۲۲پ/۲۲

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	مسجل در آرشیو وزارت امور خارجه
۳۷	اغتشاش در سرحد ایران و روس به سبب آزادی مهاجرت رعایای جانبین از خاک مملکتی به مملکت دیگر و لزوم منع این عبور و مرور جهت رفع بی‌نظمی.	۹۹	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۳۸	شکایت یک نفر از اهالی رشت از صاحب منصب روس و ادعای وزیر مختار دال بر اتهام به صاحب منصب مزبور.	۱۰۱	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۶پ/۱۶
۳۹	نحوه پرداخت غرامات معاهده ترکمان‌چای.	۱۰۴	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۱پ/۱۱
۴۰	نحوه پرداخت غرامات معاهده ترکمان‌چای.	۱۰۵	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۱پ/۱۱
۴۱	اغتشاش در سرحد طالش و فرمان محمدشاه مبنی بر لزوم کوچاندن و دور نمودن مقصرین جهت رفع اغتشاش سرحد بر وجه اكمل.	۱۰۷	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۴۲	اعلام خطر جمعی به وزیر مختار روس در مورد فوق.	۱۰۸	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۴۳	بی‌نظمی و بی‌حسابی در سرحد طالش و لزوم عزل میرکاظم خان از حکومت آنجا.	۱۰۹	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۴۴	لزوم اعزام دو نفر معتمد از طرف دو دولت جهت رفع اغتشاش سرحد طالش.	۱۱۲	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۴۵	اعتراض مکتبل (سفیر انگلیس) به نحوه ورود و سلام سفرای روس و انگلیس نزد شاه و تحکم براین که تقدم با سفیر انگلیس می‌باشد.	۱۱۳	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۵پ/۱۵
۴۶	ناخت و تاز تبعه سرحدشین طالش (از طرف روسیه) به مرز نشینان ایران، اعتراض اولیای دولت ایران به این گونه حرکات خلاف عهدنامه ترکمان‌چای و لزوم استرضای ورثه مقتولین از طرف دولت روسیه.	۱۱۶	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۲پ/۱۲
۴۷	پاسخ نامه قبلی از طرف وزیر مختار روس و ادعای بهتان به رعیت و صاحب منصبان روس در موارد یاد شده.	۱۱۷	س ۱۲۵۲/۳ک/۱۶پ/۱۶

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۴۸	لزوم رعایت شروط عهدنامه [ترکمان‌چای] در ارتباط با تجارت ابریشم در گیلان توسط تجار روس و اختیار به پرداخت وجه گمرکی توسط تجار روس در رشت و انزلی و یا در آذربایجان.	۱۱۹	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۶
۴۹	گلابه دولت ایران به وزیر مختار روس در مورد اعلام روسها مبنی برداشتن تذکره از ایلچی روس جهت ورود ایرانیان به داخل خاک روس.	۱۲۲	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۹
۵۰	لزوم همراهی دولت روس با میرابراهیم خان منصوب به مصلحت‌گزاری و اقامت حاجی ترخان.	۱۲۳	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۶
۵۱	نزدیک شدن موعد سیم برای ادای وجه کرور باقی معاهده ترکمان‌چای.	۱۲۴	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۲
۵۲	طلب مرونین کوف نام از چاکران قدیمی امپراطور روسیه از ظل السلطان (پسر فتحعلی‌شاه) و لزوم جسد و جبهه اولیای دولت ایران در وصول این وجه و تأکید کتبی حاجی میرزا آقاسی به ظل السلطان.	۱۲۶	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۶
۵۳	ترتیب پرداخت مبلغ بیست هزار تومان از بابت وجسی باقی کرور عهدنامه ترکمان‌چای از طریق معتمدالدوله.	۱۲۸	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۱
۵۴	تعلق رودخانه‌های گمش‌نپه و حسینقلی به استرآباد.	۱۳۰	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۵
۵۵	لزوم دور نمودن مصطفی خان شیروانی از سرحد به جهت رفع فتنه و آسایش رعایای دو دولت ایران و روسیه.	۱۳۱	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۳
۵۶	رفع اغتشاش سرحد طالش و شدت اختلاف سرحد قراچه داغ و قراباغ به واسطه عبور و مرور ایلات چلبیانلو، میخوانلو و گرمادوزی.	۱۳۲	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۳
۵۷	ورود پسر نسلرود (وزیر خارجه روسیه) به تبریز و ملاقات با قنصل دولت خود.	۱۳۳	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۴
۵۸	سودانامه حاجی میرزا آقاسی به وزیر مختار روس و قول	۱۳۵	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۸

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۵۹	پرداخت آخرین کرور طلب دولت روسیه بطور تمام و کمال و عدم افعال در این مورد.	۱۳۶	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۹
۶۰	نوشته‌جات جنرال یروملوف و ویستوف، لزوم پرداخت هر ساله مبلغ دویست هزار تومان [در طول جنگ] از طرف دولت انگلیس به ایران برطبق عهدنامه بین دو کشور و عدم پرداخت این وجه از طرف دولت انگلیس.	۱۳۷	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۵
۶۱	امزام دو کشتی جنگی از طرف روسیه جهت محافظت سواحل مازنداران بنابه تقاضای محمدشاه.	۱۳۹	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۸
۶۲	نحوه پرداخت غرامات معاهده ترکمان‌چای در ارتباط با معتمدالدوله.	۱۴۱	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۱
۶۳	لزوم موقوف نمودن کشتیهای ایرانی دارای آلات حربیه از بحر خزر مطابق فصل هشتم معاهده ترکمان‌چای.	۱۴۲	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۳
۶۴	لزوم برقراری نظم در سرحدات قراباغ و قراداغ.	۱۴۴	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۹
۶۵	ورود قریب الوقوع امپراطور روسیه به تغلیس و اظهار وزیر مختار روس در باب عدم امکان ملاقات محمدشاه با وی.	۱۴۷	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۹
۶۶	سفر امپراطور روسیه به تغلیس، ملاقات با ولیعهد (ناصرالدین‌میرزا) و اظهار التفات امپراطور به وی.	۱۵۰	س ۱۲۵۶/ک ۵/پ ۴
۶۷	لزوم اعطای خلعت و فرمان التفات از محمدشاه جهت شاهمیر خان مترجم ولیعهد در ملاقات با امپراطور.	۱۵۱	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۹
۶۸	اظهار مسرت وزیر مختار روس از فتح قلعه غوریان توسط ایران.	۱۵۴	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۱۱
۶۹	مسائل مربوط به حضور دو کشتی روسی در بحر خزر در ارتباط با محافظت سرحدات مازندران، ترکمانها و غیره.	۱۵۶	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۲۸
۷۰	امور تجارتهی تجار روس در گیلان در ارتباط با عهدنامه ترکمان‌چای.	۱۵۷	س ۱۲۵۲/ک ۴/پ ۲
۷۰	موافقت امپراطور با بازگشت سیمونینج به روسیه و		

شماره سند	موضوع سند	شماره محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۸۱	شاهزادگان فراری تحت شرایط مختلف که در سند قید و درج شده است.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۸۲	نامه وزیر مختار روس در مورد ورود میرزا الکساندر با تحف و هدایا از طرف امپراطور روس و لزوم استقبال توأم با تشریفات از وی.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۸۳	درخواست وزیر مختار روس مبنی بر لزوم گذشت شاه از تقصیر حیدر میرزا از اولاد صفویه، سرفرازی وی به خلعت شاهی، بازگشت املاک وی در اصفهان و برقرار مستوری در مورد او.	س ۱۲۵۱/۲/۲۲پ
۸۴	عزل صاحب منصب روس توسط حاجی میرزا آقاسی و گلابه وزیر مختار روس در این رابطه و تأکید بر پرداخت مواجب وی مطابق قرار داد.	س ۱۲۵۱/۲/۲۵پ
۸۵	اظهار وزیر مختار روس مبنی بر خرابی پل متجبل و اشکال در عبور و مرور تجار روس.	س ۱۲۵۴/۴/۱۳پ
۸۶	نامه قهرمان میرزا به وزیر خارجه درباره انتظام سرحدات آذربایجان و لزوم رعایت فصل چهاردهم عهدنامه ترکمانچای در مورد هر دو طرف در ارتباط با اظهارات وزیر مختار روسیه.	س ۱۲۵۴/۴/۱۲پ
۸۷	شکایت رعایای انزلی از دخالت قونسول روس در گیلان جهت مجوز عبور آنان به فرضات بحر خزر.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۸۸	عدم همراهی حاکم حاجی ترخان با مصلحتگزار منصوب از طرف ایران در حاجی ترخان.	س ۱۲۵۴/۴/۷پ
۸۹	عدم همراهی سرحدداران و حافظان عبور سرحد طالش با رعایا و تبعه دولت علیه ایران.	س ۱۲۵۴/۴/۷پ
۸۹	توجه و تکذیب موضوع فوق از طرف وزیر مختار روس.	س ۱۲۵۴/۴/۷پ

شماره سند	موضوع سند	شماره محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۷۱	انتصاب کلنل دو حامل بجای وی و خیر ورود وزیر مختار جدید به سرحد و لزوم فرمائی از طرف شاه مبنی بر استقبال توأم با تشریفات از وی.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۲	عزیمت دمتری قدریچ جنرال قونسول تبریز به روسیه و مأمور نمودن اینچکوف بجای وی و لزوم مرعی داشتن عزت و احترام لازم از طرف دولت ایران برای وی بر طبق عهدنامه.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۳	نامه خداحافظی جنرال قونسول روسیه به حاجی میرزا آقاسی و اظهار امتنان از التفاهای دولت و شاه ایران.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۴	ورود وزیر مختار جدید «دو حامل» به تبریز و زمان و نحوه ورود وی به تهران جهت استقبال از وی.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۵	ورود وزیر مختار جدید «دو حامل» به تبریز و زمان و نحوه ورود وی به تهران جهت استقبال از وی.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۶	تشریفات و نحوه استقبال از وزیر مختار جدید در منزلگاههای تبریز به تهران.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۷	ورود قریب الوقوع وزیر مختار جدید به تهران و لزوم ارسال اسامی مستقبلین و سایر تدارکات.	س ۱۲۵۴/۴/۲پ
۷۸	تعیین اشخاصی که باید به استقبال وزیر مختار جدید بروند به انتخاب شاه و تعیین میرزا نبی خان، قاسم خان سرتیپ و ...	س ۱۲۵۴/۴/۷پ
۷۹	تفصیل دریافت غرامات (وجه کرور طلب) دولت روسیه تا ۱۷ رمضان ۱۲۵۴.	س ۱۲۵۴/۴/۲۵پ
۸۰	تأکید وزیر مختار روسیه مبنی بر لزوم ایجاد رفاه برای شاهزادگان ایرانی و عدم ایجاد مزاحمت برای آنها و تضمین بر عدم حرکت خلاف از شاهزادگان فراری به روسیه نسبت به ایران.	س ۱۲۵۱/۲/۲۹پ
۸۰	گرفتن تعهد از دولت ایران توسط وزیر مختار روس جهت	س ۱۲۵۱/۲/۲۹پ

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۹۰	تخصیص مزرعه‌ای در روس توسط وزارت خارجه برای بیلاف سفارت روسیه و ترجیح و انتخاب وزیر مختار بر ارغونیه.	۱۸۸	س ۱۲۵۲/ک ۴/پ ۶
۹۱	اهتمام دولت روسیه در آسایش اهالی ایران.	۱۹۰	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۱
۹۲	موضوع املاک آقامیر قنطاق در تبریز و جنرال قونسول روسیه.	۱۹۱	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۱
۹۳	ارسال نوشتجات لرد پالمستون وزیر خارجه انگلیس و نوشتجات اولیای دولت ایران در جواب وی برای وزیر مختار روسیه و اظهار خوشوقتی وی از این شیوه پستیده.	۱۹۳	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۶
۹۴	بد سلوکی بالیوز ایران در ارزنةالروم نسبت به رعایا و تجار روسیه و پیشنهاد تغییر وی و انتصاب آقاحسین تاجریاشی بجای وی و انجام این پیشنهاد توسط محمدشاه.	۱۹۴	س ۱۲۵۲/ک ۴/پ ۴
۹۵	درخواست وزیر خارجه مبنی بر استعانت میرزا جعفر خان مشیرالدوله از طرف سفیر روس در اسلامبول.	۱۹۶	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۱
۹۶	تمایل معادل پانصد و شصت خانوار از ایل شاهسون مشکین ساکن قریاغ [خاک روسیه] جهت مراجعت به وطن اصلی خود ایران درخواست دولت ایران از روسیه مبنی بر عدم ممانعت جهت بازگشت آنها.	۱۹۷	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۱
۹۷	ادعای ملکی آقاسید جمال لنکران در گرجستان و اذعان وزیر مختار روسیه بر عدم هیچ گونه حق آقا سیدجمال نسبت به املاک مورد اشاره بر طبق بررسیهای به عمل آمده.	۱۹۹	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۱
۹۸	عزل مصلحتگزار حاجی ترخان، انتصاب دیگری بجای وی و لزوم استقبال و همراهی کارگزاران دولت روس با وی.	۲۰۰	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۰
۹۹	خوشوقتی دولت روسیه از قرارداد مصفغانه ایران با هراتی‌ها در مورد:	۲۰۲	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۶

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۰۰	گروگان پسران یارمحمد خان و کامران میرزا و ... و لزوم حفظ مملکت خراسان از خرابی شرارت همسایگان.	۲۰۴	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۲۱
۱۰۱	اعطای نشان التفات به ناتور حاجی ترخان به جهت پیشرفتاری نسبت به رعایای دولت ایران.	۲۰۶	س ۱۲۵۵/ک ۴/پ ۱۹
۱۰۲	قصد تنبیه و تسخیر خان خیوق و خیوق از طرف عساکر روسیه و استعلام ایران از وزیر مختار روس در مورد چگونگی وضعیت سرحدات بعد از این امر.	۲۰۸	س ۱۲۵۶/ک ۵/پ ۴
۱۰۳	ضبط و تصرف مالالتجاره تجار ایرانی در حاجی ترخان به بهانه عدم ایرانی بودن اجناس آنها، اعتراض دولت ایران و تقاضای برخورد مطابق عهدنامه از هر دو طرف.	۲۱۰	س ۱۲۵۷/ک ۵/پ ۱۲
۱۰۴	آمدن کشتیهای تجارتهای دولت روسیه به سواحل استرآباد و فرمان محمدشاه مبنی بر موقوف داشتن عبور و مرور این کشتیها در استرآباد از این به بعد.	۲۱۱	س ۱۲۵۷/ک ۵/پ ۱۲
۱۰۵	شراوت ترکمانان در سرحد استرآباد و مازندران و تصمیم به ساختن مأمی در عاشوراده توسط روسها و گزاردن ساحلو در آنجا به بهانه مذکور در فوق.	۲۱۱	س ۱۲۶۴/ک ۵/پ ۶
۱۰۶	اظهار وزیر مختار روسیه دال بر بی‌غرضی دولت روسیه، عدم چشمداشت به خاک ایران، حضور کشتیهای جنگی جهت برقرار امنیت، توجیه پناهندگی به اشراو و غیره...!	۲۱۲	س ۱۲۵۷/ک ۵/پ ۱۲
۱۰۷	درخواست وزیر مختار روسیه مبنی بر تقاضای حمایت از مأمورین دولت روسیه از حکام سواحل مازندران و استرآباد و پاسخ محمدشاه در حاشیه.	۲۱۷	س ۱۲۵۷/ک ۵/پ ۱۲

## اسناد بخش دوم

سند شماره ۱۱

[ نامه وزیرمختار روسیه به محمدشاه\* ]

[ احتمالاً ۱۲۵۰ هـ. ق ]

### عرضه داشت دولتخواه اخلاص کیش

از قرار تقریر مهندس صاحب باستانها دیگر به هیچ وجه ناتمامی ندارند، خندق را هم پر نموده‌اند، اندک ناتمامی که هست در رخنه دیوار است. لهذا وقت است که سرکار اقدس همایون عزم مبارک خود را جزم فرموده، روز و وقت یورش را معین فرمایند که تا آن وقت یقین راه یورش هم گشاده خواهد شد.

چون در عالم دولتخواهی واجب دید جسارت به عرض نمود. ایام سلطنت به کام باد.

[ نقش مهر پشت سند ]: عبدهالراجی غراف ایوان سیمونیچ\*\*

\* ر. کد. آرشیو وزارت امور خارجه، سری اسناد قدیمی، کارتن ۲، پوشه ۱۳، ۹ برگ سند دیگر با همین موضوع موجود است که سیمونیچ به محمدشاه و میرزا آقاسی نوشته است.

\*\* ایوان سیمونیچ در سال ۱۲۲۸ ق به امر امپراطور به وزیر مختاری در ایران تعیین گردید و در سال ۱۲۵۲ (۱۸۳۸) به امر امپراطور از این سمت برکنار گردید. ر. کد. اداو. سیمونیچ، خاطرات وزیر مختار، ترجمه یحیی

آزین پور، (تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۳)، ص ۷.

تبرستان  
www.tabarestan.info

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۰۷	اعزام دو کشتی جنگی به بحر خزر توسط روسیه بنا به درخواست دولت ایران جهت محافظت سواحل و سرحدات استرآباد الی سواحل جنوبی ترکیه.	۲۱۹	س ۱۲۵۷/ک ۵/پ ۱۲
۱۰۸	استعلام سفیر انگلیس در ارتباط با آمدن دو کشتی جنگی به بحر خزر و توضیح وزیر امور خارجه در این ارتباط.	۲۲۱	س ۱۲۵۸/ک ۵/پ ۲۰
۱۰۹	نامه وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی درباره خواهش تاجر روس مینی پر ساختن انبار در کنار بندر استرآباد برای حفظ مال التجاره و تأکید بر این نکته که از این انبار به هیچ وجه جهت آلات حرب و اسباب قورخانه استفاده نخواهد شد.	۲۲۳	س ۱۲۵۸/ک ۵/پ ۲۰
۱۱۰	اختلافات دولت ایران با روسیه در ارتباط با ترکمانان، صید ماهی توسط تاجر روس بدون داشتن مجوز از ایران، اقدامات بی‌رویه دریایی در ارتباط با محیوس ساختن رعایای ایران و ... و ...	۲۲۴	س ۱۲۵۹/ک ۵/پ ۲۴
۱۱۱	دستورالعمل نحوه عملکرد دریاییان و سرحداتاران ایران و روس به ویژه درباره استرآباد و ترکمانان، صادره از طرف روس.	۲۲۸	س ۱۲۵۹/ک ۵/پ ۲۴
۱۱۲	اعتراض دولت ایران به وزیر مختار روسیه در باب بنای عمارات از چوب و تخته در عاشوراده توسط بحرین روسیه.	۲۳۳	س ۱۲۶۱/ک ۵/پ ۳۵
۱۱۳	نگرانی دولت ایران از وجود کشتیهای جنگی در سواحل استرآباد و تأکید وزیر مختار روسیه بر فصل هشتم عهدنامه ترکمانچای و سایر امور در این رابطه.	۲۳۴	س ۱۲۶۲/ک ۵/پ ۴۱
۱۱۴	مسائل مربوط به ساختن بیمار خانه در کنار دریا توسط روسها و نگرانی محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی در این رابطه.	۲۳۹	س ۱۲۶۳/ک ۶/پ ۱
۱۱۵	اصرار بر ساختن بیمارخانه در کنار دریا و ساحل استرآباد از طرف روسیه و اظهار بر بی‌موردی نگرانی حاجی میرزا آقاسی در این رابطه.	۲۴۰	س ۱۲۶۳/ک ۶/پ ۱

[ دستخط محمدشاه در حاشیه ]: جناب حاجی جواب وزیرمختار را بنویسید، فردا سربازها را می‌خواهیم، رخنه هم ان‌شاءالله باز<sup>۱۰۰</sup> می‌شود، پس فردا پورش ببرید ان‌شاءالله تعالی، اما بگویید که چهار توپ‌انداز پیش روی کلبعلی خان راه باز کند ان‌شاءالله.

[ یادداشت احتمالاً حاجی میرزا آقاسی در ارتباط با نامه بالا به سیمونیچ ]:  
عالی‌جاها، رفیع جایگاهها، مجددت و نجدت همراها، دوست مکرما، مهربانا حسب الامر سرکار قبله عالم فردا صبح مهندس صاحب را روانه باستیان خواهد نمود که خندق را مشاهده نماید و خدمات را به تقدم رساند.  
زیاده چه زحمت دهد.

سند شماره ۱۲

[ نامه وزیرمختار انگلیس در مورد سبقت ایران با روس  
در جنگ با یکدیگر در رابطه با عهدنامه بین ایران و انگلیس ]

[ ۱۲۵۰ ه. ق ]

جناب جلالت نصابا، مخلصان استظهرا دوستان اعتضادا، ملاذا

مراسله آن جناب رسید، این که نگارش فرموده بودند که مخلص یکی از ایلچیان مختار بود از برای منعقد ساختن عهدنامه<sup>۱۰۰</sup> مبارکه فیما بین دولتین علیتین و در خصوص مبلغ دوست هزارتومان که در فصل سپیم عهدنامه قید شده بود، مخلص سعی نماید که برسانند، سبب آن که در سال آخر که نزاع فیما بین دولتین علیتین ایران و روس واقع شد، سبقت از جانب سپاه روس بود. جواب مخلص این است که چون حال چند سال است که آن نزاع بر پا شده بود و مدتی هم از آن مقدمه گذشته است و در ابتدای آن جنگ امنای دولت قاهره ایران خواهش آن دوست هزارتومان را از اولیای دولت بهیه انگلیس<sup>۱۰۱</sup> فرمودند و امنای دولت بهیه انگلیس هر قدر تفحص<sup>۱۰۲</sup> و جستجو کردند و به دقت ملاحظه و مشاهده نمودند که ادعای مبلغ مزبور به حق بر ایشان مشخص شود و ثابت

<sup>۱۰۰</sup> مقصود عهدنامه‌ای است که دول ایران و انگلیس در ۲۵ نوامبر سال ۱۸۱۴ مطابق ۱۲ ذیحجه ۱۲۲۹

ه. ق منعقد نمودند که مستر موریر و مستر هنری الیس نمایندگان دولت انگلیس بودند. ر.ک. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، تهران، اقبال، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۳.

<sup>۱۰۱</sup> اصل: انگریز

<sup>۱۰۲</sup> اصل: تفحص



گردد، مشخص نشد، و منظور امنای دولت بهیه انگلیس آن بود که شرایط عهدنامه مبارکه فیما بین دولتین قوی متین را بجای آورند و موافق قرارداد فیما بین، معمول دارند که هر آینه حسن عهد ایشان به ظهور رسد و در هر باب پاسداری ممالک ایران را منظور داشته باشند.<sup>۵۰</sup>

لهذا مخلص در این گفتگو معذور است و یقین است که آن جناب از راه الطاف این عذر مخلص را خواهند پذیرفت...<sup>۵۱</sup>. مخلص را معاف خواهند داشت و این عذر مخلص را خلاف عزت و احترام تصور نخواهند فرمود. زیاده چه مصدع گردد. ایام الطاف مستدام باد.

[سجع مهر پشت سند]: ایلچی بزرگ و مخصوص و مشورت

خاص پادشاهی مستر الیس<sup>۵۲</sup>

[متن پشت سند]: در خدمت جناب فخامت و مناعت انتساب، مخلصان استظهاری

وزیر دول خارجه، شرف افتتاح گردد.

۵۰ اصل: داشتند.

۵۱ چند کلمه افتادگی در سند هنگام تصویر برداری روی داده است.

۵۲ سر هنری الیس Sir Henry Eliss عضو هیأت همراه سرجان ملکم در سال ۱۸۱۰م (۱۲۲۹.ه.ق) و همکاری با اوژلی و موریه در ایران (۱۸۱۲). وی در سال ۱۸۳۵م (۱۲۵۰.ق) به سمت سفیر منصوب و همراه هیأت ویژه‌ای برای اظهار تسلیت فوت فتحعلی‌شاه و تبریک جلوس محمدشاه وارد تهران شد و در سال ۱۸۳۶ به انگلستان بازگشت. ر.ک. لویی رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)، ص ۲۹.

سند شماره ۱۳

[نامه سفیر یا وزیرمختار انگلیس در مورد جنگ ایران

و روس و تعیین متجاوز]

[حدود ۱۲۵۰ ه.ق]

مخلصان استظهارا، محبان اعتضادا مشفقاً

نظر به قانون و قواعد کلی هر وقت از اوقات بنای دوستی و وفاق و بنیاد یک جهتی و اتفاق فیما بین حضرتین ذی شوکتین و امانا و اولیای دولتین علیتین استقرار و استحکام پذیرفت، بر کارگزاران دو دولت ابدآیت و امانا و اولیای دو شوکت جاوید مدت، واجب و لازم است، که لازمه مساعی و اهتمام در تشیید و توطید قواعد دوستی و مواحدت و تاسیس اساس یک جهتی و موافقت دولتین<sup>۵۰</sup> علیتین مرعی و معمول دارند، تا منافع این دوستی و مؤالفت و فواید این یک جهتی و مواحدت به عموم تبعه دو دولت و اهالی و متسبان دو مملکت واصل و عاید گردد. خصوصاً بواسطه آمد و شد تجار و ارباب معاملات که باعث معموری و آبادانی مملکتین و موجب رفاه و آسایش رعایای دولتین قویمتین می‌باشد.

فرض از ترتیب این مقدمه آن است که سی سال متجاوز است که دولتین بهتین ایران و انگلیس در حکم دولت واحد و متابعان و متسبان و رعایای این دو دولت جاوید ارکان را مغایرت و جدایی نیست.

بنابراین چند وقتی است که بعضی از ارباب تجارت و معاملات بنای آمد و شدی

۵۰ اصل: دولتی

گذاشته و ابواب معاملات و تجارت را به دولت بهیه ایران مفتوح و گشاده داشته‌اند، آمد رفتی می‌کنند و اسباب و اجناسی از انگلیس می‌آورند و پاره‌ای متاع و اشیاء از این مملکت می‌برند. در این اوقات مجدداً چند نفر از تجار مملکت انگلیس وارد بنادر و سواحل دولت علیه عثمانی و متاعی که دارند از جهازات پایین آورده، ولیکن چون اطلاع و آگاهی دارند که قرار مشخص در باب مال‌التجاره انگلیس در این دولت بهیه مقرر نشده معطل مانده‌اند که چکار کنند. مدت چند سال قبل از این به توسط عالی‌جاه جلالت همراه مستر الیس و اولیاء و امنای این شوکت سنیه که عهدنامه مبارکه بین الدولتین علیتین انگلیس و ایران انعقاد یافت، در ضمن آن عهدنامه اشاره رفته که از این به بعد، عهدی و فصلی بخصوص امور تجارت انگلیس بین الدولتین علیتین منعقد خواهد گردید. در این روزها نیز از طرف قرین الشرف اعلیحضرت پادشاه ذی‌جاه دولت علیه انگلیس حکم صریح و اختیارنامه کلی به مخلص رسیده که با امنای دولت بهیه ایران گفتگو و قرار درستی در امورات تجارت و معامله انگلیس، در این دولت علیه داده شود که ارباب معاملات در کمال اطمینان و خاطر جمعی آمد و شد نموده باشند.

مستدعی و متوقع است که مراتب را به حضور اعلیحضرت همایون شهریاری عرضه دارند که یک نفر از کارگزاران دولت بهیه ایران را اختیارنامه کلی مرحمت و مأذون و مأمور فرمایند، که با مخلص مکالمه و گفتگو نموده، فصلی منعقد شود که آیندگان و روندگان تجارت دولت علیه انگلیس با اطمینان از عهدنامه آخر که بواسطه آن جناب و مستر موریه در دربار شوکت‌مدار سلطنت جاوید مدت به تاریخ سنه ۱۲۲۹ هجری منعقد شده موافق فصل سیم قرارداد شده است که دو دولت قوی شوکت، از جانبین امداد و کمک به یکدیگر نمایند، به شرطی که دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور این است که از امداد جانبین هر دو دولت قوی و مستحکم گردند و این عهدنامه محض از برای سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته، و مراد از سبقت تجاوز

نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است. و خاک متعلقه به هریک از دولتین ایران و روس از قرار است که به استصواب دولتین ایران و انگلیس و دولت روس بعد از این معین و مشخص گردد. و در فصل چهارم از همان عهدنامه قید شده که وجه امداد الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دوست هزار تومان سالیانه خواهد بود.

نظر به مفاد این دو فصل، چون سبقتی از دولت روس به خاک متعلقه ایران اتفاق افتاده، لازم است که دولت بهیه انگلتره به ملاحظه حسن عهد، از عهده وجه امداد که در این چند سال باقی مانده است برآید، اما دلیل بر این که، تجاوز از جانب دولت روس اتفاق افتاده، این است که جناب جنرال یرملوف در سنه ۱۸۲۵ در شهر مارت<sup>۱</sup> مطابق سنه ۱۲۴۰ عریضه به حضور خاقان مغفور اسکنه الله فی بحبوحه السرور عرض کرد و در آنجا به صراحت اظهار نموده است، که مخلص محض از روی هواخواهی و برای استحکام دوستی و یک‌جهتی به جهت نفع ایران از طرف قراباغ جای خیلی وسیع و معمور و محصولات دهنده را که در میان رود قبان جای که چاوندر نیز می‌گویند و رود کینک جای<sup>۲</sup> واقع است پیشنهاد نمود، و در عوض آن مخلص طلب می‌کرد، قدری جای جزوی را که در نزد گوگچه دنکیز در ولایت ایروان است، و هیچ معموریتی ندارد و این کاغذ خیلی دلالت صریح دارد بر اینکه دولت روس را در کنار گوگچه دنکیز به هیچ وجه موافق عهدنامه گلستان حقی نبوده است.

مع ذلک، قبل از آن که سرحد مابین الدولتین مشخص شود و این تمنای او در این

<sup>۱</sup> مارت

<sup>۲</sup> ر. ک. فاطمه قاضیها، اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان‌چای، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.

دولت مقبول افتد، کنیاز پولکونیک سورشمیزوف را با یک دسته توپخانه و یک فوج سالدات به کنار گوگچه دنکیز فرستاد و در آنجا بنای قلعه‌سازی گذاشت و به هیچ وجه و هیچ سخن دست از تصرف آنجا برنداشت.

دو مرتبه عالی‌جاه امیرالامراء العظام فتحعلی خان بیگلریگی تبریز از جانب ولیعهد مغفور خلد آشیان برای انجام این کار به تفلیس مامور شد. وی نیل مقصود معاودت نمود، صاحب‌الامر میرزاصادق، وقایع نگار برای رفع این غائله مامور تفلیس شد.

جنرال کنیازمنشیکوف به دربار خلافت مدار مشرف شد. از مکاتبات او با یرملوف چیزی که حاصل شد این بود که کنیاز سورشمیزوف ساختن قلعه را موقوف کرد. لیکن قشون خود را از خاک متعلقه فیما بین [ دو ] دولت دور نکرد.

بعد از آن که اولیای دولت علیه یقین کردند که سپاه روسیه [ را ] در این سبقت باز نخواهند داشت. به اقتضای غیرت سلطنت، قشون به خاک روسیه فرستاده‌اند، در این صورت هیچ نسبت سبقتی به اولیای این دولت نمی‌توان داد و سبقت روسیه واضح و روشن است. موافق اذن و اجازت جنرال یرملوف بطرف چمن رفته بود، جنرال ولیمتوف بنای مکالمه و مکاتبه گذاشت. جنرال مشارالیه بالصراحه در ماه غنوار سنه ۱۸۲۶ به او نوشت که طرف شمال شرقی گوگچه دنکیز و نیز هیچ یک از اراضی را که تا حال اروسیه در تصرف داشته است، عالی‌جاه بلند جایگاه سالار و مدبر اعظم جناب جنرال...<sup>۱۰۸</sup> یرملوف بدون رای اهلحضرت و امپراطور اعظم عالم‌پناهی نمی‌تواند که به طرف ایران...<sup>۱۰۹</sup>

مع ذلک باز اولیای دولت قاهره...<sup>۱۱۰</sup> کرد سبقت نمودند و انتظار ورود کنیازمنشیکوف را داشتند.

سند شماره ۱۴

نامه احتمالاً وزیر خارجه ایران به وزیر خارجه روسیه  
با دستخط محمدشاه در حاشیه |

هو

غراف نسلرود

چندی قبل از این، کیفیت ادعای دولت انگلیس را که در باب هرات دارند، و تفصیل مکاتبات جناب مستر مکنتیل<sup>۱۰۸</sup> وزیر مختار آن دولت و جوابهایی که اولیای دولت علیه نوشته بودند با بعضی ملحقات دیگر به خدمت جناب سامی نوشته به توسط جنرال قونسول سابق فرستادم، چون جناب سامی را خیرخواه دولت علیه می‌دانم و مکرر این معنی را خود از لفظ جناب عالی شنیده و آثار آن را در خارج مشاهده کرده‌ام، امیدوارم که همه آن مطالب را به دقت ملاحظه فرموده، ساعتی چند اوقات شریف را در این کار که دو جهتین است و نفع و ضررش متعلق به دولتین، صرف نموده باشند.

دیگر در خدمت آن جناب که دانای رموز هر دولت است بیان نکته این تعلق نوعی از جسارت می‌نماید. نظر براین که بعد از فرستادن آن مکاتبات، بعضی امورات دیگر اتفاق افتاد، لازم آمد که از رفتار دولت انگلیس و کردار این دولت علیه، آن جناب را آگاهی دهد و از رای زرین و فکر گزینش مدد خواهی نماید. جناب مستر مکنتیل بعد از آن که در

۱۰۸ Sir John Mc Neill جان مک نیل پزشک و جراح انگلیسی، وی در سالهای ۱۸۱۰، ۱۸۲۱ و ۱۸۲۴ مأموریتهایی در ایران داشته و در سال ۱۸۳۵ (۱۲۵۰) به عنوان دبیر سفارت مأمور عرض تبریک جلوس محمدشاه گردید و در سال ۱۸۳۶ هم ردیف وزیر مختار و در بیست و پنجم ماه مه ۱۸۳۶ به سمت وزیر سختر منصوب گشت. (ر.ک. رابینو، همان، ص ۱۰۸).

داخل و خارج هرات بقدری که می‌توانست به هراتی امداد کرد و در کار ما افساد نمود، و به آن تفصیل جواب و سوال که به نظر شریف رسیده با اولیای این دولت علیه کرد، به طریق قهر از اردوی شاهنشاهی برگشت و در اثنای راه از منزلی که به شاهرود موسوم است مستر استادرت نام، صاحب منصب سفارت را، به اردوی همایون شاهنشاهی فرستاده، اعلام کرد که سفاین جنگی به بحر فارس آمده و در بعضی از جزایر آنجا قرار گرفته‌اند. اگر پادشاه از تسخیر هرات دست برندارند، ما بدون ملاحظه معاهده، با شما مخاصمه خواهیم کرد.

بعد از و ورود به تبریز عریضه دیگر به حضور مهر ظهور شاهنشاهی ارسال نمود. خلاصه مضمون این که من از جانب دولت خود مأمور شدم که عرض نمایم که مقصود ما از دوستی با دولت ایران این بود که این دولت از برای حفظ هندوستان سدی سدید باشد اکنون برخلاف آن پادشاه ممالک ایران مملکتی را که مابین ایران و هندوستان واقع است و نیز سدی است محکم برای حفظ دولت انگلیس می‌خواهند خراب نمایند و در این امر واضح و آشکار خود را با یکی از دولتهای فرنگ مشفق کرده است، تا پاره‌ای منظورات و مقصودات که اظهر من الشمس است به عمل آورند، و چون این عرض، ضد مقاصد عهدنامه است، دولت انگلیس خود را مأذون و مختار می‌داند که بدون این که ملاحظه معاهده نماید، آنچه در صلاح اندیشی کار و محافظت مملکت خود دارد به عمل آورد.

دوستدار سواد این دو نوشته را برای مزید استحضار جناب عالی ارسال نمود. اعلیحضرت شاهنشاهی به ملاحظه این اوضاع مصلحت در معاودت دانسته، بعد از آن که هفده ماه شصت هزار لشکر را خرج داده خسارت جنگ کشیدند و کابل و قندهار و کل افغانستان را جز چهار دیوار هرات به اطاعت در آوردند، و کامران میرزا و معتمدان هرگونه تکلیف و خدمت را متقبل شدند، بی‌نیل مقصود تشریف فرمای مقرر خلافت

گردیدند تا درد کار را به دولت بهیه روسیه حالی نمایند و در صدد چاره‌جویی برآیند. آن جناب به دیده انصاف ملاحظه فرمایند که در دنیا هیچ ظلمی و ستمی بالاتر از این می‌شود که پادشاه صاحب شوکتی را که به هیچ وجه من‌الوجه هیچ عهدی را از عهد نقضی نرفته باشد. در اثنایی که بعد از چندین زحمت و خسارت بر مملکت یاغی خود که همواره مشغول قتل و اسر و نهب ولایات خراسان و سیستان بوده و در هیچ وقت هیچ عهدی را مراعات ننموده است و اسرای این دو ولایت را در خیوه و بخارا به فروش رسانده است مسلط شده باشد، به خلاف عهدنامه از حصول مطلوب بازدارند و به این روشنی و آشکاری عهدشکنی و بی‌اعتباری ظاهر سازند.

اعتقاد و اعتماد ما به عدالت و مروت دولت بهیه روسیه بیش از این است که این ظلم علاینه را که به یک لحاظ به سبب دوستی آنها به ما رسیده چنانکه در کاغذ مکتبل واضح است معاینه و ملاحظه نمایند و همسایه خود را در میان این آتش سوزان ببینند و سکوت اختیار کنند، و تفاوتی به احوال ایشان نکنند.

شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه به امیدواری حمایت و اعانت اعلیحضرت امپراطور اعظم، به عهده دوستدار مقرر فرمودند که گزارش را علی‌ماه‌وحقه به خدمت جناب سامی قلمی داشته مصحوب محمد صالح خان چاپار خاصه ارسال دارد و از اوضاع الحاله آن جانب را آگاهی دهد، که چون امر ما با دولت انگلیس نگذشته بود، سردار قندهار را با جمعیت خود در فراه گذاشتیم و در غوریان [که] قدیماً از هرات موضوع بوده، دو هزار جمعیت با چهار عراده توپ جا دادیم، که هراتی را فراغت کلی نباشد تا امر ما با انگلیس بگذرد و امر ما با انگلیس بی‌اعانت دولت بهیه روسیه و دستورالعمل ایشان نمی‌گذرد.

لهذا از آن جناب شوکت مآب توقع می‌کند که رضای حق و طریقه انصاف را که عادت قدیم ایشان است در این باره نیز ملاحظه فرموده و قراری بدهند که دولت انگلیس از

عهدنامه خود تجاوز نکرده، بر عهد خود پایدار باشد و اگر از ما هم خلاف قاعده نسبت به آنها سر زده باشد و جناب شما تصدیق نمایند که خلاف است، هر طور قانون اقتضا می‌کند در صدد چاره‌جویی برآییم.

معلوم است که مبنای کار دولت و اعتماد و اطمینان ایشان از یکدیگر منوط به عهد و پیمانی است که باهم مربوط می‌کنند و اسم آن را عهدنامه می‌گذارند.

در صورتی که نگاهداشتن و برهم زدن عهدنامه موقوف به صرفه و عدم صرفه احد طرفی باشد، این اطمینان و اعتماد بالمره از میان دولتها رفع خواهد شد، و ضرر آن امروز به ما و فردا به شما عاید خواهد شد، بلکه در حقیقت امروز هم به شما خواهد رسید، چرا که تا ما را با شما متحد ندیدند مرتکب نقض عهد نشدند.

امید کامل حاصل است که آن جناب در صدد چاره این امر برآمده عنقریب ما را مستحضر نمایند.

[ دستخط محمد شاه در حاشیه ]: خیلی صحیح و حرف درست [ است ].

### سند شماره ۱۵

[ ۱۲۵۰ هـ. ق ]\*

سواد کاغذی که بنده به جناب وزیر مختار روس نوشته

جناب جلالت و نبالت مآب،

فخامت و شہامت انتسابا، مخلصان استظهارا، اعتضادا، مکرمات

حسب الامر قدر قدر، اقدس اعلی حضرت شاهنشاه جم جاه روحی و روح العالمین فداه زحمت افزا می‌گردد، که استدعائی که جناب سامی در باب نشانهای پنج نفر قزاق<sup>۱</sup> و یک نفر سرباز و هفت نفر اهل نظام از مراحم علیه شاهنشاهی کرده بود به عز قبول مقرون فرموده، امر و مقرر فرمودند، و ملفوفه فرمان همایون به افتخار مقرب الخاقان محمد باقرخان بیگلریگی عز صدور یافت، که در دارالخلافت از قرار تفصیل نشان مرحمت شود.

دیگر این روزها که آدم جناب جلالت مآب وزیر مختار انگلیس با یک نفر آدم هراتی، علی محمد نام که به هرات فرستاده بودند در راه گرفته به اردوی معلی آوردند و آدم جناب معزی الیه را با تعارفات افاغنه و مکاتیب آنها که به جناب معزی الیه فرستاده و نوشته بودند روانه دارالخلافت کرده و افغان را اینجا نگاه داشتند. جناب معزی الیه در این باب عریضه به خاک پای اقدس شاهنشاهی نوشته و مراسله هم به مخلص نوشته بودند.

\* این تاریخ تقریبی است و از شماره سند اخذ شده ممکن است تاریخ سند بعد از ۱۲۵۰ باشد.

\*\* اصل: قزاق

بعد از آن که عریضه به حضور مهر ظهور شاهنشاهی شرفیاب شد، امر و مقرر فرمودند که به این طور در جواب مخلص در کاغذ خود بنویسید که موافق عهدنامه مقرر، ایام جنگ و جدال گماشتگان دولت بهیه انگلیس<sup>۱۰</sup> باید به هیچ وجه من الوجوه رجوع نداشته باشند، هنگام ورود به تربت شیخ جام مسموع آمد که جناب معزی الیه مرآده با اهالی هرات دارند، مقارن این حال علی خان بادلانلو در راه دیده که چند نفری رو به مشهد مقدس می‌روند، بعد از استفسار معنی شده بود، که یک نفر آدم جناب وزیر مختار انگلیس با یک نفر آدم هراتی علی محمد نام از افغان و از هرات می‌آیند. گفته‌اند که این اوقات که بنای جنگ و جدال است، این مرآده باعث تقویت و بدهوایی آنها می‌شود. با وجود این که در عهدنامه مقرر لفظ به هیچ وجه من الوجوه مسطور آمده، این هم یک وجهی است از وجوه، و چنان که از محتوای<sup>۱۱</sup> سوادهای نامه آنها مشهود می‌شد، که کلمات لسانی و حرفهای زبانی هم علاوه بر مسظورات داشته است، آنها را همراه به اردوی معلی آورده بود، در حضور جمعی کاغذها را دست زده بود، به آدم جناب معزی الیه نموده، خودش را با آنها روانه ساختند، علی محمد که رعیت ایران و سلسله جنبان این مقالات بود، نگاه داشتند که به جایی فرار نکنند، با جناب معزی الیه ملاقات شود که این وقتها هنگام مرآده و تقویت آنها نبود، چرا علی محمد راهنمایی قلعه بندی و سایر تعهدات به آنها نموده، باعث بر جسارت آنها گشته است، و این همه خرابی از اینها به ممالک محروسه می‌رسد. دیگر در حوالی و حواشی اسیری نمائنده که به بیع و شری نیامده باشد و ملکی نمائنده که محروسه نشده باشد.

باری از روزی که امنای دولت علیه ایران دست از دوستی بعضی دول کشیده و کسان

۱۰ اصل: انگریز

۱۱ اصل: محطاری

دولت فرانسه را از ایران راه انداخته با دولت بهیه انگلیس به مقام یک جهتی و اتحاد آمده‌اند، هیچ خلافی از امنای دولت علیه نسبت به امنای دولت بهیه انگلیس سر نزده. در عالم اتحاد دولتین و یک جهتیا که سالهای سال فیما بین بوده و این توقعات را از آن جناب داشت که مثل علی محمد بی سرو پا را نزد افغانه خود سر بفرستند خلاف قاعده به عمل نیامده و زحمتی به کسان جناب معزی الیه نرسیده. می‌باید آن جناب سعی در تنبیه و اگر شمالی امثال علی محمد نمایند، نه این که شکوه و شکایت قلمی دارند.

این که نوشته بودید که عنوان کاغذ ما مفتوح آمده، اگر احدی در حضور امنای دولت دست به کاغذها زده باشد، یا عنوان آنها را خوانده باشد، خلاف قاعده خواهد بود به حقیقت برسد و از عالی‌جاه استادرت صاحب استفسار نمایم تا حقیقت مکشوف [شود]؛ لابد، که هیچ وقت به هیچ وجه من الوجوه رفتار خلاف قانون و عهدنامه مقرر از امنای دولت علیه به عمل نیامده و احدی نسبت به کسان جناب معزی الیه بی حرمتی نکرده و زیاد و کمی حرف نزده. اگرچه جناب معزی الیه در عریضه شکوه و شکایت بسیار کرده بود، اما حقیقت امر این است که به آدم جناب معزی الیه هرگز بی حرمتی نشده و نخواهد شد. اهل یورپا همه محترمند تا خلافی دیده شود.

اما سلاطین ایران همیشه ما خاطر داریم و در تاریخ ثبت است به رعیت ایران مقتدرند، همچنان که به جانشان و مالشان، عرضشان و ناموسشان، به املاکشان و اموالشان همچنان که بی تقصیر هم اگر هزار نفر حکم به قتل کنند، کسی را حد آن نیست که از [۱۱] ایشان دلیل پرسد.

اگر چه به حمدالله شاهنشاه جم‌جاه روحی و روح العالمین فداه همیشه موافق عدل رفتار فرموده، بلکه در اکثر تقصیرها عفو و گذشت فرموده‌اند، اما به جناب معزی الیه نمی‌رسد که اگر اعلیحضرت شاهنشاهی از رعیت ایران بی تقصیر هم بکشند دلیل نپرسد. علی محمدها امثال این همه رعیت ایرانند، بلی، اگر از انگلیسیها بی جهت بی

حرمتی شینده شود آن وقت جناب معزی الیه، گله کنند، قهر نمایند، جا دارد. اگر آدم جناب معزی الیه مطلب مخفی نداشت، چرا وقت روانه کردن به حضور مهر ظهور اقدس شاهنشاهی عرض نکردند و چرا در وقت مراجعت از اردوی جهان‌آرا و اول، انکار آمدن از هرات کردند.

در باب نقل عالی‌جاه مقرب الخاقان حاجی‌خان امیربهادر جنگ، نیز به مخلص نوشته و در باب همان آدم گله و شکایت بسیار کرده بودند، فرمایش شاهانه این طور شد، حقیقت این است که عالی‌جاه استادرت صاحب در مجلس جناب جلالت مآب حاجی ادام‌الہ‌القائد که لایق شأن هیچ صاحب مجلس نبود بی جهت به عالی‌جاه امیربهادر جنگ فحش مستهجن گفت، به این تفصیل که صورت آن [را] در جوف مراسلہ الاتحاد فرستاد. باوجودی که به جناب حاجی سلمہ‌اللہ تعالی می‌رسد که بفرمایید در مجلس من لایق نیست، که بی جهت فحش مستهجن بگویند، سکوت اختیار فرمودند که مایه گله و شکوه جناب معزی الیه شود. بعد خود عالی‌جاه استادرت صاحب از عالی‌جاه امیربهادر جنگ به این تفصیل که ملاحظه خواهید کرد عذر خواست، اگر ملاحظه منصب و نشان بود می‌بایست از عالی‌جاه استادرت صاحب این گونه کلمات در چنین مجلس سر بزند، وانگهی به مثل امیربهادر جنگ که صاحب چندین نشانها و حمایل است و هیچ خبری از جایی نداشته و هیچ اطلاع از کاری.

باری جناب سامی نیز به حقیقت رسید که غیر از این نبوده، جناب معزی الیه را لازم است که در عالم اتحاد دولتین و نهایت دوستی فیما بین از این نقلها گذشت بفرمایند و تنبیه بلیغ به کسان خود نمایند، نه اینکه قلمی دارند که باید حاجی را معزول و حاجی خان را تنبیه نمایند.

جناب حاجی سلمہ‌اللہ تعالی و ابقاه بعد از ملاحظه نوشته جناب معزی الیه تبسمی رو داده فرمودند که مرا تا حال منصبی نیست که معزول شوم و تقصیری نیست که مورد

تنبیه آیم، اما اگر جناب معزی الیه طریق انصاف پوید، از بابت مناصب که به حقیقت امری رسیده زود متغیر می‌شوند و در نوشتجات این گونه کلمات می‌نویسند که به دست کسان دول فرنگ رسیده و خواهد رسید، بعد از ظهور حقیقت و اکتشاف مطلب چه جواب خواهند داد.

مخلص این همه زحمات که حسب الامر قدر قدر شاهانه علی محمد را که خواسته بودند نگاه دارند مرخص فرموده روانه کردند، به آن جناب داد. منظور این است که جناب سامی از عالی‌جاه قود صاحب در این باب شهادت طلبیده و همه اینها را علی‌التفصیل به جناب جلالت مآب غراف نسلرود بنویسند و کیفیات را به تمامها حالی نمایند که ایشان ایلچی و دولت بهیه انگلیس که مقیم پترزبورغ که در این باب گفتگو نمایند که در این باب ما چه حق داریم و چرا جناب جلالت نصاب مستر مکتیل خلاف شرایط عهدنامه مقرر و قوانین دوستی نمایند. معلوم است که جناب سامی در عالم دوستی و اتحاد دولتین معمول خواهند فرمود. زیاده چه زحمت دهد. همه روزه منتظر فرمایشات و ابلاغ خبر هستم.

## سند شماره ۱۶

## [ نامه سیمونیچ وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران ]

[ ۱۴ . ۱۲۵۱ شعبان ]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

شهامت و مناعت اکتسابا، مجدت و عظمت دستگاہا، دوستان استظہارا

میناس خان گرجی، مبلغ شش هزار تومان رایج دیوان، از عالی جاہ آقاخان محلاتی صاحب طلب بوده و مدتہا در ادای طلب او تامل و اہمال کردہ. بالاخرہ<sup>۳</sup>، بہ اہتمام و توسط دوستدار و حسب الائماس چندی از معتمدین وجہ مزبور را بہ مبلغ دوهزار و پانصد تومان مصالحہ و آقاخان مشارالیہ تمسک علی حدّہ بہ او دادہ است، کہ در انقضای وعدہ مقررہ، تنخواہ را در این ولاکارسازی نماید.

چون این امر بہ توسط دوستدار بہ انجام رسیدہ است و مدتہا در عقدہ تاخیر و تعویق بود و تا آخر موعّد زیادہ از دو ماہ نماندہ است. لہذا از آن دوست گرامی توقع دارم کہ میزرا حسین آدم و معتمد مدیون مشارالیہ را کہ در اینجاست بطلبند و برای اتمام حجّت اعلام و اخبار نمایند، کہ وعدہ ادای طلب مزبور نزدیک است. باید لامحالہ قراری گذارند، کہ بدون تخلف از وعدہ وجہ مزبور را دادہ و موجود سازند، کہ بعد از حلول وعدہ، عذر دیگر مسموع نخواہد شد.

امید دارم کہ تأکید بلیغ در این خصوص بہ عمل آورند کہ دیگر در سر موعّد مرارتی حاصل نشود.

باقی ایام دوستی و اتحاد برقرار باد

تحریراً فی ۱۴ شہر شعبان سنہ ۱۲۵۱

[ سجع مهر پشت سند ] : غراف ایوان سیمونیچ، وزیر مختار

دولت بہیہ روسیہ

[ متن پشت سند ] : صحیفۃ المصافات را عالی جاہ رفیع جایگاہ، مجدت و مناعت

ہمراہ، شوکت و خلافت دستگاہ، دوستان استظہاری، میرزا

مسعود وزیر امور دول خارجه [ ملاحظہ فرمایند ]

## سند شماره ۱۷

## [ نامه سیمونیچ وزیر مختار روسیه به وزیر امور خارجه ]

[ ۱۴ رمضان ۱۲۵۱ ]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

مجدت و مناعت ہمراہا، شوکت و جلالت دستگاہا، دوستان استظہارا، مکرم

اوقاتی کہ دوستدار در آذربایجان و جناب جلالت نصاب، مقرب الخاقان امیرکبیر سپاہ نظام در آنجا کارگزار عمدہ بود، در تمامی امورات سرّیہ ملکّیہ و مهمات سرحدیہ و تجارتی آن جناب ایشان تنها [ بہ ] دوستدار رجوع می کرد. حالا ہرچند محب در



امورات سرّیه ملکّیه و سرحدیه به اقتضای شغل آن دوست مکرم با شما تکابّت و سر [ و ] کار دارد، لکن هنوز به دوستدار پوشیده و نامعلوم است که آیا در امورات اتفاقیّه تجارّتی هم باید به سرکار آن دوست محترم رجوع کرد یا نه؟ لهذا مراتب را اظهار کرده، توقع دارم که در این خصوص به عرض واقفان حضور باهرالنور اقدس شهریارِ رسانیده قراری گذاشته، محبّ را از کیفیت آن مستحضر سازند، تا از آن قرار معمول دارد. واجب بود اظهار شد. باقی ایام دوستی و موافقت برقرار باد.

تحریراً فی ۱۴ شهر رمضان سنه ۱۲۵۱.

[ سجع مهر پشت سند ] : غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت بهیّه روسیه

[ متن پشت سند ] : عالی جاه رفیع جایگاه، مجدّت و مناعت اکتناه، شوکت و جلالت انتباه، دوستان استظهاری، میرزا مسعود وزیر امور دول خارجه مفتوح فرمایند.

سند شماره ۱۸

[ نامه سیمونیچ وزیر مختار روسیه به میرزا مسعود

وزیر دول خارجه ]

[ ۲۲ رمضان ۱۲۵۱ ]

عالی جاها، رفیع جایگاه، ابهت و مناعت اکتسابا، دوستان استظهاری، مکرم

نظر بر این که در خصوص پاره [ ای ] رودخانه‌های صید ماهی، میانۀ بوطالب خان تاجر حاجی ترخانی و قراسیمف ارمنی، منازعه واقع است، و برای تشخیص حقیقت، هر کدام از آنها لازم است که دو فقره از دولت علیه ایران استعلام و استفسار شود. اولاً آیا گمش‌تپه و محل موسوم به حسینقلی از سواحل<sup>۱</sup> دریای استرآبادند که در اجاره میر ابوطالب خان است، یا این که مکانهای مزبور دخلی به دریای استرآباد ندارند و علی‌حده‌اند و آیا مسافت جایهای مرقومه از رودخانه سرحد استرآباد چقدر می‌شود؟ و ثانیاً از جماعت حسینقلی و گمش‌تپه آیا حق دارند که بدون شراکت دولت ایران از رودخانه اترک ابتدا کرده تا گمش‌تپه به رودخانه خواجه نفس و قراسینقیز الی رودخانه قراسو دخل و تصرف داشته باشند یا نه؟ چگونگی را توقع دارم که به دوستدار قلمی و معلوم نمایند تا حقیقت امر محقق و مشخص گردد. زیاده چه زحمت دهد.

تحریراً فی ۲۲ شهر رمضان سنه ۱۲۵۱

[ سجع مهر پشت سند ] : غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت بهیّه روسیه

[ متن دستخط پشت سند ]: عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجددت و مناعت اکتنا، شوکت و جلالت انتباه، دوستان استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه مفتوح فرمایند.

## سند شماره ۱۹

## [ نامه وزیرمختار روسیه به وزیر دول خارجه ]

[ ۳ ذیقعدہ ۱۲۵۱ ]

عالی‌جاها، رفیع جایگاه، شہامت و جلالت اکتسابا، دوستان استظهارا، اعضادا، در باب دو هزار و پانصد تومان طلب کنیاز رخاتوف از عالی‌جاه آقاخان محلاتی که دوستدار پیش‌تر به آن مشفق‌گرامی زحمت داده بود که وعده تمسک او نزدیک است، به آدم و وکیل او که در این ولایت سفارش و تاکید فرمایند که تنخواه مزبور را پیش از وقت سرانجام نماید که در سر وعده بلاعذر کارسازی شود. آن دوست مکرم هم حسب الخواہش محب معمول داشته بودند.

حالا وعده تمسک مزبور متقاضی شده، هنوز طلب او را نداده‌اند. لہذا، توقع دارم که کیفیت را به جناب جلالت مآب دوستان استظهاری، مشفق‌گرامی حاجی سلمہ اللہ \* حالی کرده، قراری گذارند که حکمی از طرف جناب معظم الیہ به عالی‌جاه سپہدار،

مرفوم و تاکید نمایند که طلب مشارالیه را به هر قسمی که ممکن است و هر وضعی که باشد به حیطه وصول آورد، که طلب مشارالیه پیش از این در عقدہ تاخیر و تعویق نماند. و محصلی هم از طرف آن دوست‌گرامی لازم است که به اتفاق آدم دوستدار رفته این امر را بصورت و انجام و اتمام دهند.

امیدوارم که تاکید بلیغ در حکم مزبور نمایند که سپہدار معزی‌الیہ اہمال و خودداری در وصول و ایصال آن ننمایند. زیادہ چه زحمت دهد.

تحریراً فی ۳ شہر ذی قعدۃ الحرام سنہ ۱۲۵۱  
[ سجع مهر پشت سند ]: غراف ایوان سیمونچ  
وزیر مختار دولت بھیه روسیہ

[ متن دستخط پشت سند ]: عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجددت و نجدت ہمراہ، دوستان استظهاری میرزا مسعود وزیر امور دول خارجه مفتوح فرمایند.

سند شماره ۲۰

نامه به وزیر مختار روسیه و درخواست مهلت بیشتر  
برای پرداخت آخرین کرور |

[ ذیحجه ۱۲۵۱ ]

منظور نظر عدالت گستر اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه. ایدالله جیشه و ابدعیشه، این بود که در اول ماه محرم سنه ۱۲۵۲ که موعد ادای یک کرور باقی وجه مصالحه بود. همگی وجه را تسلیم اولیای دولت بیه روسیه نمایند. چون در سال گذشته که اول جلوس ابد مانوس شاهنشاهی بود، مداخل ممالک محروسه به مخارج لازمه سلطنت مصروف گردید، لهذا امر و مقرر فرموده‌اند که در اول وعده یکصد و بیست و پنج هزار تومان از مبلغ یک کرور باقی به آن جناب تسلیم شود و از برای باقی آن در عالم دوستی و یگانگی، از دولت سنی روسیه توقع دوستانه می‌شود، که هجده ماه مهلت بدهند. به این معنی که در آخر شش ماه اول یکصد و بیست و پنج هزار تومان دیگر کارسازی شود و در آخر شش ماه دوم یکصد و بیست و پنج هزار تومان و در آخر شش ماه سیم یکصد و بیست و پنج هزار تومان.

چون اعلیحضرت شاهنشاهی دولتین را متحد می‌دانند، شک و شبهه ندارند که اعلیحضرت امپراطور اعظم از راه محبت و یگانگی خواهش دوستانه اعلیحضرت شاهنشاهی را قبول می‌فرمایند و آن جناب که خیرخواه هر دو دولت می‌باشند انجام این خدمت را بر عهده آن جناب وامی‌گذارند که با دوستدار قرار درست و مستحکم بدهند. زیاده چه تصدیع دهد.

تحریراً فی شهر ذیحجه سنه ۱۲۵۱

سند شماره ۲۱

نامه ای به وزیر مختار روسیه |

[ ذیحجه ۱۲۵۱ ]

جناب جلالت نصاباً محبان استظهارا، دوستان اعتضادا

رقعه جناب سامی که در بیست و چهارم شهر ذی‌الحجه قلمی و ارسال داشته بودید رسید، و از فاتحه تا خاتمه در خدمت سپهر بسطت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه ایدالله جیشه و ابد عیشه معروض افتاد و معلوم رأی آفتاب ضیای شاهانه گردید، که آن جناب با اختیار کلی از جانب دولت سنی خود تکلیفی که موافق تفصیل مراسله پیش، در باب قرار دادن کرور آخرین، از جانب سنی الجوانب شاهانه به آن جناب شده بود قبول کرده‌اند. چون دلیل بر کمال دولت خواهی و اصلاح اندیشی آن جناب در تزیاید اسباب مواحدت بین الدولتین علیتین بود، موجب مزید حسن اعتقاد و اعتماد ملوکانه نسبت به آن جناب گردید و بر مراتب الثقات خاطر اقدس درباره آن جناب افزود. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۱۹ شهر ذی‌الحجه سنه ۱۲۵۱

سند شماره ۲۲

[نامه‌ای به وزیر مختار روسیه]

[۱۲ ذیحجه ۱۲۵۱]

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً، عالی مقاماً

اگر چه در عهدنامه مبارکه ترکمان‌چای بخصوص معاوضه و مبادیه املاک تبعه جانین که در دو جانب رود ارس واقع است، موعده سه ساله مقرر شده و املاک حسین خان<sup>۱</sup> و حسن خان<sup>۲</sup> و کریم خان را مستثنی نموده‌اند و این موعده، الحال، منقضی شده و جای گفتگو نیست.

لکن، چون یکی از صبایای خاقان مغفور، اسکنه‌الله تعالی فی دارالسرور در حباله نکاح عالی‌جاه مهدی قلی‌خان پسر مرحوم حسین خان است و آن مرحوم بدین موجب دهات که در ایروان واقع است عوض مهر کوچ فرزند خود داده است و از ملکیت او بیرون رفته و در این مدت کوچ، فرزند مشارالیه از این قرارداد آگاهی نداشته، لهذا دوستدار از آن جناب توقع دارد، که سواد قبایله را که در این ضمن فرستاده شد، به اولیای دولت امپراطوری عرض و استدعا نمایند که املاک مزبوره را به صاحب ملک ببخشند. زیاده چه تصدیع دهد،

تحریراً فی ۱۲ شهر ذی الحجه سنه ۱۲۵۱

\* منظور حسین خان سردار ایروانی است

\*\* منظور حسن خان سردار ایروانی است

سند شماره ۲۳

[پاسخ دولت ایران به وزیر مختار روس]

[۱۲۵۱ هـ ق]

جواب وزیر مختار روس

شرحی که در باب کرور باقی (موعده سیم آن) قلمی داشته از منظور و نیت اولیای دولت قاهره استفسار کرده بودند، واصل شد، و بر مراتب مسطوره اطلاع حاصل گردید. معلوم است که اولیای دولت جاوید مدت قاهره منظور و نیتی جز ادای وجه کرور ندارند و اگر فی الجمله تاخیری در ادای قسط دوم اتفاق افتاده، جهت آن بود، بر رأی دوستی اقتضای آن جناب ظاهر و روشن است، که قسط از ولایات دیر رسید و الاً اولیای دولت جاوید مدت را هیچ حرفی نیست و به یاری خدا از عهده همه درخواهند آمد و پول را به زودی خواهند داد.

[در حاشیه:]

هو

روحی فداک صریح بوسیله که سبب تعویق دیر رسیدن پول شد و الا اولیای دولت جاوید مدت را حرفی نیست و به یاری از عهده همه درخواهند آمد و پول را به زودی خواهند داد. والسلام

سند شماره ۲۴

[نامه وزیر مختار روسیه |

[ ۲۵ ذیحجه ۱۲۵۱ ]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها، مجددت و جلالت همراها، دوستان استقلالها، اعتضادها، مکرماتوقاتی که مریضهای قشون روس برای مداوا و معالجه در دارالسلطنه تبریز بودند، از طرف ذی‌شرف نواب مستطاب نایب‌السلطنه مرحوم میرور البسه الله حلال‌النور و السورور به کسان مفضلة الاسامی فی الذیل مدال نقره با بند سبز مرحمت و عنایت شده بود:

- بطر آندریوف از توپخانه ... قفقاز
  - نیکالا بابکین از فوج مین قریل بقیرالسکی شاگرد قدیمی دواساز
  - فودر ایوانوف شاگرد دواساز از فوج گاباردین بقیرالسکی
  - اندره افسر ایوان مارکوف از فوج کرائتیر ایروانسکی
- چون مباشر و بزرگ آنها کیتان ریدوزفسکی در آستفا وفات یافته بود و در دفتر لشکری هم در این خصوص چیزی معلوم نیست، به آن جهت در اذن دادن به استعمال مدالهای مزبور، تعلل می‌نمایند.

لهذا دوستدار مراتب را به آن دوست گرامی اظهار کرد. توقع دارم که امر و مقرر فرمایند به دفتر رجوع و مشخص نمایند که آیا به کسان مزبور مدال مرحمت کرده‌اند یا نه؟ تا این که دوستدار از آن قرار بنویسد اذن بدهند.

زیاده چه زحمت دهد. ایام اتحاد و وداد برقرار باد.

تحریراً فی ۲۵ شهرذی الحججه سنه ۱۲۵۱

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ

وزیر مختار دولت بهیه روسیه

سند شماره ۲۵

[نامه وزیر مختار روسیه |

[۱۲۵۱ ق. ۸ ق.]

عالی‌جاها، مجددت پناها، دوست مکرم مهربانا

آنچه من که وزیر مختار دولت بهیه روسیه هستم در باب امر هرات فکر می‌کنم این است که:

اولاً: شما را این استعداد و قدرت نیست که مقابل پادشاه ایران مقاومت بکنید و از قرائن معلوم است که برای شما کمک و امداد از هیچ طرف نخواهد شد و اگر چند روزی مقاومت کنید آخر الامر، پادشاه جم جاه ایران به قوت و زور بازوی خود به شما غالب خواهد آمد.

ثانیاً: این که از قراری که من می‌فهمم دولت علیه ایران مصمم شده است که هرات را مسخر کند و مقاومت چند روزه شما، ابداً این خیال را نکند که این عزم را برهم زند. آنچه صلاح شماست از راه کمال دوستی می‌گویم، باید بدون خونریزی و شورش اطاعت بکنید [و] قلعه را بدهید و زیاده از این به خرابی این ولایت راضی نشوید.

از قراری که شاهنشاه جهان پناه ایران، خلدالله ملکه و سلطانه به من فرموده‌اند متعهد می‌شوم که به شاهزاده کامران میرزا و متعلقان و منسوبان او، از جهت جان و مال و عیال، به هیچ وجه ضرر و خسارتی نرسد. و همچنین به خود شما و سایر افاغنه که در شهر هستند، من خود ضامن و متعهد هستم که به هیچ وجه از هیچ نوع ضرر و خسارت نرسد. و هر کدام که راضی به خدمت دولت علیه ایران می‌شوند، به رضا و رغبت خود خدمت کنند. و هر کس نمی‌خواهد، به هر جا که خاطر خواه خودش است برود، یا این

که در هرات بماند، به هیچ وجه متعرض و مزاحم نخواهند شد.

این قدر بدانند که اول مکاتبه میان شما و من است، و هرگز راضی نخواهیم شد که اول مکاتبه به فریب و خیانت متجر شود.

خود می دانید که دولت بهیه روسیه در میان کل عالم به صداقت و راستی و درستی مشهور است، و تا حال هرگز خلاف شرط و عهده در دولت من به ظهور نرسیده است. و دولت ما احتیاج به فریب دادن و گول زدن مردم ندارد.

آنچه صلاح امر شما است، همین است، که اطاعت ما و شاه اسلام پناه بکنید و از همه جهات خاطر جمع و مطمئن باشید که هیچ گونه خسارت و ضرر به شاهزاده کامران میرزا، به شما، به سایر افاغنه هرات نخواهد رسید. از جان و مال و عیال خود آسوده شده، هیچ شکی در تعهد و ضمانت من نداشته باشید.

### سند شماره ۲۶

#### [نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران]

[۱۲۵۱ ه. ق.]

جنابا، جلالت مآبا، محبان نوازا، دوستان استظهارا

چندی قبل از این در باب اخذ طلب آقا علی قلی بادکوبه، حسب الخواهش دوستدار فرمان قضا جریان، از دفترخانه مبارکه شرف صدور یافته، به ثبت و اتمام آن پرداخته بودند. در این وقت که دوستدار مطالبه فرمان تمام شده نموده است، دفتریان در دادن

فرمان تعلل ورزیده، می گویند گمشده است، دو سه دفعه می شود که این قسمها رفتار می کنند.

هر فرمانی را که پشیمان شده نمی خواهند بدهند، به این عذرها متوسل می شوند، و این سیاق رفتار نسبت به دوستدار خلاف قاعده و بی نظامی اهل دفترخانه مبارکه است. آن جناب به هر قسم که مصلحت می دانند رفع این قائله را بفرمایند، که بعد از این چنین اطوارها از دفتریان نسبت به دوستدار ظهور نیابد.

چون به حرکت موکب پادشاهی چیزی باقی نمانده است، از آن جناب توقع است که زحمتی کشیده به احدی محول بفرمایند که فرمان مزبور در نزد هر یک از دفتریان است گرفته به جهت دوستدار ارسال دارد.

چون مطلب منحصر بود، زیاده از این اطناب نوزید.

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت

بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب شوکت و جلالت مآب، مقرب الخاقان دوست

مشفق مهربان، میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه

فرمایند.

## سند شماره ۲۷

[ ۱۲۵۱.۵ ق ]

سواد جواب وزیر مختار روس و انگلیس و

کمال الهندی که در دویم شهر جمادی الاول مرقوم شده، در منزل بسطام

هو

در باب جواب جناب وزیر مختار انگلیس که وکیل التجاره مقید را قبول نمی‌کند، و می‌گوید با آن که دولت ما از دولت روس، در قوت و شوکت کمتر نیست و در دوستی و محبت با این دولت از آن دولت بیشتر و پیش‌تر است من راضی نمی‌توانم شد که وکیل التجاره ما کمتر از قونسول روسیه باشد، که جز لفظ در هیچ چیز تفاوت ندارند و اگر من احیاناً، راضی شوم، فی‌الغور از نان و منصب و زندگی خواهم افتاد. پس در عوض این همه ایرادها یک مرتبه بگویند که عهدنامه تجارتی منعقد نمی‌کنیم و امور متعلقه به یک دولت دخل به دولت دیگر ندارد. بسیار امر اتفاق افتاده که دولت بهیه روسیه در معاهده منظور داشته‌اند، اما دولت علیه روم هیچ این گونه توقعات را در عهدنامه نکرده‌اند. باری.

جواب این که ترجیح دولتین با ما نیست، بر ما لازم است، که مراعات کسان هر دو دولت را بکنیم، لکن در عهدنامه دولت بهیه روسیه هنگامی که انعقاد یافته است صراحتاً<sup>۱</sup> لفظ قونسول را نوشته‌اند، و در این عهدنامه همین قدر نوشته شده است که عهدنامه تجارت

را بعد از این خواهیم بست. جناب مستر ایس که بعنوان تجارت آمد و عهدنامه تجارت را بست و ما هم منعقد کردیم، نقل وکیل التجاره توقع مجددیست که دخل به عهدنامه ندارد. محض مراعات خاطر جناب وزیر مختار آن را نیز بنا به خواهش ایشان قبول فرمودند.

در باب این که نوشته است که من از نان و منصب و زندگی خواهم افتاد، مگر امنای دولت بهیه انگلیس حرف حسابی را خوش ندارند، چرا مستر ایس از منصب و زندگی نیفتاد، معلوم است که خلاف مصلحت دولت خود را نکرده بود، بلی خودشان ایلچی مختار می‌فرستند، باید بعد از طی مکالمه هر چه او بگوید مقبول دانند و به عین رضا ملاحظه نمایند. در همه دولتها نیز هر چه ایلچی مختار بگذرانند مقبول و ممضی است، بواسطه این توقع مجدد که امنای دولت قاهره از جناب وزیر مختار قبول کردند، باید در دولت بهیه انگلیس<sup>۲</sup> به وزیر مختار التفاتها کنند که بدون عهد و شرط این امرها را گذرانیده، نه این که باعث بی‌حرمتی و قطع نان و زندگی شود. در حقیقت کوتاهی از خودش شده، چرا که همین مضمون مکرر مکاتبه و مکالمه شده است، می‌بایستی کاغذ ما را به دولت بفرستند، و این که گفته‌اند که یک مرتبه بگویند که عهدنامه تجارت منعقد نمی‌کنیم، اگر این طور می‌بود با مستر ایس می‌گفتیم، حاشا و کلاکه ما در جزئی امری از امور عهدنامه مخالفت بکنیم، بلکه زیاده از آنچه در عهدنامه مذاکره شده مراعات می‌کنیم، نمی‌باید جناب وزیر مختار حرفی را که در سایر دولتها نمی‌توان اظهار کرد خواهش بکند، که گفتگویی را که ایلچی مختار دولت خود گذرانیده قبول نکرده از سر بگیرد، همیشه سخن ما در اتحاد دولتین و امضای شرایط آن زیاد بر زیاده است، اگر مخالفت از دیگری باشد ما را حرفی نیست و اگر می‌خواهند به بالیوزهایی که در

اسلامبول مقیم‌اند می‌نویسیم که معلوم شود، که مطلقاً مخالفت از جانب ما نشده است و موافق خواهش ایلچیها زیاده بر عهدنامه رفتار کرده‌ایم.

جواب کاغذ وزیرمختار روس که به این مضمون نوشته است که در باب تشریف آوردن اعلیحضرت امپراطوری خبر قطعی به او نرسیده، لکن از قراری که مسموع می‌شود، بعد از دو ماه دیگر که اوایل ماه اکتوبر باشد، ورود اعلیحضرت امپراطور<sup>۶۲</sup> به تغلیس مشخص و معین است، معلوم است که برای ضیق وقت ملاقات دو پادشاه جم جاه ممکن نخواهد بود<sup>۶۳</sup>. فرمایش شده بود که دوستدار خیرخواهی خود را عرض نماید. به قراری است که مشافهتاً با آن جناب گفتگو شده است، گویا باید نواب قهرمان میرزا با امیرنظام یا آن دوست مهربان که به اسم وزیر دول خارجه و از اقرب باریافتگان حضور است علاوه بر اینها بدون احتیاج به مترجم مطالب را بطور شایسته و خوب می‌تواند بیان و اظهار کرد.

جواب اگر تشریف آوردن اعلیحضرت امپراطور محقق شود، رفتن نواب قهرمان میرزا به جهت نظم اوضاع آذربایجان خالی از اشکال نیست، لهذا امر و مقرر می‌شود که نواب قهرمان میرزا و جناب امیرنظام که با همه خصوصیت و آشنایی که با امنای دولت بهیه امپراطوری دارد، شرفیاب حضور اعلیحضرت امپراطور شوند و تدارک و تعارف به این طور است، که چند رأس اسب خوب و ممتاز و چند طاقه شال رضائی و غیر رضائی و چند رشته تسیح مروارید ببرند، البته شما هم در این باب دقت خواهید کرد.

در باب کمال افندی که دو مأموریت دارد، مرخصی شاهزادگان از اردبیل و رد ذهاب به ایالت بغداد، به رکاب همایون احضار خواهند فرمود یا نه.

۶۲ اصل: امپراطور

۶۳ ر.ک. سند شماره ۶۲ و ۶۵ و ۶۶ همین مجموعه

جواب این است که موقوف به رضای اوست، اگر به رکاب همایون مشرف شود، البته امنای دولت در این دو باب با او گفتگو خواهند کرد، و الا جواب این که شاهزادگان را از محبس فرار داده‌اند، با این که آنها در عهد خاقان مغفور هیچ گذرانی نداشتند، قریب به یکصد و شصت هزار تومان به آنها و عیالشان هر ساله مرحمت می‌شود، در هیچ دولتی به این طور شاهزادگان را مراعات ننموده‌اند، معلوم است که مقصود آنها چیز دیگر بوده، والا برای گذران، فرار درست نبود.

در باب سرحدات روم و ایران، اگر از دولت علیه مأذون است که تشخیص سرحدات را بدهد، ما نیز آدمی تعیین خواهیم کرد که با او رفته تشخیص دهد، آن وقت هر چه به دولت روم متعلق است، معلوم است که امنای دولت قاهره حرفی ندارند، اگر مأذون نیست آدمی دیگر را از دولت روم مأمور کنند، که مختار این امر باشد، باز ما برای تشخیص حدود موافق قواعد هندسه و عهدنامه‌های قدیم آدمی تعیین می‌کنیم که رفته مشخص نماید.

جواب کاغذ جناب وزیرمختار روس که به خط فرانسه به وزیر دول خارجه، به این مضمون نوشته‌اند که در باب شاهزادگانی که از اردبیل فرار کرده‌اند، اگر اولیای دولت قاهره قراری در این باب بخواهند، شرطش این است که به بازماندگان آنها به هیچ وجه آزار و اذیتی نرسانند.

جواب این که، کسی را با بازماندگان آنها رجوعی نیست، حرف ما این است که اگر اینها را تصاحب خواهند کرد در سرحدات دور دور نگاه دارند و بازماندگان ایشان را هم پیش خودشان ببرند، و الا بعد از آن که رد کردند، با کمال احترام و اعزاز نگاه خواهیم داشت.

نظر به اتحاد دولتین توقع این است که آنها بعد از آن که داخل خاک دولت بهیه روس شدند، ویل نکرده و سر ندهند، در پیش خود در سرحدات بعیده نگاه دارند، یا به



مراعات دوستی و مودت قدیم تصاحب نکرده رد نمایند.

از بدو جلوس ابد مانوس که با آنها به طریق رأفت و مهربانی سلوک شد، اگر چه در عهد هیچ پادشاهی این طور نشده بود. لکن به مراعات حرمت خاقان مغفور و ملاحظه سفارشهای اعلیحضرت امپراطور بود. این که فرار کرده‌اند از یابوگی و بی‌خردی خودشان بود.

و با خط مبارک نوشته شده:

[سواد دستخط محمد شاه:]

شاهزاده‌ها را تا تفلیس ببرند، اگر هم رد کنند مستهای محبت است معلوم. چنان که اذیتی هرگز به آنها نرسانده بودیم، باز اذیت نخواهد رسید، به همان طور با موجب و مقرری خواهند بود.

کمال افندی هم اگر دلش می‌خواهد اینجا بیاید حرف بزند، اگر نمی‌آید، جواب همان است که نوشته شده، شاهزاده‌ها که هیچ.

در باب سرحد باید از طرفین با معتمدین طی گفتگو در سرحد بشود.

همیشه ایلچیهای انگلیس بودند، چهل سال است عهدنامه بسته شده، چرا هیچ وقت آن همه حرف در میان نبود که حالا پی هم مسلسل باید گفتگو و نوشته رد و بدل بشود. آنچه لازمه تجارت است که ما قبول کرده‌ایم، دیگر این اصرارها چه چیز است.

[متن حواشی پشت سند]: [۱]: پلیتیک ایران روس انگلیس

[۲]: سواد جواب مراسلات وزیرمختار انگلیس

سند شماره ۲۸

[اظهارات وزیر مختار روس]

[۱۲۵۱ ق. ۸]

تبرستان

www.tabarestan.info

جناب وزیر مختار روس اعلام کردند:

که جناب مستر مکنیل هنگام عبور کردن از پطرزبورغ با جناب غراف نسلرود مکالمه کرده است که سبب برهم زدگی میان دولتین علّیتین ایران و انگلیس به جهت این است که در باب بی‌حرمتی که به چابار دولت بهیه انگلیس رو [ی] داده است، رضامندی به آن دولت بهیه داده نشده [است]، و اگر این اشکال و غائله از میانه مرتفع شود باز مرآوده سفارت دولت بهیه انگلیس با دولت علیه ایران به حالت اولی معاودت خواهد کرد. و هم مستر مکنیل گفته‌اند که این رضامندی حاصل می‌شود [به چند شرط]:

اولاً: به این که اظهار کنند، که صاحب منصبی که چابار را نگاه داشته بود برای همین تقصیر از منصب خود معزول شد.

ثانیاً: عذرخواهی از جانب دوستدار باشد. اگر چه ما هرگز خیال نمی‌کردیم که اگر چاباری را که از طرف ولایتی، که ما آنجا جنگ داشتیم عبور کند بگیریم، خلاف حق و قاعده دولت است و حال آن که، همین که معلوم شد که متسوب به دولت بهیه است، بی‌آن که زجر و تهدیدی بشود، با کاغذ و نوشته او را کشانیده خلاصی داده شد. لکن برای این که امتحان و دلیل تازه واضح شود که تمنای ما دوام دوستی با دولت بهیه انگلیس و قبول کردن نصیحت دوستانه دولت بهیه روس است. در اظهار این تردید ندارم که اولاً حاجی خان محض اظهار مستر مکنیل مدتی است معزول شده است و با وجود این که اولیای دولت قاهره، الحق تقصیرات چند دیگر از او می‌دانستند، سبب اصلی و

علت عمده عزل او همین اظهار مستر مکتیل بود که به چاپار مزبور کرده بود. ثالثاً با وجود این که شما خوب می‌دانید که دوستدار خود در دور هرات خواستم به دیدن جناب مستر مکتیل برای عذرخواهی [ بروم ] این دل زدگی او بود که رفتن مرا قبول نکرد.

اکنون همان عذرخواهی که می‌خواستم شفاهاً از ایشان بکنم، تحریراً می‌کنم، که گرفتن بدون اطلاع و خواهش دولت علیه ایران، نسبت به چاپار دولت بیه انگلیس رو [ ی ] داده است.

[ دستخط پشت سند ]: جنگ هرات.

سند شماره ۲۹

[ نامه‌ای احتمالاً از وزیر مختار روسیه در ارتباط با حاجی میرزا آقاسی و اجاره شیل گرگان رود ]

[ ۱۲۵۱ ه. ق ]

دوست معقلاً

از قراری که مذکور می‌شود وجه اجاره شیل گرگان رود، تا حال به جناب حاجی سلمه‌الله نرسیده، لهذا اظهار می‌رود که پارسال در انزلی وقت مفروق شدن حساب فیما بین عالی‌جاه بالاخان در حضور دوستدار، عالی‌شان کاکتائیکوف مبلغ صدوینجاه

کشورستان به دست عالی‌جاه امان‌الله خان ناظم گیلان شمرده، تماماً کارسازی ساخت و ناظم معظم‌الیه در نزد دوستدار متمهد شد براین که تنخواه مزبور را به جناب حاجی سلمه‌الله برسانند. حال که نرسانده مایه تعجب و حیرت است.

دیگر چه نویسد. عمرک طال

سند شماره ۳۰

[ یادداشت احتمالاً حاجی میرزا آقاسی به وزیر مختار روس ]

وزیر مختار روس

چون به عرض اولیای دولت جاوید مدت قاهره رسید که در سواحل بحر خزر که متعلق به این دولت علیه است، حکام<sup>۱</sup> بدون اذن دولت بعضی از شیلات ماهیگیری را به اجاره داده‌اند. لهذا فرمان قضا جریان عز نفاذ پذیرفت، که هر اجاره که بی‌رخصت مخصوص دولت علیه منعقد شده باشد، باطل است. مع‌ذلک هر کسی خواسته باشد هر شیلی را اجاره کند، باید از اولیای دولت علیه مرخصی حاصل نماید. نظر به این که احتمال می‌رفت، که بعضی از رعایای دولت بیه روسیه، خواسته باشند، بعضی از شیلات را اجاره نمایند، استحضار آن جناب از مدلول حکم محکم شاهنشاهی لازم افتاد

تا آنها را اخبار نمایند، زیاده چه تصدیع دهد.

[تحریراً فی شهر محرم الحرام ۱۲۵۱<sup>۹۰</sup>]

### سند شماره ۳۱

#### [نامهٔ وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران]

[۲ صفر ۱۲۵۲]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

عظمت و حشمت دستگاهها، دوستان استظهارا، مشفقا، مکوما

مراسله گرامی شرف وصول ارزانی داشت. این که نوشته بودید در سرحد طالش کندر<sup>۹۱</sup> افسر<sup>۹۲</sup> از جانب کماندانت<sup>۹۳</sup> لنگران با یکصد و ده نفر سالدات<sup>۹۴</sup> و فزاق، و دو عراده توپ و سوار اوجارود به قریهٔ افچه خاک عبور کرده، ایل اوجارود متعلقه دولت علیه ایران را چپاول کرده‌اند، از آن جمله سیصد و هفتاد و دو رأس گوسفند

<sup>۹۰</sup> تحت همین شماره سند دیگری در آرشیو وزارت امور خارجه موجود است که از روی همین متن پاکتویس شده و تاریخ فوق در آن درج گردیده است.

●● Condottiere (فرانسوی)

●●● Officier (فرانسوی)

●●●● Commandant (فرانسوی)

●●●●● اصل: سالدات

و کل مال جمعریک شاهسون آدم میر کاظم خان طالش را برده‌اند. همچنین به قتل رسانیدن دو نفر رعیت قراداغی را که برای معامله رفته بودند به آن طور که اظهار نموده بودند، استحضار حاصل آمد. نهایت دوستدار را هم اعتقاد همان است که عالی جاه جنرال قونسول راست. و هرگز باور نمی‌کنم که این طور حرکت منافی دوستی و حساب از کماندانت سرزده باشد. زیرا که او صاحب‌منصبی است تابع حکم دولت و بی‌اذن دولت بجبری نمی‌تواند بکند.

اگر خدا نکرده این عمل اصل داشته باشد، پس معلوم است دولت بیهیه روسیه سر دعوا دارد و حال این که، این ممکن نیست. مگر سرکار آن مشفق‌گرامی باور می‌کند که دولت ما با دولت علیه ایران دوستی را به دشمنی بدل کند.

باری، آنچه به نظر دوستدار می‌رسد این است که شاید دله دزدی که همیشه در سرحد از طرفین به ظهور می‌رسد ظاهر شده باشد، نه به این شدت که با سالدات و توپ چپاول نمایند. پس باید به جناب جلالت نصاب فرمانفرمای گرجستان، پرنال انشف بارون روزن نوشت و تحقیق به عمل آورد. والا به مجرد قول به این طور حرکات خلاف رویه دوستی باور نمی‌توان کرد. در صورتی که مراتب محقق بوده باشد، لامحاله جناب فرمانفرمای به مقام رفع آن بطوری که اقتضای دوستی است خواهد آمد. آن مشفق‌گرامی اعتقاد دوستدار و کیفیت را به خاک پای جواهر آسای اعلیحضرت شاهنشاه والجاه معروض دارند.

چون ادای جواب لازم بود مصدع گردید. باقی ایام به کام باد

تحریراً فی ۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۲

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت

بیهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: صحیفه المصافات را، عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجدت و جلالت دستگاه، دوستان استظهاری وزیر دول خارجه سلمه‌الله تعالی مطالعه فرمایند.

سند شماره ۳۲

[نامه وزیر خارجه روسیه به وزیر خارجه ایران]

عالی‌جاها، رفیع جایگاه،

شوکت و جلالت دستگاه، دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرم

چون مدتی است نزاع بنا بر مبالغ کلی، مابین رعیت روس اجاره داران شیلات با [رعیت] مازندران افتاده، دوستان صلاح دانست. به جهت طی کردن آن عالی‌جاه بارون بودسکیرتار اول ایلجیگری را مأمور آن طرف نماید. لهذا مراتب را، به آن عالی‌جاه رفیع جایگاه اظهار داشته، توقع می‌نماید، که فرمان مبارک عز نفاذ یابد که کارگزاران مازندران، لازمه تقویت و اعانت دریاب مأموریت عالی‌جاه مشارالیه به عمل آورده نگذارند کسی متعرض احوال او شود.

عالی‌جاه مشارالیه مأمور است منتهای سعی و دقت به عمل آورد، تا به صدق یا کذب شکایات اهالی مازندران نسبت به خاجاطور<sup>۵</sup> نام تاجر هشرخان اجاره‌دار صید ماهی آن طرفها بپردازد.

از آن عالی‌جاه دوست مکرم نیز توقع می‌شود که دقت بفرمایند که فرمان مبارک زودتر صادر گردد، تا ممکن شود عالی‌جاه مشارالیه قبل از وقوع شدت گرما روانه آن صوب شود.

لازم بود اظهار شد. باقی ایام دوستی و الفت برقرار باد.

تحریراً فی ۳ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونینج، وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: صحیفه العوالائیرا عالی‌جاه رفیع جایگاه، شوکت و

جلالت دستگاه، دوستان استظهاری، مشفق مکرم میرزا

مسعود وزیر دول خارجه مفتوح فرمایند.

سند شماره ۳۳

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران]

[۲۷ صفر ۱۲۵۲]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها،

شوکت و جلالت دستگاهها، دوستان استظهارا، مکروما

عالی‌جاه آقاخان محلاتی که مبلغ دوهزار و پانصد تومان به کنیز میناس خان مدیون است، دوستدار استحضار دارد، مدت‌ها او را معطل گذاشته، طلب بیچاره را نداده، بالاخره<sup>۱</sup> به ملاحظه این که سرکار شوکت مدار اقدس شهرباری او را مأمور خدمت فرموده بودند، راضی به این نشده که او را نگهداشته طلب مشارالیه را تمام و کمال وصول سازند. به توسط بعضی حضرات به مبلغ دو هزار و پانصد تومان حجت داده، رفت که در سر وعده تنخواه او را در دارالخلافه تهران کارسازی نماید.

بعد از آن دوستدار قبل از وصول وعده، به توسط سرکار آن مشفق گرامی اخبار کرد، که تدارک نموده کارسازی کنند. و علاوه بر آن آدم مخصوص به نزد برادر او فرستادم که به آقاخان بنویسد طلب او را ارسال دارد. باز با همه این مراتب به دفع الوقت انداخته مدتی از وعده گذارنیده است و عاید نساخته.

توقع دوستدار حسب الاستدعای صاحب طلب، که مقرون به قاعده است، این است که در فرمان قید نمایند که هر چه از وعده گذشته است مرابحه آن را هم موافق قاعده معامله وصول و ایصال سازند، و الا بعد از آن که آقاخان مشارالیه دید، که هر قدر از

وعده می‌گذرد مطالبه مرابحه نخواهد شد، زیاده از این هم اهمال و تغافل می‌کند. چاره رفع دفع الوقت غیر از این نیست و انصاف هم نیست که تنخواه کسی را به وعده معین به مرابحه قبول نمایند. و از وعده گذرانیده، دفع الوقت کرده، بعد از آن بگویند که مرابحه ایام گذشته از وعده درست نیست مطالبه شود.

یقین حاصل است که آن دوست مکرم در این خصوص مضایقه نخواهند فرمود. زیاده چه زحمت دهد.

تحریراً فی ۲۷ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۲

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: یا هو

ذریعۃ المصافات را عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجدت و

شوکت دستگاه، دوستان استظهاری، وزیر دول خارجه

دام مجده مطالعه فرمایند.

## سند شماره ۳۴

## [در مورد فرار اشرار طایفه چلبیانلو به روسیه]

[ ۲۷ صفر ۱۲۵۲ ]

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً

جناب جلالت انتساب امیر نظام در باب طایفه چلبیانلو که همیشه کار آنها شرارت و افساد است، شرحی به دوستدار قلمی داشته و اعلام کرده بودند که ایشان پیش از آنکه مفسدین آن طایفه را به تبریز بخوانند، به عالی‌جاه جنرال کنسول مکتوباً اظهار کرده بودند، که اگر من بر آنها سخت بگیرم و ضابطه کار ایشان را محکم بکنم، به خاک دولت روسیه بیهی می‌گذرند. مادامی که اطمینان حاصل نکنم که سرحداران روسیه مانع عبور آنها به آن طرف خواهند شد، و یا این که بعد از عبور دست بسته پس خواهند داد، این امور انتظام نیافته، شرارت آنها مقطوع نخواهد شد و عالی‌جاه مشارالیه بعد از مکاتبه با جناب فرمانفرمای گرجستان تحریراً جناب امیر را هم اطمینان داده است.

بناء علیه از سرکار نواب مستطاب والاقهرمان میرزا، حکم به احضار آنها صادر شده است. چند نفر از روسای آنها با بعضی دیگر آنها محض اطلاع، به آن طرف فرار کرده‌اند. لهذا دوستدار به آن جناب جلالت نصاب زحمت می‌دهد، که قراری در این باب بدهند، که این فراری‌ها عنقریب موافق نوشته جنرال قونسول مسترد شوند<sup>۱</sup>، و الا نظم این سرحد با این اوضاع در کمال صعوبت خواهد بود و همواره اولیای دو دولت به سبب

شرارت مفسدین به زحمت گرفتار خواهند شد.

تحریراً فی سلخ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۲

تبرستان  
[دستخط محمد شاه]: صحیح است.

www.tabarestan.info

## سند شماره ۳۵

## [نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران]

[ربیع الاول ۱۲۵۲]

جناب جلالت نصابا شوکت و نبالت مآبا، دوستان استظهارا، مکرمات

این تنخواه که از بابت وجه کرور آخرین به ایصال کارگزاران دولت علیه ایران تحویل شده، باید صحیح و سالم به سرحد برسد، هر چند که وجه مزبور تحویل کسان ماگشته، لکن به عهده شماسست که از خاک متعلقه دولت ایران بدون آسیب به سرحد برسد. لهذا به آن مشفق گرامی اظهار کرده، توقع دارد که هر قدر قراول که می‌دانند ضرور و کافیت مشخص و معین فرمایند، که در همه جا مراقب و متوجه باشند و سالم به سرحد دولتین علیتین برسانند، که اگر خدا نکرده آسیبی و بلایی در راه برسد، برای دولت علیه ایران خواهد شد. در این صورت هر طور قراری که لازم می‌دانید بگذارید که اطمینان حاصل شود.

چون باید کاپیتان فردا روانه شود، آن مشفق گرامی قراول را زودتر درست فرمایند.

واجب بود اظهار شد.

تحریراً فی غره شهر ربیع الآخر سنه ۱۲۵۲  
[ سجع مهر پشت سند ] : غراف ایوان سیمونیچ  
وزیر مختار دولت بهیه روسیه.

[ متن دستخط پشت سند ] : عالی جاه، رفیع جایگاه، شوکت و جلالت دستگاه،  
دوستان استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه  
سلمه الله مفتوح فرمایند.

### سند شماره ۳۶

[ ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۵۲ ]

#### سوادکاغذ وزیر مختار روس

در این وقت نوشته [ ای ] از رشت، عالی جاه رفیع جایگاه میرزا الکسندر<sup>۳۰</sup> ارسال  
داشته است، مضمون نوشته از قرار است که اظهار می شود:  
در اول ماه جمادی الثانی حاجی بیک داروغه رشت، به بهانه این که آقا میکائیل  
تاجرباشی دولت بهیه روسیه، شب در خانه خود مجلس شرابخواری دارد، هفت ساعت  
از شب گذشته آقا زین العابدین بیک، خودش و میرزا علی اکبر کدخدای محله  
ومیرزا سلیم، منسوب خود را با هفت هشت نفر شاگرد داروغه برداشته، به در خانه آقا

<sup>۳۰</sup> جهت آگاهی از شرح حال میرزا الکسندر ر.ک. مقدمه صفحه بیست و چهار.

میکائیل می روند. در خانه او را کوبیده، بعد از گشودن در، حضرات مذکور به زور داخل  
آن خانه که آقا میکائیل تنها بوده است می شوند، به خیال خود، آقا میکائیل را مست  
گرفته به در خانه عیسی خان می برند. چون عیسی خان در اندرون خانه خود بود، داروغه  
آقا میکائیل را با سایرین در بیرون خانه گذاشته، خود داخل اندرون خانه عیسی خان  
می شود. بعد از لمحهای بیرون آمده، می گوید حکم خان این است که آقا میکائیل  
تاجرباشی را به خانه حاجی ملا صادق مجتهد ببریم.

بعد از بردن مشارالیه را در آن شب به خانه مجتهد، دو نفر از تجار قزوین که در آن حول و  
حوش سکنی داشتند، به حکم مجتهد، آن دو نفر را حاضر ساختند، به فرموده مجتهد  
آن دو نفر دهن آقا میکائیل را بو کرده، گفتند که بوی عرق از دهن مشارالیه می آید.  
مجتهد گفت عرق خوردن مشارالیه بر من معلوم شده است، ضرور به شهادت دیگری  
نیست. حضرات را از خانه خود متفرق می سازد، از آنجا که آقا میکائیل تاجرباشی را به  
دستاقخانه داروغه برده، حبس و بقیه شب را با شاگردان داروغه می گذرانند. خود داروغه  
رفته فردا دو ساعت به ظهر مانده مراجعت نموده، به آقا میکائیل می گوید برخیز پیش  
حاجی ملاصادق برویم، در اثنای بردن او شال و جوراب و کلاه تازه او را گرفته، کلاه کهنه  
بر سرش می گذارند، پای برهنه در میان کوچه ها، خلایق از هر طرف لعن کنان آقا  
میکائیل را می گردانند و از هر سمت تف بر ریش او می اندازند و ظرفی گل و ماست بر  
سرش می ریزند. به این صورت آقا میکائیل تاجرباشی را در مسجدی که جمیع خلایق  
آن ولایت از تجار روسیه و ایران و طایفه ملا و کارگزاران رشت کلاً پر بوده اند، نزد حاجی  
ملاصادق حاضر می سازد، حاجی ملاصادق کیفیت و گزارش بردن آقا میکائیل را در  
شب گذشته به خانه او از برای حضار آن مجمع بیان می نماید و در آن اثنا رو به تجار  
دولت بهیه روسیه نموده زبان شماتت می گشاید که مکرر است نیست که آقا میکائیل  
تاجرباشی تمام و نجس و شرابخواره ایست، یک نفر از تجار دولت بهیه روسیه در جواب

می‌گوید که سرکار آقا بهتر می‌داند ولی ما را جرأت بر تصدیق حکم و سیاست کسی که رعیت دولت بهیه روسیه باشد نیست، حکم او از غیر حکام دولت بهیه روسیه نمی‌شود، چون از عهده مؤاخذه که بعدش در کار است نمی‌توان برآمد. از این شخص تاجر دولت بهیه روسیه قدری متفکر شده فرو می‌نشیند.

در آن احوال یک نفر از ملاهای اهل مجلس رو به مجتهد کرده می‌گوید، نباید گوش به این گونه سخنها داده، محتمل این نقلها شد، ماها مسلمان می‌باشیم، بر ماها واجب است که بر وفق شریعت خود عمل نماییم. مجتهد مذکور حکم می‌کند که موافق قرآن مجید. حدّ شرعی چهل تازیانه دوزیانه به آقا میکائیل بزنند. بعد از آن آقاسی بیک نام، نایب توپخانه مبارکه پادشاهی که در انزلی می‌باشد در آن مسجد حاضر بوده، از جای خود برخاسته<sup>۹۶</sup> چوب بسیار بزرگی می‌آورد. بازوهای تاجرباشی را بر آن چوب بسته و او را بر رو می‌اندازد. ملا میرزا نامی چهل تازیانه دوزیانه بر او می‌زند. بعد از آن داروغه آقا میکائیل را از مسجد بیرون آورده، درکوچه‌های شهر میان خلائق می‌گرداند، از هر سمت خلائق آن ولایت گل و نجاست بر سر او می‌ریزند. در خلال آن احوال، آقا محمد نامی برادر زن عیسی خان که خانه‌اش در یک گذر معبر حضرات بوده است، حضرات را کلاً به خانه خود طلبیده، آقامیکائیل را از چنگ حضرات خلاص نموده به خانه‌اش روانه می‌سازد. بعد از استخلاص، آقا میکائیل در ورود به خانه‌اش قاصدی گرفته، به جهت عالی‌جاه میرزا الکسندر روانه می‌نماید، آن قاصد از آن تاریخی که رفته است که عالی‌جاه میرزا الکسندر را مطلع سازد، الی حال مفقود شده اثری از او ظاهر نیست. کاغذ را دیگری سرش باز کرده، بعد از هشت روز دیگر به عالی‌جاه میرزا الکسندر می‌رسد. در آن اثنا عالی‌جاه عیسی خان هم استشهادی به جهت، اثبات تقصیر آقا میکائیل

تاجرباشی و سیاست او از احکام شرع که مثل او در زیر عهده جواب این کار هستند ساخته خدمت جناب حاجی سلمه‌الله روانه می‌کند. عالی‌جاه میرزا الکسندر بعد از ملاحظه آن کاغذ باز<sup>۹۷</sup> کرده، که از آقامیکائیل به او می‌رسد وارد رشت می‌شود و در نهایت ورود به خانه حاجی ملاصادق مجتهد می‌رود، صحبتی از رفتارهای مجتهد که مخالف مصالحه نامه و عهد اتحاد دولین علیتین است داشته، مجتهد مزبور در جواب گفته است، که شغل من پیوسته مطالعه و تفاسیر قرآن مجید و احادیث است. من در آنجا صلح‌نامه و عهدنامه ندیده‌ام، در جایی که احکام شرع مستطاب است مصلحت دولت و پادشاه را نمی‌شناسم. وقتی که آقا میکائیل رابه حضور من آوردند چنان مست بود که مرا نشناخته خان خطاب می‌کرد و هم حاکم عرف باید خودش ملاحظه فقره عهدنامه را بکند، نکرده، نزد من فرستاد که حد شرعی جاری نمایم، من هم مطابق شرع حد جاری نمودم. عالی‌جاه میرزا الکسندر بعد از بیرون آمدن از خانه مجتهد در همان ساعت خانه عیسی خان رفته، آقا میکائیل را نیز حاضر نموده در حضور عیسی خان، آقامیکائیل آن چه به سر او آوردند مشافهتاً بیان می‌نماید، در اثناء سرگذشت گفتن آقامیکائیل، عالی‌جاه میرزا الکسندر خطاب به عیسی خان کرده می‌گوید، اگر میکائیل دروغ می‌گوید مانع شده نگذارید دروغ بگوید. عیسی خان توانست کلمه‌ای خلاف و دروغ از تقریر آقامیکائیل پیدا کند. چون بعضی اشخاصی که در اصل هنگامه حاضر و به چشم خود دیده بودند در آن مجلس حضور داشتند، تقریر آقا میکائیل را می‌شنیدند، و آقامیکائیل هم در وقت بیان کردن افتضاح خود خطاب به آن اشخاص نموده، از آنها هم تصدیق بر اقوال خود می‌طلبید. علی‌ای حال رسوائی و افتضاحی که در رشت به سر آقامیکائیل تاجر باشی دولت بهیه روسیه آوردند، دوستدار به مشقت و دشواری، تفصیل نوشته عالی‌جاه



میرزاالکسندر را به جناب سامی اظهار داشته است.

در این صورت احتیاج به تحقیق صدق و کذب تقصیر تاجر باشی مذکور نیست. زیرا که علانیه و آشکار امری واقع شده است که حکام رشت بر سر رعیت اعلیحضرت امپراطور اعظم در روز روشن آورده‌اند و نیز جرأت و جسارت نموده اند که رعیت دولت بهیه روسیه را، بدون حق و حساب در محکمه خود حاضر ساخته. بر خلاف عهدنامه ترکمان‌چای حکم بر سیاست آن نموده‌اند. چون در شکست هر عهدی مکافاتی لازم است. لہذا از آن دوست مهربان متوقع است این گزارشات را به تفصیل به خاک پای قبله عالم عرض و از جانب دوستدار استدعا نماید، که بلا تأمل پیش از همه عیسی خان را از حکومت گیلان عزل و بازو بسته به دارالخلافه حاضر نماید، که از قرار قانون ولایت تنبیه شود. بعد از تنبیه و سیاست پادشاهی مبلغی هم ترجمان بطوری که متصفین قرار قدر او را بدهند از عیسی خان گرفته به آقامیکائیل تاجرباشی بدهند.

چون اظهار مراتب لزومی داشت نگارش نمود و مزاحم شد.

تحریراً فی ۱۲ شهر جمادی الثانی ۱۲۵۲

سند شماره ۳۷

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران]

[۱۲ شعبان ۱۲۵۲]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها، عظمت و جلالت دستگاہا، دوستان استظہارا، مکرمات دوستدار از روز اول ورود خود به ایران نامناسبیهای معانه که برای دولتین علیتین روس و ایران از فصل چهاردهم عهدنامه مبارکه ترکمان‌چای بخصوص آزادی مهاجرت کردن رعایای جانیین از خاک مملکتی به خاک مملکت دیگر حاصل می‌شود، ملاحظه و مثل ایلیجیان سابق خودمان که بودند، چنین دریافت کرد که یکی از سببهای عمده اغتشاش امر سرحد ناشی از فصل مزبور فوق می‌باشد. حتی جناب مقررت‌الخاقان امیرنظام با احتشام که در غیبت نواب غفران‌مآب نایب السلطنه العلیه البسه‌الله حلال‌النور و السرور در آذربایجان کارگزار بود، در این خصوص بالمره در اعتقاد دوستدار شریک گردید. در آن وقت ما چنین تصور و تدبیر کردیم که رفع و دفع بی‌نظامی و مغشوشی سرحد را مگر به این طور کرده باشیم که به رضای طرفین قراری به منع مهاجرت به آزادی گذاشته شود. اما اوضاع آنقدر فرصت نداد که دوستدار قرار این امر را به اتمام رساند، تا این که اعلیحضرت قدرقدرت شاه والجاه که حالا به حسن عافیت زینت افزای تخت سلطنت هستند از خراسان تشریف فرمای صفحه آذربایجان شدند. دوستدار فرض اولین خود دانسته، درباب مطلب مزبور فوق، به عرض وزیر<sup>۹</sup> اعلیحضرت شهریاری که در آن زمان بطور ولیعهدی به رفق وفتق امورات آذربایجان

۹ منظور میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی می‌باشد.

اشتغال داشتند رسانید. وزیر ایشان با رأی و اعتقاد دوستدار موافق گشته، ضرور و لازم دید که این بی‌نظامی را رفع نماید. بناء علی هذا قرار به ترتیب قرارنامه یافت، که به قوت آن، اختیار تبعه جانبین در مهاجرت مقصور گردد، و سیاق قرارنامه مزبور همان طور بود که دوستدار سواد آن را به آن دوست مکرم نشان داد و از قراری که مذکور گردید مستحسن و پسندیده رأی والا گهر اعلیحضرت اقدس شاهی شده بود. لکن چون دوستدار را لازم بود که به جهت قوت مقرون به قاعده دادن به این قرارنامه، امضای دولت خود را در این خصوص داشته باشد، و همچنین در آن وقت چون برای سرکار ولیعهد هم ضرور بود که اذن و رخصت از طرف قرین الشرف خاقان مغفور و مبرور حاصل فرمایند. بناء علی هذا ما هر کدام صورت این قرارنامه را به دربار دولت خود فرستادیم. اما اوضاع معلومه بلا تراخی بعد از آن بروز و ظهور کرد و امورات کلیه مانع از انجام و اتمام مطلب مزبور آمدند.

نظر بر این که حالا در تمامی ولایات ایران آرام و آسایش حاصل گشته است، مگر در سرحد مشترکه ما، که بی‌نظمی و بی‌حسابی یوماً فیوماً در تضاعف و تضاید می‌باشد و سبب این چنان که خیال باید کرد، همان سبب مسطور فوق است.

لهذا دوستدار بر خود لازم می‌داند، که از آن دوست مکرم توقع نماید، که به خاک پای اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عرض کند، که دولت ما به ترتیب قرارنامه که دوستدار با وزیر سابق اعلیحضرت شاهی منعقد کرده و سواد آن را نزد آن دوست مکرم فرستاده‌ام رضا و موافقت دارد و دوستدار را اذن و رخصت حاصل است، که در قرارنامه دستخط گذارد.

در این باب آیا رأی اعلیحضرت شهریاری چطور است، زحمت کشیده دوستدار را از کیفیت آن مستحضر سازند. زیاده چه اظهار دارد.

تحریراً فی ۱۲ شهر شعبان ۱۲۵۲  
[ سجع مهر پست سند ]: غراف ایوان سیمونیچ  
وزیرمختار دولت  
بهبه روسیه

[ متن دستخط پست سند ]: ذریعة المصافات را عالی‌جاه رفیع جایگاه، شوکت و جلالیت همراه، دوستان استظھاری میرزا مسعود وزیر دول خارجه مفتوح فرمایند.

سند شماره ۳۸

[ نامه وزیر مختار روسیه ]

[ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۲۵۲ ]

عالی‌جاها، رفیع جایگاه، شوکت و جلالیت

دستگاه، دولت و اقبال همراه، دوستان استظھارا، مکرم

در خصوص عرض و شکایت یک نفر از اهالی رشت از صاحب منصب ایلچیگری ما مأمور به گیلان، چنان که در زمان توقف اردوی کیوان سوی، در چمن فیروز کوه، آن مشفق گرامی به دوستدار اظهار فرموده بودند، البته معلوم سرکار است که دوستدار به صمیم قلب آماده و حاضر بود، که آن چه لازمه رضامندی حقانه خادمان باشد، در حق

عارض مشارالیه، در صورت صدق عرض او مرعی و معمول گردد. و در همان وقت کاغذی به عالی جاه میرزا الکساندر نوشته خواستم که چگونگی این شکایت را که از او می‌کنند به درستی بیان و معلوم سازد.

کاغذ مزبور را به موجب قرارداد زمانی که با آن مشفق گرامی کردیم می‌بایست خود عارض به گیلان ببرد اما مشارالیه بعد از آن با وجود این که وعده کرده بود که آمده کاغذ را گرفته ببرد، نیامد. در این اثنا از قراری که خبر رسید در رشت در این خصوص حسب‌الفرمایش جناب کفایت و کفالت نصاب، حاجی میرزا آقاسی سلمه‌الله تعالی، به توسط عالی‌جاه آقاخان حاکم آنجا تحقیقات لازمه به عمل آمده تمام گردیده است، و می‌باید که به عرض اولیای دولت علیه قاهره هم رسیده باشد.

از قرار تحقیقات مزبوره ظاهر و آشکار گشته، که این نبوده است مگر افترا، که می‌خواسته‌اند، به آن واسطه اسم نیک و آبروی صاحب منصب روس را، که خاطر جمع به کمال التفات اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه و الاجاه و تمامی اولیای دولت ابد مدت شهریاری، که شامل حال صاحب منصبان روس است، که الان در ایران به امر خدمت مشغولند، نقص به هم رسانند.

حقیقت می‌توانم گفت که صاحب منصبان ما نه این که، پیوسته محض به راستی و درستی راه رفته‌اند، بلکه حتی در امورات جزئی هم اهتمام می‌نمایند، که قانون و قاعده آن سرزمین را که در آنجا، به عنوان مهمان خیرخواه و بی‌ضرر بسر می‌برند مرعی و معموله داشته باشند.

دوستدار به هیچ وجه تشکیک ندارد که بندگان اعلیحضرت شهریاری متحمل نمی‌شوند که مردمان با غرض، به افترا و بهتان و به پاره‌ای اخلاص خودشان نفاقی به میان آورند، که شاید منتج نتایج بسیار مضر گردد.

لهذا توقع از آن مشفق گرامی دارم که این گزارشات را به کمال احترام به عرض واقفان

حضور شرافت دستور پادشاهی رسانیده از جانب دوستدار عرض نمایند که مؤسس این افترا را مورد تنبیه و سیاست سازند.

نظر بر این که از دست میرزا الکساندر عرض کننده آدمی است بی‌دست و پا و بی‌عرضه، نیست جز این که اسباب کسان دیگر بوده باشد، لهذا برای اولیای دولت علیه اشکال ندارد، که اصل مقصر را مشخص کنند.

دوستدار به عدالت اعلیحضرت اقدس شهریاری و امنای دولت جاویدمدت، امیدوار بوده لازم نمی‌شمارد که راه و طریق این را نشان دهد.

توقع آن را دارم، که در این خصوص هر قسم بناگزاری می‌شود، دوستدار را از کیفیت آن مستحضر سازند.

زیاده چه اظهار دارد.

تحریراً فی ۲۵ شهر جمادی الاخر سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۳۹

[دستور پرداخت اولین قسط کرور آخر خسارت جنگ]

[۲۵ جمادی‌الاول ۱۲۵۲]

هو الله تعالی شانه الاعلی

خدمت مقرب الخاقان معتمدالدوله عرض می‌شود

که از بابت قسط اول کرور آخرین خسارت دولت بهیه روس، موازی بیست و چهار هزار و دویست و سی و هفت مثقال [و] یک نخود طلا باقی است، زحمت کشیده، موازی سی و دو هزار و سیصد و شانزده عدد کشورستانی که مبلغ بیست و نه هزار و هشتاد و چهار تومان و چهار هزار دینار<sup>۱</sup>، رایج خزانه عامره است، و سعاد مثقال مزبور می‌شود، در وجه جناب جلالت مآب غراف سیمونیچ وزیر مختار دولت بهیه روسیه، کارسازی نمائید، که برات دیوان همایون به جهت سند خرج شما صادر خواهد گردید. تحریراً فی روز چهارشنبه بیست و پنجم شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۴۰

[سوادنامه وزیر مختار روسیه به وزیر امور خارجه در مورد قسط اول کرور آخرین]

[غره جمادی‌الثانی ۱۲۵۲]

هو الله تعالی شانه

سوادى [از] يك طغرا كاغذ به مهر جناب مجدت و جلالت نصاب غراف سیمونیچ وزیر مختار دولت بهیه روسیه به این مضمون در نزد بنده درگاه ضبط است که به عالی‌جاه مقرب الخاقان میرزا مسعود نوشته است:

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها، شوکت و جلالت دستگاهها، دوستان استظهارا، مکرمات

مراسله گرامی شرف وصول ارزانی داشت، در خصوص سواری [؟] بیست و چهار هزار و دویست و سی و هفت مثقال و یک نخود طلا که سی و دو هزار و سیصد و شانزده عدد کشورستان<sup>۲</sup> است که عبارت از مبلغ بیست و نه هزار و هشتاد و چهار تومان و چهارده هزار دینار رایج دیوان اعلی باشد. کسر قسط اول کرور آخرین، به آن طور که بر طبق گفتگوی زبانی قلمی و به موجب یک طغرا نوشته جناب جلالت نصاب دوستان استظهاری حاجی میرزا آقاسی سلمه‌الله تعالی وجه مزبور را حواله جناب معتمدالدوله منوچهرخان کرده، حواله نامچه را نزد دوستدار ارسال و در ضمن آن وعده و اطمینان داده بودند، که اگر خدا نخواست تا هنگام ورود معتمدالدوله به دارالخلافه تهران که

۱ این واحد که در سند ۴۵ نیز درج شده است در منابع مورد بررسی یافت نشد.

موعد اخذ تنخواه است آفتی به او برسد، اول وجهی که از اموال جناب معزی الیه اخذ خواهد شد، همین تنخواه خواهد بود. استحضار حاصل گشته حواله نامه هم به دوستدار رسیده، به جناب معتمدالدوله داده، تمسک عندالمطالبه از او گرفتم.

از آن دوست مکرم بسیار رضامندی و ممنونی دارم که این گونه تعهد را کرده، دوستدار را اطمینان داده بودند. امیدوارم که ان شاءالله [ در ] ورود معتمدالدوله و دوستدار به دارالخلافه کارسازی شود.

حقیقت دوستدار خوشحال است که له الحمد امر قسط کرور آخرین بطور خوب و خوشحالی طرفین قرین انجام گردید. این چند کلمه به عنوان فرض برای استحضار آن دوست مکرم قلمی گردید والسلام.

هر وقت از اوقات از امنای دولت قاهره کاغذ مزبور را بخواهند بدهم.

تحریراً فی غره شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۵۲

### سند شماره ۴۱

[ سواد فرمان محمدشاه به قهرمان میرزا در مورد امنیت سرحد ایران و

روس ]

[ جمادی الثانی ۱۲۵۲ ]

تبرستان  
www.tabarestan.info

برادر مظفر کامکار نورچشم عزیز نامدار قهرمان

میرزا به مراجع کامله خاطر اقدس مفتخر بوده بداند:

که از قراری که جناب بارون روزن فرمانفرمای گرجستان می نویسد، در سرحد طالش عالی جاه میرکاظم خان و جمعی دیگر باعث فساد شده، نمی گذارند که رعایای تبعه دولتین بهیتین آسایش نمایند و عالی جاه مقرب الخاقان حاجی علی اصغر هم به آنجاها رفته است، رفع این اغتشاشها را نکرده است.

چون حفظ مراتب النیام و اتحاد شوکتین قویمتین منظور نظر اقدس نواب همایون ماست، به آن برادر والا کهر امر و مقرر می شود، که به محض وصول منشور مبارک، و حصول اطلاع بر مضمون قدر نمون ما، نوعی ضابطه در آن سرحد بگذارد، که مطلقاً امری خلاف قاعده از اهالی این طرف حادث نشود، یا عالی جاه میرکاظم خان و کسانی دیگر را که باعث فسادند، از سرحد کوچانیده، در یکی از محال آذربایجان که از سرحد دور باشد جای دهند. و آنچه در آنجا از تیول و مقرری داشته اند، در عرض در وجه آنها مقرر دارد.

می باید آن برادر در این باب کمال اهتمام نموده، رفع اغتشاش سرحد را بر وجه اکمل نماید. که کارگزاران دولتین بهیتین را من بعد سخنی و حرفی نباشد و حسب المقرر

معمول و مرتب داشته در عهده شناسند.

تحریراً فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۴۲

نامهای به وزیر مختار روس در مورد سرحدات |

[ جمادی الثانی ۱۲۵۲ ]

هو

جناب مجدت و جلالت نصابا، محبان استظهارا، مکرما، مشفقاً

رقعه جناب سامی سمت وصول پذیرفت. این که قلمی داشته بودند که از قراری که جناب جلالت مآب بارون روزن به آن جناب نوشته اند، عالی جاه میرکاظم خان طالش و جمعی دیگر در سرحد بنای شرارت و فساد را گذارده، نمی گذارند که رعایای تبعه دولتین بهیتین به فراغت آسایش نمایند. گزارش را مفصلاً معروض پیشگاه حضور آفتاب ظهور اقدس شاهنشاهی ابدالله عیسه و ایدجیسه داشت و چون حفظ مراتب انشیام و اتحاد این دو شوکت قوی بنیاد منظور خاطر مهربان است، فرمان قضا جریان، به افتخار نواب اشرف والا قهرمان میرزا شرف صدور یافت، که یا امر سرحد را طوری مضبوط نمایند که من بعد برخلاف قاعده از اهالی این طرف حادث نشود. و یا عالی جاه میرکاظم خان و بعضی دیگر را که در سرحد مملکتین احتمال فرار به آنها می رود، دور کرده در یکی از محال آذربایجان جای دهند و آدمی مصلح و خیرخواه برای آن سرحد تعیین نمایند.

خاطر آن جناب در این باب آسوده باشد که به محض وصول فرمان مبارک، نواب والا قهرمان میرزا از قرار امر قدر قدر معمول خواهند داشت و انتظامی در امر سرحد خواهند داد که به هیچ وجه اغتشاشی در سرحد دولتین بهیتین نباشد. زیاده چه اظهار

تاریخ

تحریراً فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۵۲

www.tabarestan.info

سند شماره ۴۳

نامهای وزیر مختار روسیه احتمالاً به میرزا مسعود

وزیر دول خارجه در مورد سرحدات |

[ جمادی الثانی ۱۲۵۲ ]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

شوکت و جلالت دستگاهها، محبان استظهارا، مکرما

از قراری که جناب جلالت مآب ینرال انشف بارون روزن<sup>۵</sup> فرمان فرمای گرجستان، مجدداً به دوستدار قلمی داشته است، بی نظامی و بی حسابی اهالی سرحدنشین طالش رعیت ایران، نه این که رفع و دفع نمی شود، بلکه روز به روز درتزیاید و تضاعف می باشد.

۵ در اسناد نام این شخص به دو شکل «رازین» و «روزن» آمده است ولی به جهت استفاده مرحوم نقیسی از نام «روزن» برای این شخصیت در این کتاب هم «روزن» تحریر شد.

جهت این چنان که در کاغذ قبل دستدار به آن مشفق مکرم اظهار داشتند، بی‌بزرگی و عدم ناظمی است که در سرحد ایران الان موجود و حاصل است، همچنان که در ماه قبل اهالی خلیفه لو و ارنسه‌لو رعیت ایران، به قریه گله‌دار، من قرای محال طالش ریخته، کثیری از مال و دواب آنها را چپاول کرده می‌برند، اهالی ده خیردار شده به تعجیل جمعیت دزدان را تعاقب کرده، تمامی مال و دواب را پس گرفته‌اند، بجز از شش رأس اسب و ده رأس عوامل که غارتگران برده‌اند.

از این بی‌حسابی و دله‌دزدی جدید و از بی‌نظامی و چپاول قبل، واضح و آشکار می‌شود که با وصف همه احتیاط و حزم که سرحدداران ما در حدود خودشان مرعی و ملحوظ می‌دارند، دزدی و ناخت و تاز در خان نشین طالش موقوف نمی‌شود، مادام که فراریان طالش که اسامی آنها در کاغذ قبل قلمی شده است، از سرحد بجای دوردست دور و یک نفر از خوانین خوش نیت و امین و باضابطه به سرحدداری تعیین نشود. زیرا که حال در سرحد حاکم تنها میرکاظم خان است، که پیوسته، به تمنای تحصیل زیاد اختیار و تسلط، اهالی طالش را تحریک و بلکه اجبار به گذشتن به خاک ایران نماید، دست نهب و غارت را گشاده، در اذیت و آزار اهالی سرحدنشین طالش به هیچ وجه من الوجوه فروگذاشت نمی‌کند.

لهذا دستدار مراتب را حسب‌الاطهار جناب فرمانفرمای معظم‌الیه به آن مشفق مکرم اظهار کرده، توقع دارد که کیفیت را به عرض اولیای دولت علیه رسانیده، قراری گذارند که میرکاظم خان را از حکومت در سرحد عزل، و فراریان طالش را که به حمایت مشارالیه هر روزه محرکت فتنه و فساد و دزدی و چپاول شده، اهالی سرحدنشین طالش را آبی آسوده و آرام نمی‌گذارند، با خود خان از سرحد دور و حاکم درستکار و خوش رفتار تعیین نمایند. تا رفع این گونه غواپل بکلی بشود. و الا هر روزه مرتکب حرکات خلاف حساب و منافی رویه دوستی و همجواری گشته. موجب دردسر امنای دولتمین

علیتین، و خانه خرابی تبعه جانبین خواهند شد.

دوستدار تشکیک ندارد که اعلیحضرت شهریاری که طالب آرام و آسایش عامه اهالی شوکتین بهیتین هستند، هرگز راضی به این گونه هرزگی<sup>۱</sup> و دله‌دزدی بعضی مرکزمان بدینیت نشده، ایشان را عبرت متناظرین، مورد سیاست و مؤاخذه کامل کرده، مضایقه از دور کردن از سرحد نخواهند فرمود. که رفع این قسم فتنه و فساد بی‌حسابی در سرحد به عمل آید.

دوستدار منتظر جواب و حصول استفسار از کیفیت فرار اولیای دولت ذی‌شوکت علیه عالیه می‌باشد. زیاده چه اظهار دارد.

تحریراً فی ۲۶ شهر جمادی الاخر سنه ۱۲۵۲

[اسجع مهریشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت

بهبه روسیه

سند شماره ۴۴

[نامه احتمالاً وزارت خارجه به وزیر مختار روس<sup>۱</sup>]

[رمضان ۱۲۵۲]

جناب مجددت و جلالت نصابا، محبان استظهارا، مکروما

امسال از اول بهار، در حدود طالش و قراچه داغ، از جانب سرحدنشینان دولت بهیه روسیه، تعدی و قتل و نهب اتفاق می افتد و از قراری که جناب جلالت مآب، امیر عساکر منصوره، محمدخان به تاریخ شهر شعبان، به دوستدار نوشته و سواد آن را برای استحضار آن جناب در ضمن این مراسله فرستاده، سرحدنشینان آن دولت بهیه به حدور مقدور ایذا و اضرار به رعایای دولت علیه می رسانند.

باز از قرار نوشتجات جنرال قونسول، امر را بر جناب فرمانفرمای گرجستان مشتبه می کنند و به این جهت، این فساد در این مدت نخوابیده، بلکه روز به روز شدت یافته است. چنان که در روزنامه شهر رمضان المبارک که از آذربایجان رسیده، قلمی داشته اند که چند خانوار از ایلات شاهسون مشکین، که پارسال به طالش رفته بودند، امسال اراده مراجعت کرده اند. میرعباس یک جمعیت بر سر آنها فرستاده، بر کوچ و بنه و عیال شاهسونها تاخته، منتهای بی حسابی کرده اند.

لازم و واجب است که، این گونه تعدی و تجاوز را نهایتی گذاشته شود، که بی حسابی ها که در این مدت اتفاق افتاده، از نهب و قتل و خرابی تلافی شود، و مرتکبین

<sup>۱</sup> سند دیگری از روی همین سطور رونویسی شده است تحت عنوان «سواد مراسله که به وزیر مختار روس نوشته می شود»، سند مزبور تحت همین شماره در آرشیو وزارت امورخارجه موجود است.

مورد تأدیب و تنبیه شوند، که من بعد جرأت این گونه امور ننمایند.

برای اجرای این حقوق اولیای دولت علیه، واجب می دانند، که دو نفر معتمد یکی از جانب اولیای این دولت قوی شوکت و یکی از جانب آن جناب، روانه سرحد شود و به طبعی این امور پردازد.

معلوم است که آن جناب نیز بر وفق صوابدید اولیای دولت قاهره لازم خواهند دانست، که این مفاسد به همین طریق قرین اصلاح شود.

تحریراً فی شهر رمضان سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۴۵

## [نامه جان مکنیل سفیر انگلیس به وزیر خارجه در ارتباط

با سفیر روسیه]

[۲۹ رمضان ۱۲۵۲]

جناب جلالت و شہامت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً

پیغامی که دیروز به عالی جاه میرزا محمدعلی داده بودند، که به محب برسانند، به من رسید، مضمون این بود که چون جناب وزیر مختار دولت روسیه زبان فارسی نمی دانند، و بدین سبب محتاج ترجمان است، و چون محب زبان می دانم، و بدون واسطه خدمت قبله عالم عرض می کنم، هرگاه بالاتفاق شرفیاب خدمت شاه بشویم هر آنچه او به شاه عرض نماید و یا شاه به او فرمایش کند حالی محب خواهد شد. و آنچه شاه به من



فرمایش نماید و یا محب به شاه عرض کند، حالی وزیرمختار دولت روس نخواهد شد. این باعث دلنگی او خواهد بود و بدین جهت خواهش دارد که روز عید رمضان بالاتفاق خدمت شاه مشرف نشویم و از آنجا که وزیر مختار دولت روس نامه خود را پیش تر داده است، بدین علت در داخل درگاهی شدن و در وقت تکلم مقدم است. و هرگاه موافق خواهش او دو سفیر بالاتفاق خدمت شاه مشرف نشوند، لازم می آید که سفیر دولت روسیه پیش تر خدمت شاه برود، و سفیر دولت انگلیس<sup>۱۰</sup> بعد از آن شرفیاب شود.

جواب این پیغام این است، که محب بسیار تعجب دارد که وزیرمختار دولت بهیه روس چنین تکلیف غریب که خلاف قاعده هر دولت است، بنماید، اما زیاد تعجب این که کسی از امنای دولت قاهره ایران توسط نماید که این پیغام را به محب برساند. راست است که وزیرمختار دولت روسیه حق دارد موافق قاعده فیما بین سفرای هم شأن و هم مرتبه در وقت داخل دربی شدن و در هنگام تکلم سبقت نماید، و لکن شایسته نیست که کسی بخواهد برتری بجوید. برای سفیر دولت روس محض این که زبان دان مردم این مملکت نیست، دردی که وزیر مختار دولت روس دارد و نمی خواهد رفع نماید مدخلیت به کار دولتی ندارد، منحصر است به راحت وجود خودش و این برای دقیقه ای است، لکن تکلیفی که به محب می کنند، مدخلیت به کار دولت دارد و قبول نمودن این تکلیف کسر شأن سفارت دولت بهیه انگلیس خواهد بود.

توقع از آن جناب نداشتیم که بعد از آن همه گفتگوها که در سال گذشته با سفیر دولت بهیه انگلیس واقع شد و اطلاعی که خود محب در این باب به آن جناب دادم، مجدداً چنین پیغامی برای من بفرستند که حاصل این پیغام منحصر به این بود که به دولت بهیه انگلیس بی اعتنایی شود. برای این که به وجود گراف سیمونینچ چند دقیقه خوش بگذرد،

و حال آن که در حضور قبله عالم به هر کس خوش خواهد گذشت.

به آن جناب صراحتاً اظهار می شود که تکلیفی که میرزا محمدعلی از جانب آن جناب به من نمود، به هیچ وجه من الوجوه ممکن نخواهد شد که قبول نمایم، سفیر دولت بهیه روس هیچ حقی ندارد که، بیش از سفیر دولت بهیه انگلیس به سلام برود. لکن بعد از آن که ساعتی مشخص و معین شد که سفرای دولت خارجه شرفیاب حضور پادشاهی شوند، هرگاه سفیر دولت روس خواهش نداشته باشد که با هم خدمت شاه برسیم، می تواند بعد از آن که شاه اذن بدهد شرفیابی خود را تعویق اندازد و وقت دیگر شرفیاب شود.

بالجمله خواهش از آن جناب دارم که محب را از وقت و قرار و تفصیل شرفیابی روز عید رمضان المبارک مطلع سازند.

زیاده چه اظهار شود.

یوم شنبه ۲۹ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۵۲

[سجع مهر پشت سند]: جان مکتیل

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت نصاب، محبان استظهاری، وزیر دول

خارجه مفتوح نمایند.

سند شماره ۴۶

[نامه احتمالاً وزیر امور خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۹ شوال ۱۲۵۲]

جناب جلالت و نبالت نصابا، مکروما، مهربانا

دیروز در باب اغتشاش سرحد طالش، شرحی از نواب مستطاب قهرمان میرزا، صاحب اختیار آذربایجان، و جناب محمدخان امیر عساکر منصوره رسید. سواد آنها را برای استحضار آن جناب ارسال داشت.

اگرچه آن جناب از قراری که مکرر اظهار می‌کنند جز اظهار به فرمانفرمای گرجستان، و عرض به اولیای دولت بهیه روسیه چاره دیگر نمی‌توانند کرد. لیکن در صورتی که جواب نرسد، یا دیر برسد و تبعه سرحدنشین آن دولت از تعدی و تجاوز دست برندارند، بلکه روز به روز [بر] تاخت و تاز خود بیفزایند، این رفتار را بر چه حمل نمائیم و رعایای خود را که هر روز گرفتار تاخت و تاز هستند چگونه ساکت کنیم. و اسکات آنها به حقیقت نمی‌شود، مگر به این که مرتکبین این بی‌حسابی‌ها مورد مؤاخذه شوند، و اموال منهوبه مسترد گردد، و استرضای ورثه مقتولین به عمل آید.

البته بر آن جناب معلوم است، که بعد از انعقاد مصالحه میمونه ترکمان‌چای و تشخیص سرحد دولتین، هرگز این گونه بی‌حسابی‌ها از جانب سرحدنشینان این دولت و آن دولت اتفاق نیفتاده بود.

این که سرحدنشینان آن طرف تازه پیشنهاد تاخت و تاز کرده‌اند مبتنی بر غرضی خواهد بود که رفع آن از برای دوام دوستی بر اولیای آن دولت لازم است.

تحریراً فی ۹ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۴۷

[نامه وزیر مختار روس]

[۹ شوال ۱۲۵۲]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها،

شوکت و جلالت دستگاهها، حشمت و نبالت همراها، دوستان استظهارا، مکروما

مراسله گرامی با سوادهای در جوف آن واصل شدند. از مضامین آنها استحضار حاصل گردید. قراری که لازم بود در خصوص مطلبی که باعث این تکاتب است گذاشته، امیدوارم که ثمره آن که عبارت از حصول آسایش و آرام سرحد خصوصاً، و انتظام سایر امور عموماً باشد عاید گردد.

اما در ضمن این دوستدار باید به آن مشفق مکرم اظهار دارد، که محب را یقین کامل حاصل است، که هیچ یک از صاحب منصبان روس، جرأت گذشتن به خارج سرحد ندارد و در خدمتگزاری اعلیحضرت پادشاه ما چنین نوکر نیست که خود را به آن مرتبه بی‌آبرو نموده، مرتکب هرزگی و چپاول شود. خصوص در حالتی که به او از طرف ذی‌شرف دولت تأکید و سفارش شده باشد، که لازمه مراقبت را در باب مراعات نظم و نسق به عمل آورد، از قواعد و نظام دولت خود که صاحب منصبان روس را دستورالعمل است، مخبر بوده [باشد].

دوستدار به آن مشفق گرامی تکرار می‌نماید که به هیچ وجه من‌الوجه، امکان ندارد، که صاحب منصب روس از سرحد بگذرد. چنان که در کاغذ جناب جلالت نصاب، مقرب‌الخاقان، محمدخان امیر عساکر منصوره اشعار شده بود. لہذا، به دوستدار چنین می‌نماید که بر اولیای دولت اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والا، لازم این بود، که

پیش از اظهار این گونه شکایات به دوستدار، در حقیقت آن خاطر جمعی [را] به هم رسانند.

نظر به شأن خودم و ارادتی که به سرکار عظمت مدار اعلیحضرت اقدس شهریاری دارم، از شما پوشیده و پنهان نمی‌دارم، که دوستدار را ناگواری بسیار، از پاره‌ای تشکیکات مندرجه در کاغذ شما، خصوصاً در مراسله جناب مقرب الخاقان معزی الیه، که گویا، این بی‌نظامی مبتنی بر غرضی و منظوری می‌باشد حاصل شد.

بالجمله برخود، از جمله فرایض می‌شمارم، که شما را مطمئن سازم، که اگر احیاناً شکایتی، که سرحداران ایران از رعایای ما دارند، حقیقت داشته باشد، از طرف دولت ما تلافی وافی در ازای<sup>۹</sup> آن کرده، استرضای کافی حاصل خواهد شد.

لکن، دوستدار از آن مشفق گرامی استفسار می‌نماید، اگر چنانچه بی‌اصل و بهتان بودن این شکایت، همچنان که مکرر اتفاق افتاده است ظاهر شود، در آن صورت به دوستدار چگونه رضامندی از جانب سنی‌الجوانب اقدس شهر یاری داده خواهد شد، زیرا که باید یک دفعه برای همیشگی، این تکاتب ملالت‌آور را ختم کرد. زیاده چه اظهار دارد.

تحریراً فی ۱۹ شهر شوال سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۲۸

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۲۷ شوال ۱۲۵۲]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها،

شوکت و جلالت دستگاهها دوستان استظهارا، مکرما

تجار روس که برای خرید ابریشم به گیلان آمد و شد دارند، تا به حال موافق معمول قدیم به هر یک من ابریشم که خریده می‌بردند، دو ریال گمرک می‌دادند و علاوه بر آن راهداری هم می‌دادند، هر چند این وجوه بازیافتی از تجار روس هم غالباً از صد و پنج قراردادی عهدنامه تجارتی که برای مال داخله و خارجه معین است، مستجاوز می‌شد، لکن تجار ما شکایتی نمی‌کردند، زیرا که به قاعده و قانون قدیم گیلان که راهداری و سایر وجوه مالیه باید داد، اطاعت کرده، گرفتار هیچ گونه تعرض و معطلی، در آزادی حمل و نقل مال‌التجاره خودشان نمی‌گشتند و این هم برای طایفه تجار از جمله لوازم و ضروریات است.

عالی‌جاه میرزا الکساندر، صاحب منصب ایلچی‌گری که برای مراقبت امور تجار روس در گیلان معین است، حالا به دوستدار عرض و اظهار کرده است، که عالی‌جاه عیسی خان بعد از ورود به رشت، به گمرکچی رشت و انزلی قدغن کرده، که مالی که تجار روس از آنجاها به خارج می‌برند، به قرار صد و پنج گمرک مطالبه کرده بگیرند، و با همه این، باز سایر وجوهات مالیه به سیاق قدیم به حال خود باقی می‌ماند.

نظر بر این که، این طور قرارداد، برای تجار روس که در گیلان خرید ابریشم می‌نمایند شاق و جبر است، دوستدار از آن مشفق مکرّم توقع دارد، که در این خصوص به عرض

واقفان حضور، معدلت دستور، اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاهی رسانند، و از حسن مروت و انصاف ایشان چشمداشت آنست که یا امر و مقرر فرمایند، که به سیاق قدیم چنان که در ایام حکومت عالی جاه خسروخان و جناب معتمدالدوله در گیلان معمول و متعارف بود، به همان قرار از تجار که ابریشم از آنجا خریده به روسیه می‌برند، گمرک بگیرند و یا این که، اگر چنان که رأی والای اعلیحضرت اقدس شهریای قرار بر این گیرد، که تجار ما در گمرکخانه انزلی و رشت به قرار صد و پنج تمام گمرک بدهند، در این صورت فرمان قضا جریان به کمال تأکید شرف صدور یابد، که از تجار مزبور علاوه بر صد و پنج سایر وجوهات و عوارضات از جمله راهداری و بانک و پول شتل<sup>۹</sup> و داستاری و مانند آنها را موقوف کرده مطالبه نماید.

چون معلوم است که در گیلان، بلکه در تمامی ایران به چه میل و رغبت عادت قدیم را مرعی می‌دارند، و به احتیاط این که مبادا، طایفه تجار از اجرای قاعده جدید در زحمت افتند. به دوستدار ظاهراً چنین می‌نماید، که اگر در باب اخذ گمرک از تجار روس که ابریشم از گیلان به روسیه می‌برند، به سیاق قدیم معمول می‌شد، مناسب‌تر می‌بود. لهذا لازم دیده اعتقاد خود را در این خصوص به آن مشفق مکرم معلوم کردم. اما در این ماده به حسن انصاف اعلیحضرت اقدس شهریاری که مشهور آفاق است از هر جهت مطمئن بوده، به عدالت ایشان رجوع می‌کنم. نیز میرزا الکسندر به دوستدار اظهار کرده است که او در باب قرار جدید که تجار روس که در گیلان ابریشم خریده از راه تبریز روانه می‌کنند، گمرک خودشان را در رشت ندهند، بلکه باید در تبریز کارسازی نمایند. به عالی‌جاه ینرال قونسول ما متوقف تبریز نوشته بود که در آنجا گفتگو کند، حالا جواب از ینرال قونسول مشارالیه به او رسیده است که صاحب اختیار آذربایجان جواب ایشان این

است که ما در قوه نداریم این قرارداد را تغییر دهیم، زیرا که حسب‌الامر اعلیحضرت اقدس پادشاهی قرار این طور شده است.

نظر بر این که رعایای دولت روس نفع زیاد خودشان را در این می‌بینند که گمرک را در رشت کارسازی نمایند، به جهت این که ایشان هنگام خرید ابریشم اغلب اوقات با بایع شرط می‌کنند که گمرک را با بایع عوض آنها در رشت کارسازی کند. و این صرفه را تجار ما در تبریز نخواهند داشت.

لهذا از آن دوست مکرم، توقع دارم که از اعلیحضرت اقدس شهریاری مسئلت نمایند که تجار ما را مأذون فرمایند که در هر جا، از این دو گمرکخانه، که صلاح خودشان دانند گمرک ابریشم خود را بدهند. زیرا که در عهدنامه تجارت قید نشده است که به مال خارجه بخصوصه در تبریز گمرک داده شود. بلکه قید به دولت ایران شده است که رشت و تبریز هر دو تابع آن است

توقع آن که دوستدار را از کیفیت قراردادی که در این بابها خواهند داد مستحضر سازند.

تحریراً فی ۲۷ شهر شوال‌المکرم سنه ۱۲۵۲

سند شماره ۴۹

## [نامه احتمالاً وزیر خارجه به وزیر مختار روس]

[۱۲۵۲ ق]

وزیر مختار روس

کاغذی که به تاریخ بیست و ششم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۵۲ قلمی داشته بودید رسید، در ضمن آن نگاشته بودید که جناب ینرال آنشف بارون روزن فرمانفرمای گرجستان «موافق قانون مندرج فصل سیصد و هفدهم که برای حسن انتظام امور مرتب گشته»<sup>۱</sup> به شما قلمی داشته است که برای احتراز از بعضی مفاسد، به سرحدداران و مباشرین قراتین و حکام ولایات ارمن زمین و ولایات خان‌نشین طالش و غیره قدغن کرده است، که رعیت‌های ایران راه که باتذکره دولت خودشان به خاک ما آمد و شد می‌کنند مانع شده برگردانند. تا این که برای تردد و نشستن خود در خاک متعلقه دولت بهیبه روسیه تذکره از ایلچیگری ما داشته باشند.

جواب این است که یکی از فواید دوستی دو دولت این است که تبعه دولتی به آزادی در ملک یکدیگر به رسم تجارت یا اهل صنعت آمد و شد کرده و از فوایدی که در این دو ملک یافت می‌شود، منتفع شوند. در صورتی که این آمد و شد را قیدی باشد، لامحاله آن فایده و انتفاع را نقصان خواهد رسید، و این مخالف فوایدی است که در دوستی متصور میشود.

اگر جناب فرمانفرمای گرجستان را از فرمایش این قرار تازه، منظور آن باشد که دزد و

۱ جمله داخل گیومه در اصل در حاشیه قرار دارد.

فاجر در لباس اهل حرفت و تاجر داخل آن ملک نشود، این معنی را ارباب مناصب دولت علیه ایران، که در هر ملکی تعیین شده‌اند، بهتر تمیز می‌توانند داد، که اهل ملک‌اند، صاحب منصبان ایلچیگری که مردمان غریب هستند، چه شناسایی به احوال اهل این ملک دارند، که انواع اهل این ملک را فرق دهند و تذکر آنها [را] سد این راه کنند. چون این نوع تذکره گرفتن مانع آمدن تجار مازندران و گیلان و دیگر بلاد سرحدات می‌شود، از آن جناب توقع می‌شود که با جناب فرمانفرمای گرجستان مکاتبه کرده، این امر را نوعی صورت بدهند که آمد و شد تجار را صعوبتی و عطلتی عارض نشود.

سند شماره ۵۰

## [نامه وزیر مختار روسیه به وزیر امور خارجه]

[۲۸ ذی‌قعدة ۱۲۵۲]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

فخامت و مناعت اکتسابا، دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرماً، مهرباناً

در باب مأموریت عالی‌جاه میرابراهیم خان، که اظهار فرموده بودید عالی‌جاه مشارالیه از جانب دولت علیه منصوب به مصلحت‌گزاری<sup>۱</sup> و اقامت حاجی ترخان باشد، و خواهش کرده بودید که دوستدار سفارشانمه و پاره‌ای نوشتجات به مستحفظین عرض

۱ اصل مصلحت‌گذاری

راه به او داده شود، تا به عزت و احترام روانه مقصد گردد، دوستدار لازم دید که به تحریر این صحیفه‌الوداد پرداخته به آن عالی‌جاه مشفق گرامی اظهار سازد که چون تا حال جوابی از اولیای دولت ما، در این خصوص به دوستدار نرسیده، و احتمال می‌رود که چند روز دیگر چابار ما خواهد رسید، لهذا توقع می‌شود که چند روز تحمل بفرمایند تا جوابی در این باب از اولیای دولت ما برسد، از آن قرار معمول گردد.

زیاده چه زحمت دهد. باقی ایام شوکت و جلالت بر قرار باد.

تحریراً فی ۲۸ شهری‌القعده سنه ۱۲۵۲

### سند شماره ۵۱

انامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه  
(مسعود انصاری گرم‌رویی)

[۴ ذیحجه ۱۲۵۲]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها، مجددت و نجدت همراهها

شهامت و بسالت دستگاهها، دوستا، مشفقاً، مکرمات، مهربانان

نظر به تعهدی که پارسال در میان دوستدار و امنای دولت قاهره در باب ادای یک کروور باقی وجه مصالحه گذاشته شده، دوستدار منتهای اعتقاد و خاطر جمعی در این خصوص داشته، تحمل و انتظار ادای وجه مزبور از بابت موعده دویم کشیده بود. چون کارسازی آن به تأخیر افتاد، لهذا بر خود لازم دید که به تحریر این مراسله

پرداخته، به آن عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجددت و نجدت همراه، اظهار و یادآوری سازد، که حالا موعده سیم هم برای ادای وجه مذکور نزدیک شده، انساب است که تقدیم شرایط قراردادی که قیامین دولتمین علیتین در خصوص ادای وجه یک کروور باقی گذاشته شده است، به عمل آید.

بنابراین متوقع است که منظور و نیتی که امنای دولت قاهره در این باب در نظر دارند، به دوستدار معلوم بفرمایند، تا از آن قرار به اولیای دولت خود قلمی و اظهار سازد. باقی ایام مجددت و نجدت پایدار و برقرار باد، بر ب‌العباد.

تحریراً فی ۴ شهر ذی‌الحجه‌الحرام سنه ۱۲۵۲

[سجع مهر پشت سند]: فراف ایوان سیمونچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: صحیفه‌الاتحاد را، عالی‌جاه رفیع جایگاه مجددت و نجدت همراه شهامت و بسالت دستگاه، دوستان استظهاری، مشفق مکرم مهربان وزیر دول خارجه میرزا مسعود مفتوح فرمایند.

سند شماره ۵۲

## [ نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ]

[ ۶ ذیحجه ۱۲۵۲ ]

عالی‌جاها، رفیع جایگاهها،

شوکت و جلالت دستگاہا دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرمًا، مهرباناً

یقین آن عالی‌جاه رفیع جایگاه در خاطر دارند که چندی قبل از این حین ملاقات با جناب حاجی میرزا آقاسی قرار صادر شده است، که جناب معزالیه درباب مطالبات عالی‌جاه مروین‌کوف نام، به نواب ظل‌السلطان شرحی قلمی دارند تا ادعای عالی‌جاه مشارالیه به مقام تحقیق رسیده، موافق حق و حساب رضامندی به او داده شود. فی‌الحقیقه مدعی مزبور سفر بعیدالمسافت کرده، ضرر و خسارت کلی کشیده، مستحق این است که امنای دولت قاهره درباره او رویه انصاف و مروت مرعی داشته، احقاق حق به عمل آورند.

بنابراین از آن عالی‌جاه مشفق گرامی توقع دوستانه می‌نماید، زحمت را قبول فرموده از جناب حاجی میرزا آقاسی خواهش نمایند، که کاغذی که باید از طرف اولیای این دولت ابد مدت به نواب ظل‌السلطان، درباب طلب مدعی مزبور نوشته شود، نزد دستدار ارسال دارند، تا اگر مناسب می‌دانند، از مضمون آن اطلاع به هم رسانند، و با چاپار ایلچیگری دولت ما به اردبیل روانه نموده جواب او را بیاورد.

چون منظور دستدار این است که، امر مدعی مزبور که از جمله چاکران قدیم اعلیحضرت امپراطور ما باشد بدون تأخیر و درنگ قطع و فصل شود. لهذا دستدار قبول دارد که چاپار ما به اتفاق چاپار این دولت ابد مدت روانه اردبیل شود.

متوقع است که آن عالی‌جاه مشفق گرامی جواب خود را در این باب به زودی ارسال دارند. باقی ایام شوکت و جلالت برقرار باد.

تحریراً فی ۶ شهر ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۲۵۲  
[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ  
وزیر مختار دولت  
بهیة روسیه

تبرستان  
www.tabarestan.info

[متن دستخط پشت سند]: صحیفه الموالات را عالی‌جاه رفیع جایگاه، شوکت و جلالت دستگاه، دوستان استظهاری، مشفق مکرم مهربان، میرزا مسعودوزیر دول خارجه دام مجده العالی [ملاحظه فرمایند].

سند شماره ۵۳

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۱۲۵۲ هـ ق]

جنابا، جلالت مآبا، دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرمًا، مهرباناً

در این وقت عالی‌جاه آنطون آقا، دیلماج سفارت دولت بهیه روسیه، بنا بر قرارداد امنای دولت قاهره علیه، به جهت بازیافت مبلغ بیست هزار تومان از بابت وجه باقی‌کرور، از سر کار معتمدالدوله، و نیز برای بازیافت مبلغی که جناب معظم‌الیه چندی قبل‌ترین متعهد شده بودند، که کارسازی نمایند، عازم و روانه کرمانشاهان می‌باشند. لهدذا از آن دوستان استظهاری توقع می‌شود که فرامین لازم و نوشتجات ضروریه عرض راه، برای عالی‌جاه فوق‌الذکر مرحمت شود و نیز ضمناً تمنا می‌شود که به خدمت جناب حاجی سلمه‌الله تعالی معلوم نمایند، که دوستدار را توقع اینست که در خصوص ادای وجه باقی‌کرور، نوشته قرارداد از امنای دولت قاهره علیه داده، در دست باشد. از قراری که در حین ملاقات وعده فرموده‌اند از جناب معتمدالدوله بقدر امکان وجهی از بابت کرور، حواله گیلان نمایند، که در مالیات امسال کارسازی نمایند. در خصوص سال آینده هم، هر قدر که جمع مالیات دیوانی باشد، به جهت ادای طلب دولت بهیه روسیه سوای اخراجات لازمه محافظت آن ولا حواله نمایند. نیز توقع می‌شود که فرمان قضا جریان به افتخار معتمدالدوله اخذ نموده، بلا تعویق نزد دوستدار ارسال دارند، که به صحابت فرستاده شود و ارسال کرمانشاهان شود.

نیز بر دوستدار لازم آمد که معلوم نماید در خصوص ادای وجه باقی‌کرور، قرار حواله که امنای دولت قاهره خواهند گذاشت، در ولایاتی که صاحب منصبان سفارت

دولت بهیه روسیه توقف دارند گزارده<sup>۹</sup> باشند. از آن جمله مثل ولایت آذربایجان. یقین است که در این خصوص از قراری که جناب حاجی سلمه‌الله فرمایند، دوستدار را آگاه خواهند ساخت.

باقی‌امام به کام باد.

[سجع مهر پشت سند]: خراف ایوان سیمونیچ، وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: عالی‌جاه، بلند جایگاه، مجددت و نجدت همراه

دوستان استظهاری، مشفق مکرم مهربان، وزیر دول

خارجه میرزا مسعود ملاحظه فرماید.



سند شماره ۵۴<sup>۵</sup>

[نامه‌ای احتمالاً به وزیر مختار روسیه]

[۱۲۵۲ هـ ق]

شرحی که در باب رودخانه‌های صید ماهی قلمی داشته بودید، ملاحظه شد. در باب دو مطلبی که استفسار نموده بودند، اولاً رودخانه‌های گمش تپه و حسینقلی، هر دو متعلق به استرآباد است. و دخلی به شیل مازندران ندارد. ثانیاً طایفه حسینقلی و دیگر طوایف ترکمان همیشه ایل و نوکر دولت علیه ایران بوده‌اند. بدون اذن و اجازت بیگلریگی استرآباد، مداخلت آنها در آن رودخانه‌ها خلاف قاعده است و خاطر مبارک اعلیحضرت شاهنشاه روحی فدا، از استماع این معنی کمال تغیر فرمود. زیاده چه تصدیع دهد.

۵ سند شماره ۵۴ و اسناد شماره‌های ۶۰، ۶۲، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸ قبلاً در مجموعه دیگری با مشخصات ذیل چاپ شده است که توجه مطالعه کنندگان گرامی را جهت اشراف به سایر اسناد در ارتباط با عنوان همان کتاب جلب می‌نماید: اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، تهران، ۱۳۷۲، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، صفحات: ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۸ و ۱۵۳.

سند شماره ۵۵

[نامه احتمالاً وزیر خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۱۶ محرم ۱۲۵۳]

برستان

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، اعتضادا

از قراری که از سرحدداران خیر رسید. عالی‌جاه مصطفی خان شیروانی که در سرحد توقف دارد. بنای شرارت و فساد را گذارده، کسان خود را اغوا و اغراء می‌نماید، که پیوسته اوقات به این طرف آمده، رعایای دولت علیه را آزار و اذیت می‌نمایند. چون آسایش رعایا و دفع فتنه سرحد، منظور و ملحوظ اولیای دو دولت جاوید آیت است، به آن جناب جلالت نصاب زحمت می‌دهد، که قراری دهند که عالی‌جاه مصطفی خان از سرحد دور شده، [او را] در مکانی سکنی دهند، که دست تعدی و تجاوز او کوتاه شده، رعایای دولت علیه مرفه و آسوده گردند. چون لازم بود، خدمت جناب سامی زحمت داد.

تحریراً فی ۱۶ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۳

سند شماره ۵۶

[نامه وزیر خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۱۶ محرم ۱۲۵۳]

هو

جناب جلالت و نبالت نصاباً محبان استظهارا، مشفقاً

بحمدالله تعالی، اگر اختلاف و اختلالی در سرحد طالش بود، بعد از آن که عالی جاه مقرب الخاقان حاجی علی اصغر و عالی جاه کماندان لنگران، یکدیگر را ملاقات کردند، از حسن کردانی و اهتمامات عالی جاهان مشارالیه، بکلی رفع شد، مگر اغتشاش و اختلاف سرحد قراچه داغ و قراباغ که به واسطه ایلات چلیانلو و میخوانلو و گرمادوزی، که گاهی از آن طرف به این طرف می آیند، و بعضی اوقات از این سمت به آن سمت می روند، بسیار مغشوش است، و در میانه آنها قتل و نهب واقع می شود.

اولیای دولت جاوید مدت قاهره برای رفع فساد آن سرحد به نواب مستطاب قهرمان میرزا، حکمران آذربایجان مؤکداً مرقوم داشتند، که معتمدی از خود روانه آن سرحد نموده که دفع ماده فساد و رفع مایه اغتشاش از میان ایلات نموده، آن سرحد نیز از فتنه و آشوب آرام گیرد.

لهذا به جناب سامی زحمت می دهد که مراتب را به جناب جلالت نصاب بارون روزن فرمانفرمای گرجستان، قلمی دارند، که جناب مشارالیه نیز امینی از خود تعیین نماید، که به سرحد قراچه داغ آمده، به اتفاق معتمد این طرف، رفع مواد فساد آن سرحد را نمایند.

زیاده چه اظهار دارد.

تحریراً فی ۱۶ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۳

سند شماره ۵۷

[نامه جنرال قونسول دولت روسیه به میرزا علی

نایب وزارت خارجه]

تبرستان  
[۲۰ محرم ۱۲۵۳]  
www.tabarestan.info

عالی جاها، رفیع جایگاهها، شوکت و جلالت

اکتساباً، شهامت و بسالت انتساباً، مخلصان استظهارا، مکرماً

این روزها عالی جاه دمطری قارتویچ گراف نسلرود، پسر جناب جلالت نصاب وس کانسلارگراف نسلرود وزیر امور دول خارجه، به این ولا وارد، و به واسطه تشریف بردن جناب جلالت مآب وزیر مختار، به اردوی کیوان شکوه اعلیحضرت شاهی از اینجا مراجعت نمود. نهایت فوق‌الغایه جویای احوال و تعریفها از حسن صفات سامی می کرد و خیلی شایق دیدار شریف بود و می خواست که به وسیله رسیده تصدیع افزا شود. باز اقدام به زحمت دادن سرکار آن مشفق گرامی نشد. عالی جاه معزی‌الیه کاغذی از کوچ گریبایدوف مرحوم به عقب سپاه مدم لامرینر داشت، در اینجا نزد مخلص گذاشت. لهذا همان کاغذ را به انضمام کاغذی که یک نفر از اهل فرنگ، از یک نفر فرنگی که آشنای آن مشفق گرامی است آورده بود، درجوف این ارسال خدمت نمودم. امیدوارم که زحمت را قبول فرموده کاغذ مدم را عندالفرضه مقرر دارند برسانند.

ضمناً اظهار می شود که آن مشفق گرامی در باب تنخواه آقا زین العابدین باسمنجی، اظهاری فرموده بودند، حقیقت مخلص حسب الخواش آن جناب سامی در اوقات مناسب اظهار کرده و می کند. لکن چه فایده که نتیجه حاصل نمی شود. خاصه این اوقات که امر تحصیل پول کمال اشکال به هم رسانیده است.

باری، مخلص بر خود لازم می‌داند که حسب الخواش آن مشفق گرامی به قدر امکان سعی نماید، اگر ثمره نبخشید تقصیر مخلص نیست. مترصد است که پیوسته حقایق حالات سلامتی را مع ارجاع هرگونه سفارشات و مرجوعات قلمی و اشاره دارند، که در انجام آن لوازم اهتمام به عمل آید. باقی ایام الطاف برقرار باد.

تحریراً فی ۲۰ شهر محرم سنه ۱۲۵۳<sup>۹</sup>

[سجع مهر پشت سند]: دمتری فودنیس جنرال قونسول

دولت بهیه روسیه

[در حاشیه]: فرزندا، این است کاغذ جنرال قونسول که به من نوشته است، در باب

تنخواه آقا زین‌العابدین هرچه حکم می‌شود اعلام بکن.

[متن دستخط پشت سند]: در ارودی جهانگشا نصرالله علی الاعداد فرزندی

میرزاعلی نایب وزارت دول خارجه مطالعه نمایند.

ان‌شاءالله

۹ این تاریخ با احتمال خوانده شد، شاید ۱۲۵۲ باشد.

سند شماره ۵۸

[۲۷ صفر ۱۲۵۳]

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه‌الله تعالی  
به جناب وزیر مختار روس

جناب جلالت و نبالت نصایب، محبان استظهارا، مشفقاً

در باب باقی کرور آخرین طلب دولت بهیه روسیه از دولت علیه ایران، دوستدار بر ذمه خود می‌گیرد که به تدریج بطوری که هیچ وقت از ایصال پول اهمال نشود<sup>۹</sup>، آن وجه را به آن جناب بپردازد.

از آن جناب توقع می‌نماید که اگر کارگزاران دولت علیه باقی کرور مزبور را تا حال کارسازی نکرده‌اند، حمل بر این نمایند که منظورشان تعلل و کوتاهی است، بلکه از قراری که قلمی گردید دوستدار تنخواه مزبور را به تدریج و به طور مسطور تمام و کمال خواهد پرداخت.

خاطر را در این باب جمع داشته، مظنه قصور و اهمال نداشته باشند.

تحریراً فی ۲۷ شهر صفر المعظفر سنه ۱۲۵۳

۹ اصل: شود

سند شماره ۵۹

[نامه احتمالاً وزیر خارجه به وزیر مختار یا سفیر انگلیس  
در مورد جنگ ایران و روس و تعهد انگلیس در این رابطه<sup>۱۰</sup>]

[ربیع الثانی ۱۲۵۳]

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، مخلصان استظهارا، مشفق مکرم معظما

چون کمال مواحدت و وفاق دولتین علیتین مقتضی است، که شروط و عهدی که فیما بین مقرر گشته از طرفین ممضی و مجری شود، و در جزوی امری، از امور آن نقص و قصوری باقی نماند. لهذا به خدمت جناب سامی زحمت می دهد، که به مقتضای فصل دوم و سیم و چهارم عهدنامه مبارکه بین الدولتین، مقرر است، که اگر دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند، یعنی از خاک متعلقه به خود تجاوز کرده قصد ملک خارج از ملک خود کنند. مادامی که جنگ به صلح مبدل نگشته هر ساله دولت بهیه انگلیس<sup>۱۱</sup> مبلغ دوست هزار تومان به دولت علیه ایران امداد نماید. وقتی که جناب جلالت نصاب عمده الاکابر والاباحه مستر الیس ایلچی بزرگ مخصوص آن دولت، شرفیاب دربار شوکت مدار شاهنشاهی شده، در این باب با جناب مشارالیه مکاتبه شد و سبقت دولت بهیه روسیه، موافق نوشتجات جناب جنرال آنشف یرملوف و ولیمونوف اثبات گردید، که اگر آن جناب رجوع به سواد آن جواب و سؤال نمایند کیفیت به تفصیلهای حالی و

۱۰ ر.ک. سند شماره ۱۲ همین کتاب

۱۱ اصل: انگریز

خاطر نشان خواهد شد. جواب آخر جناب مشارالیه این شد که مطالب را به عرض اولیای دولت خود خواهد رساند.

نظر بر این که در این مدت مطلقاً جوابی در این باب نرسیده است، حسب الامر قدر قنبر شاهنشاهی مقرر کردند، که جواب آن از آن جناب استعلام شود، و اراده اولیای دولت بهیه انگلیس در این باب معروض رأی امنای دولت قاهره گردد. زیاده بجه تصدیع دهد

تحریر فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۵۳

سند شماره ۶۰

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[سلخ ربیع الثانی ۱۲۵۳]

جنابا، شوکت و جلالت مآبا، محبان نوازا دوستان استظهارا

از قراری که دیروز حین ملاقات با آن جناب قرار داده شد، لازم آمد که در نگارش ذریعه بیان مطلب مذکور را نماید.

در این وقت، حسب الامر اعلیحضرت امپراطور اعظم بر وفق خواهش قبله عالم، دو کشتی جنگی از دولت بهیه روسیه، به سمت مازنداران رفته است، که محافظت سواحل مازنداران از سرحدات استرآباد الی سواحل جنوبی اترک نمایند. علاوه بر این بزرگ دو کشتی مزبور، از جانب اعلیحضرت امپراطور اعظم لازمه رخصت و مأموریت بر این که

دارند، منتهای تقویت و اعانت را نسبت به عساکر این دولت که مأمور به آن ولایت می‌شوند عندالضرورت و الحاجت نمایند.

متوقع است که آن جناب زحمت کشیده، مراتب را خدمت نواب مستطاب شاهزاده نامدار اردشیر میرزای حاکم مازندران، عریضه نگاریند، که از کیفیت استحضار و اطلاع داشته، اشتباهی از برای ایشان نشود.

دوستدار هم خیر مراتب مذکور را به خاک پای قبله عالم عریضه نگار خواهم بود، که از انجام خواهش خود آگاهی و اطلاع، و از مراتب منتهای خصوصیت باطنی و محبت قلبی امپراطور اعظم نسبت به وجود مبارک خود استحضار به هم رسانند.

تحریراً فی سلخ شهر ربیع الثانی من شهر سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سموئیچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب شوکت و جلالت مآب، محبان نواز، دوستان استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه فرمایند.

سند شماره ۶۱

سواد نوشته‌ای که جناب وزیر مختار روس به جناب

حاجی سلمه‌الله نوشته

[جمادی‌الاول ۱۲۵۳]

جناب جلالت مآب، نبالت نصاب، محبان استظهار، اعضدا

در این وقت نوشته از عالی‌جاه آنظون آقا، مترجم سفارت رسیده است، که وارد کرمانشاهان شده، فرامینی که در باب اخذ تنخواه در دست داشت، به نظر معتمدالدوله رسیده، مشارالیه را در باب بیست هزار تومان یک طغرا ملفوفه فرمان دستخط مبارک، سخن این است که، ده هزار تومان آن را، چون در کتابچه دستورالعمل که اولیای دولت قاهره به من داده‌اند، ذکر نشده است. قبول ندارم. پنج هزار تومان دیگر هم اخراجات سفر سال قبل وزیر مختار نوشته‌اند، چون در کتابچه دستورالعمل نوشته‌اند، کارسازی می‌نمایم و حال آن که به آن شخص مکرم واضح است، که محاسبه اخراجات سفر دوستدار در آنجا گذشته است که دخلی به جناب معتمدالدوله نداشته است. از قرار نوشته آنظون آقا، پنج هزار تومان اخراجات سفر را کارسازی می‌نماید. مطالبه برات او را هم می‌کند. و یک طغرافرمان ده هزار تومان دیگر را مطلقاً قبول ندارد.

باز هم به قدر مذکور موافق نوشته آنظون آقا چنین معلوم می‌شود که مطابق فرامین مبارک از سی هزار تومان، جناب معتمدالدوله<sup>۱</sup>، پانزده هزار تومان قبول دارد و پانزده هزار دیگر را نمی‌دهد.

توقع از آن جناب این است، که در این باب بدون تأمل نوشته به جناب معتمدالدوله نوشته حکم بفرمائید که آنچه قرارداد اولیای دولت قاهره با دوستدار شده است، مطابق فرامین مبارک عمل نموده، تخلف ننمایند که باعث شرمندگی دوستدار نزد امنای دولت بهیه روسیه شود.

چون دوستدار به اطمینان فرمایش آن دوستان استظهاری، هنگام روانه داشتن آنطون به کرمانشاهان، به امنای دولت بهیه روسیه نوشته است که مبلغ سی هزار تومان در این زودبها از کرمانشاهان وصول می‌شود، چنان نشود که فرمایش و وعده جناب سامی تخلف شود.

در باب وجهی هم که خود معتمدالدوله در چمن کالپوش<sup>۵</sup> متعهد شدند که کارسازی نماید مردی از خود فرستاده، رفته در رشت که مداخل املاک او را در رشت ضبط و آورده کارسازی دوستدار نماید.

حال مذکور می‌شود قدغن شده است، مداخل املاک رشت جناب معظم الیه را به آدم او ندهند، که میرزا موسی نامی احمد ادعائی در آن املاک دارد. به این جهت آن املاک در عهده تعویق افتاده است. مراتب چون لزوم داشت مزاحم شد.

فی شهر جمادی‌الثانی ۱۲۵۳

<sup>۵</sup> کالپوش ناحیه چمنی است نزدیک به بجنورد (جغرافیای سیاسی کیهان، ص ۱۷۰). چمنی بزرگ و وسیع در کثرت آب و غلف مثل است. از سمتی به گرگان و از سمتی به جاجرود و از طرف دیگر به فرنگ فارسبان محدود است. کوهستانی است و چشمه‌های خوشگوار دارد ... (آندراج)

سند شماره ۶۲

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۲۳ جمادی‌الاول ۱۲۵۳]

جنابا، شوکت و جلالت مآبا، محبان نوازا دوستان استظهارا

دو طغرا مراسله آن مشفق مکرم و جناب حاجی سلمه‌الله واصل و از مضامین آن من‌البدایه الی‌النهایه اطلاع حاصل و از سلامت و استقامت مزاج و هاج که مایه سرور و ابتهاج است خوشوقتی رخ نمود.

جناب حاجی سلمه‌الله و آن دوست مهربان خواهش و اظهار نموده بودند که دوستدار شرحی به بزرگ دو<sup>۶</sup> فرزند کشتی جنگی که اعلیحضرت کیوان رفعت امپراطور اعظم ولی‌النعم برای قبله عالم فرستاده‌اند، بنویسد که با قوت دولت ایران همدست شده، مطیع نواب اردشیر میرزا بوده به جنگ طایفه ترکمانیه حسینقلی و چرکس پردازند.

دوستدار، جواب این فقره را جز این که فقرات مکالماتی که در حضور آن جناب و جناب حاجی سلمه‌الله، خدمت اعلیحضرت پادشاه جم‌جاه ایران شد و آن اعلیحضرت جواب فرموده‌اند به خاطر آن دوست مکرم بیارم.

دوستدار بر همان قرار و طبق فرمایش قبله عالم این دو فرزند کشتی جنگی را از دولت بهیه روسیه توقع و تمنا نموده‌ام. و حال دوستدار نمی‌تواند، لشکر خود را برخلاف دستورالعمل ایشان که از دولت داده شد امر نماید و حال آن که باید با آنها [در] کمال حسن مودت رفتار نمایند، که باعث مزید نفع تجارت رعایای دولت بهیه روسیه که از

طایفه ترکمانیه دارند باشد. دستدار می‌خواست جواب این فقره را شرح مفصلی نگارش دهد، ولی چنان می‌دانم که به همین دو سطر مختصر آن دوست کفایت نماید. چنانچه دستدار به وعده خود وفا نمود، توقع است که امنای دولت قاهره نیز شروط وعده دستدار را به خاطر بیاورند. که چه شرط در میان بود.

دیگر آن که از قرار کشتی داران جاسوسان بحر خزر که از جانب اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور اعظم ولی‌التعم مأمورند که در بحر خزر تجسس نمایند، کشتیهای کوچک نوی دار دیده‌اند. چون دستدار محکوم است، و بر خود لازم و واجب می‌داند که به امنای دولت قاهره ایران به قدر امکان اصرار نماید، که در این باب موافق فقره هشتم عهدنامه ترکمان چای عمل نمایند. لهذا از آن دوست مهربان توقع است که یک طغرا فرمان به عهده حکام سواحل بحر خزر صادر نمایند، حکم محکم شود که بدون عذر، کشتی که آلات و ادوات حربیه داشته باشد موقوف نمایند، که دستدار از صدور فرمان مبارک در این باب دولت بیه روسیه را آگاهی دهد.

یقین است که فرمایش قبله عالم را در این باب در جواب تمنای دستدار اعلام و نگارش خواهند داد.

پیوسته به مقتضای محبت و یک جهتی حقایق نگار حالات حریت علامات باشند.

تحریراً ۲۳ شهر جمادی‌الاولی من سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ وزیر مختار

دولت بیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب شوکت و جلالت مآب، محبان نواز، دوستان

استظهاری، میرزا مسعود، وزیر دول خارجه ملاحظه

فرمایند.

سند شماره ۶۳

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۲۰ رجب ۱۲۵۳]

جنابا، جلالت و نبالت نصابا، محبان نوازا دوستان استظهرا

چندی قبل از این نوشته به این مضمون از جناب فرمانفرمای گرجستان به دستدار رسید، که چون امنای دولت علیه ایران خواهش نموده بودند که حاکم قراباغ و حاکم قراداغ همدیگر را ملاقات نموده، نظمی در کار سرحدات آن صفحات دهند که مثل نظم سرحدات طالش و اردبیل که به سعی و اهتمام حاجی علی عسگر و کلنل<sup>۱</sup> لوستکوف در ابتدای بهار یافته است شود.

لهذا، فرمانفرمای گرجستان، حاکم قراباغ را مأمور داشته است که رفته، نعمت‌الله خان را که از جانب جناب امیر نظام مأمور است ملاقات نموده، به نظم امور سرحدات پردازند و جناب فرمانفرما امیدوار است، به طوری که حاکم اردبیل و طالش در آن سرحدات نظم داده‌اند، چنین نظمی هم در امور سرحدات قراباغ و قراداغ به سعی و اهتمام حاکم قراباغ و عالی‌جاه نعمت‌الله خان داده شود، که بالمره ترک سرقت فیما بین سرحدنشینان آن صفحات شود، و آسودگی خلق آن سمتها حاصل آید. توقع آن که امر و اهتمام جناب فرمانفرما را در باب نظم سرحدات که حسب‌الخواهش اولیای دولت قاهره ایران است به عرض امنای دولت قاهره ایران رسانیده، ایشان را آگاهی دهند.

تحریراً فی بیست شهر رجب المرجب من الشهر سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ، وزیر مختار  
دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، درایت و فخامت  
انتساب، محبان نواز، دوستان استظهاری، میرزا مسعود  
وزیر دول خارجه ملاحظه فرمایند

سند شماره ۶۴

[نامه وزیر مختار روس به وزیر امور خارجه]<sup>۱۰</sup>

[۱۲۵۳ هـ ق]

جنابا، شوکت و جلالت مآبا، محبان نوازا، دوستان استظهارا

نوشته محب سرشته در امور ارمنه و اصل، و از مضامین مودت آئین آن من البدایه الی  
النهایه اطلاع حاصل آمد.

در باب تشریف فرم شدن اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور اعظم ولی النعم خودم به

<sup>۱۰</sup> وزیر مختار روس نامه‌ای با همین متن و موضوع به حاجی میرزا آقاسی صدراعظم نوشته که تحت همین شماره در آرشیو وزارت امور خارجه موجود است تحت عنوان «سواد نوشته وزیر مختار دولت روسیه که به حاجی میرزا آقاسی نوشته‌اند».

سرحد گرجستان و ملاقات اعلیحضرت پادشاه جم‌جاه ایران با آن اعلیحضرت در آن  
سامان اگرچه خبر قطعی و درستی به دستدار<sup>۱۱</sup> نرسیده است، ولی از قراری که [از]  
خارج مسموع و ظاهر معلوم می‌شود، بعد از دو ماه دیگر که اوایل ماه اکتبر<sup>۱۲</sup> باشد، ورود  
اعلیحضرت امپراطور اعظم به تغلیس مشخص و معین است. بر خود آن جناب ظاهر و  
معلوم است که قبل از وقت ملاقات دو اعلیحضرت زمان فرصتی ضرور دارد که به  
تدریج به تدارکات و تدارکات شایسته که لازمه ملاقات باشد به عمل آید، با این مدت  
قلیل چگونه توان از عهده آن تدارکات برآمد. مع هذا ملاقات دو اعلیحضرت در این  
وقت ممکن نخواهد بود، به علت این که این اراده شریف اعلیحضرت پادشاه ایران  
موقوف و متروک نشود، می‌توان قرار را در وقت موسمی و مقام مناسبی داد که طرفین در  
حالت خوشی ملاقات دوستانه حاصل نمایند. بخصوص روانه شدن یکی از حاجبان  
مقریین دولت علیه ایران به جهت تقدیم رسم تهنیت ورود اعلیحضرت امپراطور اعظم و  
احوالپرسی ایشان.

دوستدار کمال خاطر جمعی دارد که حضرت امپراطور اعظم ولی النعم در این باب از  
تعارف و محبت دولت وفادار خود کمال خرسندی حاصل خواهد نمود.

دیگر آن که از جانب اعلیحضرت پادشاه ایران فرمایش شده بود که دوستدار از راه  
دولتخواهی خیال خود را در انتخاب روانه داشتن احدی از مقریین این دولت به جهت  
تهنیت به معرض عرض درآورده، اظهار نماید.

از قرار است که مشافهتاً به آن جناب گفتگو شده است، مجدداً نیز نگارش و اظهار  
می‌شود که یا باید نواب قهرمان میرزا را مأمور بفرمایند یا جناب امیرنظام و یا آن دوست

<sup>۱۱</sup> اصل: دوستار

<sup>۱۲</sup> اصل: اکتوبر



مهربان [که] به اسم وزیر دول خارجه در اقرب یافتگان حضور و از ملتزمین رکاب مبارک اعلیحضرت است. علاوه بر جهات مذکور، بدون احتیاج به ترجمان و دیلماج، مطالب و مهمات خود را می‌تواند به طور شایسته خدمت اعلیحضرت امپراطور اعظم عرض و خاطر نشان نماید. بخصوص ارسال داشتن تحفه و هدایا [ی] اعلیحضرت پادشاه ایران به جهت امپراطور اعظم و سایر ملتزمین رکاب همایون ایشان نگارش رفته بود، دوستدار در این مقام بکلی بد صورت دانسته خوب نمی‌داند.

علی‌ای‌حال، آنچه دوستدار از راه دولتخواهی و مصلحت اندیشی این دولت علیه به نظر رسیده است در جواب مطالب نگارش داده مزاحم شده است.  
باقی ایام سعادت به کام باد.

تحریر آفی ۱ شهر جمادی‌الاولی من الشهور سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب شوکت و جلالت مآب، محبان نواز، دوستان

استظهاری میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه

فرمایند.

سند شماره ۶۵

[نامه وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم]

[۱۲۵۳ شعبان]

جنابا، جلالت و نیالت نصابا، کفایت و کفالت

انتسابا، درایت و فخامت مآبا، محبان نوازا، دوستان استظهاریا

جناب سامی از مضمون عریضه دوستدار که انفاذ حضور مبارک قبله عالم داشته است از گزارش و کیفیت ملاقات نواب ولیعهد<sup>۱</sup> با سرکار اعلیحضرت امپراطور اعظم روحی فداء مطلع خواهد شد. امیدوارم که آن دوستان استظهار، بسیار خوشحال و ممتون از محبت و مهربانیا که از آن اعلیحضرت نسبت به نواب ولیعهد به ظهور رسیده است باشند. چنانچه دوستدار از این رهگذر خوشوقتیها دارد و البته جناب سامی هم خرسندیها خواهند داشت، اگر نقصی یا قصوری در عزت و احترام نواب ولیعهد شده

\* منظور از ولیعهد ناصرالدین شاه بعدی می‌باشد که در آن زمان شش ساله بوده است، وی در خاطرات سفر دوم فرنگستان خود در رابطه با این ملاقات چنین می‌نویسد: «اگر چه هوای ایروان گرم است، اما از تهران باید سردتر باشد [راجع به] ملاقاتی که من چهل و دو سال قبل از این با امپراطور نیکلا در ایروان کرده بودم جويا شدم، معلوم شد که منزل ما آن وقت در همین جایی که حالا جلو خانه حاکم، باغ ساخته‌اند و آن وقت میدانگاهی بوده است، در چادر بوده است و امپراطور در نوبی قلعه در خانه‌های حسین‌خان سردار بوده است و من آنجا امپراطور را دیده‌ام...» (روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان به کوشش فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹، ص ۷۰، سطر چهارده الی هیجده).

باشد، علت نامقدوری بوده است و تأخیر افتادن حرکت نواب ولیعهد از تبریز، تقصیر دوستدار نیست، حال آن که دوستدار قبل از وقت، ورود اعلیحضرت امپراطور اعظم را به گرجستان اظهار و اعلام داشته بود.

اعلیحضرت امپراطور اعظم از اعلیحضرت قبله عالم بسیار ممنون و راضی شدند. یقین است که قبله عالم هم از مهر و محبتی که از امپراطور اعظم نسبت به نواب ولیعهد ظاهر شده است خوشنود و راضی خواهند بود.

الحمدلله دوستی و اتحاد این دولت عظمی اگرچه محکم بوده است ولی از تعارفات این دفعه و ملاقات نواب ولیعهد محکم تر شد. برخلاف ظن دوستدار، عالی جاه محمد طاهرخان هم فرصت به ایروان رسیدن نموده [و] مورد التفات اعلیحضرت امپراطور اعظم گشته است، اما نه به طوری که آن دوست مهربان تشخیص داده بودند. نه تقصیر دوستدار و نه هیچ یک از رجال دولت بهیه روسیه است، چون رأی آن دوست مهربان هنوز هم معلوم دوستدار نیست، که آیا به چه اسم و رسم می‌خواستند مشارالیه در حضور مبارک اعلیحضرت امپراطور اعظم قلمداد شود. هیچ اشاره قبل از وقت از جناب سامی در این باب به دوستدار نشده است. اگرچه عالی جاه قود صاحب به دوستدار نوشته که جناب سامی در باب مأموریت محمد طاهرخان اظهار و نگارش نموده، ارسال داشته است، ولیکن تا به حال مراسله از جناب سامی در باب محمد طاهرخان به دوستدار نرسیده است.

لهذا دوستدار نتوانسته است که پیش از وقت اظهاری به جناب فرمانفرمای گرجستان نماید.

توقع آن که، در مقام تحقیق برآیند که آیا چگونه شده است، که مراسله آن دوست

مهربان تا حال به دوستدار نرسیده است.

طریقه استقدمی و اتحاد آن است که پیوسته حقایق نگار حالات شریف بوده، دوستدار را از سلامتی خود خوشوقت و خرسند فرمایند و مهمات را رجوع نمایند.

تحریراً فی ۷ شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونیچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

تبرستان  
www.tabarestan.info

[متن دستخط پشت سند]: صحیفه المودت جناب جلالت و نبالت نصاب، کفالت و

کفایت انتساب، درایت و فخامت مآب، مشفقان نواز،

دوستان استظهاری، فخرالحاج حاجی میزرا آقاسی

سلمه الله ملاحظه نمایند

سند شماره ۶۶

[نامه به میرزا مسعود وزیر خارجه]

[۱۲۵۳ هـ ق]

هو

مقرب الخاقانا، اخوا

این سفر که نواب مستطاب شاهزاده اعظم کامکار ولیعهد<sup>۱</sup> دولت پایدار روحی فداه در ایروان با اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور اعظم ملاقات کردند، مترجم در میان ایشان عالی‌جاه شامیرخان بود که معروف آن اخوی است، الحق مطلب و مقصود هر دو طرف را بطور خوب به حد بیان و کشف و ترجمان رسانید و زحمت بسیار در این باره کشید.

علی‌هذا، مومی‌الیه متوقع و مستدعی است که خلعت و فرمان التفات از سرکار اقدس همایون شهریاری روح‌افزاده برای او مرحمت شود.

آن اخوی مراتب را به امنای دولت قاهره اظهار کند، که به عرض خاک پای اقدس اعلی رسیده، در صورتی که به عز اجابت مقرون شد، فرمان مبارک صادر و خلعت مهر طلعت مرحمت شود.

همه روزه حالات و مهمات را اشاره نمایند. باقی<sup>۲</sup>

۱ ناصرالدین میرزا یا ناصرالدین شاه بعدی.

۲ در اصل بعد از باقی کلمه‌ای درج نشده است.

[دستخط محمدشاه بالای سند]: هو

بدهند، خوب است.

[متن دستخط پشت سند]: عالی‌جاه مجدت همراه، مقرب الخاقان اخوی میرزا مسعود وزیر دول خارجه مطالعه نمایند.

سند شماره ۶۷

[نامه وزیر مختار روسیه به محمدشاه]

[۱۶ رمضان ۱۲۵۳]

اعلیحضرت قدر قدرت سپهر بسطت، خدیو بی‌همال، ملک

دستگاه خسرو ذوالاقتدار انجم گروه معدلت شعار، زینت افزای

اورنگ جهاننداری نظام بخش انجمن کامکاری، پادشاه جلیل‌الشان جمیل‌العنوان،

دولت ابد تو امان ایران را بعد از ادای مراسم صدق عقیدت و اخلاص، و پس از طی

لوازم ارادت و خیرخواهی، معروض می‌دارد که:

چون به سبب مواحدت و مؤالفت دولتین علیتین ایران و روس، بر ذمت همت

چاکران هر دو دولت عظمی لازم است که در هنگام طلوع نیر فتوحات اقبال به جهت هر

یک از این دو شوکت بی‌زوال، مراتب بهجت خاطر و شکرگزاری باطن و ظاهر خود را

ظاهر ساخته، به تذکار حسن صداقت و دولت خواهی پرداخته باشند. بنابر آن در این

اوقات فرخنده ساعات، که چاهار سفارت عازم اردوی کیوان آثار می‌بود، این دولتخواه صداقت<sup>۳۳</sup> کیش، از لوازم حسن عقیدت خویش شمرده، به تحریر این عریضة المخالصة مراحل شوق و شعف و شکرگزاری خود را از پرده خفا، به عرصه ظهور جلوه پیدا نموده، عرض می‌نماید، که بعد از استماع اهتمامات لشکر فیروزی اثر پادشاهی در فتح قلعه غوریان به مرتبه این صداقت ارکان، قرین بهجت و سرور بی‌پایان گردید که خامه دوزیان با هزار زبان از بیان آن عاجز و الکن است، و چنان می‌داند که به خواست خداوند کریم این فتح جسیم مایه فتوحات عظیم است، و روز به روز کوکب بخت فیروزی در اوج ابهت و اجلال مستقیم.

چون اولیای دولت بهیه روسیه به سبب وفور موافقت و مؤانست، فتوحات این دولت قوی آیت را همواره طالب، و بلندی اقبال بی‌زوال را پیوسته راغب می‌باشند، فی‌الفور این صداقت کیش ارادت مبانی، مراتب مزبور را به دولت قوی شوکت روس عرصه داشت، و این معنی را وسیله ظهور محاسن عقیدت خود نسبت به هر دولت قوی آیت پنداشت.

شکر مر خداوند کریم را که به یک عزم فیروزی جزم، جان نثاران رکاب نصرت مآب را، در عرصه عالم تیکنام، و کوکب بخت دشمنان و حاسدان را پنهان در عرصه ظلام نمود.

ظهور این گونه فتوحات نمایان، اولاً از تأییدات حضرت سبحان و ثانیاً از فرّ بخت فیروزی اعلیحضرت پادشاهی و ثالث از یمن دوستی و موافقت دو دولت جاوید آیت و رابعاً از حسن اخلاص کیشی و اهتمامات چاکران و هواخواهان این موکب قوی ارکان است.

باش تا صبح دولت<sup>۳۴</sup> بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است  
اکنون این صداقت کیش منتظر است که پیوسته از استماع فتوحات دیگر، که مکنون  
خاطر ارادت ذخایر است، گوش هوش را انباشته، و حقیقت هر یک را از روی  
دولتخواهی به دولت قوی آیت امپراطوری نگاشته دارد.  
ملتس آن که همواره این صداقت کیش را، به ترقیم فرامین قدر آئین مطاعه و رجوع  
خدمات لازم الاطاعه، قرین انواع مفاخرت و مباحات فرمایند.

امرکم الاشراف الاعلی مطاع

تحریراً فی ۱۶ شهر رمضان المبارک من شهر سنه ۱۲۵۳

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ، وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: عریضة المخالصة اعلیحضرت قدر قدرت قوی مکتت،

سپهر بسطت خدیو بی‌همال فلک دستگاه، خسرو

ذوالاقتدار انجم گروه معدلت شعار، زینت افزای اورنگ

جهاننداری، نظام بخش انجمن کامکاری پادشاه جم‌جاه

ایران

## سند شماره ۶۸

[سوادنامه<sup>۶</sup> وزیر مختار روس به اردشیر میرزا حاکم مازندران]

[۲۴ شعبان ۱۲۵۳]

به تاریخ بیست و چهارم شهر شعبان به نواب اردشیر میرزا نوشته شده است: چندی قبل از این، مخلص به جهت اطلاع سرکار اشرف والا دستورالعملی که اولیای دولت بهیه روسیه به بزرگ این دو فروند کشتی جنگی داده‌اند عریضه نوشته، به صحابت چاپار سفارت انفاذ و ارسال حضور مبارک والا داشت.

مخلص را جرأت و قدرت آن نیست که دستورالعملی که اولیای دولت بهیه روسیه برحسب رأی عالم آرای اعلیحضرت امپراطور اعظم روحی فداء، به بزرگ این دو فروند کشتی داده‌اند تغییر و تبدیل دهد.

هنوز تا این زمان مخلص از قصد و نیت سرکار اشرف والا آگاهی حاصل ننموده است که به چه کیفیت امداد و اعانت از این دو فروند کشتی می‌خواهند.

امیدواری چنان است که سرکار اشرف والا به علو فطانت و متها و زیادتی استعداد و دانائی خود، دریافت بفرمایند که مخلص نمی‌تواند که کشتیهای مزبور را در اختیار عالی‌جاه میزرا محمدخان بدارد، و یا درامر دریایی سرکار اشرف والا درآورد، که کشتیهای مزبور را برداشته به جنگ طایفه ترکمانیه رفته آنها را غارت نماید.

۶ این سند شامل ۲ قسمت است که متن بخش اول آن شامل مضمون سند شماره ۶۲ همین کتاب است که در عنوان آن نوشته شده است. در تاریخ بیست و پنجم شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۵۳ به جناب میرزا مسعود نوشته شده است، لذا به جهت ممانعت از تکرار در این مجموعه بخش اول سند حذف گردید.

و نیز بر مخلص واجب است، که در غایت حیرت و تأسف، در خدمت سرکار اشرف والا، عرض نماید که شیوه حق شناسی دولت بهیه روسیه، که در امنیت و نظم ولایات ایران سعی و کوشش می‌نمایند و بجهت محافظت سرحدات مازندران، این دو فروند کشتی جنگی را فرستاده‌اند، نه این است که یک نفر از کارکنان و ملاحان کشتیهای مزبور را فرار بدهند و پاس حقوق دولت بهیه روسیه را منظور ندارند.

چنانچه در این اوقات یک نفر از ملاحان که به کتار فرار نموده است، در غایت مهربانی او را قبول نموده‌اند، سهل است، اسب حاضری در کنار دریا نگه داشته‌اند که آن شخص خود را به زودی فرار داده پنهان نماید.

انصاف و اختیار حکم این عمل را مخلص به خود سرکار اشرف والا وامی‌گذارد.

هرچه آن خسرو کند شیرین بود.

چون مطلب لزومی داشت جسارت نمود.

سند شماره ۶۹

[نامه‌ای احتمالاً از طرف وزیر خارجه به وزیر مختار روس]

[۳ ذیقعدہ ۱۲۵۳]

وزیر مختار روس

شرحی که در بیست و هفتم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۵۳ به خصوص گمرک ابریشم گیلان نوشته بودید رسید، و از نظر مرحمت گستر اعلیحضرت شاهنشاه خلدالله ملکه و سلطانه گذشت.

امر و مقرر فرمودند که چون رعایت مشروط عهدنامه مبارکه در این گونه امور بلکه در سایر مواد بهتر از هر قاعده و قرارداد است، لهذا تجار روس موافق عهدنامه برای هر متاعی صد پنج داده، علاوه بر آن به اسم مال دیوان حبه و دیناری ندهند. در این باب فرمان قدر قدر به افتخار عالی جاه عیسی خان نایب گیلان صادر و نزد آن جناب فرستاده شد که ارسال دارند.

در باب این که توقع کرده بودید که تجار روس در ادای وجه گمرک ابریشم مأذون باشند، که در رشت و انزلی یا تبریز کارسازی کنند. نظر به خواهش آن جناب فرمان قضا جریان، به افتخار نواب اشرف والا قهرمان میرزا صاحب اختیار آذربایجان عز نفاذ پذیرفت، که هرگاه تجار روس، گمرک ابریشم ایتیاعی خود را در رشت و انزلی داده از گمرکچیان آنجا نوشته دریافت داشته باشند. قدغن نمایند که گمرکچیان آذربایجان دیگر مطالعه گمرک از ایشان ننمایند.

زیاده چه تصدیع دهد.

تحریراً فی ۳ شهر ذی القعدہ الحرام سنه ۱۲۵۳

سند شماره ۷۰

[نامه‌ی وزیر مختار روسیه به نایب وزیر خارجه]

[رجب ۱۲۵۴]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

مجدت و نجات پناها مقرب الخاقانا، دوستا، مهربانا

در این اوقات اعلیحضرت امپراطور استدعای دوستدار را قبول فرموده، مرخص داشته‌اند که دوستدار به روسیه مراجعت نماید و کلنل دُحامل نامی را که بسیار معتبر و سزاوار اعتماد اعلیحضرت پادشاهی است، به اسم وزیر مختار بجای دوستدار روانه دربار شوکت‌مدار سرکار اقدس همایون فرموده‌اند. از قراری که امنای دولت بهیه مرقوم داشته‌اند، جناب معظم‌الیه از پطرزبورغ بیرون شده است و به زودی وارد سرحد خواهد شد.

توقع از آن دوست مهربان این که، گزارش مسطورہ را به خاک پای سرکار اقدس همایون عرض نموده، مستدعی شوند که فرمانی به افتخار صاحب اختیار آذربایجان شرف صدور یابد، تا این که جناب وزیر مختار جدید را، به رسمی که در عهدنامه ترکمان‌چای مرقوم است، وارد سرحد این دولت جاوید مدت نمایند، و لازمه‌ی عزت و احترام را به مقتضای اتحاد و یگانگی دولتین علیتین نسبت به معظم‌الیه مرعی دارند.

توقع دیگر از آن دوست مهربان این که، از سرکار اعلیحضرت پادشاهی مستدعی شوند، که یک نفری را از خانواده بزرگ و نجیب به مهمانداری معین فرمایند، که به دارالسلطنه تبریز رفته، جناب وزیر مختار کلنل دُحامل را، به دارالخلافه تهران رساند. و تعیین مهماندار مذکور بدون دفع‌الوقت باید بود، که به زودی روانه تبریز شود، تا این که

برای جناب وزیر مختار معطلی بی‌جا، در تبریز روی [ ندهد.

توقع این که فرمان پادشاهی را که به افتخار صاحب اختیار آذربایجان دریاب مسطوره شرف صدور خواهد یافت، به دست دوستدار رسانید. و اسم مهماندار را هم که سرکار اقدس همایون معین خواهند فرمود معلوم دوستدار نمایند. زیاده چه زحمت دهد. باقی ایام به کام باد.

تحریراً فی شهر رجب سنه ۱۲۵۴.

[ سجع مهر پشت سند ] : غراف ایوان سیمونچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[ متن دستخط پشت سند ] : عالی‌جاه رفیع جایگاه، مسجدت و نجدت پناه،

مقرب‌الخاقان دوست مهربان میرزا علی نایب وزیر خارجه

ملاحظه فرمایند.

سند شماره ۷۱

[ نامه وزیر مختار روسیه به نایب وزیر خارجه ]

[ ۲۲ رجب ۱۲۵۴ ]

عالی‌جاها، رفیع جایگاه،

مجدت و نجدت پناه، مقرب‌الخاقان، دوستا، مهربانا

در این اوقات اعلیحضرت امپراطوری استدعای عالی‌جاه دمتری فدريج جنرال قونسول دارالسلطنه تبریز را قبول فرموده، فرمان مرخصی را صادر فرموده‌اند که به روسیه مراجعت نماید، و قالسکی اسیویتقولاوی اینچکوف نامی را به اسم جنرال قونسول بجای عالی‌جاه مشارالیه مامور تبریز فرموده‌اند.

لهذا از آن دوست مهربان توقع می‌شود، که فرمان اعلیحضرت امپراطور را که در باب مسطوره صادر شده است، به نظر مبارک اعلیحضرت پادشاهی رسانیده مستدعی شوند، که یک طغرا فرمانی به افتخار صاحب افتخار آذربایجان صادر فرمایند که نظر به اتحاد و یگانگی دولتین علیتین لازمه عزت و احترام را نسبت به جنرال قونسول جدید مرعی دارند. و به نحوی که در عهد نامه مبارکه مقرر است، با مشارالیه رفتار نمایند. زیاده چه زحمت دهد. باقی ایام به کام باد برب العباد.

تحریراً فی ۱۲ شهر رجب سنه ۱۲۵۴

[ سجع مهر پشت سند ] : غراف ایوان سیمونچ وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[ متن دستخط پشت سند ] : عالی‌جاه رفیع جایگاه، مجدت و نجدت پناه، مقرب

الخاقان. دوست مهربان، میرزا علی نایب وزیر خارجه

ملاحظه فرمایند.

سند شماره ۷۲

[نامه قودنتیس جنرال قونسول روسیه در تبریز

به حاجی میرزا آقاسی صدراعظم]

[۲ شعبان ۱۲۵۴]

جناب جلالت نصابا، شوکت و نبالت

انتسابا، کنایت و کفالت مابا، مخلصان استظهارا، مکروما

متجاوز از شش سال است، که مخلص در مملکت ایران مقیم و پیوسته از انتفاهای دولت ابد مدت ایران، و از الطاف بی پایان آن سامی بهره یاب، و سرافراز می باشد. در این وقت که رخصت معاودت حاصل کرده عازم ولایت روسیه بود، بر خود از جمله لوازم شمرد، که اقلا بواسطه قلم صداقت رقم، به مقام وداع و خداحافظ آمده، شکرگزاری و امتنان خود را که از سرکار شوکت مدار اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه دین جاه، معدلت دستگاه و آن جناب والانصاب دارم، ظاهر سازم. امیدوارم که سرکار آن جناب از راه لطفی که دارند این رضامندی و شکرگزاری مخلص را که از طیب نفس است، پذیرفته به صدور سرافراز نامجات سامی مفتخر و مباهی سازند.

باقی ایام الطاف سرافراز و پایدار باد.

تحریرا فی ۲۰ شهر شعبان سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: دمتری قودنتیس جنرال قونسول دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: ذریعة الاخلاص به شرف مطالعه جناب شوکت و جلالت نصاب، عظمت و نبالت انتساب، کفایت و کفالت ماب مخلصان استظهاری، استاد الکل حاجی سلمه الله تعالی دام اجلاله العالی مشرف شود.

تبرستان  
www.tabarestan.info

سند شماره ۷۳

[نامه احتمالا وزیر خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۱۳ شعبان ۱۲۵۴]

هو

جناب جلالت و نبالت

نصابا، محبان استظهارا، مشفقا مکروما

از ورود جناب جلالت ماب موسیو دوحامل، به دارالسلطنه تبریز که اشعاری کرده بودید، استحضار حاصل نمود. اما از عزیمت جناب مشارالیه به مقر خلافت عظمی اظهار نکرده بودند. که چه وقت از آنجا حرکت و کی وارد دارالخلافة الباهره خواهند شد. چون باید یکی از خدام عتبه عالیه تا سلطانیه و آنجاها جناب مشارالیه را استقبال کرده، اسب عنایتی را برده، از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله



ملکه و سلطانه، جناب مشارالیه را خوش آمد گوید، اگر پیش از ورود موكب جهانگشا به دارالخلافه به آنجاها خواهید رسید به زودی قلمی دارید، که شخص مزبور از عرض راه مامور شود. و اگر جناب مشارالیه تا وصول كوكبه جلال، به مركز دولت و اقبال از تبریز حرکت نخواهند کرد. بعد از ورود به دارالخلافه فرستاده شود. چون استحضار آن جناب لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۱۳ شهر شعبان سنه ۱۲۵۴

سند شماره ۷۴

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۲۰ شعبان ۱۲۵۴]

جنابا جلال و نیالت نصابا.

درایت و فخامت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا

در باب حرکت نمودن جناب جلال و نیالت نصاب، موسیو دو حامل<sup>۱</sup> از دارالسلطنه تبریز استعلام و استفسار فرمودید. الیوم که روز جمعه بیستم شهر شعبان المعظم می باشد، نه روز است که جناب معزی الیه از تبریز حرکت نموده روانه سمت دارالخلافه شده است.

چنانچه اولیای دولت علیه ایران می خواهند موافق نوشتجات جناب سامی احدی را فرستاده، اسب عنایتی را از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاه جم جاهد خلدالله ملکه ابلاغ نمایند، حال وقت است.

چون لازم بود که آن جناب را اطلاع [ دهد ] مزاحم آمد.

تحریراً فی ۲۰ شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلال و نیالت نصاب، محبان نوازا، دوستان

استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه

نمایند.

سند شماره ۷۵

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر دول خارجه]

[۲۳ شعبان ۱۲۵۴]

جنابا، جلالت و نبالت نصابا، محبان نوازا دوستان استظهارا

الیوم که بیست و سیم شهر حال است، عالی‌جاه موسی بلارانبیغ، به عزم استقبال جناب جلالت و نبالت نصاب، وزیر مختار روانه قزوین است. لهذا توقع می‌شود که در همین روز تعلیقه به سرافرازی مباشرین عرض راه از دارالخلافة الی قزوین از سرکار جناب جلالت مآب حاجی سلمه‌الله خواهش و صادر نمایند. که در هر منزلی از منازل که عالی‌جاه مشارالیه وارد می‌شود، جا و مکان درستی داده، لازمه مهمانداری را نسبت به مشارالیه به عمل آورند.

چون مطلب مذکور لازم بود. زحمت افزا شد.

تحریراً فی ۲۳ شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، محبان نوازا، دوستان

استظهاری میرزا مسعود وزیر دول خارجه [ملاحظه

نمایند.]

سند شماره ۷۶

[نامه وزیر مختار روسیه به نایب وزارت خارجه]

[۲۵ شعبان ۱۲۵۴]

دوستا، مهربانا

در این وقت خبری رسیده است که، جناب جلالت و نبالت نصاب وزیر مختار تازه روز دوشنبه یا سه شنبه آینده وارد دارالخلافة و شرفیاب دربار شوکت‌مدار اعلیحضرت پادشاهی خواهد شد.

اولیای دولت علیه اشخاصی را که به استقبال بایست روانه بفرمایند، به تدارک آن پردازند، و تفصیل اسامی اشخاص مستقبلین را که مشخص می‌شود زحمت کشیده نوشته از برای دوستدار ارسال دارد. که اطلاع حاصل آید.

چون لازم بود که در ورود جناب معزی الیه آن دوست را آگاهی دهد. لهذا زحمت افزا شد.

تحریراً فی ۲۵ شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: غراف ایوان سیمونچ وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: دوست مهربان میرزا علی نایب وزیر دول خارجه ملاحظه

نمایند.

سند شماره ۷۷

[نامه وزیر خارجه به وزیر مختار روسیه سیمونیچ]

[۲۷ شعبان ۱۲۵۴]

هو

جناب جلالت و نبالت نصاب، مخلصان ملاذا، اعتضادا، مکوما

مراسله جناب سامی رسید، مضمونش معلوم گردید.

در باب تعیین اشخاصی که باید [نزد] جناب جلالت نصاب، وزیر مختار جدید بروند، استعمال کرده بودند. مخلص به حضور مرحمت گنجور اعلیحضرت شاهنشاه جم‌جاه خلدالله ملکه و سلطانه معروض داشت. امر و مقرر فرمودند که مقرب الخاقان میرزا نبی‌خان<sup>۱</sup> امیر دیوان، و مقرب الخاقان حاجی قاسم خان سرتیپ، و چند نفر از صاحب منصبان افواج قاهره و تفنگداران شاهی به استقبال جناب مشارالیه بروند.

چون استحضار جناب سامی حسب الاعلام خود لازم بود، لهذا به تحریر این چند کلمه مصدع گردید.

تحریراً فی ۲۷ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۵۴

\* میرزایی خان پدر میرزا حسین خان سپهسالار بوده است.

سند شماره ۷۸

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر دول خارجه]

[۱۷ رمضان ۱۲۵۴]

جنابا، جلالت و نبالت نصابا،

محبان نوازا، دوستان استظهارا

بر دوستدار<sup>۱</sup> لازم آمد، که هر قدر تنخواهی که از وجه کرور طلب دولت بهیه روسیه از دولت علیه ایران به دفعات بازیافت نموده است، تفصیل آن را به آن دوست مهربان نگارش دهد که تا آن جناب نیز بر طبق نوشته دوستدار نوشته‌ای، نوشته، ارسال فرمایند. از بابت قسط اول وجه کرور که به معرفت مقرب الخاقان حسنعلی خان، که طور قوف صاحب بازیافت نموده قبض رسید داده است:

\* ..... \*

\* ..... \*

\* [مجموعاً] نود و پنج هزار و نهصد و پانزده تومان و پنج هزار دینار.

چون رای مبارک اقدس شهریاری بر این قرار گرفت که ربع کرور وجه طلب دولت بهیه روسیه را ادا فرمایند، لهذا مبلغ بیست و نه هزار و هشتاد و چهار تومان و پنج هزار دینار هم حواله جناب جلالت نصاب معتمدالدوله فرموده‌اند تا مع مبلغ مذکور فوق ربع کرور،

\* اصل: دوستان

\* \* سه رقم سیاق که در این قسمت متن است خوانده نشد و مجموع آنها نوشته شد سایر ارقام سیاق نیز با حروف ایتالیک درج شد و اصل سند عیناً در آخر کتاب کلبشه گردید تا اگر اشتباهی رخ داده محققین محترم آن را تصحیح فرمایند.

درست کارسازی شود، ولی جناب معتمد از تنخواه مذکور به موجب تفصیل [ذیل] سه دفعه داده:

[کلاً] بیست و پنج هزار و چهارصد و هفده تومان:

[۱] در کالپوش داده، قبض دوستدار در دست دارد پنج هزار تومان.

[۲] ایضاً در دارالخلافه وارد و داده، قبض دوستدار دارد ده هزار تومان.

[۳] به عالی‌جاه آنتون آقای ترجمان سفارت داده قبض بازیافت نموده است ده هزار و چهارصد و هفده تومان.

حال توقع از جناب دوستان استظهاری آن است که یک طغرا فرمان قضا جریان به سرافرازی جناب معتمدالدوله صادر شده، حکم محکمی بفرمایند، که مبلغ بیست و نه هزار و هشتاد و چهار تومان پنج هزار که از بابت وجه کرور از دیوان همایون حواله تو شده بوده است، آنچه به دفعات به جناب وزیر مختار در سه دفعه رسیده است، از قرار تفصیل فوق بیست و پنج هزار و چهار صد و هفده تومان است. مبلغ یک هزار و ششصد و شصت و هفت تومان و پنج هزار دینار از مبلغ مزبور در نزد آن جناب باقی است. البته در این زودی، وجه باقی را بالتمام کارسازی سرکار سفارت دولت بهیة روسیه نموده، قبض رسید بازیافت نماید.

آنچه تنخواهی که از بابت قسط دویم وجه کرور واصل شده است از این قرار است،

[۴] بیست هزار تومان

مقرب الخاقان حسنعلی خان معیرالملک داده قبض دوستدار در دست دارد،

[۵] شش هزار تومان

به موجب دستخط مبارک که مبلغ بیست هزار تومان حواله جناب معتمدالدوله از بابت مالیات کرمانشاهان شده بود، که تحویل عالی‌جاه آنتون آقای ترجمان سفارت نماید، و

نیز یک طغرا فرمان مبارک ده هزار تومان هم حواله شده بود، که جناب معتمد از بابت کرمانشاهان کارسازی نماید، از این وجه دو فرمان مذکور، آنچه جناب معتمدالدوله تحویل و کارسازی عالی‌جاه آنتون آقا نموده، قبض رسید بازیافت نموده است.

[۶] چهارده هزار تومان

واضح کلمه آنچه از بابت قسط دویم عاید دوستدار شده است، بیست هزار تومان است.

[۷] بیست هزار تومان

مبلغ پنج هزار تومان هم، از بابت قسط دویم حواله عالی‌جاه میرزا محمد حسین، وزیر کرمان نموده‌اند. هر وقت وجه مزبور عاید و واصل سفارت دولت بهیة روسیه شود، جناب جلالت نصاب وزیر مختار تازه قبض رسید به اولیای دولت علیه خواهند داد. آن فرمان ده هزار تومان که حواله جناب معتمد شده بود، که تحویل عالی‌جاه آنتون آقای، ترجمان سفارت نماید، فرمان مزبور را مع سواد دو طغرا قبض بیست و چهار هزار و چهارصد و هفده تومان را در جوف همین رسیده گذاشته ارسال شد، که به نظر آن دوست مهربان خواهد رسید.

چون مطالب لزومی داشت که نگارش آید، مصلح آمد.

تحریراً فی ۷ شهر رمضان المبارک من شهر سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: فراف ایوان سیموینج وزیر مختار

دولت بهیة روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، محبان نواز، دوستان

استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه

نمایند.

## سند شماره ۷۹

## [ نامه وزیرمختار روسیه به وزیر امور خارجه ایران ]

جناب جلالت و نبالت نصایا، دوستان استظهارا

نوشته آن جناب را بعد از ترجمه مطابق مکالمات دوستدار، که دیروز با آن دوست مهربان داشته است یافته، لیکن برای چند کلمه نیز از آن دوست توقع می‌شود، که به عرض امنای دولت رسانیده باشند، که چون از قراری که امروز مذکور شد سلطان ابراهیم میرزا، برادر علی‌نقی میرزا و امام ویردی میرزا، را با کوچ و عیال خود از شمیران گرفته در شهر محبوس دارند. از قراری که به دوستدار<sup>۱</sup> معلوم می‌شود، این‌گونه رفتارها که با سایر اولادان شاهی می‌نمایند، بدون عذر و بدون جهت می‌باشد، بلکه اشخاصی که می‌خواهند در حضور قبله عالم خود را پیش اندازی نمایند، این‌گونه رفتارها را معمول می‌دارند.

چون دوستدار به هیچ وجه گمان ندارد، که به حکم سرکار قبله عالم باشد، به جهت این که دوستدار را اعتماد نیست، که همیشه سرکار قبله عالم می‌خواهد که به چشم اعزاز گناه مقصران را ببوشانند، و چنانچه بعد از فرار نمودن سه نفر شاهزاده احتیاط می‌نمایند که مبادا دیگران هم فرار نمایند و از آن جهت نمی‌گذارند که آنها مثل اول به رفاقت<sup>۲</sup> باشند. تهران دخلی به سرحد ندارد و تهران از سرحد بسیار دور است. نمی‌توان فرض

۱ اصل: دوستار

۲ اصل: رفاقت

نمود که آسودگی خود را از دست داده، چنان خطرات را اختیار نمایند. چون هیچ تشویش و خوف از سلامتی خود در اینجا ندارند، و چنانچه احتیاط دارند که مبادا دیگران با آن سه نفر روندگان، فرصت یافته هم مصلحت شده، خلاف حرکت از اینها روژری [ دهد، معلوم آن دوست مهربان بوده باشد که این‌گونه خیال باعث مایوس شدن ] دولت بهیه روسیه خواهد بود، و به هر نحوی که دولت بهیه روسیه با آن روندگان رفتار نماید، دوستدار پیش از وقت خاطر<sup>۱</sup> جمع می‌نماید که به هیچ وجه آنها را نخواهد گذاشت که خلاف حرکت نسبت به این دولت ظاهر نمایند.

البته به هیچ وجه شک و شبهه [ ای ] نداشته باشند.

توقع دوستدار<sup>۲</sup> این که، به عرض خاک پای سرکار قبله عالم رسانیده [ شود ] که مرحمت‌های ملوکانه را شامل احوال اولادان شاهی فرموده، قدغن شود که به هیچ وجه مزاحم حال و احوال آنها نشده باشند، و گذارند که آسوده حال به دعاگویی دوام دولت قاهره مشغول باشند. باقی ایام عزت و سعادت برقرار باد.

[ سجع مهر پشت سند ]: غراف ایوان سیمونیچ

وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[ متن دستخط پشت سند ]: جناب شوکت و جلالت مآب، دوستان استظهاری وزیر

دول خارجه ملاحظه فرمایند.

۱ اصل: خواطر

۲ اصل: از دوستدار

سند شماره ۸۰

## | ضمانت دولت روس از شاهزادگان ایرانی مقیم اسلامبول |

بسم الله خير الاسماء

چون سه نفر از شاهزادگان ایران که مقیم اسلامبول هستند، عرضحال خود را به اعلیحضرت قدر قدرت، قضا شوکت، امپراطور اعظم ممالک محروسه روس کرده، متعهد شده‌اند، که من بعد هرگز خیال سلطنت ایران ننموده، هیچ گونه مخالفت نسبت به دولت اعلیحضرت قدر قدرت، قضا شوکت شاهنشاه جم‌جاه ممالک محروسه ایران « حرسها الله عن طوارق الحدثان » به خاطرشان خطور نکند.

اعلیحضرت امپراطور نظر به خواهش ایشان توقع دوستانه از اعلیحضرت شاهنشاهی کرده‌اند که قراری در باب امر معیشت و گذران ایشان مقرر فرمایند، تا آسوده حال به دعای دوام دولت قاهره اشتغال نمایند، اعلیحضرت شاهنشاهی توقع دوستانه اعلیحضرت امپراطوری را قبول فرموده قرار امر معیشت شاهزادگان را بطوری که مرقوم می‌شود مقرر می‌فرمایند.

اگر شاهزادگان گرام مراجعت به دولت علیه ایران نموده، قصد توطن و توقف در آنجا نمایند، اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به ضمانت اولیای دولت بهیه روسیه، تعهد ملوکانه می‌فرمایند، که به هیچ وجه من‌الوجه، ضرر جانی و مالی به ایشان نرسانند، و به هریک از شاهزادگان حکومت ولایت متوسطی در حوالی دارالخلافه از قراری که با جناب جلالت نصاب عمدة الکبراء المسیحیه جنرال دو حامل وزیر مختار دولت بهیه روسیه مکالمه شده است، مرحمت و عنایت گردد.

و همچنین اولیای دولت علیه ایران متعهد می‌شوند که مبلغ نه هزار تومان مقرری به نواب ظل‌السلطان و شش هزار تومان به نواب رکن‌الدوله و پنج هزار تومان به نواب

امام‌ویردی میرزا که همه با هم بیست هزار تومان می‌شود بدهند.

و اگر مراجعت به دولت علیه ایران نکرده بخواهند در ملک خارج توطن نمایند، در داخل ممالک محروسه روس مانند قرم و حاجی‌ترخان توقف کنند، در این صورت اولیای دولت علیه متعهد می‌شوند که مبلغ پنج هزار تومان به نواب ظل‌السلطان و چهار هزار تومان به نواب رکن‌الدوله و سه هزار تومان به نواب امام‌ویردی میرزا که همه با هم دوازده هزار تومان می‌شود کارسازی نمایند.

و در هر دو صورت مقرری شاهزادگان را به دو قسط در هر سال در برات سنه آتیة تنکوژیل از قرار صدور برات دیوان حواله گیلان نمایند. و مباشرین آنجا این وجه را مقدم بر سایر وجوه داشته، به قونسول دولت بهیه روسیه که متوقف گیلان است کارسازی کنند که به توسط او ایصال سفارت دولت بهیه روسیه به شاهزادگان برسد. و این قرارداد مخصوص خود این سه نفر شاهزاده خواهد بود، مادام الحیات بعد از آن اولاد و اعقاب ایشان را در آن حقی نخواهد بود، و مأذون خواهند بود که به موطن اصلی خود مراجعت نمایند و در صورتی که از همه یا بعضی از این سه نفر شاهزاده بر خلاف تعهد ایشان خیانتی نسبت به دولت جاوید مدت شاهنشاهی ابدالله ایام شوکت، ظاهر شود و محقق گردد، مستحق مواجب و حکومت هیچ یک نخواهند بود، بلکه دولت بهیه روسیه در این صورت آنها را از حمایت خود محروم خواهد کرد.

نواب سیف‌الملوک میرزا مثل اولاد سایر شاهزادگان گرام رخصت خواهد داشت که نزد پدر خود برود و به هیچ وجه ممنوع نخواهد بود.

| دستخط محمد شاه در حاشیه |:

دولت روسیه ضامن می‌شود که از [۱] ینها خلاف سر نزند و اگر خلاف

کنند، دولت روس از عهده این بیرون بیاید و در صورت خیانت یکی یا ۳

نفر از اینها، اگر بروز کند مستحق حکم [مت] و مواجب نیستند، بلکه دولت روس به هیچ وجه حمایت آنها را نمی‌کند و رجوع ندارد، مذکور بشود.

### سند شماره ۸۱

[نامه وزیر مختار روسیه «دوحامل» به وزیر امور خارجه]

[۱۷ رمضان ۱۲۵۴]

جنابا، جلالت و نبالت نصابا، درایت

و فخامت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا

پس فردا که روز جمعه نوزدهم شهر رمضان المبارک است، عالی‌جاه رفیع جایگاه، عزت و اقبال همراه، فخامت و مناعت آگاه، میرزا الکسندر، به همراهی تحفه و هدایایی که اعلیحضرت امپراطور اعظم، ولی نعمت معظم، از برای قبله عالم ارسال داشته‌اند، وارد دارالخلافه تهران می‌شود، چون با تحفه و هدایای امپراطوری است، متتهای حرمت را لازم دارد.

مراتب را به عرض اولیای دولت ابد مدت رسانیده قرار استقبالی بدهند، که چند نفر از صاحب منصبان معظم به استقبال رفته، عالی‌جاه مشارالیه را با تحفه و هدایا وارد دارالخلافه نمایند. البته به اقتضای دوستی و اتحاد دولتین علیتین مضایقه نخواهند نمود.

چون مطلب لزومی داشت مصدع شد.

تحریراً فی ۱۷ شهر رمضان سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: دوحامل وزیر مختار دولت بیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، محبان نوازا،

دوستان استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه

ملاحظه نمایند.

### سند شماره ۸۲

[نامه وزیر مختار روسیه سیمونیچ به وزیر خارجه]

[۲۰ رمضان ۱۲۵۴]

جنابا، جلالت و نبالت نصابا، درایت

و فخامت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، مهربانا

چون جناب فخرالسلام والمسلمین حاجی میرزا آقاسی سلمه‌الله تعالی، در جواب کاغذ دوستدار، که به خط فرزندی نیکلای بود، بسیار دوستدار را امیدوار ساخته جرات خواش و تمنا داده‌اند. لهذا به آن مشفق مهربان زحمت می‌دهد که در باب نواب حیدر

میرزا، چون از اول هم به تمنای دوستدار، اعلیحضرت اقدس شهریاری از تقصیر او گذشته او را مرخص فرموده‌اند که از آذربایجان مراجعت به موطن خود نماید. حال نیز تمنای دوستدار، آن است که تکمیل احسان نسبت به مشارالیه نیز، به دستیاری و وساطت دوستدار شود. خیلی به نظر دوستدار مناسب می‌آید، که از اولاد صفویه در خدمتگزاری این دولت علیه برقرار باشند و علی الظاهر چنان هم به نظر نمی‌آید که منشا فتنه و فساد باشد.

لهذا توقع دوستدار آن است که تمنای مخلص را در باب نواب حیدر میرزا به عرض اولیای دولت ابد مدت علیه رسانید، مشارالیه را به خلعت پادشاهی سرافراز بفرمایند. چنانچه املاک و اموالی از او کارگزاران اصفهان سابق ضبط نموده بودند، رد نمایند و مستمری و مقرری که از دیوان اعلی داشته بودند، برقرار شود.

البته آن مشفق مهربان در این باب زحمت خواهند کشید.

زیاده جسارت نشود.

تحریراً فی ۲۰ شهر رمضان من شهر سنه ۱۲۵۴

[سجع پشت سند]: غراف ایوان سیمونینج وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب درایت و قخامت انتساب،

محبان نواز، دوستان استظهاری میرزا مسعود وزیر دول

خارجه

سند شماره ۸۳

### [نامه وزیر مختار روسیه به وزیر امور خارجه ایران]

تبر عالی جاها، رفیع جایگاهها، مجدت و نجدت همراها مقرب الخاقانا، دوستا، مشفقا، مهربانا  
دوستدار را آگاهی داده بودند، که عالی جاه باربیری، مباشر باروتخانه مبارکه دارالخلافه بحسب الامر قدر قدر پادشاهی، از شغل خود معزول است. معلوم است هر دولت همین که خدمت نوکری را ضرور نداند مختار عزل او هست. ولی دوستدار نمی‌فهمد که چگونه حق و مواجب نوکری رانداده، می‌توان جواب داد. اگر چه جناب حاجی سلمه‌الله را متقاعد بر این ساخته‌اند که باربیری تمامی مواجب طلب خود را گرفته، سهل است، مبالغی هم پیش گرفته است.

از آن دوست مشفق توقع می‌شود که از قول دوستدار به جناب معظم‌الیه حالی نمایند که در این خصوص به ایشان خلاف عرض کرده‌اند، چنان که از عقل دور است، که بدون قبض رسیدگی در اینجا به کسی پول دهند. حقیقت این است که برای پنجاه تومان طلب باربیری از سال گذشته، مواجب امساله را تا روز مرخصی اش طلب دارد، که کلاً سیصد و سی تومان بوده که تحقیق آن مشکل نیست.

حالا از آن دوست مهربان توقع می‌شود که از جناب حاجی سلمه‌الله تعالی تمنا نمایند که مقرر فرمایند تنخواه مزبور را به مشارالیه کارسازی نمایند.

چون مرد فقیر [ی] است، ضرر نکند و مایه شکایت بدست نیآورد.

دیگر آن دوست مشفق تصور نمایند که فرانسه‌ها همراهی مقرب الخاقان حسین خان، چقدر مایوس خواهند شد، از دیدن کسی که هفت سال در این دولت ابد مدت خدمت کرده و عاقبت بدون حصول مواجب روانه است. چون واجب بود زحمت افزا



گردید. باقی ایام دوستی مستدام باد.

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل وزیر مختار دولت بهیه روسیه

سند شماره ۸۴

[نامه وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی]

جناب جلالت و نبالت نصابا، درایت و فخامت

انتسابا، معظم مشفقا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، اعتضادا، مهربانا

در این اوقات عالی جاه رفیع جایگاه، میرزا الکستدر، شرحی در باب خرابی پل منجیل، به دوستدار نگاشته، ارسال داشته است، چون خرابی پل مذکور باعث عدم عبور و آمد و شد تجار ایران و روس است، از این رهگذر ضرر و خرابی کلی به مردم و اهالی گیلان می‌رسد. اهل گیلان کلاً در این باب مستدعی آنند که اعلیحضرت پادشاهی روحنا فداء و آن اعتضادی، همیشه اوقات خود را مصروف آبادی و رفع خرابی ایران و آسیایش رعایای مملکت می‌فرمایند.

دوستدار هم به دعاگویی ذات اقدس شهریاری جرأت جسارت نموده، در این باب مستدعی است، که آن اعتضادی بخصوص ساختن پل منجیل، قراری بگذارند که راه آمد و شد تجار و بندگان خدا را آسان کرده، از این رهگذر آسوده و به دعاگوئی این دولت ابد مدت مشغول گردند و کل اهالی گیلان هم از روی امیدواری به دعاگوئی ذات خجسته صفات آن دوستان استظهاری اقدام نمایند.

چون مطالب منحصر بود، زیاده جسارت ننمود. والسلام الامر متکم

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل وزیر مختار دولت روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، درایت و فخامت انتساب، کفایت و کفالت اکتساب، مشفق مکرم مهربان، محبان نوازا، دوستان استظهار، اعتضادی، حاجی سلمه‌الله تعالی ملاحظه نمایند.

سند شماره ۸۵

[رقم قهرمان میرزا حاکم آذربایجان به وزیر خارجه]

[شوال ۱۲۵۴]

[نقش مهر سمت راست بالای سند]: قهرمان

هو

مقرب الخاقان میرزا مسعود،

وزیر دول خارجه به الطاف خاطر والا مخصوص بوده بداند:

که فرمان اقدس همایون شهریاری روحنا فداء، که در باب امور سرحد، بر حسب استدعای جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه صادر شده بود، زیارت شد و نوشته جناب جلالت مآب استاد مکرم، حاجی سلمه‌الله تعالی را دیدیم. و از فرمایشات مقرر

و مسظورات مؤکده آنها مطلع شدیم.

دزدی و دغلی را که در سرحد هر دو طرف اتفاق می افتد و به ظهور می رسد انکار نمی توان کرد. چرا که در سرحد طرفین ایلاتی نشسته اند که کارشان دزدی و سرقت است، ماهم نظر به اتحاد دولتین علیتین و حفظ شرایط معاهده طرفین، کمال سعی و اهتمام در نظم امور سرحدیه و استرداد اموال مسروقه همیشه کرده ایم و می کنیم. [و] دقیقه ای غفلت نداریم.

از چاکران حضرت علیه که در آذربایجان بودند، هر سال معتمدی برای قطع این گونه دعاوی دایره بین الجانین مامور به سرحد می کردند، ما نیز گاهی حسین بیک را فرستادیم، و پارسال عالی جاه محمد شریف بیک مامور شد.

امسال هم عالی جاه حسینعلی خان نایب یوز باشی به حکم ما به سرحد رفته و با کماندانت قزاق، ملاقات کرده اند. که قرار درستی در این مواد بدهند، و مالی که از طرفین برده اند. بعد از تحقیق و ثبوت استرداد و عاید دارند. و دزد و شریر و این گونه اشخاص از سرحد هر دو طرف دور گردند.

در باب عالی جاه حاجی خان و نواده مصطفی خان شیروانی حکم و مقرر شده بود که موافق فصل چهاردهم عهدنامه ترکمان چای، باید از سرحد دور گردد<sup>۵</sup>. حکم فصل مزبور نسبت به هر دو طرف مساوات دارد. و مخصوص به طرفی نیست. اوقاتی که مصطفی خان در این طرف می نشست و نزدیک به سرحد بود، نظر به رعایت حکم فصل چهاردهم عهد نامه و حفظ قواعد دوستی هر دو دولت بهیه، اهتمام دیوانیان در دور کردن او از سرحد به حدی و به جایی رسید که الجاء کاغذ به بزرگان دولت روس نوشت. آنها هم پذیرفتند و او را به آن طرف بردند و در سرحد جادادند. وقت رفتن جمعی را از

مغانی و غیره عنفاً با خود برد که بالفعل نزد او هستند.

اگر دور کردن حاجی خان شکی و امثال او از سرحد لازم باشد، از آن طرف هم دور کردن مصطفی خان از نزدیکی سرحد واجب است.

برای استحضار آن عالی جاه مرقوم شد و باید جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه را مطمئن از سعی مادر نظم امور سرحد نماید.

دیگر چیزی [که] برای انضباط مهام سرحد لازم می دانیم، این است که از صاحب منصبان نظام که فوجی ندارند، یکی دو معتمد امنای دولت قاهره، باید مامور به سرحد شود، که همیشه با صد نفر سرباز و پنجاه نفر سواره در آنجا مانع ظهور این گونه امور گردد، و مقصر و مرتکب را تنبیه نماید و همیشه روزنامه بفرستد.

هر کس را که صلاح و معتمد دانند عرض کرده به حکم سرکار اقدس اعلی مامور شود. به شرطی که قرداغی نباشد. به همین طور عالی جاه حسینقلی خان نیز عرض کرده بود، و از جمله شروطی که با کماندانت کرده اند یکی هم این بوده است که باید چاپارخانه در این طرف نیز ساخته شود. صاحب منصب و سرباز و سوارها که مامور خواهند شد باید با موجب و جیره باشند همیشه آن عالی جاه مراتب را به خاک پای مبارک عرض کند. و هر طور حکم فرمودند با همین چاپار به زودی بنویسد و ما را مستحضر سازد و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر شوال ۱۲۵۴

[متن دستخط پشت سند]: عالی جاه مجددت و نجدت پناه، مقرب الخاقان میرزا مسعود وزیر دول خارجه

## سند شماره ۸۶

## [نامه احتمالاً وزیر خارجه به وزیر مختار روسیه]

[غره ذیحجه ۱۲۵۴]

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، با محبان استظهارا، مشفقاً

رعایای بندر انزلی بر این مضمون، عریضه خدمت اولیای دولت قاهره داده‌اند، که سابق بر این، که رعایای آنجا با کرجی و رشوه<sup>۵</sup> به فرضات بحر خزر که متعلق به دولت بهیه روسیه است، برای امر تجارت و داد و ستد، آمد و شد می‌کردند. بلیت از دریاییگی و سرحددار انزلی می‌گرفتند. حال چندی است که تا بلیت دریاییگی را عالی‌جاه بلند جایگاه، عمده الاعیان المسیحیه، میرزا الکساندر مباشر مهام قونسولگری دولت بهیه روسیه، امضاء و تصدیق ننویسد نمی‌گذارند که رعایا و تبعه دولت علیه داخل بنادر و فرضات متعلق به دولت بهیه روسیه شوند و بعد از آن‌که، بلیت خود را به امضاء و تصدیق عالی‌جاه میرزا الکساندر می‌رسانند، در اول قرار داد که از هر رشوه و کرجی مبلغ سه هزار دینار در باب بلیت مطالبه کرده، و حال مبلغ شش هزار دینار مطالبه می‌نماید. استدعا کرده‌اند که یا به همان قرار اصل که به بلیت سرحددار انزلی اکتفا میشد باشد، یا اگر باید عالی‌جاه میرزا الکساندر بلیت رعیت دولت علیه را امضا بنویسد، چیزی در ازای این امر مطالبه نکند.

لهذا به اقتضای مواحدت دولتین علیتین، از آن جناب جلالت نصاب، متوقع است

۵ معنی این لغت در منابع مورد بررسی شناخته نشد. احتمالاً باید وسیله‌ای برای عبور از آب باشد.

که شرحی مؤکد به عالی‌جاه میرزا الکساندر، قلمی دارند، که در ازای امضای بلیت، چیزی از رعیت دولت علیه مطالبه ننماید. و در این باب قانونی [دو] باره نگذارد، که رعایای دولت علیه به فراغت و آزادی برای امر تجارت به فرضات و سواحل بحر خزر، متعلقه آن دولت بهیه، آمد و شد کرده که برای دولتین علیتین منفعت حاصل گردد. چون لازم بود خدمت آن جناب زحمت داد.

تحریراً فی غره شهر ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، محبان نواز، دوستان

استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه

فرمایند.

سند شماره ۸۷

[نامه وزارت خارجه به وزیر مختار روس]

[۲۳ شوال ۱۲۵۴]

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً

در چندی قبل، عالی‌جاه میر ابراهیم خان از دولت علیه منصوب به مصلحت‌گزاری گشته، که به اقتضای مواحدت دولتین علیتین در حاجی ترخان اقامت کرده، به امورات تجار و تبعه دولت علیه واریسی نماید. با استیذان اولیای دولت بهیه روسیه، و کاغذ جناب جنرال مایورغراف سیمونیچ، وزیر مختار سابق آن دولت بهیه، عازم مقصد شد و حال شش ماه می‌شود که در حاجی ترخان متوقف است.

از قراری که این روزها کاغذ عالی‌جاه مشارالیه رسید، تا حال حاکم آنجا تمکین منصب او را نکرده، او را در امر خود مستقل نساخته‌اند.

چون این معنی منافی دوستی و اتحاد دولتین علیتین است، از آن جناب جلالت نصابا متوقع است که شرحی مؤکد به حاکم آنجا قلمی دارند، که تمکین منصب او را کرده، در خدمتی که از دولت علیه به او محول شده است او را مسلط و مستقل سازند، و در اعزاز و احترام او کوتاهی ننمایند.

چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۲۳ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۵۴

سند شماره ۸۸

[نامه وزارت خارجه احتمالاً به وزیر مختار روسیه]

[۱۶ ذیحجه ۱۲۵۴]

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً

در شوال سنه ۱۲۵۲ که عالی‌جاه مقرب‌الخاقان حاجی علی اصغر و کماندانت لنکران، یکدیگر را ملاقات کرده، رفع اغتشاشات سرحدیه طالس را نمودند، قرار دادند که از رعایا و تبعه دولت علیه ایران که برای آوردن هیمه و نمک و ذغال به خاک دولت بهیه روسیه می‌روند، سرحدداران آن طرف مانع نشوند.

از قراری که عالی‌جاه رفیع جایگاه، نتیجه الاعظام، میرکاظم خان حاکم استرآباد، معروض خدمت اولیای دولت قاهره داشته، رعایای اجارود، که برای آوردن هیمه و ذغال و نمک می‌خواهند به خاک آن طرف بگذرند، سرحدداران و حافظان عبور، آنها را ممانعت از عبور می‌نمایند، و بعضی اوقات آنها را اذیت کرده ایل و اسباب آنها را می‌گیرند.

لهذا، به مقتضای مواحدت دولتین علیتین از آن جناب متوقع است که شرحی مؤکد به کماندانت لنکران قلمی دارند، که به سرحدداران قدغن کند، که از قرار قرارداد، رعایا و تبعه دولت علیه را از آوردن هیمه و ذغال و نمک مخالفت نکرده و اسب و اسبابی که از رعایای این طرف گرفته‌اند، رد نمایند، چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۱۶ شهر ذیحجه‌الحرام سنه ۱۲۵۴

[دستخط حاشیه سند]: هو

عیب ندارد، اگر با بلیت حکام بروند بسیار خوب می شود.

سند شماره ۸۹

[نامه وزیر مختار روسیه «دوحامل» به وزیر خارجه]

[۲۰ ذیحجه ۱۲۵۴]

جناب جلالت و نبالت نصابا.

درايت و فخامت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا

چندی قبل از این، در باب سوء سلوک کماندانت<sup>۱</sup> لنگران به اهالی اجارود، نقض قراری که دو سال پیش از این، با عالی جاه حاجی علی عسکر، در باب انتظام امور آن سرحد گذاشته بود، به آن روش اشعار و اظهار داشته بودند. دوستدار نوشته آن جناب را ترجمه کرده، از برای جناب فرمانفرمای گرجستان فرستاده بود. در این وقت جواب آن را آن جناب ارسال داشت، که با وجود این که صورت تفصیل قرارنامه کماندانت لنگران و عالی جاه حاجی علی عسگر را روانه نزد اولیای دولت بهیه روسیه نموده است، که به امضای اعلیحضرت امپراطور اعظم رسانید. هنوز خبر امضا فرمودن آن اعلیحضرت به

جناب فرمانفرما نرسید [ه است].

نظر به ملاحظه مصلحت اندیشی دوستی دولتین علیتین و انتظام امور سرحد، حکمی و سفارشنامه به کماندانت لنگران نوشته اند که موافق قراردادی که با حاجی علی عسکر گذاشته بود، بلاخلاف و نقصان از همان قرار رفتار و عمل نماید، و ایلات اجارود و آن صفحات را گذارد که به آن طرف قشلاق رفته، زیادتى و بی حسابی ننماید، و منتهای حسن رفتار را نسبت به اهالی آنجا ظاهر سازد. و از قراری که معلوم و مشخص شد و به عالی جاه جنرال قونسول تبریز هم اطلاع داده اند، کماندانت لنگران نیز تخلف و انحراف نورزیده، خلاف قرارداد نکرده<sup>۲</sup> است. ایلات و اهالی اجارود هم در این زمستان گذشته به قشلاق آن طرف رفته اند.

البته عالی جاه جنرال قونسول هم گزارش را به کارگزاران آذربایجان، اطلاع داده است، و اهالی اجارود خلاف به اولیای دولت علیه ایران عرض نموده اند. چون لازم بود که دوستدار آن جناب را از این کیفیت اخبار داده، مطلع سازد زحمت افزا گردید.

تحریراً فی ۲۰ شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل، وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان نوازا، دوستان

استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه

نمایند.

سند شماره ۹۰

## [نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۲۵ ذیحجه ۱۲۵۴]

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً، مهرباناً

در باب مزرعه درروس، نگارش و اظهار داشته‌اید، که اگر کسان سفارت دولت بهیه روسیه، آنجا را محل بیلاق خود نخواهند ساخت. اولیای دولت علیه مزرعه مزبور را به صاحب اصلی او رد نمایند.

حق مطلب آن است که تا به حال دوستدار اطلاع نداشت، که اولیای دولت علیه مزرعه درروس را برای بیلاق، به کسان سفارت واگذار نموده‌اند، و در این دو سال هم سفارت دیناری و حبه از مداخل آنجا ضبط نموده است. سال قبل مبلغ یکصد و بیست تومان قرار اجاره و مداخل آن بود، که رضاقلی خان صرف قنات مزرعه مزبور نموده بود، و امسال راسکوت<sup>۱</sup> از مزرعه مزبور بازیافت شود.

حال دوستدار در غایت شغف، آن جناب دوستان استظهار را مأذون می‌دارد، که آن مزرعه را به اولیای دولت علیه ایران رد نمایند، که به صاحب اصلی خود واگذارند.

<sup>۱</sup> راسکوت (روس) مالیاتی است که در ازای حیوانات، تعدادی از آنها را از مزرعه‌دار یا کشاورز می‌گرفتند. (به نقل از اساتید گرامس آقای میخائیل باسارگین Mekhaiil Basargin سرمهندس و رئیس پژوهشکده علوم و ارتباطات روسیه و آقای آکسیانوف Akcianof مهندس و مترجم و رئیس پژوهشکده هوا و فضا در روسیه)

بخصوص بیلاق کسان سفارت، دوستدار همان ارغونیه<sup>۲</sup> را منتخب نموده است کسان سفارت در آنجا بیلاق خواهند نمود.  
زیاده زحمت نداد.

تحریراً فی ۲۵ شهر ذیحجه من شهر ۱۲۵۴

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل وزیر مختار دولت روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان نواز، دوستان استظهاری، میرزا مسعود وزیر دول خارجه

<sup>۲</sup> ارغونیه، داودیه فعلی. مهدی بامداد در مورد این محله می‌نویسد: «داودیه که در شمال تهران و در جنوب غربی قلهک واقع شده بالغ بیلاقی میرزا داود خان پسر ۱۵ ساله میرزا آقاخان نوری بوده و پیش از آن که آنجا را مالک شود نام آن به مناسبت درختهای ارغوانی که در خیابانهایش کاشته شده بود ارغوانیه نام داشته است. بعضی دیگر می‌گویند که اینجا را ارغون میرزا پسر حسنعلی میرزا شجاع السلطنه ساخته و پس از این که بساط آنان برچیده و اموال آنان مصادره شد، میرزا آقاخان نوری آنجا را مالک شد و نامش را داودیه به نام پسرش میرزا داودخان گذاشت. وجه اخیر باید صحیح‌تر باشد. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، چاپ چهارم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۹۴.

## سند شماره ۹۱

[فوریه ۱۸۳۹]

[متن حاشیه سند]: بویتوف در اسلامبول به میرزا جعفرخان<sup>۱</sup> نوشته است  
 من ۲۸ فوریه ۱۸۳۹ [ذیحجه ۱۲۵۴]

ماحصل ترجمه جواب جناب ایلچی روس

جناب فضیلت مآب

کاغذی که دیروز فرستاده بودید رسید، از مضامین منفعت آئین آن در نهایت مرتبه راضی و ممنون شدم. به وضعی که نوشته بودید، ان شاءالله تعالی به زودی تمام همان کتابچه را به حضور اعلیحضرت امپراطور اعظم خواهم فرستاد. البته تا حال به خود جناب شما سعی و اهتمام دولت روسیه در خصوص استراحت اهالی ایران و صحیح و سالم ماندن ملک ایشان، از تصرف غیر معلوم شده است.  
 موافق خواهش شما احوالات پطرزبورغ و تهران را که مشتمل و متعلق به دولت ایران باشد، هر وقت که می‌رسد آن جناب را مطلع خواهم نمود.  
 دویم مارت در اسلامبول قلمی شد.

۱ میرزا جعفرخان مشیرالدوله، در تاریخ فوق سفیر ایران در عثمانی بوده است، وی از محصلینی بود که از طرف عباس میرزا نایب‌السلطنه به اروپا اعزام شد.

## سند شماره ۹۲

[نامه وزارت خارجه احتمالاً به وزیر مختار روسیه]

[۱۵ محرم ۱۲۵۵]

روستاق  
 www.tabarestan.info

هو

جناب جلالت و نبالت نصایباً محبان استظهارا، مشفقاً

عالی شأن حاجی شریف تبریزی به عرض اولیای دولت قاهره رسانید که، عالی جناب آقا میرفتاح در شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۵۱ املاک خود را که در تبریز دارد به مشارالیه به طریق امانت سپرد، که آنچه مداخل آنهاست برای عالی جناب مشارالیه به تفلیس فرستد.

یک سال و نیم که از این معامله منقضی شد و مداخل املاک او را تمام و کمال رسانید، دو سال هم املاک مزبور را به مشارالیه از قرار اجاره‌نامه شرعی به اجاره داد و مال‌الاجاره را از قرار حواله عالی جناب مشارالیه می‌رسانید و زیاد هم داده بود، تا مدت شش ماه از این معامله گذشت. عالی جناب مشارالیه کاغذی به عالی جناب جنرال قونسول نوشت که یا به محاسبه او در تبریز برسند یا او را روانه تفلیس نمایند، که خود عالی جناب مشارالیه به محاسبه او برسند. چون عالی جناب جنرال قونسول از محاسبه او مستحضر نبود او را روانه تفلیس کرد، که در آنجا محاسبه او مفروق<sup>۱</sup> شود. عالی شأن مشارالیه که به تفلیس می‌رسد بدون اینکه عالی جناب مشارالیه به محاسبه او برسند، او را گرفته حبس می‌کند و هر چه اسب و اسباب و قبوضات و بیروات داشته از دست او

۱ اصل: مفروق

می‌گیرد. مشارالیه هفت روز در حبس بوده، بالاخره از حبس فرار کرده به تبریز می‌آید. در غیاب مشارالیه، عالی‌جاه میرزا علی اکبر منشی قونسولگری دولت بهیه روسیه هم اموالی که حاجی مشارالیه در خانه داشته است ضبط می‌کند.

استدعای مشارالیه که شرحی به عالی‌جاه جنرال قونسول قلمی دارند که در این باب غوررسی کرده، از قرار مضمون وکالت نامه و اجاره نامه که در دست مشارالیه می‌باشد، دعوی او را طی کرده، آنچه عالی‌جناب آقا میرفتاح به او زیادتی کرده و عالی‌جاه میرزا علی اکبر از خانه او برده، گرفته، به او رد نمایند.

به مقتضای موافقت دولتین علیتین یقین است که در این باب مضایقه نخواهند کرد.

تحریراً فی ۱۵ محرم الحرام سنه ۱۲۵۵

[متن دستخط حاشیه سند] <sup>۵</sup>: فرزندا، کاغذ را بدهید این طور بنویسند یا مهر شود میرزا علی اکبر را بسیار بد به اسم برده‌اند.

۵ این نامه پیش‌نویس بوده است و صاحب دستخط حاشیه آن را به شکل فعلی تصحیح کرده است.

سند شماره ۹۳

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[جمادی‌الاول ۱۲۵۵]

جنابا، جلالت و نبالت نصابا.

درایت و فخامت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهرا، مهربانا

این که از راه یک جهتی و اتحاد دولتین علیتین، نوشتجات لرد<sup>۶</sup> پالمستون، وزیر دول خارجه انگلیس را و نوشتجات اولیای دولت علیه در جواب نوشته مشارالیه، کلاً را، ارسال فرموده بودید، که دوستدار از مضامین نوشتجات طرفین اطلاع حاصل نماید، نوشتجات مزبور رسیده [است]. از کیفیت سرحد در نوشتجات مزبور آگاهی آمده، مستحضر گشت. از این که طریقه مرضیه موافقت و محادثت اولیای دولت ابد مدت علیه [را] به ارسال نوشتجات مزبور، منظور و ملاحظه فرموده‌اند، بسیار خوشحال و قرین امتنان آمده، دوستدار بر خود لازم نمود، که نیز همین شیوه پسندیده را، مرعی نماید.

علی هذا به جهت شکرگزاری این مرحله به تحریر این رسیده، زحمت افزا گردید.

چون مطلب منحصر بود، زیاده زحمت نداد. والسلام

تحریراً فی ۲ شهر جمادی‌الاول من شهر سنه ۱۲۵۵

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

۶ اصل: لارت



[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، درایت و فخامت  
انتساب. محبان نواز، مهربان، دوستان استظهاری، میرزا  
مسعود وزیر دول خارجه ملاحظه فرمایند.

سند شماره ۹۴

[نامه وزارت خارجه به وزیر مختار روس]

[۲۵ رجب ۱۲۵۵]

هو

جناب جلالت و نبالت نصاب با محبان استظهارا، مشفقاً، مهرباناً

شرحی که به تاریخ ۲۴ شهر جمادی‌الثانیه سنه ۱۲۵۵، قلمی و در طی آن مندرج  
ساخته بودید، که از قراری که قونسول دولت بیه روسیه مقیم ارزنة‌الروم، به آن جناب  
نگاشته است:

آقا حسن نامی،<sup>۱</sup> بدون فرمان مبارک و حکم اولیای دولت علیه، خود را  
بالیوز قلمداد [کرده]، به شغل بالیوزگری مشغول و نسبت به رعایا و تجار  
روسیه که در آن صفحات می‌باشند، منتهای بدسلوکی نموده، نمی‌گذارد  
که مطالبات خود را دریافت نمایند و عملهایی از او ناشی می‌شود، که

۱ کلمه «نامی» با تردید خوانده شده است.

منافی خیرخواهی و دوستی دولتین علیتین ایران و روس است. به خلاف  
[او] آقاحسین تاجرباشی، که در آنجاست، غایت خوش رفتاری نموده،  
حرکات عاقلانه از او صادر می‌شود. اگر اولیای دولت قاهره صلاح دانند،  
آقا حسن را معزول و آقاحسین را منسوب نمایند.

و اصل شد و به عرض اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه رسانید. حسب المسؤل  
آن جناب و پاس اتحاد دولتین، فرمان عزل و احضار آقامحمد حسن صادر و دو طغرا  
فرمان به افتخار آقاحسین صادر شد که رئیس تجار و تبعه دولت علیه، که در آنجا اقامت  
دارند، بوده، شغل مصلحت‌گزاری را نیز به او مفوض فرمودند، که امورات جزئییه را،  
خود، فیصل داده، در امورات کلیه از قرار دستورالعمل اولیای دولت علیه عمل نماید و  
خلعت هم به او مرحمت شد.

اینک دو طغرا فرمان مبارک که به افتخار او صادر شده با خلعت او انفاذ خدمت آن  
جناب گشت که زحمت کشیده به جهت مشارالیه، ارسال ارزنة‌الروم دارند.  
چون لازم بود اظهار شد.

تحریر فی ۲۵ شهر رجب سنه ۱۲۵۵

[احتمالاً دستخط حاجی میرزا آقاسی در حاشیه]: عیب ندارد

سند شماره ۹۵

[نامه وزیر خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۲۹ رجب ۱۲۵۵]

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، مشفقاً

چون بحمدالله تعالی، دوستی و مواحدت دولتین علیتین، به سرحد کمال، و به هیچ وجه مغایرت و مباینتی در میان نیست اولیای دولت جاوید مدت قاهره را، منظور و مقصود این است، که سفرای دولت علیه که در دول خارجه مأموریت و اقامت دارند، با سفرا و وکلای آن دولت بهیه مخالفت و مراودت مخصوصه داشته، احیاناً اگر سفیر این دولت علیه را مهمی پیش آمد، که از ایلچی آن دولت بهیه استمداد و استعانت جوید و حمایت خواهد. از روی یگانگی این دو دولت قوی بنیاد، خود را معاف ندارد و بدیهی است که تا حکمی در این باب، از اولیای دولت بهیه روسیه نداشته باشند، اقدام نخواهند کرد.

لهذا حسب الامر اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاه اسلام پناه ابدالله عیسه و اید جیشه به آن جناب قلمی می شود که به اولیای دولت بهیه خود قلمی دارند، که به ایلچی خود که در اسلامبول مقیم است، حکم دهند که اگر عالی جاه مقرب الخاقان میرزا جعفر خان سفیر مخصوص دولت علیه، از ایلچی مزبور استعانتی جوید، و حمایتی خواهد (در امری که حق داشته باشد و بخواهند علانیه ظلم کنند او حمایت

کند<sup>۴</sup>) مضایقه نکرده، خود را در مهمات عالی جاه مشارالیه معاف ندارد، و امورات متعلقه دولت علیه را، امورات متعلقه دولت خود داند.

یقین است که در این باب، به دولت بهیه روسیه اعلام خواهند کرد و هر وقت جوابی برسید به دوستدار اعلام خواهند داشت.  
زیاده چه زحمت دهد.

تحریراً فی ۲۹ شهر رجب سنه ۱۲۵۵

[سجع مهر پشت سند: عبدهالراجی لاله الا الله

الملك الحق المبین مسعود

سند شماره ۹۶

[نامه وزیر مختار روسیه به نایب وزیر خارجه]

[۱۵ شعبان ۱۲۵۵]

عالی جاها، رفیع جایگاهها،

مجدت و نجدهت اکتناها، مقرب الخاقانا، دوستان استظهارا مهربانا

نوشته از جناب جلالت نصاب، وزیر دول خارجه به دوستدار رسید، که معادل پانصد و شصت خانوار، از ایل شاهسون مشکین، که حال در قراباغ می باشند. می خواهند

۴ جمله داخل پرانتز در حاشیه نامه و با خط دیگری نوشته شده است با ارجاع عدد ۴.

مراجعت و معاودت به موطن اصلی و یورت قدیم خود نمایند.

حسب الخواش اولیای دولت ابد مدت علیه، حکمی به حاکم قراباغ داده شود که آنها را ممانعت نکرده،<sup>۱۰</sup> روانه سازند و بلیت هم داده شود، که سرحداران مزاحم ایشان نشوند.

دوستدار مراتب را به جناب سردار گرجستان قلمی نموده اظهار داشت. ان شاء الله آنچه جواب در این باب از آن جناب برسد، به آن دوستان استظهار اظهار خواهد داشت. بخصوص بلیت دادن به عالی‌جاه ساروخان. دوستدار اولی و انساب<sup>۱۱</sup> این دانست، که در این باب هم تأملی نماید، که به جهت مأموریت او و مطلب مذکوره، جوابی برسد، آن وقت بلیت داده شود، که مبدا قبل از رسیدن جواب سردار گرجستان، از رفتن عالی‌جاه مشارالیه، اختلالی در احوال سرحدات حاصل آید. والسلام. زیاده زحمت نداد.

تحریراً فی ۱۵ شهر شعبان المعظم من شهور سنه ۱۲۵۵  
[سجع مهر پشت سند]: دو حامل. وزیر مختار دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: عالی‌جاه رفیع جایگاه، دولت و اقبال همراه، مجدت و نجدت اکتناه، مقرب الخاقان دوستان استظهار، مهربان. میرزا علی نایب وزیر دول خارجه دولت علیه ایران ملاحظه فرمایند.

۱۰ اصل: کرده

۱۱ اصل: انصب

سند شماره ۹۷

[نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۷] رمضان ۱۲۵۵

جنابا، جلالت و نبالت نصابا، درایت و فخامت

انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، مهربانا

چندی قبل از این، در باب استرداد املاک ادعائی عالی جناب، آقا سید جمال لنکرانی شرحی نگاشته بودید. دوستدار. حسب الخواش آن دوستان استظهار مراتب رابه جناب جلالت نصاب، فرمان فرمای گرجستان نوشته اظهار داشته بود.

در این وقت جوابش رسیده، از قرار نوشته آن جناب، به جناب شمانگارش و اظهار می‌شود. که املاک مزبور در سنه ۱۸۲۶ تاریخ عیسوی که دوازده سال قبل بوده باشد، به جهت خیانت برادر سید سابق الذکر که میرزا شریف نام است، فراراً به ایران آمده بود، ضبط شده است. سه سال قبل حسب العریضه و ادعای عالی جناب آقا سید جمال، جناب فرمانفرمای گرجستان حکم کرده بود، به موافق قانون روسیه اجلاس کرده، ادعای مشارالیه را به تحقیق رسیدند. پس از تحقیق مشخص و معلوم شد که عالی جناب آقا سید جمال، در املاک برادر خود حقی ندارد، و از طفولیت سی سال است که به ایران آمده، در اینجاها توطن و سکنی گرفته است.

علی‌هذا به جهات مزبور، جناب فرمانفرمای سابق، عالی جناب سید مشارالیه را در آن املاک حقی نداده است. فرمانفرمای حال هم، حکم فرمانفرمای سابق را به جهات مذکوره و به قانون روسیه ممضی داشته، عالی جناب سید مشارالیه را، در آن املاک حقی نمی‌دهد.

چون لازم بود که به جناب دوستان استظهاری اطلاع دهد زحمت افزا شد.

۱۷ شهر رمضان ۱۲۵۵

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل، ویر مختار

دولت بهیه روسیه

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت و نبالت نصاب، درایت و فحامت

انتساب. مچبان نواز، دوستان استظهاری، میرزا مسعود،

وزیر دول خارجه ملاحظه فرمایند.

سند شماره ۹۸

[نامه وزارت خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۱۵ شوال ۱۲۵۵]

جناب جلالت و نبالت نصابا، مخلصان استظهارا مشفقا، معظما

چون عالی‌جاه میر ابراهیم خان، مصلحتگزار سابق حاجی ترخان، مدتی است از شغل مزبور معزول و احضار شده است، و به حکم عهدنامه مبارکه بین الدولتین علیتین، می‌باید مصلحتگزاری از جانب سنی الجوانب دولت علیه ایران، در آنجا اقامت کرده، به مصالح و منازم امور تجار و تبعه دولت پردازند. در این وقت بر حسب امر قدر قدرشاهنشاه پر فرّ و جاه اسلام پناه، عالی‌جاه رفیع جایگاه عزت و سعادت پناه،

مقرب‌الحضرت‌العلیه، میرزا عبدالله، غلام پیشخدمت خاصه سرکاری به این خدمت منصوب و مامور فرمودیم.

لهذا از جناب سامی متوقع است که شروحنی که لازم است در سفارش او و پذیرفتن او به منصب مصلحتگزاری دولت علیه به حاکم حاجی ترخان قلمی دارند که به اقتضای مواحدت دولتین علیتین، عالی‌جاه مشارالیه را باکمال استقلال به انجام شغل مزبور برده‌اند. چون عالی‌جاه مشارالیه از راه تغلیس به حاجی ترخان می‌رود، و جناب جلالت نصاب سردار و فرمانفرمای گرجستان را ملاقات می‌کند، اگر در سفارش او شرحی لازم دانند، به جناب معزی الیه قلمی دارند. چون لازم بود اظهار شد.

۱۵ شوال ۱۲۵۵

سند شماره ۹۹

[نامه وزیر مختار روسیه به صدراعظم حاجی میرزا آقاسی]

[۲۵ سوال ۱۲۵۵]

جنابا، مجددت و جلالت نصابا، فخامت و مناعت

اکتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، مکروما، مشفقاً، مهرباناً

جناب میرزا مسعود از مشهد مقدس به دوستدار نوشته است که یارمحمد خان به جناب آصف الدوله، به موجب نوشته معلوم نموده است که خواهشمند فرستادن پسر خود و پسرکامران میرزا و پسران چند نفر نجبای هرات، به رسم گروهی در دارالخلافة تهران می‌باشد، تا به آن واسطه حمایت این دولت جاویدمدت را شامل حال خود نموده باشند.

جناب معزی الیه در این امر، خیال دوستدار را خواسته بدانند، و نیز معلوم ساخته که اگر خواسته باشند با هراتی قراری را برقرار نمایند فرصت را نایست از دست داد. به اعتقاد دوستدار، این امر بسیار مهم و محل غور است، و دوستدار می‌تواند،<sup>۱۰</sup> جناب سامی را آگاهی دهد، که دولت روسیه از قرارداد منصفانه دولت قاهره با هراتی خوشوقت خواهد بود. چنان که در این خصوص، وقتی که به وساطت مستر مکینیل مکالمه بجایی منتهی نشد، متأسف شده [است].

در نظر دوستدار صلاح آن است که جناب میرزا مسعود مأذون شود، با حکمران هرات از روی تکالیف مستر مکینیل که قبل از اینها می‌نمود، عهده را مقرر نمایند مگر به

یک تفاوت، یعنی موقوف ضمانت شرط نامه، خواه از جانب دولت انگلیس و خواه از جانب سایر دول.

دولت انگلیس در چنین قرار که بانی آن از اول وزیر مختار خود بوده است، هیچ ایرادی نخواهد داشت، و در این صورت مملکت خراسان از خرابی و شرارت همسایگان خود محفوظ خواهد ماند. چون لازم دید زحمت افزا گردید.

تحریراً فی ۲۵ شهر شوال سنه ۱۲۵۵

باقی ایام عزت و شوکت مستدام باد

[سجع مهر پشت سند]: دو حامل وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

[در حاشیه با دستخط دیگری]: در حضور شما در این خصوص حرف بزنیم و بنویسیم.

[متن دستخط پشت سند]: به شرف مظالمه جناب مجددت و جلالت نصاب،

عظمت و حشمت مآب، محبان نوازی، دوستان

استظهاری، مشفق مکرم حاجی سلمه الله تعالی مشرف

شود.

سند شماره ۱۰۰

## [نامه احتمالاً وزارت خارجه به وزیر مختار روسیه]

[ ۲۱ ذی‌قعدة ۱۲۵۵ ]

جناب جلالت و نبالت نصابا، مخلصان استظهارا، مشفقاً، معظماً

چون عالی‌جاه مجددت و شهامت همراه، جنرال تمرروف دینی‌کور ناتور حاجی ترخان، کمال خوش رفتاری نسبت به رعایا و تبعه دولت علیه، که در حاجی ترخان اقامت دارند، معمول داشته، و از حسن سلوک و رفتار او عریضه به دربار سپهر مدار اعلیحضرت پادشاهی نوشته‌اند، رأی مرحمت اقتضای شاهانه بدین تعلق گرفته است، که نظر به اقتضای مواحدت دولتین علیتین، نشانی به او التفات فرمایند.

لهذا مخلص حسب‌الامر قدر قدر اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت شاهنشاه اسلام پناه، خلدالله ملکه و سلطانه مأمور شد که به آن جناب اظهار نماید، که اذن و اجازه اعطای نشان مبارک به عالی‌جاه مشارالیه، و تعیین مرتبه نشان مزبوره، با آن جناب که به هر طور صلاح دانند، اعلام دارند، تا اولیای دولت قاهره از آن قرار معمول دارند. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۲۱ شهر ذی‌قعدة الحرام سنه ۱۲۵۵

جناب جلالت و نبالت نصابا، مخلصان استظهارا، مشفقاً، معظماً

در باب عود عالی‌جاه حاجی خان شکی به سرحد، که...<sup>۱</sup> با آن جناب مکالمه شد.

\* یک کلمه در اصل با هنگام تصویربرداری سند محو شده است.

در این وقت، به مکاتبه به آن مشفق مکرم معظم اظهار می‌شود که، آنچه عالی‌جاه مشارالیه لساناً تعهد کرده، که من بعد امری خلاف قاعده، از او در آن سرحد ناشی نخواهد شد. بلکه طوری رفتار خواهد کرد که سرحدداران دولت بهیبه روسیه، از عالی‌جاه مشارالیه اظهار رضامندی نمایند. اکنون مکتوباً تعهدنامه نوشته، فرستاده است، در جوف این مراسله انفاذ خدمت شد، که ملاحظه فرموده، نوشته او را، به جهت جناب اجلالت نصاب، جنرال علاءالدین، فرمانفرمای گرجستان، ارسال دارند، که چنانچه اطمینان از گفته و نوشته او به هم رسانند، اذن دهند، که در یورت قدیم خود سکنی نماید.

چون لازم بود مصدع شد و اظهار می‌شود.

تحریراً فی ۲۰ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۵۵

سند شماره ۱۰۱

[نامه وزارت خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۱۲۵۵ ق. ۵]

جناب جلالت و نبالت

نصایا، مجددت و فخامت انتسابا، دوست مشفق معظما

در اوقاتی که نواب خسرو میرزا، در دربار اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت امپراطوری بودند، در باب تأدیب و تنبیه خان خیوق و سایر ایمل و الوس این دولت محروس که بنای خودسری را گزارده، غاصب ملک و هست و آسر رعیت آن حدوداند استمداد شده بود.

اعلیحضرت امپراطوری به اقتضای مواحدت دولتین علیتین، وعده ملوکانه فرموده بودند که، هر وقت لشکر این طرف به تنبیه سرکشان آن حدود مأمور شود، عساکر منصوره امپراطوری امداد خواهند نمود. چنانچه در سالی که کوبک همایون، برای تنبیه طوایف ترکمانیه آن حدود نهضتی به صفحات گرگان و اترک فرمودند، اولیای دولت قاهره در باب القای وعده ملوکانه امپراطوری، شرحی به جناب غراف سیمونیچ نگارش داشتند و جناب مشارالیه از قرار جوابی که به دولت قاهره نوشتند، وعده کردند که به اولیای دولت بهیه روسیه در این باب اظهار نمایند. که البته ثبت مکاتبات مزبوره در دفتر سفارت دولت بهیه روسیه موجود است و ملاحظه خواهید کرد.

بنابر موجبات مزبوره، در این اوقات که، مسموع افتاد که عساکر روسیه عزم<sup>۱</sup> تنبیه و

تسخیر خان خیوق و خیوق نموده‌اند، لازم شد که با آن جناب گفتگو کرده، استفسار نماید که، بعد از آن که خیوق به تصرف اولیای دولت بهیه روسیه بیاید، اگر چه نظر به اتحاد و موافقتی که فیما بین دو دولت حاصل است، دریاب خود خیوق با این که این طرف جیحون و از خاک دولت علیه محسوب می‌شود، گفتگویی نمی‌شود، لکن در باب مضافات و توابع خراسان از قبیل مرو و آخال و سرخس و طزن<sup>۲</sup> و غیره که همیشه تابع و محل یوریت ایلات دولت قاهره می‌باشد، نمی‌داند منظور اولیای آن دولت بهیه چه چیز است. اگر چه نظر به مواحدت دولتین، در این باب مکالمه ضرور نیست و اولیای آن دولت بهیه، به پاس یگانگی دولتین علیه، منظور نظر دارند که سرحد و ثغور دولت علیه محفوظ و محروس بوده، در ممالک محروسه خودشان کمال استقلال به هم رسانند. لکن من باب الاحتیاط و ملاحظه مال اندیشی، به آن جناب اظهار نمود که بیش از آن که خیوق به تصرف اولیای آن دولت بهیه در آید، اعلام دارند که در باب اماکن مزبوره، منظور اولیای آن دولت بهیه چیست و انتظام آن سرحد را به چه وضع قرار خواهند داد، که به سرحدداران و ایلات دولت علیه اطلاع داده که مایه آسایش و امنیت آنها شود، و بیشتر از پیش تر نظمی در آن سرحد به هم رسد.

[دستخط محمد شاه در بالای سند] : بسیار خوب است.

[دستخط دیگری و (احتمالاً حاجی میرزا آقاسی) در حاشیه] : هو.

عیب ندارد.

سند شماره ۱۰۲

## [نامه احتمالاً وزارت خارجه به وزیر مختار روسیه]

[ربیع الاول ۱۲۵۶]

جناب جلالت و نبالت نصاباً مخلصان استظهرا، مشفقاً، مکروماً

از قراری که جناب امیرنظام نوشته بودند، و تجار اصفهان نیز به عرض اولیای دولت قاهره رسانیدند. امتعه و مال التجاره تجار و تبعه دولت علیه را، در حاجی ترخان ضبط و تصرف کرده‌اند و به تجار دولت علیه اذن فروش نمی‌دهند.

اگر چه ظهور این معنی استبعاد تمام دارد، و به ملاحظه مواحدت دولتین علیتین، اولیای دولت جاوید آیت، هرگز باور ندارند که از کارکنان آن دولت بهیبه، آثار خلافی به ظهور برسد. لکن بنا بر اظهار جناب امیرنظام و تبعه دولت علیه، به آن جناب اظهار می‌شود که موافق عهد نامه مبارکه تجار دولت علیه، مأذون و مختارند که مال التجاره خود را، در هر جایی از ممالک محروسه روسیه به فروش برسانند، و اگر اولیای آن دولت بهیبه به این عذر متمسک شوند، که امتعه تجار دولت علیه باید مال خود ایران باشد و جنس ولایات خارجه نباشد. جواب می‌توان گفت که، اکثری از مال التجاره تجار دولت بهیبه روسیه مال خود آن دولت نیست، بلکه تجار روسیه از ولایات دیگر مثل نمسه و اسلامبول و ولایات دیگر خرید کرده، در ایران به فروش می‌رسانند، و در این دولت علیه، هرگز ضبط نکرده، از فروش ممانعت نمی‌نمایند.

خلاصه نظر به اتحاد دولتین، این معنی استبعاد تمام دارد که، این گونه رفتار، به تجار و تبعه دولت علیه نمایند.

توقع از آن جناب، آن است که در این باب، به کارگزاران دولت بهیبه روسیه، شرحی

قلمی دارند که مخالف دوستی و عهد نامه مبارکه رفتار نکرده، تجار دولت علیه را از فروش مال التجاره خود ممانعت ننمایند. و گذارند که به آزادی و فراغت در آن دولت علیه مشغول امر تجارت شوند.

نظر به کمال دولتنخواهی دولتین، یقین است که آن جناب به این معنی راضی نخواهند شد، که کارکنان آن دولت بهیبه خلاف عهد دوستی رفتار نمایند و نوشته مؤکده قلمی خواهند داشت، که مال التجاره تبعه دولت علیه را رد کرده، به آنها اذن و رخصت دهند، که به فراغت و آزادی مال التجاره خود را به فروش برسانند.  
چون لازم بود اظهار شد

تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۶

[دستخط حاشیه سند]: هو.

عیب ندارد.



سند شماره ۱۰۳

## [نامه وزارت خارجه به سفارت روسیه]

جناب جلالت و نبالت نصابا،

مجدت و فخامت انتسابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، مکوما

دریاب آمدن سفاین تجارتی دولت بهیة روسیه، به سواحل دریای استرآباد که اشعاری کرده بودید، و خواهش نموده بودید، که فرمانی از مصدر خلافت و حکمرانی صادر شود، که حاکم و مباشرین امور دیوانی استرآباد به تجار آن دولت بهیة اعانت و حمایت نمایند.

مراتب را عرضه خاک پای اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه داشت، فرمودند، اگرچه در عالم دوستی و اتحاد دولتین، منظور و مقصود ما این بود که سفاین تجارتی دولت بهیة روسیه، کمافی السابق به سواحل دریای استرآباد تردد نمایند، و بنای مراد و معاملت را در آنجا نگذارند. ولی چون آن جناب دوست مشفق معظم، اظهار کرده بودند، که مدتی است کشتی تجارتی آن دولت بهیة عازم آنجاست، این دفعه را قبول فرمودند، که کشتی تجارتی آن دولت بهیة به دریای استرآباد آمده، مالالتجاره خود را به فروش رسانند، و ملفوفه فرمانی به افتخار حاکم استرآباد صادر شد، که هرگونه تقویت و حمایت به تجار دولت بهیة روسیه، که این دفعه آمده‌اند نماید، تا بعد از اعلیحضرت قدرقدرت امپراطور اعظم خواهش نمایند، که به تجار و تبعه خود حکم فرمایند، که ابواب تجارت و معاملت را در سواحل دریای استرآباد موقوف و متروک دارند، و مثل سابق که به گیلان و مازندران تجارت و معاملت داشتند، داشته باشند.

چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۶ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۷

تبریز دستخط حاشیه سند: عیب ندارد

www.tabarestan.info

سند شماره ۱۰۴

## [نامه وزیر مختار روسیه و ملاحظه آن توسط محمدشاه]

[ ۲۹ جمادی الاول ۱۲۵۷ ]

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا،

محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما

آن جناب دوست مشفق معظم، استحضار و اطلاع کامل دارند، که پاره‌ای از اشرار ترکمانیه گرگان، از راه دریا مغافصتاً، به سرحد استرآباد و مازندران ریخته، بندگان خدا را به اسیری می‌برند و اموال آنها را نهب و غارت می‌نمایند.

اولیای دولت قاهره برای سد شرارت و عبور آن طایفه می‌خواهند که در جزایر متعلقه به خودشان که چرکس و عاشوراده باشد مأمنی بسازند، و چند نفر ساخلو در آنجاها بگذارند، که من بعد از شرارت و سرقت آن طایفه، رعایای خود را مأمون و

محفوظ بدارند. از آنجایی که آن جناب دوست مشفق معظم، انتظام سرحد دولت علیه و رفاهیت بندگان خدا را طالب و مایل می‌باشند، یقین است که این اراده اولیای دولت قاهره پسند خاطر آن جناب خواهد افتاد، و چون آجر و گچ و پاره‌ای مؤنات برای ساختن مأمن در سواحل استرآباد و مازندران یافت نمی‌شود، و لابد باید از بادکوبه بیاورند، آن جناب نوشته به حاکم آنجا خواهند نوشت، که هر قدر آجر و گچ و سایر ضروریات برای ساختن مأمن در آن جزایر ضرور باشد، کرجی بفرستند به آنها بفروشند. یقین است که به مقتضای کمال اتحاد دولتین بهیچین، آن جناب در این باب مضایقه نخواهند فرمود.

فی ۲۹ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۷

[ دستخط حاشیه ]: عیب ندارد.

[ دستخط محمدشاه در حاشیه ]: بسیار خوب است.

سند شماره ۱۰۵

[ نامه وزیر مختار روسیه « دو حامل » ]

[ ۱۳ رجب ۱۲۵۷ ]

جناب مجدت و نجدت نصابا، فخامت و مناعت اکتسابا،

مقرب الخاقانا، دوستان استظهرا، مکرم، مشفقا، معظما

شرحی که به تاریخ نهم شهر رجب نگارش فرموده بودید رسید، حقیقت این است که دوستدار از مضامین آن زیاده متحیر گردید، زیرا عوض این همه ملامتها، به اعتقاد خود مستحق رضامندی از دولت قاهره بود.

فی الحقیقه اگر دوستدار سکوت می‌کرد، و دولت جاوید مدت ایران برای خریدن پاره‌ای آلات و اسباب و اسلحه کشتیها، و به جهت رفتن بر سر چرکان، مبالغ کلی خرج می‌کرد، بعد یک دفعه کشتیهای تجسس دولت بهیه روسیه، در روی دریا همه آن کشتیها را ضبط می‌نمود، در آن صورت البته اولیای دولت قاهره، دوستدار را مورد بحث و ایراد می‌فرمودند، که چرا قبل از وقت عاقبت چنان قشون کشی را معلوم نداشت. دوستدار اظهار خطر و موانع این گونه اصول را وظیفه خیرخواه صدیق می‌داند، که چاپلوسی نداشته، همیشه قولش یکی و خالی از تزویر باشد.

آن جناب می‌نویسند که پانصد سال است که چرکان تعلق به دولت قاهره دارد. محل آن نیست که به مقام تحقیق صدق و کذب این دعوی برآئیم، ولی آنچه که دوستدار یقین می‌داند، این است، که حالا اگر اولیای دولت علیه بخواهند که جزیره مزبور را به اطاعت خود درآورند، به هیچ وجه ممکن نخواهد بود، مگر به زور کشتیهای جنگی، که این هم خلاف شروط عهدنامه ترکمان‌چای خواهد بود.

از آن جناب سوال می‌نماید، که کدام دولت راضی خواهد شد که خلاف شروط عهدنامه خود رفتار نماید. معلوم است دولت بهیه روسیه هرگز به این معنی راضی نخواهد شد.

آن جناب نوشته‌اند که از کسان دولت بهیه روسیه پاره‌ای کردار صادر می‌شود که مخالف دوستی و اتحاد دولتین است. از آن جناب مکرم متوقع است که واضح و آشکار فرمایند، این‌گونه کردار را، تا دوستدار تواند یا کسان دولت بهیه روسیه را از تهمت بیرون آورد، یا قرار کشیک بگذارد تا حقیقت امر معلوم شود.

این قدر است که حالا دوستدار می‌تواند آن جناب را متقاعد سازد، که این که می‌گویند روسها در نظر آباد جا و مکان می‌سازند دروغ است، و در نقشه هم به این اسم جزیره [ای] پیدا نمی‌شود، و در جایی که اولیای دولت بهیه روسیه در فکر استحکام جزایر متعلقه به خودشان نباشند، آن جناب می‌تواند خاطر جمع [با] شد که هرگز به خیال استحکام جزایری که به خودشان تعلق ندارد نخواهند بود.

دیگر دوستدار خیلی متاثر است، از این که هنوز بر شیوه بی‌غرض دولت روسیه میسر نشده است، که بدگمانیهای سابق را برطرف و معدوم نماید، و محل اعتماد اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی شود.

دوستدار تا به حال هزار دفعه اظهار داشته است، باز هم اظهار می‌دارد که دولت بهیه روسیه طمع یک وجب زمین متعلقه به دولت ایران را ندارد، زیرا که اگر اولیای دولت علیه، دولت بهیه روسیه را این طور طماع در مال غیر می‌دانند، تصور کنند که چرا چشم بر جای دیگر که بهتر از چرکان باشد نیانداخته‌اند و حال این که حرف چرکان را هم برای خودشان نمی‌زنند.

خلاصه دوستدار، همه این عدم بی‌اعتمادی اولیای دولت علیه و بی‌التفاتی اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی را در حق دوستدار، حمل بر بی‌کارگی خود

می‌نمایند. بناء علیه خوشحالم از اظهار نصب وزیر تازه، بر جای دوستدار، که بلکه بهتر از دوستدار و مستحق مرحمت‌های سرکار اقدس شهریاری خواهد بود.

چه در عهد جناب غراف سیمونیچ و چه در این عهد، اصول دولت بهیه روسیه با دولت علیه ایران و با ترکمانها یکی بوده است و تغییر نیافته است، و دستورالعمل بزرگ کشتیهای جنگی آن اوقات این بوده است که نه به این طرف اذیت رسانند و نه به آن طرف، و با<sup>۵</sup> حضور خود، ترکمانها را بر سر حساب دارند، و نگذارند که دست‌اندازی به مازندران نمایند، و خودشان هم به مقام دشمنی با آنها برنیایند.

دوستدار نمی‌داند چه قراری جناب غراف سیمونیچ با اولیای دولت قاهره گذارده بود، چون حضور نداشت، اما این قدر هست که سواد دو طغری نوشته معظم الیه را که یکی به جناب میرزا مسعود و آن دیگر به نواب اردشیر میرزا، در خصوص مأموریت کشتیهای جنگی، مطابق تقریر دوستدار نگارش داشته است، در دفترخانه سفارت جسته، اینک در جوف این مراسم می‌گذارد.

خلاصه آن جناب شکایت دارند، که چرا دولت بهیه روسیه به قبادبیک که بقول آن جناب دزد یاغی این دولت است، حمایت می‌کند. خود قباد بیک و ایل او مکرر خواهش کردند که رعیت دولت بهیه شوند. اولیای دولت بهیه روسیه قبول نکردند، زیرا دولت بهیه در بند داشتن چنین رعایای مفسد، مثل ترکمانها نیست.

به اعتقاد دوستدار مصلحت دولت قاهره هم در این است که رعیتی آنها را قبول نکنند، زیرا سواى بدنامی، دزدی و هرزگی، آنها حاصل دیگر نخواهند داشت. ولی این قدر است که قبادبیک چندین دفعه به تفلیس بلکه هم به پترزبورغ رفته است و همراه صاحبان روس که از راه دشت به خیوه می‌رفته‌اند بلد بوده است. مع هذا، محل تعجب

نخواهد بود که برای چنین خدمات از اعلیحضرت امپراطوری مرحمتی در حق او شده باشد. چنانچه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی آزرده خاطرند، از این گونه حمایت دولت بهیه روسیه، در حق قبادبیک، پس اولیای دولت بهیه چه باید بگویند در خصوص این نوع اعانت که دولت علیه به فراریان دولت بهیه می نمایند.

آیا بخصوص میرزا اسمعیل نام مأمور امورات فراریان دولت بهیه نیست و همیشه او فراریان را شرف‌اندوز بزم حضور مبارک سرکار اقدس همایون نمی سازد و متوجه امورات و صدور بروات موجب آنها نیست. مگر دوستدار نمی داند که در زمستان گذشته، فرستاده‌ای از داغستان به تهران آمده بود. مگر مدتی نیست<sup>۵</sup> که شیخعلی بیک که متهم است به رفاقت اونکورل داخل خدمتکاران اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی شده است. مگر این که دولخانه جناب جلالت مآب مشفق مکرم حاجی سلمه‌الله پر از ایروانی نیست، که از همه آنها جز خوردن مداخل ایران کاری دیگر ساخته نمی شود.

آن جناب مشفق مهربان دوستدار را در چنین فقرات به پای حساب نخواهند، که صرفه آن با دوستدار خواهد بود، زیرا در عوض یک نفر قبادبیک که دولت بهیه حمایت می کند، دوستدار می تواند زیاده از سیصد نفر را سیاهه بدهد که مورد حمایت و موجب خوار این دولت شده اند.

در آخر شرح آن جناب نوشته بود، که منظور اولیای دولت علیه آن است، که نوشتجات دوستدار را که چه در خصوص چرکان و چه در خصوص ترکمانها نوشته است به صحابت چاپار مخصوص به پطرزبورغ ارسال دارند.

دوستدار از این معنی بسیار خوشوقت است و مکرر اظهار داشته است که هر جواب دوستدار، که پسند خاطر اولیای دولت علیه نمی افتد، رجوع به جناب جلالت مآب

غراف نسلرود نمایند.

دوستدار تفصیل مکاتبه و مکالمه خود را که با آن جناب در این فقرات داشته است، مدتها است که از روی لوازم وظیفه خود، به اولیای دولت خود فرستاده است.

التفات فرموده اسم چاپار را که روانه پطرزبورغ خواهند نمود اعلام دارند، تا لازمه سفارشنامه‌ها و پاسپورت<sup>۶</sup> او را حاضر نماید.

زیاده چه مصدع شود. باقی ایام به کام باد.

تحریراً فی سیزدهم شهر رجب سنه ۱۲۵۷

[سجع مهر پشت سند] : دو حامل وزیر مختار

دولت بهیه روسیه

سند شماره ۱۰۶

[استدعای وزیر مختار روس و پاسخ محمد شاه

در حاشیه نامه]

[۱۲۵۷ ه. ق.]

استدعای جناب غراف مدم، در باب کشتیهایی که از دولت بهیه روسیه، حسب الامر اعلیحضرت امپراطوری، برای دفع شرارت و رفع افساد طایفه ترکمانیه تعیین شده، این

است که، فرمان جهان مطاع صادر و مقرر شود، که حکام سواحل مازندران و استرآباد، به مقتضای اتحاد و یک جبهتی دولتین علیتین کمال اعانت و حمایت، در حین ضرورت از مأمورین دولت بهیه روسیه کرده، که بکلی قلع و قمع شرارت و افساد طایفه مزبوره، از آن صفحات شده باشد. در هر حال کمال اعانت و مراقبت را معمول و مرعی بدانند.

[ دستخط محمدشاه در حاشیه ]:

جناب حاجی، کشتی‌ها چه اعانتی از ما می‌خواهند نمی‌دانم، سیورسات که نباید بدهیم. قورخانه که در آن سرحد نداریم بدهیم، کشتی که نداریم بدهیم. یا سوار بشویم با آنها به جنگ ترکمان برویم، نمی‌دانم چه اعانتی، مگر این که فرضاً طوفان باشد، کشتی به گل بنشیند کمک بکنند، دریاورند، همچنین چیزی، دیگر اگر به جنگ ترکمان آمده سعی کند منتهاش ده پانزده روز کار دارد، که آنها را تمام کند، طول نمی‌کشد. به سواحل ما چه کار دارد، به سواحل ما بیاید، بیاید راضی نمی‌شوم.

سند شماره ۱۰۷

[ نامه وزیر مختار روس به محمد شاه ]

اعلیحضرت قدر قدرت قوی مکتت، سپهر

بسطت، خدیو بی‌همال، فلک دستگاه، معدلت شعار،

زینت افزای اورنگ جهاننداری، پادشاه جلیل‌الشان دولت ابد توأمان ایران.

بعد از ادای، مراسم صدق عقیدت و خیرخواهی، و پس از طی لوازم ارادت و اخلاص کیشی، معروض رأی بیضا ضیای خورشید آنجلا می‌دارد، که چون این اخلاص کیش، بر خود لازم بل واجب داشته است، که پیوسته به دست‌آویز حسنه، مراتب ارادت و اخلاص خود را، در پیشگاه حضور باهرالنور به جلوه بروز و ظهور درآورد. لهذا در این وقت که حامل عریضه اخلاص فریضه دریافت فیض حضور اعلیحضرت پادشاهی می‌نمود، به تحریر این مختصر عریضه جسارت نمود، عرضه داشت می‌نماید که: اعلیحضرت قوی دولت امپراطور اعظم ولی‌النعم اکرم، پس از اطلاع خواهش قبله عالم از مخلص، در باب احضار دو عدد کشتی جنگی از دولت بهیه روسیه، به جهت محافظت [ به ] سواحل مازندران آمده، در فرمان کارکنان دولت علیه ایران باشند، قبول فرما شده حکم محکمی به بزرگ کشتی داران بحر خزر<sup>۱</sup> صادر فرموده‌اند، دو عدد کشتی جنگی محکمی را روانه مازندران نموده، در فرمان نواب مستطاب شاهزاده آزاده اردشیر میرزای حاکم آن مملکت درآورد، که در محافظت سواحل و سرحدات استرآباد الی سواحل جنوبی اترک جد و جهد نموده، مقیم آن صفحات باشند و از قرار فرمایش اعلیحضرت امپراطور اعظم، به مخلص چنین معلوم می‌شود، که بزرگ آن دو کشتی،

منتهای رخصت و مأموریت بر لازمه تقویت و اعانت بر عساکر منصوره این دولت ابد مدت، عند الضرورت و الحاجت، در انتظام و انضباط سواحل آن مملکت دارند و محکومند، که مادامی که امتناع توقف کشتی به جهت شدت و سختی زمستان حاصل نیامده، آن دو کشتی در مازندران مقیم بوده در فرمان کارکنان قبله عالم باشند.

مخلص منتهای خرسندی و خوشوقتی را از خوش طالعی خود از این خبر بهجت اثر حاصل نموده است، که بواسطه ارادت این مخلص دلیل تازه بر اتحاد و موافقت این دو دولت علیه، و خصوصیت باطنی اعلیحضرت امپراطور اعظم، نسبت به قبله عالم بروز کرده است.

از این مطلب معلوم می شود که چقدرها میل قلبی امپراطور اعظم است، که مملکت قبله عالم منظم بوده با نظم و نظام باشد. مستدعیم که به صدور فرامین وصی آیین این اخلاص شعار را سرافراز و خرسند فرمایند.

[ دستخط متن پشت سند ]: عریضه اخلاص فریضه به خاک پای اعلیحضرت قدر

قدرت، قوی مکت، سپهر بسطت، خدیو بی همال،  
فلک دستگاه، خسرو ذوالاقتدار، انجم کرده معدلت  
شعار، زینت افزای اورنگ جهاننداری نظام بخش  
انجمن کامکاری، پادشاه جلیل الشان دولت ابد توأمان  
ایران ابدالله دوام دولة شرف افتتاح ورزد.

سند شماره ۱۰۸

[ نامه احتمالاً وزیر امور خارجه به سفیر یا وزیر مختار انگلیس ]

[ تیره صفر ۱۲۵۸ ]

جناب جلالت و نبالت نصابا،

محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفق مکرما

شرحی که در بیست و چهارم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۸ به دوستدار مرقوم فرموده بودید، و در طی آن استفسار کرده بودید، که آمدن جهازات و سفاین جنگی و قشون دولت بهیه روسیه، به این طرفهای بحر خزر به خواهش اولیای دولت علیه ایران بوده یا خیر؟ هرگاه به خواهش اولیای این دولت علیه بوده است، از خواستن جهازات و قشون منظور [ و ] مقصود چه بوده است و برای چه خواسته اند، چگونگی را به آن جناب دوست مشفق اعلام نماید.

لهذا به جواب مصدع می گردد که:

اولاً بحمدالله تعالی، اولیای دولت علیه ایران، با امنای دولت بهیه انگلیس ظاهراً و باطناً همیشه در مقام صدق و صفا و حفظ رسوم دوستی و وفا بوده اند. به تحقیق، در این اوقات که آن جناب معاودت به دربار این همایون دولت فرمودند، و دوستی دولتین بهیتین به حالت اولی رجوع کرد، نه بطوری رسوم دوستی و مصافحات را رعایت می کنند که آن جناب را سوءظنی حاصل آید و مورث پاره [ ای ] توهمات و تخیلات آن جناب گردد.

ثانیاً در باب سفاین جنگی و قشون دولت بهیه روسیه که این اوقات به این طرفهای بحر خزر عزیمت کرده اند، استفسار کرده بودند، که اگر به خواهش اولیای این دولت

علیه آمده‌اند، اعلام دارد.

حقیقت این است که اولیای این دولت علیه، نه مکتوباً، نه ملفوظاً استمداد سفاین جنگی و قشون برای تنبیه ترکمانیه از دولت بهیه روسیه نکرده بودند، و خبری هم از آمدن کشتیهای جنگی آن دولت بهیه نداشتند. در این اوقات که می‌خواستند، پاره‌ای از اشرار ترکمانیه را که در سرحدات استرآباد و مازندران به هرزگی و شرارت مشغول بودند تنبیه نمایند، از این که عهدنامه مقرر فیما بین دولتین بهیتین روس و ایران، چنان که آن جناب اطلاع کامل دارند، مسطور و مضبوط است که کشتی جنگی دولت علیه ایران، در بحر خزر نباشند، استیذان از اولیای دولت بهیه روسیه نمودند که یا اولیای دولت علیه خود چند کشتی کوچک در سواحل بحر خزر برای سد طرق اشرار ترکمانیه میان دریا مأمور نمایند، یا در صورت عدم قبول اولیای دولت بهیه روسیه، چند فرزند کشتی کوچک و لنکه از آن طرف بدهند، که دفع شر ترکمانیه به وجه اکمل به عمل آمده باشد. بعد از ده بیست روز که از این مقدمه گذشت، کشتیهای جنگی دولت بهیه روسیه میان بحر خزر پیدا شد.

کیفیت کشتیها از این قرار است و چون آن جناب دوست مشفق بلیت آمدن کشتیهای مزبوره را استفسار کرده بودند، و اولیای دولت علیه از جناب جلالت مآب، غراف مدم وزیر مختار دولت بهیه روسیه مستفسر شده بودند، جناب معزی الیه کاغذی در جواب به دستدار مرقوم داشته‌اند.

دوستدار برای رفع سوءظن و اطمینان خاطر آن جناب سواد کاغذ مزبور را در جوف این مراسله نزد آن جناب، ارسال داشت، که ملاحظه فرموده، رفع پاره‌ای توهنات و تخیلات آن جناب دوست مشفق گردد. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی غره شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۸

[ دستخط حاشیه سند ]: عیب ندارد.

سند شماره ۱۰۹

نامه وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی صدراعظم  
ایران

جناب مجدد و جلالت نصابا، فخامت و مناعت

اکتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، مشفقاً، معظماً، مکرمماً

به جهت رفع اشتباه، و پاره‌ای تصورات، از خواهش تجار روس در ساختن انباری به کنار بندر استرآباد، برای مال التجاره خود که از مملکت روس می‌آورند، چنان که گفتگو و قرار شده است انبار مذکور، به هیچ بهانه مستحکم نخواهد شد و هرگز انبارآلات حرب و اسباب قورخانه نخواهد گردید و دولت علیه ایران، هیچ چیز به عهده خود نمی‌گیرد مگر دادن سرباز که برای حفظ مال‌التجاره مطالبه خواهد شد. چنانچه انبار مذکور به خرج دولت علیه ایران ساخته شود، تجار دولت بهیه روسیه برای مدت زمان که مال التجاره خود در آن خواهد ماند، رسومی خواهند داد، و چنانچه بر خلاف آن ساختن انبار فوق‌الذکر به عهده تجار روس باشد، همین اخراجات سرباز مستحفظ این دولت جاوید مدت را خواهند داد.

زیاده چه مصدع شود. باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام باد.

تحریراً فی بیست و دوم صفر المظفر سنه ۱۲۵۸

[ سجع مهر پشت سند ]: غراف مدم وزیر مختار دولت بهیه روسیه.

[ متن پشت سند ]: جناب مجدد و جلالت نصاب، فخامت و مناعت اکتسابا،

محبان نواز دوستان استظهارا، مشفق مکرم مهربان، حاجی سلمه‌الله

ملاحظه فرمایند.

سند شماره ۱۱۰

## [ نامه دولت ایران به وزیر مختار روس ]

[ ۱۲ ربيع الثاني ۱۲۵۹ ]

جناب جلالت و نبالت نصابا، مجددت و فخامت

انتسابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، ه شفق معلما

الحمد لله رب العالمين، بطوری امروز اسباب محادثت و اتحاد و التیام فیما بین دولتین فحیمتین ایران و روس استحکام و استقرار دارد، که این نوع مواحدت محسود جمیع دولتهای دور، نزدیک و ترک جنگ گشته، این دو دولت خداداد را دولت واحد می‌شمارند و بطون دفاتر وزرای مختار سابق و انصاف خود آن جناب دوست مشفق معظم را این معنی گواه کافی است، که اولیای دولت علیه تا چه حد در پاس اساس دوستی دولتین بهتین اهتمام داشته و دارند، اگر جزئی امری و مهمی از آن دولت بهیه بوده است، به محض اشاره اولیای دولت علیه در رفع آن، حتی الغایه بل فوق الطاقه مساعی جمیله و مجاهد کافی به ظهور رسانیده‌اند و سرأ و جهراً<sup>۱</sup> در فکر استجلاب و استرضای خاطر کارگزاران آن دولت بهیه بوده‌اند و کمال اطمینان و خاطر جمعی را هم داشته‌اند و دارند که اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت امپراطور خجسته طور اکرم اعظم به نفس الشریف مایل و راغب از دیاد استحکام دوستی دولتین بهتین می‌باشند.

ولی چندیست که پاره‌ای امور از آن طرف حادث و ناشی می‌شود که موجب وحشت و حیرت اولیای این دولت علیه است، از جمله در سال پیش که سفاین جنگی آن دولت

بهیه با عالی‌جاه مجددت همراه، کاپیتان بوطلاطین دریاییگی به دریای استرآباد و این طرف‌ها، آمد و تجار آن دولت بهیه بنای مراودت و معاملت به آن صفحات گذاردند، اولیای دولت علیه از این که می‌دانستند طایفه ترکمانیه مردمانی وحشی و صحرایمی و خارج از قاعده و قانون نظام‌اند [ و ] معامله و مراوده با آنها، باعث رنجش خاطر و زحمت کارگزاران جانبین خواهد گردید. به مکاتبه و مشاققه گفتند و نوشتند که معاملت و مراودت با آن طایفه را موقوف و قرار معاملت را کمافی السابق در فرضات مازندران و گیلان گذارند. یا اگر بخواهند در آن صفحات هم معامله داشته باشند، تجار آن دولت بهیه مال خود را در اصل شهر استرآباد آورده، در آنجا به استحضار بیگلربیگی و سرحددار آنجا به فروش رسانیده از بی نظمی و تطاول طایفه ترکمانیه مصون و محروس مانند. این نصیحت و صلاح دید اولیای دولت علیه مفید نیفتاد. در این اوقات از یک طرف از جانب آن جناب دوست مشفق معظم، اشعار می‌شود، که طایفه ترکمانیه خواجه نفس، بدون جهت و سبب پنج نفر مزدور قراسیمف را گرفته، یک نفر را مقتول و باقی را مجروح و محبوس دارند. از طرفی دیگر عریضه طایفه ترکمانیه می‌رسد که عالی‌جاه دریاییگی یک نفر از روسای ما را که محبوس کرده بود مقتول و نعش او را به دریا انداخته که به کنار آمده به دست آورده‌ایم و از ما قریب به سی چهل نفر دستگیر کرده محبوس دارند و راه تجارت و معاملت ما را که رعیت پادشاه هستیم، از روی دریا مسدود کرده، نمی‌گذارند که با بلیت حاکم استرآباد به سواحل مازندران تردد نماییم و دادو ستد کنیم. چنانچه عریضه اهالی استرآباد را که متضمن این مطالب بود ارسال خدمت داشت.

اولاً: قراسیمف تاجر دولت بهیه روسیه چه حقی دارد که بدون استیذان و استجاره از اولیای دولت علیه در اترک و گرگان و خواجه نفس که از توابع کرد محله است صید نماید. چنانچه در سال گذشته در این باب به آن جناب موافق شرح دولتی اظهار شد که او را ممانعت از صید آنجاها نمایند و آن جناب در چهارم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۸ به



دوستدار به این طور جواب مرقوم فرموده بودند، که در باب منع از صیادی قراسیمف، دوستدار حسب الخواش آن مشفق مهربان به بزرگ کشتیهای پادشاهی نوشته است، که در آنجا به دقت و تحقیق غوررسی کرده، اگر حرف قراسیمف همین است، که من آن شیلات را از طایفه تراکمه اجاره کرده‌ام، این سخن بیجا و باطل است و شیلات آنجا را مخصوص عالی‌جاه آقامیرصادق دریاییگی دانند. و اگر قراسیمف را در مقابل سند حسابی و سخن دیگر باشد، ابراز و اظهار نماید. معلوم است که در این مدت اگر قراسیمف مستند حسابی در دست داشت، ابراز و اظهار نموده بود. در این صورت چرا باید مشارالیه بدون اذن اولیای دولت علیه در آنجاها صید نماید. که بدین واسطه با ترکمانیه خواجه نفس مراودت و معاملات داشته باشد که مزدور او را به قتل رسانند یا مجروح و محبوس نمایند.

ثانیاً: از قراری که خود آن جناب دوست مشفق معظم به موجب شرح دولتی در بیست و هفتم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۸ به دوستدار نوشته بودند، اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت، امپراطور خجسته طور اعظم اکرم، از روی کمال میل خاطر که نسبت به اعلیحضرت شاهنشاهی و از غایت آرزوئی که در آسایش این دولت علیه و نظم و آرامش سواحل این مملکت دارند، مقرر فرموده‌اند که چند فرزند کشتی در آن دریا تردد نموده، به همدستی کارگزاران این دولت علیه، مشغول به دفع شرارت و دزدی ترکمانها در روی دریا باشند. و مأموریت دریاییگی منحصر به این است. مع‌ذلک المراتب چرا باید عالی‌جاه دریاییگی، رعیت دولت علیه، از ترکمانیه و اهالی فرضات و سواحل استرآباد و مازندران را که با بلیت حاکم استرآباد و مازندران و بزرگان خود بخواهند تردد در دریا و جزایر خود از عاشورا ده و غیره داشته باشند ممانعت کنند، و ایل مطیع این دولت علیه را بدون جهت و سبب گرفته محبوس و مأخوذ نمایند. یا اگر به آن فرض مقصر باشند چرا بی‌همدستی و استطلاع سرحدداران دولت علیه آنها را حبس و زجر

نمایند. یا چرا باید جناب سردار گرجستان بدون اذن و اخبار اولیای این دولت علیه، نشان و کاغذ التفات‌آمیز برای ترکمانیه رعیت دولت بفرستند.

ثالثاً: از قراری که اهالی فرضات مازندران عریضه به اولیای دولت علیه نوشته‌اند و شیواد آن را در جوف این مراسله ارسال نزد آن جناب داشت. در این اوقات داودخان ارمنی رعیت آن دولت بهیه، در قریه سرمحله که یکی از قرای استرآباد و از بلوک ازان است، انبار چوبی ساخته و جنگل را هم قدری تراشیده است. اگر این خبر حقیقت، داشته باشد که تاجر مزبور بدون اذن و استرضای دولت علیه ارتکاب به این عمل نموده باشد، به چه حمل می‌توان کرد، آن فرض دوستدار برحسب امر قدر قدر شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به آن جناب اظهار می‌دارد که از این که آن جناب از مکنونات ضمیر مهر تخمیر دو پادشاه بزرگ اطلاع دارند و آن جناب به حفظ رابط و فاق و ضوابط اتفاق این دو دولت قوی بنیاد مأمور و دربار این شوکت جاوید آیت اقامت دارند، از روی رؤیت کافی و درایت کامل به دفع و رفع این گونه قوایل که سورت وحشت و حیرت اولیای این دولت علیه است پردازند و قراری گذارند که نهای رعایای دولت علیه از ترکمانیه و اهالی استرآباد و مازندران که از حکام و سرحدداران و بزرگان خود بلیت داشته باشند و بخواهند از روی دریا به جزایر و سواحل عبور نمایند عالی‌جاه دریاییگی آنها را ممانعت ننماید و چنانچه از طایفه ترکمانیه بخواهد بدون بلیت، بطور دزدی از دریا عبور کند از این که رعیت این دولت علیه است، باید دریاییگی او را گرفته به سرحدداران استرآباد و مازندران سپارد، که اولیای دولت علیه خود رعیت مقصر خود را تنبیه نمایند. نه این که عالی‌جاه دریاییگی بدون اذن اولیای این دولت علیه آنها را حبس و تنبیه نماید.

نیز به قراسیمف و سایر رعایای دولت بهیه روسیه قدغن نمایند که به هیچ وجه مداخله در امر شیلات نکرده، نه در آن سواحل مشغول صیادی شوند، نه از ترکمانها،

ماهی صید کرده اکتیاع نمایند.

چون لازم بود خدمت آن جناب مصدع گردید.

تحریراً فی ۱۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۵۹

### سند شماره ۱۱۱

دستورالعمل نحوه عملکرد دریابییگان و سرحدداران ایران

و روس به ویژه درباره استرآباد و ترکمانان، صادره

از طرف روسها |

[شعبان ۱۲۵۹]

از برای دفع شکایات سرحدنشینان و دریابییگان که هر ساعتی نظر به صلاح دید خود یا اغراض نفسانیه یا تحریک و اغوای مفسدین که سرحدداران و حکام و بزرگان دولتین علیتین از همدیگر داشته باشند، لازم آمد که دستورالعملی نگاشته شود و هرچه یوماً فیوماً اتفاق می افتد، در روزنامه ثبت کنند و به کارگزاران دولتین علیتین برسانند. و سر خود، از همدیگر شکایت و نثار نداشته باشند.

کارگزاران دولتین علیتین نظر به کمال مواحدت و صداقت فیما بین چنان قرار بدهند، که همگی رعایا و برابا آسوده و امنای دولتین علیتین از هم خشنود و راضی باشند.

اول: دستورالعمل خدمتگزار خوب و صادق اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری، آن است که احکام ولی نعمت خود را بلاقصورت اطاعت نموده، بقدر قوه از خیر دولت

خود نگذرد، و بواسطه خوشرفتاری و عدل گستری خود را مورد اعتماد اهالی و ولایاتی که در آن حاکم است سازد، و بقدر امکان سعی در استحکام موالات و سازگاری با ولایات همجوار باشد.

دویم: می باید به مقتضای کمال اتحاد دولتین علیتین، نهایت حسن سلوک و خوشرفتاری را با دریابییگان و اهالی سفاین جنگی و تجارتمی دولت بهیه روسیه سلوک و معمول داشته کمال حسن مراودت و مخالطت را با آنها به عمل آورد.

و بر دریابییگان و منتسبان دولت بهیه روسیه نیز لازم است، که نهایت دوستی و حسن موافقت و مراقبت با بیگلریگی استرآباد، و سرحدداران دولت علیه مرعی دارند. و اگر گفتگو یا مباحثه بر سر مطلبی فیما بین بیگلریگی و سرحد داران استرآباد با دریابییگان و کارگزاران دولت بهیه روسیه، که در بحر خزر تردد دارند، اتفاق افتد، اولاً اهتمام نمایند که خود با یکدیگر قطع و فصل نمایند، و اگر ممکن نشد که خود بگذرانند، فوراً گزارش را به اولیای دولت علیه و جناب جلالت مآب زیدة الکبراء العیسویه غراف مدم وزیر مختار دولت بهیه روسیه، که در دربار همایون اقامت دارند، اعلام نمایند، تا به اقتضای مواحدت دولتین بهیتین در رفع آن اهتمام شود.

اما ترکمانیه چون فقط تعلق به دولت علیه ایران دارند، خوش رفتاری و بدر رفتاری بیگلریگی استرآباد را دربار | ه | آنها، باید امنای دولت علیه ایران غوررسی نمایند و دریابییگان دولت بهیه روسیه حق ندارند که در بر ترکمان، سلوک حاکم استرآباد را ملاحظه نمایند، که خوب است یا بد. اما بر بیگلریگی استرآباد لازم است که حتی المقدور سعی نمایند که از ترکمانها ضرری به کسان دولت بهیه نرسد.

سیم: از قراری که می گویند، عالی جاهان حمزه خان و شفیع خان فیما بین بیگلریگی استرآباد و دریابییگی دولت بهیه روسیه فساد کرده اند، لهذا می باید در صورت اثبات تقصیر، آنها را روانه دارالخلافه سازند. اما بسیار غریب است تقصیری از آنها صادر شده

باشد.

چهارم: بر بیگلریگی استرآباد لازم است که ساعی در اتحاد دولتین علیتین بوده، رفتار پسندیده را شیوه و شعار خود سازد که منتسبان دولت بهیه روسیه، دست‌آویز شکایت از او پیدا نمایند بلکه حسن ظن را در حق او حاصل نمایند.

پنجم: فایده و ضرر کشتیهای دولت بهیه روسیه رجوع به خود دولت علیه ایران دارد و برای بیگلریگی استرآباد به هیچ‌وجه نفع و ضرری ندارد. اما توقف و تردد کشتیهای مزبوره در دریا و سواحل استرآباد در صورت ملاحظه منفعت و امنیت و آرامش، کسی نمی‌تواند انکار کند و هرکس خلاف این بگوید، محض غلط است.

ششم: در هر موقع که امداد بیگلریگی استرآباد به جهت دفع سارق بحری، که به بر فرار نمایند به دریاییگی دولت بهیه روسیه ضرور شد، مضایقه نخواهد کرد.

هفتم: بیگلریگی استرآباد باید با تسلط خود، با دریاییگی همدست شده که آن ترکمان طایفه چرکانی که یک نفر مزدور روس را به قتل رسانیده است دستگیر شود.

هشتم: به جهت کشیک سواحل و اطمینان از سلامت روی لشکهای ترکمانها، که در فرضات آمد و رفت دارند، به رضای سرکار شوکت‌مدار اعلیحضرت شهریاری، قرار شده که لشکهای مزبور همان به آخر بندر استرآباد نزول کنند و بس، و به جهت خاطرجمع می‌باید، هریک از ترکمانیه، از ریش سفید طایفه خود بلیت در دست داشته باشد. بنا بر قرار مذکور هر ریش سفید از عهده خلاف زیردستان خود باید برآید، و احدی حق نخواهد داشت، که اجازه به بزرگان طوایف ترکمان بدهد، که آنها بلیت به زیردستان خود بدهند، که به هر جای از سواحل خواسته باشند بروند و آمد و رفت نمایند. خود دریاییگی هم نمی‌تواند تغییر و تبدیلی بدهد در این قرارداد.

نهم: اگر چه ضرور نخواهد شد و اولیای علیه ایران چنین خواهشی نخواهند کرد، اما احتیاطاً نگارش می‌شود که هر وقت دولت علیه ایران بخصوص از سفارت بهیه روسیه

درباره چند خانوار ترکمان مشهور خواهش نماید، آن وقت دریاییگی را می‌توان مأذون ساخت که به آنها بلیت بدهد. ولی آن وقت خیر و شر آن با دریاییگی نخواهد بود، بلکه با اولیای دولت علیه ایران خواهد بود.

نهمین: کسی را چه یارا، که منظورات دوستانه اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت‌امیراطور اعظم را در مراتب یک جهتی و اتحاد با اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاه اسلام پناه، خدالله ملکه و سلطانه انکار کند، و برعکس قلم بدهد و اگر ندانسته امری اتفاق افتد، امنای دو دولت قوی مکنت، به زودی رفع آن را خواهند کرد. می‌باید هرگز پیرامون امری که خلاف واقع باشد نگردند و از اخبارات دروغ فسادانگیز محترز و محتسب باشند، زیرا که به فضل الله تعالی امروز دوستی و اتحاد دولتین بهتین به مرتبه‌ایست که کسی خیالات فاسده نماید.

یازدهم: ترکمان سارق که در دریا دستگیر دریاییگی می‌شود، اگر بیگلریگی استرآباد بخواهد قراری در حق آنها بدهد، این امور رجوعی به بیگلریگی استرآباد ندارد، و حرف آنها معتبر نمی‌باشد. باید اظهار به امنای دولت علیه شود تا موافق قانون دولتی حکمی درباره آنها شود.

دوازدهم: در این اوقات سفارت دولت بهیه روسیه خواهشمند اذن و رخصت شده‌اند، که ذغال سنگ که در ولایت استرآباد یافت می‌شود، کشتیهای روسیه بخرند و قیمت ذغال مشخص شود و این معامله رواج بگیرد. چون اهالی استرآباد، نسبت به سایر ولایات کم هستند، و کار آنها منحصر به ذغال فروشی نیست و از ذغال فروشی منفعتی کامل حاصل نخواهند کرد، از این جهت قیمت زیاد می‌خواهند و گفتگوی در قیمت، مایه دردسر است. دریاییگان قراری بدهند که هر وقت هر قدر ذغال می‌خواهند پیش از وقت اعلام کنند. امنای دولت علیه حکم کنند که فلان مقدار ذغال بدهند و قیمت بگیرند. غرض سر بسته مایه دردسر است، باید حکمی دولتی به میان آید.

سیزدهم: در باب تجارت رعایای دولتیین بهتین، این معنی را بیگلریگی استرآباد بدانند که در همه جای مملکتین می‌توانند مال التجاره خود را برده خرید و فروش نمایند و گمرک آن را در یک جا و یک دفعه از قرار صد پنج بدهند. باید بیگلریگی استرآباد به دقت تمام متوجه بوده، نگذارد که زیاده از قرار صد پنج که حکم صریح عهدنامه است چیزی بگیرند و رعایای دولت بهیه روسیه را اذیت و آزار نمایند.

دیگر محض رعایت دوستانه که اعلیحضرت امپراطوری در حق این دولت و این مملکت می‌فرمایند، یک نفر کنسل<sup>۹</sup> معدنچی را فرستاده‌اند که معادن ایران را تشخیص داده امتحان کند، و طریقه عمل آوردن معدن را یاد بدهد. اگر عالی‌جاه مشارالیه به استرآباد آید که اگر معادنی در آنجا باشد ملاحظه کند، باید هر نوع ضمانت و رعایت را درباره عالی‌جاه مشارالیه مرعی دارند.

باید بیگلریگی استرآباد و دریاییگی دولت بهیه روسیه از قرار این دستورالعمل معمول داشته به هیچ وجه تخلف و تجاوز ننمایند.

فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۵۹

سند شماره ۱۱۲

### نامه‌ای به وزیر مختار روسیه |

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان

استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما

از مترددین مازندران و استرآباد، نقل عجیبی استماع شد که استحضار آن جناب جلالت مآب لازم بود.

مجملی از مفصل این که، بحریان دولت بهیه روسیه هر ساعتی فکری می‌کنند، مجدداً در عاشوراده بنای عمارات اگر چه از چوب و تخته باشد، گذاشته‌اند.

فی الحقیقه در همه حال و همه اوقات اطمینان امنای دولت علیه ایران از اولیای دولت بهیه روسیه به این پایه نبوده، اما این کار منشاء مداخله دیگران در خاک ایران می‌شود. در این باب امنای دولت علیه ایران حرف حسابی نخواهند داشت. اگر این نقل اصل داشته باشد، بسیار ضرر دولت علیه ایران است و آن اتحادی که اولیای دولت فخریه روسیه با امنای دولت علیه ایران دارند، بالقطع به این معنی راضی نخواهند بود.

اگر آن جناب جلالت مآب آنجا توقف می‌فرمودند همه جا مراقب بودند و رفع این غوایل را چنان که به کرات نموده‌اند، باز به سهولت می‌گذرانند. اما چه فایده که حالا که بنا دارند تشریف ببرند، و جناب وزیر مختار جدید تشریف می‌آورند، استحضاری از این گونه اوضاع ندارند، و هنوز آن طور اتحادی که فیما بین دوستدار و آن جناب با ایشان است که در اول ملاقات و دوستی شروع به این گونه گفتگوها شود. از آن جناب دوست مشفق معظم متوقع است که چنانچه در این مدت هر امری از امور دولتی که اتفاق می‌افتاد فیما بین دوستدار و آن جناب بطور خوش به دفع و رفع آن اقدام می‌شد در این باب هم به حقیقت برسند.

هر گاه این خبر اصلی داشته باشد، پیش از تشریف بردن خود آن جناب، در دفع و رفع آن اقدام بفرمایند که این مرحله باعث طعن و تویخ اقارب و اجانب نشود و من بعد حرفی فیما بین اولیای دولتین و متسببان حضرتین در میان نیاید. چون لازم بود مصدع شد.

تحریراً فی ۲۸ شهر ذیقعدہ الحرام سنه ۱۲۶۱

متن پشت سند | : جناب جلالت و نبالت نصاب، محبان استظهاری، دوستان  
اعتضادی غراف مدم

سند شماره ۱۱۳

[نامه‌ای به دالغوروکی وزیر مختار روسیه]

[۲۸ رجب ۱۲۶۲]

جناب جلالت و نبالت نصابا.

مجدت و فخامت انتسابا، کفالت و کفایت مآبا.

زبدةالسفراء العظاما محبان نوازا، دوستان اعتضادا، مشفقاً، مکرمات

کاغذ آن جناب جلالت مآب و اصل و از مسطورات خلت نکاتش استحضار و آگاهی  
تمام حاصل آمد.

این که مرقوم فرموده بودید دوستدار سهو غریبی نموده است، به فضل الله تعالی

دوستدار تابه‌حال در حفظ شروط معاهده مقررہ بین الدولتین علیتین ایران و روس، غفلت نکرده است و سهو و خبط ننموده است، و رعایت جانب دوستی حضرتین را مهمل و مجمل نگذاشته است. چنانچه بطون دفاتر شاهد و گواه است، که دوستدار در این مدت با سفرا و وکلای دولت بهیة روسیه بقدر ذره‌ای مخالف عهود و شروط عهدنامه مبارکه ترکمان‌چای راه نرفته است. و ان‌شاءالله تعالی من بعد هم نخواهد رفت. و قلندر دوستی و ثبات و دوام یک جهتی دولتین فخیمتین را بطوری که مکتون خاطر پادشاه ولی نعمت دوستدار است از روی دانش و بینش می‌داند، اما در باب این که مرقوم داشته بودند، مضمون شرح آن جناب مشعر بر کمی آتشی دولت بهیة روسیه بوده است که ماهی دو دفعه به فرضه استرآباد بیاید. دوستدار نمی‌داند بچه استحقاق و چه سند و کدام عهدنامه چنین شرط و قراری شده است. بلکه بالصراحه در فصل هشتم عهدنامه مقررہ قید شده است، که سفاین تجارت روس، مانند سابق استحقاق خواهند داشت، که به آزادی بردریای خزر و به طول سواحل آن سیر کرده، به کناره‌های آن فرود آیند، و در حالت شکست در ایران امداد و اعانت خواهند یافت.

معلوم است که این حکم فقط درباره سفاین تجارتی شده است، نه در باب کشتیهای جنگی آن دولت بهیة. و در خصوص سفاین حربیه بطور وضوح، در عهدنامه ترکمان‌چای و هم در عهدنامه‌های سابقه مسطور و مرقوم است، که بالانفراد استحقاق خواهند داشت که کمافی السابق در بحر خزر سیر و سیاحت نمایند. پس در این صورت کشتی تجارتی می‌تواند به سواحل و فرضات بیاید<sup>۱</sup> و لنگر اندازد<sup>۲</sup> و کشتی جنگی که مسیر برای او معین شده است نمی‌تواند.

۱ اصل: بیایند

۲ اصل: اندازند

دیگر مرقوم فرموده‌اند که عقل شهادت می‌دهد میان بندگان اقدس همایون شاهنشاهی و آن جناب بجز صحبت این نوع کشتیهای دولتی صحبت دیگر نمی‌توانست باشد، زیرا که دولت علیه ایران، حق ایراد بر کشتیهای تجاری روس ندارد، بحمدالله خود آن جناب اعتراف فرمودند، که دولت علیه ایران حق ایراد در کشتیهای تجاری روس ندارند، مخالف مفهوم آن یعنی حق ایراد به کشتیهای جنگی آن دولت بهیه دارند. دیگر مرقوم داشته‌اند، اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطان به لفظ مبارک وعده ملوکانه فرموده‌اند، مقرر دارند برای کشتی آتشی دولت بهیه روسیه در وقت ضرورت جای معین کنید. اگر چه موافق عهدنامه مبارکه حقی در این باب نداشتند، ولی نظر به ایفای وعده ملوکانه بطوری که بالمشافهة العلیه وعده فرموده‌اند، ملفوفه فرمان همایون صادر شد که آن جناب قبول نکرده رد نمودند.

دیگر مرقوم داشته‌اند یکی از فقرات عهدنامه ترکمان‌چای آزادی کامل تجارت است، و چون دولت بهیه روس، بالانفراد حق داشتن کشتیهای جنگی در بحر خزر دارند، لهذا دولت علیه راه ندارد بگوید که این تجارت را همین با کشتیهای تجاری نمایند، نه با کشتیهای جنگی، این جواب موافق نص عهدنامه در فوق این صحیفه نگارش آمده و فیما بین کشتی تجاری و کشتی جنگی فرق بسیار است. چنانچه در باب هر یک از دو فقره حکمی بخصوص در عهدنامه مسطور آمده و در هر دولتی این قاعده معمول است و هیچکس کشتی تجاری و کشتی جنگی را یکی نمی‌داند.

دیگر این که مرقوم داشته‌اند هیچ عهدنامه حق نمی‌دهد که جاهای سیاحت کشتیهای جنگی روس را دولت علیه ایران معین نماید. آن جناب خود را به طریق اکمل مأذون در اعلام این می‌داند، که دولت بهیه روس اصلاً در این باب دخل و تصرفی از جانب دولت علیه نخواهد پذیرفت. در کمال ادب به جواب مصدع می‌آید، که فیما بین دولین علیین عهدنامه مبارکه برای همین سمت ضبط و ترقیم یافته، که هیچ طرف از احکام مقرر آن

تجاوز و تخالف نمایند. موافق نص عهدنامه این است که کشتی جنگی دولت بهیه روسیه در بحر خزر سیر نماید، و در هیچ عهدنامه قید نشده است که به فرضیات و سواحل ایران بیایند و در قولتوق استرآباد لنگر توقف اندازند.

این که مرقوم داشته‌اند چون کمی آتشی جنگی آن دولت بهیه در راه می‌باشد، اعلام می‌دارند که بی آن که بخواهد، در این خصوص ملفوظاً و مکتوباً با اولیای دولت علیه داخل گفتگوی تازه شوند، هر عملی که از جانب اولیای این دولت، به خلاف این اعلام ظاهر شود، آن را نقض عهد، و مایه بی‌اعتنایی به رأی عالم آرای پاشادهی خواهد دانست.

زحمت می‌دهد که اگر امری صادر شود، که مخالفت به عهدنامه مقرر داشته باشد، البته نقض عهد بدانند. اما طرفه این است که اولیای دولت علیه سخنی نمی‌گویند که مخالفت به عهدنامه داشته باشد، می‌گویند موافق عهدنامه و قانون هر دولت کشتی جنگی با تجارتی تفاوت کلی دارد و سیاحت و سیر در دریا با آمدن به سواحل و لنگر انداختن و توقف در فرضیات منافات تمام دارد. و اگر امنای دولت علیه ایران در لفظ سیاحت یا محل تجارت گفتگو کنند، این سخن را امنای آن دولت بهیه می‌توانند ایراد بگیرند.

خلاصه خارج از عهدنامه میمونه آمدن کشتی جنگی به فرضیات و لنگر توقف انداختن، و جزایر دولت علیه را متصرف‌شدن، و دریایی بخواهد از ترکمانیه زمین ابتیاع کند. با این که مستندات دولتی، از جنابان غراف سیمونچ و جنرال دو حامل و غراف مدم وزرای مختار سابق آن دولت بهیه در دست است، که دولت بهیه روسیه، در یک وجب ملک ایران طمع ندارد، و نمی‌خواهد جزایر آن دولت علیه را متصرف شود، یا در خشکی قلعه بسازد، مخالفت به عهدنامه مقرر شده است، و مکرر گفتگو شده است، که از آستارا تا اترک خاک ایران است و صحرای اترک و گرگان داخل استرآباد

بدون مشایعت و مشارکت غیر، ملک دولت علیه ایران است، و ترکمان که ایل دولت علیه ایران است در آنجا پورت بیلاق و قشلاق دارند، و در آن اراضی به هیچ وجه حقی ندارند که توانند بیع و شری نمایند.

از اینها گذشته در قرار نامه بین الدولتین مشروط و مرقوم است که در اراضی و املاک سه نفر شرکت دارند، یکی دولت، یکی مالک، یکی اریاب. بر فرض محال که ترکمانان صاحب ملک شدند، بی اذن پادشاه چگونه می توانند ملک بفروشند.

علی ای التقدار به مضمون الکلام بجرالکلام در جواب رقعہ که زحمت کشیده نوشته بودید، جوابی لازم آمد، که مصدع آید و معلوم نماید که سهوی اتفاق نیفتاده است، بلکه خواهشهای آن جناب زیاده از عهدنامه مقررہ است. و رد و قبول آن با پادشاه است که مستقلاً صاحب مملکت است و شریک ندارد و نه با من عاجز و ضعیف.

دیگر مختارید. باقی ایام عزت و جلالت مستدام باد

فی ۲۸ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۶۲

[متن دستخط حاشیه سند]: از روی دانش و بینش می داند، اما در باب این که مرقوم

داشته بودید، مضمون شرح آن جناب مشعر برکشتی آتشی

دولت بهیه روسیه بوده است

سند شماره ۱۱۴

[سواد کاغذ صدراعظم | ایران | به وزیرمختار روسیه،

سواد حکم محمدشاه، ایضاً سوادنامه صدراعظم

به وزیرمختار و سوادنامه صدر اعظم به سلیمان خان]

[ ۱ سوال ۱۲۶۳ ]

سواد کاغذ حاجی میرزا آقاسی است که به

جناب وزیر مختار روسیه نوشته است به تاریخ ۱ شهر شوال سنه ۱۲۶۳

دریاب بیمارخانه، از سرکار اقدس همایون پادشاهی روحانفاده، به دستخط مبارک، خطاب به دوستدار حکم بدین مضمون رسید. لازم آمد که به آن جناب مضامین حکم همایون را بدون کم و زیاد اشعار و اظهار دارد و اطلاع دهند. مضمون دستخط همایون است:

شما آن روز گفتید، جناب جلالت مآب وزیرمختار می گوید، عاشورا ده بیمارخانه دارد و موقوف می کنم در شهر جانی بدهند. قبول کردم. امروز سلیمان خان گفت، بیمارخانه دیگر هم می خواهند لب دریا بسازند. این دیگر چرا. اگر بیمارخانه منظور است در شهر اذن دادم. اگر به اسم بیمارخانه مطلب دیگر است نمی دانم. سوای میان شهر استرآباد بجای دیگر راضی نخواهم شد.

چون ابلاغ حکم همایون لازم بود در مقام اطلاع برآمد.

حاجی میرزا آقاسی در جواب رقعہ جناب وزیرمختار روسیه نوشته است:

رقعہ که ارسال به دوستدار فرموده بودید در باب بیمارخانه که دوستدار مراتب را مجدد به خاک پای مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفاده عرض نمود، و به عالی جاه

سلیمان خان خانانان حکم شد که حسب التتمای آن جناب بیمارخانه لب دریا بسازند.

سواد کاغذ حاجی میرزا آقاسی به سلیمان خان است:

آن که عالی جاه نتیجه الامراء العظاما، مخدوما

در باب بیمارخانه که بر حسب توقع سفارت دولت بهیه روسیه در آنجا به جهت اهل کشتی باید ساخته شود. سابقاً به آن مخدوم از اولیای دولت علیه اظهار شد. حال مجدداً از سفارت آن دولت بهیه توقع شده است که بیمارخانه در ساحل دریا ساخته شود. لهذا اظهار می‌رود که بیمارخانه‌ای که در وقت احتیاج به جهت اهل کشتی کفایت دهد در لب دریا بسازد و به قسمی که سابقاً به آن مخدوم گفته شده است. البته کوتاهی ننماید.

سند شماره ۱۱۵

نامه وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی |

[ ۱۱ شوال ۱۲۶۳ ]

جناب شوکت و جلالت نصابا، عفتت و حشمت مآبا

دوستان استظهارا، محبان نوازا، مشفقاً، مکرمات معظما

دوستدار مطلع و مستحضر نیست، آن جناب که دایم الاوقات اظهار دوستی نسبت به اولیای دولت بهیه روسیه می‌کنند، و در هر صورت از جانب دولت امپراطوری مراسم حرمت حاصل می‌نمایند، چطور و به چه مضمون صلاح دانسته به خاک پای مبارک

اعلیحضرت شهریاری معروض بدارند، لزوم ساختن بیمارخانه از برای اهالی کشتیهای کشیک دولت بهیه روسیه، در کنار دریای استرآباد که دوستدار در این باب به آن جناب اظهار کرده بود، ولیکن سبب حیرت دوستدار از ملاحظه شرح دوستی که در این خصوص قلمی فرموده بودند، این است که آن جناب چیزها به دوستدار اسناد می‌دهند، که ابدأ نگفته بودم و مظنه‌های بد می‌برند، که مطابق نیست با دوستی که فیما بین دو دولت برقرار است. حاصل نمودن همیشه دلایل دوستی و در جواب اظهار داشتن گمانهای بد، که نتیجه خیالات مخالف می‌باشد، سبب دوری مردم می‌شود نه باعث نزدیکی. لیکن چون کلام اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی سند واجب الاحترام است. دوستدار به آن جناب اظهار می‌دارد که موافق اذن سرکار اقدس همایون شهریاری و نظر به این که همین یک بیمارخانه ضرور است و نه متعدد، به نحوی که آن جناب ظاهراً تصور می‌فرمایند، دوستدار به عالی جاه دریاییگی و کشتیهای کشیک دولت بهیه روسیه حکم نوشت، که بیمارخانه به کنار دریا حمل و نقل نماید. زیرا که آن صفحات را به شهر استرآباد ترجیح داده‌ام و بحرین مریض نمی‌توانند بدون خطر اشتداد ناخوشی آنها، و اتلاف در بین راه مسافت بعیده طی نمایند. نیز واجب می‌داند پیش از وقت به آن جناب اظهار بدارد که دوستدار مضامین دو طغری مراسله را که در این باب به آن جناب نگاشته است، و تدبیر این که مطابق الطاف اعلیحضرت قضا شوکت پادشاهی، در حق تبعه اعلیحضرت قدر قدرت امپراطوری بکار برده است، به اطلاع دولت بهیه رسانیده و از این قرار کار را به اتمام رسیده می‌داند.

زیاده چه مصدع شود. باقی ایام مستدام باد.

تحریراً فی یازدهم شهر شوال سنه ۱۲۶۳

[سجع مهر پشت سند] کنیاز دالغوروکی وزیر مختار

دولت بهیه روسیه



[متن دستخط پشت سند]: جناب شوکت و جلالت نصاب، عظمت و حشمت مآب،  
دوستان استظهاری، محبان نوازی مشفق مکرم معظم،  
حاجی سلمه‌الله تعالی ملاحظه فرمایند.

تبرستان  
www.tabarestan.info

واژه نامه

آرتیکل - article - مقاله

آسر - کشتزار و مزرعه

آصف (آصف جاهی) - آصف رای صاحب عقل سلیم را گویند و آصف دولت و آصف جاه از قبیل آنست.

آگنت Agent (فرانسوی) - عامل، مأمور

آناً فاناً - لحظه به لحظه

## الف

اباحه (اباحت) - مباح کردن، حلال کردن، جایز شمردن، مقابل منع و تحریم

ابد عیشه - خداوند زندگی اش جاودان دارد

اتابک - بر وزن چکاوک، نگاه دارنده و ادب آموزنده را گویند.

احباب - ۱- جمع حبیب

۲- دوست داشتن و برگزیدن

احدی جانبین - یکی از دو طرف

اختر - حرم فلکی، ستاره سیار، کویک.

ادله - جمع دلیل

ارتیاب (بلا ارتیاب) - شک کردن، در شک افتادن، بلارتیاب یعنی بدون شک.  
 اریکه - تخت آراسته  
 استبعاد - دوری خواستن، دور شمردن، گمان نبردن  
 استجلاب - به سوی خود کشیدن، حاصل کردن  
 استدامه - همیشگی بودن  
 استرخاص - به کسر اول و ثالث، رخصت خواستن و ارزان خواستن  
 استرضا - به کسر اول و ثالث، خوشنودی خواستن  
 استطلاع - طلب آگاهی کردن، اطلاع خواستن  
 استظهار - به کسر اول و ثالث، پشت پناه شدن و قوی شدن  
 استمزاج کردن - زمینه به دست آوردن، استفسار کردن  
 استیفا - تمام گرفتن حق  
 اسر - اسیر کردن، برده کردن  
 اسعد as'ad - (صفت تفصیلی سعادت)، نیک بخت‌تر، خوشبخت‌تر  
 اشتهار نامه - نامه‌ای که جهت آشکار کردن و شهرت دادن خبری نویسند، تا همه مردم از آن خبر و کار مطلع شوند و اعلان و اعلان نامه  
 اشرف - بلندتر از هر چیز  
 اشعار - آگاهی و اطلاع دادن  
 اشفاق - مهربانی کردن  
 اصدار esdar - بازگردانیدن  
 اصفا فرمودن - اصفا کردن، گوش دادن، گوش کردن  
 اعتضاد - یاری و مدد کردن  
 اغراء - آزمند گردانیدن، آزمند گردانیدن به چیزی و تحریص کردن بر آن

اغسطوس - ۱ - لاتینی، به معنی عالی، عظیم و مقدس،  
 ۲ - نام پادشاه اول از پادشاهان قیصره روم. لقب اکتا و یانوس و همه امپراطوران بعدی  
 اغوا - فریب، وسوسه، پند و نصیحت بد، برانگیختن و تحریک و تحریص به کارهای بد  
 افهام - فهمانیدن و دریابانیدن  
 افیسر oficer - صاحب منصب نظامی  
 اقرب - نزدیکتر، خویش نزدیکتر  
 اکتنهه ektenah - تفحص و تجسس از اصل و بن چیزی  
 اکمال - کامل کردن و تمام کردن  
 الامر و منکم - فرمان از شماست  
 التقا - دیدار کردن و فراهم آمدن و با هم پیوستن  
 التیام - با همدیگر پیوسته شدن و بهم آمدن سر زخم  
 الجاء - مضطر کردن کسی را به کاری  
 الزم - لازم‌تر، واجب‌تر  
 القا - ابلاغ و رسانیدن سخن به کسی  
 القاء - افکندن  
 الکا olka - ملک و بوم و زمین  
 الوس - (ترکی مغولی) قوم را گویند، مخفف «الوس» قبیله و جماعت  
 امارت - فرمانروایی  
 امائی - جمع امنیت، آرزوها، خواهشها  
 امعان - دور اندیشیدن در کاری

امهال - مهلت دادن، زمان دادن

انتباه entebah - بیدار گردیدن، آگاه شدن

انتساب - بستگی، وابستگی، بازستن خود را به کسی

انجم - ستارگان و اختران

انسب - مناسب تر

انفع - نافعتر و سزاوارتر

انقطاع - بریدن، انفصال، گسستگی و مفارقت

انقیاد - گردن نهادن، تن دادن

اوان - وقت و هنگام

اوبه - خیمه‌ای که ترکمانان در زیر آن زندگی کنند

اوطان - جمع وطن

اوغوست - - - ← اغسطوس

ایدالله - (جمله فعلیه دعایی) خدای مؤید دارد

ایدالله جیشه - خداوند سپاهش را مؤید دارد

ایشیک آقاسی - در ترکی به معنی دارغه دیوانخانه و در دوره قاجار ایشیک آقاسی

باشی رئیس تشریفات دربار را می‌گفته‌اند.

ایصال - رسانیدن

ایلچی - ۱ - فرستاده مخصوص، سفیر

۲ - مأموری که برای انجام دادن امور دیوانی سفر می‌کرد.

## ب

باجاقلو - قسمی مسکوک طلای ترکان عثمانی

باد روزه - به معنی هر روزه باشد، چیزی که هر روز به کار برند و استعمال کنند،

چون جامه و لباس هر روزه و قوت هر روزه

بازیافت - خریدن، پیدا کردن، بدست آوردن

باشتیان باستیون - ۱ - بنای مرتضی که در آن قلعه سازند،

۲ - قلعه‌ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند.

باقی دار شدن - بدهکار شدن

بالطوع و الرغبة - راه آشکار و روشن

بالمشافهة - شفاهاً، شفاهی

بالیوز - قونسول، کسی که وکیل سیاسی دولت خودش است در بلاد خارجه

باهرالنور - آن که نورش تابناک است، نورانی، منور

بحیوحة - میان و وسط هر چیز، اصل و میان چیزی

برایا - جمع برئة به معنی آفریدگان

برب العباد - بحق پروردگار آفریدگان همیشه جاوید بماند

بری‌الذمه - آن که تعهدی یا دینی بر عهده ندارد

بسالت - شجاع و دلیر گردیدن

بسطت - فراخی و گشادی

بطون - درونها، باطن‌ها. بطون دفاتر و متون صحایف به ذکر ایام و اقوال و افعال

ایشان آراسته کرد. (ترجمه تاریخ یمینی)

بعون الله - به یاری خداوند

بعید - دور

بلاتراخی - بی‌درنگ

بلاریب - بدون شک

پنه - رخت و متاع و اسباب خانه، اموال

بواعث - جمع باعث

بولکونیک - مأخوذ از روسی به معنی سرهنگ

بهیه bahhiya - مؤنث بهی، نیکویی و خوبی

بیع و شری - خرید و فروش، داد و ستد، بده و بستان

بیگ - (ترکی مخفف بیوک - بزرگ)، لقب گونه‌ای است که در آخر اسم مردان در

آید، شخص بزرگ و امیر، مأموران خارجی - ایلچی بیگ

بیگلربیگی beyglarbegi - لقب بزرگ شهر و رئیس کدخدایان و امیر امیران

بین - هویدا و آشکار، روشن، پیدا، پدیدار

بی همال - بی همتا، بی نظیر و بی انباز

## پ

پارچه قبض - سند

پرستاف - در روسیه حاکم ولایات کوچک را پرستاف می‌گفتند.

پوط - پوط یا پود واحد وزن روسی و آن معادل با ۱۸/۴۰۰ کیلوگرم است.

پولکونیک - - - پولکونیک

پروتست (انگلیسی) - اعتراض

پیش خانه - آنچه بیش از کاروان برند، چون چادر و دیگخانه و جز آن

پیش فنگ - در مشق سربازان به جلوی رو آوردن تفنگ بطور عمودی

پیرپاس - ریشه این لغت یافته نشد اما در قرارداد شیلات که در سال ۱۳۰۳ بین

دولت ایران و لیانازوف تبعه روس منعقد گردیده آمده است: «کل اسباب پیرپاس

یعنی جمیع لوازم که از هر جهت از برای عمل و مصارف واتیکه‌های صیادی شیلات حمل به داخل نموده آورده شود و ....».

## ت - ث

تاتار چابار

تأسی - پیروی کردن، افتدا کردن

تأویل - ۱ - بازگردانیدن

۲ - تفسیر کردن، بیان کردن

تبدلات - جمع تبدیل، مبادلات و تحولات

تتمه - بقیه و آخر هر چیز

تخالف - مخالفت و دگرگونی، ضد توافق

تراخی - درنگ نمودن و تأخیر کردن

ترجمان - ۱ - شخصی را گویند که لغتی را از زبانی به زبان دیگر تقریر نماید

۲ - نیازی را نیز گویند که بعد از گناه و تقصیر گذارند

ترضیه - طلب رضا و خشنودی

ترقیم - نوشتن، خط کشیدن، رقم زدن

تزاید - افزون شدن

تسامح - آسان گرفتن

تشکیک - در گمان افکندن کسی را، شک افکندن کسی را

تشییید - استواری، استحکام

تضاعف - جمع تضعیف

تطاول - گردنکشی و گستاخی

تعلیقه - در ایران نوشته پادشاهان را رقم گویند و نوشته امرای عظام مثل وکیل و وزیر و غیره تعلیقه

تعین - حصه و مهره و هر چیز مخصوصی به کسی

تغافل - غفلت و بی خبری، به قصد غافل شدن از چیزی

تک پو - نکاپوی، به معنی آمد و شد از روی تعجیل و شتاب و جستجوی بسیار و تردد بی فایده

تلبیه - لبیک گفتن

تمسک - قبض، حجت، سند، نوشته و سند و حجت مکتوب دین

توطید - استوار کردن

توقیر - شکوهمند کردن، بزرگ داشتن

توقیع - فرمان شاه

تھاون - سبک شمردن و غفلت کردن

ثغور - حدود

ثمین - هشت یک و گرانها

### ج

جبر - بزور بر کاری داشتن، زور

جبلی - ذاتی، فطری

جسیم - بزرگ و ناویر

جسم دولت به همت تو سپید / جسم دولت به همت دو جسیم

جقه - بته‌ای ساخته از پر پرندگان که بر بالای پیش کلاه پادشاهان ایران است  
جلالت مآب - کسی که مرجعش بزرگی است. در مراسلات در خطاب به بزرگتر این  
لفظ را گویند.

جبر - نیازمند کردن به پیوستن

جنان - جمع جنت که به معنی بهشت است.

جنرال - تلفظ انگلیسی ژنرال

جنود - جمع جند Jound سپاه و لشکر Jond

میر موسی کف، شمشیر چو ثعبان دارد دست فرعون و جنودش کند از ما کوتاه  
جوال - به ضم اول ظرفی باشد از پشم که چیزها در آن کنند و بار نمایند و آن  
معروف است به دلغ

جوف Javi - درون هر چیزی

جیش - خشم و یاری کردن، لشکر

### چ - ح

چاپار - پیک و قاصد و پیک سوار و نامه‌بر و برید و پست

چاروادار - مکاری و کسی که شغل آن کرایه و بارکشی بود

چیو - تاخت و تاراج و بغما

حاجبان - جمع فارسی حاجب و حاجب به معنی دربان، پرده‌دار و ... در این کتاب  
به معنی دولتمرد محترم آمده است.

حبور hobbur - شادی و فراخی عیش

حبه - ۱ - مقدار کم و اندک

۲- واحد وزن و آن مقدار یک جو و ربع قیراط است

حتی المیسور - حتی الامکان، تا جایی که میسر است.

حدور - محدود، حدپذیر، متناهی، مقابل بی حد و نامحدود

حصه - سهم، قسم، بخش

حقانه - بر حق

حقیقت haqqiyyat - راستی و سزاواری و صاحب حق بودن و سزاوار بودن.

حلل - جمع حله، لباسی از نور، حله‌یی از نور

حمایل - پارچه ابریشمی وال مانند پهن به رنگ سفید یا سرخ یا سبز یا آبی و جز آن

به اعتبار درجات که پادشاه به نوکرهای خود در ازای خدمات می دهد و

در روز سلام آن را زیب بپیکر خود می کنند.

## خ

خاتم - انگشتری، مهر، نگین

خدیو - پادشاه، خداوند، امیر و بزرگ قوم

خطوات - جمع خطوة، گامها، قدمها

خلت - دوستی

خلت قلبی - دوستی قلبی

خلدالله - خدا جاوید گرداناد

خلدالله ملکه و سلطانه - خداوند پادشاهی و سلطنت او را جاوید گرداند.

خیام - چادرها، سراپرده‌ها

خیریت - عاقبت به خیر، ختم به خیر

خیریت - مشتمل بر خوبی، نیکو، خوب، صحیح، اعمال خیریه

## د

داستار - داسار، دلال و سمسار باشد و به عربی بیاع گویند.

داستاری - دلالی

دام اجلاله‌العالی - پیوسته باد بزرگداشت عالی او

دام اجلاله - بر دوام باد بزرگداشت او

دام اقباله‌العالی - پیوسته بادش روی بد و نهادن دولت عالی

دام اقباله - بر دوام بادش روی کردن دولت، پیوسته باد دولت و طالع و نیکیختی او

دستاقخانه - دستاق به معنی محبوس و بندی و دستاقخانه محبس و محل حبس،

زندان

دور - گردش چون دور جهان و دور فلک

خدا را تا جهان را آب و رنگ است فلک را دور و گیتی را درنگ است

دیوانخانه - محل نشستن امرا و ارباب دفاتر

دیوزیون - لشکر

## ذ

ذریعه - وسیله و سبب، هدیه و انعام

ذریعة‌الخلوص - وسیله اخلاص

ذریعة‌المخالصه - وسیله بکرنگی

ذریعة المصافات - عامل صفا

ذریعة الوداد - عامل دوستی

ذمة - کفالت

ذی - خداوند، صاحب، دارایی، مالک، و در تداول فارسی، ذی حیات، ذی جلالت، ذی مسرت، ذی سعادت و غیره گویند.

ذی سعادت - سعادت مند

## ر - ز

راسکوت (روسی) - مالباتی بوده است که نسبت به حیوانات موجود در مزرعه تعدادی از آنها را از مزرعه دار یا کشاورز می گرفته اند. ر.ک. ص ۱۸۸ همین کتاب

رایت ra'yal - علامت، بیرق، درخش، لوا

رخصت - به ضم اول و فتح ثالث، آسانی و فراخی در کاری و آسان فرمودن کاری را

رُشيله - مکتوب، نامه

رفعت - بلند قدر و مرتبه شدن

رفیع الارکان - ستونهای بلند

رفیع - شریف، بلند مرتبه و بلند آواز

رقیمه raqima - نامه و رقع و مکتوب و نبشته و تعلیقه

رمی جمره - یکی از اعمال حج است که عبارت از سنگ انداختن به سه موضع است با شرایط معین

رهن ثمین - گرو کرده شده

ریب - شک، حوادث زمانه و حاجت و تهمت و آنچه در شک افکند.

زاکون - مأخوذ از روسی، قانون

## س - ش

ساطع النور - روشن و نورانی و تابدار

سایل sael - خواهنده، پرسنده

سایلم سایل ازین موهبت شوم محروم

که همچو بحر محیط است بر جهان سایل

سبجان - پاک و منزّه

سپهر بسطت - کسی که عظمتش به وسعت آسمان است.

سپهر - به کسر اول و ثانی به معنی آسمان است.

سراً و جهراً - پنهان و آشکار، در نهران و آشکار

سرتیفیکا Certificat (فرانسوی) - تصدیق نامه، رضایت نامه

سرخیل - رئیس گروه و سردار

سنطوت - حشمت، مهابت

سعادت دستور - عامل سعادت

سفاین - جمع سفینه

سفینه - کشتی

سیلک - رشته را گویند عموماً و به معنی رشته مروارید و رشته سوزن خصوصاً

سلمه الله تعالی - خدای تعالی او را از آفت بی‌گزند دارد، دعایی است که پس از گفتن یا نوشتن نام عالمی و مجتهدی آرند.

سنیتین - جمع سنبه و سنبه مؤنث سنی به معنی عالی رتبه و بلند مرتبه

سوزوفیسیه Sous-officier (فرانسوی) - صاحب منصب جزء، صاحب منصب

اصغر

سویت soviet - روسی، شورای نمایندگان و کارگران و سربازان



sovietism - حکومت شوروی

سیورساتچی - سورساتچی را به املاى اصلى سیورساتچی مأخوذ از کلمه مغول سیورسات به معنی تدارکات و آذوقه و چی علامت نسبت ترکی و باشی به معنی سرکرده. منصبی است که باید رئیس کارپردازی گفت.

سیویلزاسیان civilisation - مدنیت، تمدن، متمدن کردن

ش

شافی - صحت دهنده

شایق - راغب و مشتاق و آرزومند

شقی - تیره بخت

شوکت - حشمت و بزرگواری و جلال

شیل - شیلات

ص - ض

صحابت - همراهی، مکتوب به صحابت چاپار و اصل شد (مکتوب متداوله)

صحیفة sahufat - نامه و کتاب

صحیفة المصافات - نامه یکرنگی و صفا

صحیفة المودت - نامه دوستی

صحیفة الوداد - نامه دوستی

صوب - جهت و سوی

ضراعت - عجز، زاری و فروتنی

ضیا ziyā - روشنی و نور و روشنایی

ضیاع - جمع ضیعة به معنی زمین و آب و درخت

ط - ط

طاغی - نافرمان، سرکش، زیاده رو

طُرفه - شگفت و نادر از هر چیزی، چیزی که کسی ندیده باشد و به نظر خودش آید

و در مقام تعجب نیز گویند خواه دیده شود و خواه شنیده گردد.

طوارق الحدثان - بلاهای روزگار

طویت - نیت، ضمیر

ظلام - تاریکی

ع - غ

عاطر ater - بوی خوش دهنده، بوی خوش دارنده

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

لطفها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم

عالی‌جاه alijah - بلند مقام، رفیع منزلت

عبده‌الراجی - بنده امیدوار او

عتاب - خشم گرفتن، ناز کردن

عزت - خویشاوندان و اقارب

عدیل - مثل و نظیر و مانند

عز % - ارجمند گشتن، عزت

عز اصدار - عزت، شرف صدور

عز نفاذ - عز وصول بخشیدن، رسیدن نامه (در نامه‌نگاری برای احترام مخاطب گویند)

عشاری [ع ش ش] - ده یک گیرنده، راهبان، محصل مالیات، گمرکچی

عصاة - جمع عاصی

عطلت - بیکاری و بطالت

عظمی - بزرگ و بزرگتر

عقار - زمین و آب و مانند آن

عقدة تعویق - گره و مشکل، تأخیر

عقیدت شعار - پاک اعتقاد، یک رنگ (کسی که ظاهر و باطنش یکی است)

علانیه - آشکار و هویدا

علی التوالی جی در پی

علی الغفله - ناگهان

علی ای التقادر - به هر تقدیر

علی ای حال - به هر روی، به هر گونه، به هر تقدیر

علی حده - جداگانه، جدا

علی سبیل الخفیة - محرمانه

علی سبیل العاریة - موقتاً

علیق‌الدواب - علوفه اسبان، علیق، خوراک ستور از گاه و جو و یونجه و جز آن

علیه aliyye - بلند مرتبه و رفیع‌القدر

عمال - آنان که در دیوان یا دستگاهی بکاری گمارده شده‌اند

عمرک طال - عمرت طولانی باد

عندالضرورت - اگر لازم باشد

عندالقرضه - اگر واجب باشد

عوام کالانعام - عوام همچون چهارپایان

غبن qabn - زیان آوردن بر کسی و ربیع، سرخوردگی، و اخوردگی و اندوه

غراف - گراف - کنت

غفران مآب - غفران پناه - مرحوم مغفور، غفران: گناه کسی را پوشیدن، آمرزیدن

غمننازیه Gymnase - مؤسسه تعلیمات متوسطه به سبک قدیم در آلمان و [احتمالاً

در روسیه]

غوررسی - به تدقیق رسیدن کاری را، رسیدگی دقیق

## ف - ق

فاجر - تبهکار و زناکار

فاقه - فاقه، فقر و نیازمندی، درویشی

فاثا fa\_amma - لکن، و یقیناً، و اگر

فایز faez - غالب و چیره

فخامت faxamat - بزرگواری و بزرگ قدری

فراست - زیرکی، هوشیاری

فراه - شهری است نزدیک به سبزوار هرات و از آنجاست ابو نصر فراهی

فرضات - جمع فرضه و فرضه جای در آمدن به کشتی از لب دریا

فرضه - جای در آمدن به کشتی از لب دریا

فرنت، فرونت Frontier (فرانسوی) - سرحد، مرز

Front - جبهه

فطانت fatanatte - درک کرده، دریافتن، هوشیاری، زیرکی

فلت - رهایی، رها کردن و خلاص دادن

فورغون - نوعی دلیجان

فیض - بخشش، عطا

قازت - گازت

قاووز - واحد وزن کم

قدغن - غدقن، نهی، منع

قرانطین (قرانتین، قرنطینه، کرانتین) - جایی که در آن مسافران و عابران را مورد

بازرسی قرار می دهند و از ورود بیماران

جلوگیری به عمل می آورند.

قراول - پیشرو لشکر

قرب الحضررت - نزدیک به فرمانروا

قطاع الطريق - راهزنان. اتفاقاً سری چند از قطاع الطريق کردستان آورده بودند.

(تاریخ گزیده، چاپ لندن، ج ۱، ص ۸-۶).

قشلامیسی - حرکت به سرزمین گرم در زمستان

قلاده - گردن بند

قولتوق Qultuq - مأخوذ از ترکی، خلیج

قونستول - کنسول

### ک - گ

کائناماکان - هر چه باشد

کادت Codet - ۱. فرانسوی = نجیب زاده جوان که وارد خدمت سربازی می شد و

به عنوان سرباز مبتدی خدمت می کرد.

۲. انگلیسی = دانش آموز دانشکده افسری

کارشمازی - پرداختن (وجه)، ادا کردن (مال، پول، دین)

کامله الوداد - دوستی کامل

کچیک (روسی) - پشیز

کرانتین - قرانتین

کره بعد اخیری - یکی بعد از دیگری، پی در پی

کریمه - نیکو، خوب، پسندیده

کفالت - عهده دار اجرای امری بعوض کسی گردیدن

کفایت - قابلیت، لیاقت

کف ید نمودن - باز ایستادن، باز داشتن، منصرف شدن

کلاس یا کالاس (روسی) - بلندترین دکل کشتی. (منبع همان مأخذ پانویس صفحه

۱۸۸ است.)

کلک - چوب ونی و علفی بود که برهم بندند و مشکی چند پر باد کرده بر آن نصب

کنند و بر آن نشسته از آبهای عمیق بگذرند.

کلک - قلم، خامه

مه سهم و آسمان روز بود

که کلکم بدین نامه پیروز بود (فردوسی)

کماندانت commandant - صاحب منصب ارشد که فرمانده قلعه نظامیست

کماهی kamahiya - همچنان که هست و راست است

کماینیگی - چنان که، شاید، چنان که درخور است

کمی - نوعی کشتی

کمیسپای - کمیسپا - کمپته

کندر condottiere - سرباز مزدور

کنیاز - شاهزاده

کومپلیمان compliment - فرانسوی به معنی تعارف، اظهار ادب

کونسول - مأموری که کار رسمی او حمایت هم میهنان خود و حفظ منافع آنها در

کشور بیگانه می باشد

کیاست kiyassat - زیرکی، تیزفهمی، دانایی

گازت gazette - فرانسوی به معنی روزنامه

گوبرناتور - چند ولایت یک ایالت را تشکیل می داده و والی آن ایالت را گوبرناتور

می گفته اند.

گیر - واحد وزن

## ل

لا علی التعمین - به وجهی غیر معین

لایح Layeh - آشکار، هویدا

لنکه - لنکا، در تداول بعضی نقاط سواحل دریای خزر زورق، کرجی، قایق، بلم

لمحه Lamha(-e) - یک بار اندک دیدن چیزی را، نگرش دزدکی، چشم زد

لمعان Lama'an - درخشش، تابندگی

لهذا Lehaza - برای این، ازین جهت، ازین رو

## م

مایور major - یاور، مازور، منصب اطبای نظام، صاحب منصب ارشدی که در

قشون کار معینی دارد و در بحریه صاحب منصبی که مأمور اداره

قورخانه و توپخانه کشتی است.

مأمول ma'mul - متوقع و امیدوار و آرزومند

مباشتر - عامل، پیشکار

مباهات mobahat - فخر کردن، بالبدن

مباهات - نازیدن و تفاخر کردن به چیزی، سرافرازی، سربلندی، سرفرازی

مباینت - ناسازگاری، جدایی، دوری و تفاوت

مبتهج - مسرور، خوشحال

متانت matanat - محکم بودن، استوار بودن، وقار

مترصد motarassed - منتظر، امیدوار، در کمین

مترقب motarogqeb - چشم داشت دارنده، چشم دارنده

متعوث - سرگشته و حیران، آشفته

متفوه - سخن گوینده، کسی که دهان می گشاید در سخن گفتن

متنازع فیه - هر چیزی که مورد نزاع باشد.

مجانبت mojanabat(-ne) - ۱- پهلوی هم واقع شدن

۲- از یکدیگر دور شدن

مجبول - سرشته، نهاده، جبلی

مجدت - مجد majd - عزت و شکوه و عظمت

محادثت - سخن گفتن با یکدیگر، گفتگو

محاذیر mahazir - چیزهایی که از آن حذر می کنند و می ترسند

محامد - ستایش و خصلتهای نیک  
 محب moheb - دوست دارنده، دوستدار  
 محبانه mohebbaneh - دوست مانند و بطور دوستی  
 محترز - اجتناب پذیر،  
 عاقل آن باشد که عبرت گیرد از مرگ یاران و بلای محترز(مولوی)  
 محتسب - ۱- شمارکننده، شمارنده  
 ۲- در اصطلاح فقهی انتساب به عمل احتساب می باشد که عبارت از  
 امر به معروف و نهی از منکر است.  
 محروسه (c) - a- mahrus - مؤنث محروس به معنی حراست شده و عنوانی که در  
 عهد قاجاریه به کشور ایران داده بودند.  
 محض mahz - خالص، بی غش  
 محطه - جای فرود آمدن، ایستگاه قطار یا راه آهن  
 مخالفت moxalaset - با یکدیگر دوستی ویژه داشتن، دوست یک رنگ بودن  
 مخالطت - آمیزش به طور انس و درآمیختگی با کسی  
 مخذول - منکوب، ناامید و نامراد و محروم و بی بهره  
 مخلصان - جمع مخلص، کسی که دوستی حقیقی خود را ظاهر می سازد.  
 مراسله morasle - مکتوب و نوشته و نامه و پیغام و نوشته ای که بهم دیگر نویسند.  
 مرافقت - رفاقت و همراهی  
 مرارده مدوستی و معاشرت داشتن  
 مرجوع - بازگردانیده، رجوع شده  
 مرسله - فرستاده شده  
 مرصع - آنچه که در آن جواهر نشانده باشند. جواهر نشان، گوهر نشان

مرعی - مراعات شده، آنچه که رعایت شود  
 مرغوب الیه - خوارشده و زاری کرده شده  
 مسارعت mosara'at - شتاب، تعجیل  
 مستخلص mostaxlas - ۱- نجات داده شده  
 ۲- به تصرف درآمده  
 مستخلص mostaxles - ۱- خلاصی جوینده  
 ۲- برگزیننده  
 مستطاب mostatab - پاک، پاکیزه، در عنوان بزرگی برای احترام گویند و نویسند.  
 مستظل - سایه خواه و طالب سایه و سایه جوی  
 مستغرب mostavrab - شگفت دانسته  
 مستفسر - تفسیرخواهنده، پرسنده، پژوهنده  
 مستوثق mostawsey - وثوق دارنده، مطمئن  
 مسطورات - نوشتجات، مرقومات  
 مسطور - مکتوب، نوشته شده، مرقوم  
 مسطوره - مسطور، مزبور، نوشته  
 مسطوره - نوشته شده، مکتوب  
 مشافهتاً - مشافهه، روبرو سخن گفتن  
 مشیع - بطور تفصیل، مفصل  
 مشحون - مملو، آکنده  
 مُشرف - صاحب منصبی در خزانه که تصدیق می کند درستی حساب را، ناظر  
 اعمال دفتر داران و محاسبان  
 مشعر mos'ar - قوه ادراک

مشکوة (مشکات) - جایی که در آن چراغ نهند  
 مصافات massafat - جنگها و رزمها  
 مصباح mesbah - چراغ  
 مصحوب - همراه، مقرون  
 مصدر - کسی که در صدر جای دارد  
 مصدع mosadde - دردسر دهنده  
 مصلحت گزار - کارگزار، مستشار، رایزن  
 مصیر masir - تحول یافتن، منتهی شدن، عاقبت امر  
 مضجع - آرامگاه  
 مطاع - اطاعت و فرمانبرداری کرده شده  
 مطاوی matavi - پیچیدگیها  
 مظنه - گمان، ظن  
 مع ma'(a) - با  
 معاذیر - عذرها، پوزشها و بهانه‌ها  
 معارضه - ستیزه کردن  
 معالی ma'ali - مقامات بلند، خصلتهای برجسته و ممتاز  
 معانه - یاری گری، برابری  
 معتد mo'tad(d) - ۱- در شمار آورنده،  
 ۲- تخمین زده شده،  
 ۳- از حدود گذرنده  
 معدلت ma'delat - عدل، داد  
 مع ذلک - با این حال، با این همه

معلی - بلند مقام، والا  
 معهود - معمول و متداول  
 مغافصتا - ناگهان، ناگهانی، غفلتاً  
 مغفور - آمرزیده شده  
 مفتاح meftah - آلتی که بوسیله آن قفل و در بسته را بگشایند  
 مقدمة الجیش - گروهی از سربازان که پیشاپیش سپاه حرکت کنند.  
 مقرب الخاقان - نزدیک پادشاه  
 مقضی المرام - کامیاب و کامروا  
 مقله - سیاهی و سفیدی چشم  
 مکابره mokabara - معارضه، ستیزه  
 مکاره makareh - ۱- ناپسندها، مکروهات  
 ۲- رنجها، سختیها  
 مکرمات makromat - بزرگی و جوانمردی و کرامت  
 ملاذ - جای پناه، ملجأ و پناهگاه و جای پناه و جای امن  
 ملاطفت شمیمه - آمیخته به بوی خوش نیکویی و مهربانی  
 ملجأ - پناهگاه و جای پناه و مأمن  
 ملجأ کردن - ناگزیر کردن، مجبور کردن  
 ملجأ - مجبور، مضطر، درمانده، ناچار، ناگزیر  
 ملحوظ malhuz - دیده شده، ملاحظه شده  
 ممضی momzi - امضا کننده momza ، امضا شده، به امضا رسیده  
 مملوک mamluk - در ملک آورده شده، بنده، غلام  
 مناط manat - ملاک، سند، حجت

مناعت - بلند نظر بودن، طبع عالی داشتن

من البدایه النهايه - از آغاز تا پایان

من البدو الی الختم - از آغاز تا انجام، سراسر

منقاد monyad - فرمانبردار، مطیع

منقوض manquz - ناب باز کرده شده، خراب و ویران شده

منکوب - زیان رسیده، متضرر، نکبت رسیده، مصیبت دیده

منهوب manhub - تاراج شده و به غارت برده شده

منیع - استوار و بلند

مواحدت - یگانگی

مواصله movasalat - مواصلت، با هم پیوستن، پیوستگی

موالات movalat - دوستی، پیوستگی

مورث mures - موجب و باعث و سبب

موسع - فراخ، وسیع

مومی الیه - اشاره شده به سوی او، مشارالیه

مهام maham(m) - جمع مهم، کارهای سخت، امور عظیم و دشوار

مؤالفت moalafat - الفت گرفتن و خوی کردن

مؤونات - ۱- مایحتاج

۲- سختیها، مشکلات، رنجها و دشواریها

مؤید mo'ayyad - تأیید کرده شده و از جانب خداوند تبارک و تعالی نیرو داده شد.

مؤید moayyed - ۱- تأیید کننده

۲- محکم کننده، استوار دارنده

## ن

ناریه - آتشین، آتشی

ناطور (ناتور) natur - در این کتاب به معنی منصبی است، احتمالاً بیگلربیگی

نبالت nabalat - صاحب نجابت بودن، نیک و نجیب بودن

نجابت najabat - اصالت، پاک نژادی

نجدت najdat - دلیری، شجاعت، مردانگی

نصاب - بلند مرتبه، بختیار

نفاذ nafaz - جاری شدن فرمان، جریان امر و فرمان

نقار nagar - ستیزه، جدال، کینه، عناد

نکت - شکست پیمان، نقض عهد

نورالله مضجمه - خدا آرامگاه او را نورانی کناد، خدا گور او را پر نور کند

نهب - ۱- غارت کردن، غنیمت گرفتن

۲- آنچه به غارت برده شود، غنیمت

نهج nahj - راه آشکار و روشن

نهمت - نیاز، حاجت، آرزو و حرص و شهوت به چیزی

نیت kniqt - شوالیه، نجیب زاده‌ای که پس از انجام خدماتی در درجات پایین‌تر

القاب (نظامی از طرف پادشاه) به او اعطا می‌شود.

## و

واتیکه Vasque (فرانسوی) - حوضچه کوچک و کم عمق، حوضچه، منبع

وافیه - بسنده و کافی

والتَّعْمَى - نَعْمَاء : فروتنی، مال، دارایی

وثوق - اعتماد

وداد - دوستی و محبت

ورس - واحد مسافت معادل ۳۵۰۰ قدم یا ۱/۰۶ کیلومتر

وصی - اندرز دهنده، اندرزکننده، اندرز کرده شده

وفاق vefav - سازواری کردن، همراهی کردن

وقایت - وقایع، محافظت کردن، نگاهداشتن

وهاج - فروزان و فروزنده

ویل - یافتن راهی به مراد خویش

## هـ

هفت جوش - فلز بسیار سخت

هیمه - هبزم

یورت - ۱- محل خیمه و خرگاه

۲- چراگاه ایلات و عشایر

یوماً فیوماً - روز به روز

توضیح : معانی اکثر واژه‌ها با توجه به مفهوم آنها در متن از منابع ذیل استخراج گردیده است. بدیهی است نام منابعی که یک یا دو لغت از آنها استخراج گردیده ذکر نشده است. تعداد محدودی نیز از منابع شفاهی دریافت گردیده که بعضاً در پانویس مربوط توضیح داده شده است.

- لغت نامه دهخدا

- فرهنگ نفیسی تألیف دکتر علی نفیسی (ناظم الاطباء)

- فرهنگ آنندراج

- برهان قاطع (محمد حسین بن خلف تبریزی) به اهتمام دکتر محمد معین

- فرهنگ معین

- فرهنگ فرانسه، فارسی سعید نفیسی

- زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی زاده)

- فرهنگ انگلیسی، فارسی آریان پور



تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## فهرست عمومی اعلام



۸۰، ۹۲، ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵	اروپا ← فرنگ
۲۰۸، ۱۵۴	ازان (محل)
۱۷	از صبا تا نمیا (کتاب)
۶۲-۶۱، ۵۶	استادرت
۲۱۰، ۱۸۵، ۱۳۷، ۱۳۰، ۶۷	استرآباد
۲۳۰ - ۲۳۵، ۲۲۳ - ۲۲۲، ۲۱۹ - ۲۱۸، ۲۱	
۲۲۱، ۲۳۹، ۲۳۷، ۲۳۵، ۲۳۳	
۲۲	اسطاسکی سوتیک، دیستوتینی
۲۰۸، ۱۹۶، ۱۹۰، ۱۷۲، ۸۰	اسلامبول
	اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان -
۵۳، ۱۵	چای (کتاب)
	اسنادی از روابط ایران با مناطقی از
۱۳۰	آسیای مرکزی (کتاب)
	اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز
۱۱	(کتاب)
۲۰۸، ۱۷۶، ۱۰	اصفهان
۸۶	اقچه خاک (محل)
۶۰، ۵۹، ۵۶	افغانستان، افغانستان، افغان
۷۵، ۶۱	
۲۲	افنکین، هارود
۵۰، ۲۹	الیس، سرهنری (ایلچی انگلیس)
۱۳۶، ۷۹، ۵۲	
۱۷۳، ۱۷۰	امام ویردی میرزا
۸۵	امان الله خان (ناظم گیلان)
۶۵	امیرنظام (میرزا محمدخان زنگنه)

۹	بو شهر	ایروان، ایروانی	۱۲۸-۱۲۷، ۷۲، ۵۳، ۱۵
۲۲۵	بوطاطین (کاپیتان)		۲۱۶، ۱۵۰
۱۹۰	بوتوف	اینچکوف، فالسکی اسینوفلای (جنرال)	
		فونسول روسیه در تبریز)	۱۵۹
		ایوانوف، فودر	۷۲
	<b>پ - ت</b>	<b>پ</b>	
	پاسکوویچ، جنرال انشفگراف، پاسکوویچ	پاکین، نیکالا	۷۲
	ایروانی (فرمانفرمای گرجستان) ۱۷ - ۲۰،	پادکویه	۲۱۲
	۳۱، ۲۸، ۲۵ - ۲۳	باریری (مباشر باروتخانه تهران)	۱۷۷
	پالمرستون (وزیر خارجه انگلیس) ۱۹۳	باسارگین، میخائیل (رئیس پژوهشکده	
	پطرزبورغ ۱۲ - ۱۳، ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۶۳، ۸۳	علوم و ارتباطات روسیه)	۱۸۸
	۲۱۷ - ۲۱۵، ۱۹۰، ۱۵۷	باستیان	۲۸
	تاجبخش، احمد	بالاخان	۸۲
	تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره	بامداد، مهدی	۱۸۹
	معاصر (کتاب)	بجنورد	۱۲۰
	تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در	بحر خزر، دریای خزر	۱۲۲، ۸۵، ۲۳
	قرن نوزدهم (کتاب)	۱۸۲ - ۱۸۳، ۱۸۳ - ۲۲۱، ۲۲۳ - ۲۲۲، ۲۲۹ - ۲۳۵، ۲۳۷	
	تبریز ۱۲ - ۱۳، ۱۸، ۵۲، ۵۶، ۷۴، ۹۲، ۱۲۰ -	بحر فارس	۵۵
	۱۹۲ - ۱۹۱، ۱۸۷، ۱۶۲ - ۱۵۶، ۱۲۸، ۱۲۱	بخارا	۵۷
	تجن ← طزن	بسظام	۷۸
	تدین، احمد	بغداد	۸۰
	ترکمان چای	بلاد انبرغ، موسی	۱۶۴
	ترکمانیه، ترکمان، ترکمان ها، ترکمانان،	بوطالب خان	۶۷
	تراکمه ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۲ - ۱۵۵، ۲۰۶، ۲۱۱	بودسکیر تیار (بارون)	۸۸
	۲۱۵ - ۲۱۸، ۲۲۲ - ۲۲۵، ۲۳۱ - ۲۳۷، ۲۳۸		

تفلیس ۸-۹-۵۲-۸۰-۸۲-۱۲۵-۱۹۱-۲۰۱	حاجی ملاصادق مجتهد	۹۷-۹۵
۲۱۵	حاجی میرزا آقاسی ۲۷-۲۸-۴۲-۶۸	
تهران، دارالخلافه ۷-۱۱-۱۵-۱۷-۵۰-۹۰	۸۲-۸۵-۸۸-۹۲-۹۷-۱۰۲-۱۲۶-۱۲۸-۱۲۹	
۱۰۵-۱۰۶-۱۲۷-۱۵۷-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۴	۱۳۵-۱۳۹-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۷-۱۴۹-۱۶۰	
۱۶۵-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۲-۱۷۴-۱۷۷-۱۹۰-۲۰۲	۱۶۱-۱۶۴-۱۷۵-۱۷۷-۱۷۹-۲۰۲	
۲۲۹-۲۱۶	۲۰۳-۲۰۷-۲۱۶-۲۱۸-۲۲۳-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۲	
<b>ج-ج-ح</b>		
جاجرود	حاجی میرزا ابوالحسن خان (وزیر امور خارجه)	۷
جعفرییک شاهسون	حسن خان سردار ایروانی	۷۲
جغرافیای سیاسی کیهان (کتاب)	حسینعلی خان (معیرالملک)	۱۶۷-۱۶۸
جیحون (رود)	حسینعلی میرزا (شجاع السلطنه)	۱۸۹
چاوندر (محل)	حسین بیگ	۱۸۰
چرکان، چرکانی	حسین خان	۱۷۷
چرکس (طایفه)	حسین خان سردار ایروانی	۱۵-۱۶-۷۲
چلبیانلو	۱۲۷	
حاجی بیگ (داروغه رشت)	حسینقلی (محل، طایفه)	۶۷-۱۳۰-۱۳۱
حاجی ترخان، حاجی ترخانی	حسینعلی خان (نایب یوزباشی)	۱۸۰
۱۷۳-۱۸۴-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۸	حسینقلی خان	۱۸۱
حاجی خان (امیربهادر جنگ)	حمزه خان	۲۲۹
۱۸۰-۱۸۱-۲۰۲	حیدر میرزا	۱۷۵-۱۷۶
<b>خ</b>		
حاجی شریف تبریزی	خاچاطور	۸۸
حاجی علی اصغر	خاطرات وزیر مختار (کتاب)	۲۷
حاجی علی عسگر	خراسان	۳۰-۵۷-۹۹-۲۰۳-۲۰۷

۱۲۰	خسروخان	ج
۱۹-۲۱-۲۲-۲۰۶	خسرو میرزا	رابینو، لویی ۵۵-۵۰
۱۱۰	خلیفه لوی	رخاتوف، کنیاز ۶۸
۲۲۶-۲۲۵-۶۷	خواجه نفس	رشت ۲۶-۲۷-۹۲-۹۷-۹۵-۹۸-۱۰۱
۵۷-۲۰۶-۲۰۷-۲۱۵	خیوبی (خیوه)	۱۰۲-۱۱۹-۱۲۱-۱۲۰-۱۵۶
<b>د-ذ</b>		
۱۷۳	دارالخلافه ← تهران	رضاقلی خان ۱۸۸
۲۷	دالغوروکی، جنرال اتونانت کنیاز	رکن الدوله (علی نقی میرزا) ۱۷۲-۱۷۰
۲۲۱-۲۳۲	دالغوروکی	۱۷۳
۲۱۶	داغستان	روزن، پترال انشف بارون (فرمانفرمای گرجستان) ۸۷-۱۰۷-۱۰۹-۱۲۲-۱۳۲
۲۲۷	داودخان ارمنی	روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (کتاب) ۱۲۷
۱۸۸	داودیه ← ارغونیه	روسیه، اروسیه، روس، روسی: تقریباً تمام صفحات
۱۳۰-۱۱	درروس (مزرعه)	روم ۸۱-۷۸
	دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی	ریدوزفسکی (کپیتان) ۷۲
۱۵۷-۱۶۱-۱۶۲-۱۷۲-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۸	وزارت امور خارجه	
۱۷۹-۱۸۳-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۹-۱۹۳-۱۹۸	دوحامل (وزیر مختار روسیه در ایران)	
۲۰۰-۲۰۳-۲۱۳-۲۱۷-۲۲۷	۱۵۷-۱۶۱-۱۶۲-۱۷۲-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۸	
<b>س-ش</b>		
۲۳	دهخوارقان	ساروخان ۱۹۸
۵۰	دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس (کتاب)	سازمان اسناد ملی ایران ۱۵-۵۳-۱۲۷
۲۰۴	دینی کورناتوره، جنرال تمردوف	سداناخاج ۱۵
۸۰	ذهاب	سرخس ۲۰۷
		سرمحله ۲۲۷
		سلطان ابراهیم میرزا ۱۷۰
		سلطانیه ۱۳-۱۶۱



۱۸۰	محمد شریف بیک	۲۳۷، ۲۲۵، ۲۱۱، ۲۰۶، ۱۲۰	گرگان
۵۷	محمد صالح خان	۸۲	گرگان رود
۱۲۸	محمد طاهر خان	۱۳۲	گرمادوزی (ایل)
۲۹	محمود، محمود	۱۳۳، ۱۹، ۱۷	گریبایدوف
۱۳۳	مدم (غراف، وزیر مختار روسیه)	۱۱۰	گله دار (محل)
۲۳۷، ۲۳۲، ۲۲۹، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۱۷		۱۳۰، ۶۷	گمش تپه
۲۰۷	مرو	۱۵، ۱۳، ۱۲، ۸	گوگچه (گوگچه دنکیز)
۱۲۶	مروین کوف	۵۲، ۵۳، ۱۶	
۷	مزداوچ	۱۱۹، ۱۰۲، ۱۰۱، ۹۸، ۸۵، ۲۷، ۲۶	گیلان
۹۲	مسعود میرزا	۲۲۵، ۲۱۰، ۱۷۸، ۱۷۳، ۱۵۶، ۱۲۸، ۱۲۳، ۱۲۰	
۲۰۲، ۶۰	مشهد		
۱۸۱ - ۱۸۰، ۱۳۱	مصطفی خان شیروانی		ل - م
۱۰۶ - ۱۰۲	معتمد الدوله (منوچهر خان)	۲۲	لانقالی
۱۶۹ - ۱۶۷، ۱۲۰ - ۱۳۹، ۱۲۸، ۱۲۰		۱۸۷ - ۱۸۵، ۱۳۲، ۸۶	لنکران
۶۰ - ۵۹	معلی	۱۲۳	لوستکوف (کلنل)
۱۸۱، ۱۸	مغان، مغانی	۵۳	مارت (محل)
۵۵	مکتیل، جان (وزیر مختار انگلیس)	۷۲	مارکوف، اندره افسر ایوان
۲۰۲، ۱۱۵، ۱۱۳، ۸۴ - ۸۳، ۶۳، ۵۷		۱۲۸ - ۱۳۷، ۱۳۰، ۱۲۳، ۸۸	مازندران
۹۶	ملا میرزا	۲۲۰ - ۲۱۸، ۲۱۵، ۲۱۲ - ۲۱۰، ۱۵۵، ۱۵۲	
۵۰	ملکم، سرجان	۲۳۳، ۲۲۷ - ۲۲۵ - ۲۲۲	
۱۷۸	منجیل (پل)	۵۹	محمد باقر خان بیگلریگی
	منچیکوف ← منشیکوف		محمد خان زنگنه ← امیر نظام
	منشیکوف، پسرال مایور پرنس	۵۵، ۵۰، ۴۸ - ۲۷، ۱۹	محمد شاه قاجار
	(منچیکوف، نماینده روسیه در ایران)	۵۸، ۸۲، ۹۳، ۱۰۷، ۱۰۱، ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۰۷، ۲۱۱ -	
۵۲، ۱۴، ۱۱		۲۳۹، ۲۱۹ - ۲۱۷، ۲۱۲	

۵۲، ۵۰ - ۲۹	موریه	۱۹۲، ۹۲	روسیه در تبریز
۷۲	مهدی قلی خان	۱۶۹	میرزا محمد حسین (وزیر کرمان)
۱۳۲	میخوآنلو (ایل)		میرزا محمد خان زنگنه ← امیر نظام
۲۰۰، ۱۸۲، ۱۲۳	میر ابراهیم خان	۱۱۵، ۱۱۳	میرزا محمد علی
۶۷	میر ابوطالب خان		میرزا مسعود، مسعود انصاری گرمودی
۱۸۹	میرزا آقاخان نوری	۸۹، ۷۷، ۶۹ - ۶۵	(وزیر امور خارجه)
۱۰	میرزا ابوالحسن خان	۱۲۹، ۱۲۷، ۱۲۵ - ۱۲۲، ۱۰۹، ۱۰۵، ۱۰۱	
۹۹	میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی	۱۶۳، ۱۵۲، ۱۵۱ - ۱۵۰، ۱۲۶، ۱۲۲، ۱۲۲، ۱۳۸	
۲۱۶	میرزا اسماعیل	۱۸۳، ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۶ - ۱۷۵، ۱۶۹، ۱۶۲ -	
	میرزا الکسندر (الکسندر خوزرکف)	۲۱۵، ۲۰۲، ۲۰۰، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۸۹، ۱۸۷	
	مباشر قونسولگری روسیه ر.ک. مقدمه	۱۲۰	میرزا موسی
۱۷۲، ۱۲۰ - ۱۱۹، ۱۰۳ - ۱۰۲، ۹۸ - ۹۶، ۹۴		۱۶۶	میرزا نبی خان
۱۸۳ - ۱۸۲، ۱۷۸		۱۱۲	میر عباس بیک
۱۹۶، ۱۹۰	میرزا جعفر خان (مشیر الدوله)	۱۰۷ - ۸۷	میرکاظم خان (حاکم استرآباد)
۶۲	میرزا حسین	۱۸۵، ۱۱۰، ۱۰۸	
۱۶۶	میرزا حسین خان سپهسالار	۹۰، ۶۲	میناس خان گرجی (کنیاز)
۱۸۹	میرزا داود خان	۷۲	مین قریل بقیرالسکی (فوج)
۹۲	میرزا سلیم		
۱۹۹	میرزا شریف		ن
۵۲	میرزا صادق وقایع نگار	۱۵۰، ۱۲۷، ۱۹	ناصرالدین شاه
۱۸ - ۱۷	میرزا صالح (منشی عباس میرزا)		نامه های پراکنده قائم مقام فراهانی
۲۰۱	میرزا عبدالله	۱۶	(کتاب)
- ۱۳۳	میرزا علی (نایب وزارت خارجه)	۷	ناتیل، جارچ
۱۹۸، ۱۶۵، ۱۵۹ - ۱۵۸، ۱۳۲			نسلرود، کنت کارل رابرت، ویس
	میرزا علی اکبر (منشی قونسولگری)		کانسلا دگراف (وزیر امور خارجه روسیه)

## گزیده تصاویر اسناد

تبرستان  
www.tabarestan.info

## و - ه

۳۱، ۲۹	ورشو	۱۳۳	۲۱۷، ۱۳۳، ۸۳، ۶۳، ۵۵، ۲۱
	ولیمینوف، جنرال لیدناند (نایب فرمانده	۵۰	نسلرود، دمطری قارنویچ گراف
۱۳۶، ۵۲، ۱۶ - ۱۵، ۱۲	سپاه قفقاز)	۲۱۴	نشر تاریخ ایران
۸۴، ۷۶ - ۷۵، ۶۲، ۶۰ - ۵۹، ۵۷ - ۵۵	هرات	۱۴۳	نظرآباد
	۲۰۲	۱۰۹، ۱۵، ۷	نعمت‌الله خان
۸۸	هشترخان	۲۰۸	نقیسی، سعید
۵۶، ۹	هندوستان	۱۲ - ۱۱	نمسه
		۱۲ - ۱۱	نیکلای اول (امپراطور روسیه)
		۵۷، ۵۲، ۲۷، ۲۰، ۲۶ - ۲۵، ۲۳، ۲۱ - ۱۹، ۱۷	
		- ۱۴۱، ۱۳۸ - ۱۳۷، ۱۲۶، ۹۸، ۸۲، ۸۰، ۷۰	
۲۰۲	یارمحمدخان	۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۴، ۱۵۰، ۱۴۸ - ۱۴۴ - ۱۴۲	
	یرملوف، جنرال آنشف الکسی پطرویچ	۲۱۹، ۲۱۷ - ۲۱۶، ۲۰۶، ۱۹۰، ۱۸۶، ۱۷۴، ۱۷۲	
۵۲ - ۵۳، ۱۵، ۱۲، ۸	(فرمانده سپاه قفقاز)	۲۳۲ - ۲۳۱، ۲۲۶، ۲۲۴، ۲۲۰ -	
	۱۳۶	۱۷۵	نیکلا (فرزند سیمونیچ)





سازمانت بیست و پنج سالگی است



Handwritten text in Persian script, likely a letter or document, starting with "بسم الله الرحمن الرحیم" and ending with "توکل علی الله العظیم".

زشتی که در زانب دلا و دل: خدیو بر یک از غزوات آنی دید که نام او امیر خدیو است



Handwritten text in Persian script, likely a letter or document, starting with "بسم الله الرحمن الرحیم" and ending with "توکل علی الله العظیم".

— توکل علی الله العظیم





منظر نظر عدالت کمر انصاف نهادن با اسلام و ایدیه‌ها و ایدیه‌ها و ایدیه‌ها



که در اول محرم سال ۱۳۰۶ هجری در یک کورنیه در بصره کتبه کرده

تعمیر کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

جایگاه بنای آستان قدس

لکچه در عینده با لکه در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده و در آن کتبه کرده

تبرستان  
www.tabarestan.info





باب اولی که در این کتاب است

فردی که در این کتاب است در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است



تبرستان

www.tabarestan.info

بنا بر این اساس



در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است  
 در این کتاب است که در این کتاب است

۱۳۵۱

Handwritten text in a cursive script, likely a historical document or correspondence. The text is dense and covers most of the page.



Handwritten text at the bottom of the page, continuing the narrative or providing a summary of the events mentioned above.

Handwritten title or heading at the top of the page.

www.tabarestan.info  
تبرستان

Handwritten text block, likely a preface or introductory paragraph.

Handwritten text block, continuing the main body of the document.

Handwritten text block, continuing the main body of the document.

Handwritten text block, continuing the main body of the document.

Handwritten text block, continuing the main body of the document.

Handwritten text block, continuing the main body of the document.

Handwritten text block, continuing the main body of the document.

Handwritten text block, likely a conclusion or final remarks.

Handwritten text block, possibly a signature or a note, located at the bottom right of the page.







جناب عالی

مخبر است که در خصوص این امر...

که در این خصوص...

این در وقت...

در این باره...

در این باره...

در این باره...

در این باره...

در این باره...

تبرستان

www.tabarestan.info



جناب عالی

مخبر است که در خصوص این امر...

که در این خصوص...

این در وقت...

در این باره...

در این باره...

در این باره...

در این باره...

در این باره...









س ۱۲۵۲  
ن ۲  
ب ۱۶

بنام اجابت بخت ایزدگار و کفایت آفتاب در وقت که در کمال کمال است



مقام عالی از حضور جناب عالی که استعدادهای عظیمه و بزرگ فیه عالمه داشته است

و به دلگه از حضرت پروردگار عالمی و حق است و به سبب دارم که در آن

سبب از حال دشمنان از حضرت و به دنیا کردن از حضرت بزرگ و به سبب دارم که

چاکر و مستعدترین که در دنیا دارم و در جواب بجزیم از دست و پا کردن

در وقت و هرگز در جواب بجزیم از دست و پا کردن در وقت و هرگز

تعبیر است در وقت و هرگز در جواب بجزیم از دست و پا کردن

اجازه حضرت پروردگار عالمی از حضرت و به عالم ممنون در وقت و هرگز

Handwritten text in Persian script, likely a letter or a collection of verses, written in a cursive style.

بمهرت در وقت هر وقت که در جهان کمال است و هر که در وقت که در جهان کمال است

تبرستان  
www.tabarestan.info

همچون زمان است که در این دنیا هر روزی هر کس در وقت که در جهان کمال است

و در وقت که در این دنیا هر روزی هر کس در وقت که در جهان کمال است

و در وقت که در این دنیا هر روزی هر کس در وقت که در جهان کمال است

و در وقت که در این دنیا هر روزی هر کس در وقت که در جهان کمال است

و در وقت که در این دنیا هر روزی هر کس در وقت که در جهان کمال است

و در وقت که در این دنیا هر روزی هر کس در وقت که در جهان کمال است





سماه نامه

سماه نامه  
۲  
۲۹

محرم و در کمالی بی نهایت بزرگوار از طرف حضرت امیر کبیر علیه السلام در روز بیست و یکم از ماه محرم  
به یکروز پنجمین ماه از سوره مائده که در آنجا فرموده است که هر که کفر کند پس از این که ایمان آورد  
و گناه کند پس از آن ایمان آورد آنرا نمی پذیریم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم

و اگر کسی از شما که با ما می آید از ما دور شود ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم

و اگر کسی از شما که با ما می آید از ما دور شود ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم

و اگر کسی از شما که با ما می آید از ما دور شود ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم

و اگر کسی از شما که با ما می آید از ما دور شود ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم و در آیه دیگری فرموده است که هر که با ما  
جنگ کند ما را بخوابانیم و هر که با ما می آید ما را بخوابانیم

سماه نامه  
۲  
۲۹

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان و سایر نواحی آن در تاریخ و جغرافیا

بدر شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان

بدر شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان

بدر شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان

بدر شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان

بدر شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان  
و در شهر تبرستان

تاریخچه تبریز و سرایان آن در گذشته و حال

مهر ۱۲۵۴  
تبریز

سفر شاهان...  
شاهان و شاهزادگان...  
تاریخچه...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...

تاریخچه...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...

تبرستان  
www.tabarestan.info

تبریز...  
تاریخچه...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...  
سفر...  
شاه...  
تاریخ...  
تبریز...



پادشاه شاهنشاهی ایران  
به منبر ایام

Amir-ol-Mulkia-ye-Tehran  
 J'agréerai avec reconnaissance votre amitié.  
 j'espère que vous recevrez aussi ma reconnaissance.  
 Je vous prie de continuer à m'honorer de votre bienveillance.  
 Je suis, Monsieur le Ministre, votre dévoué serviteur.  
 A. Khanlouy  
 M. le Ministre des Affaires Étrangères, Paris

سرکار عالی  
 به احترام و محبت  
 مخلصانه

روزنامه... شماره...

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم

تبرستان  
www.tabarestan.info



مکتب مطبوعاتی  
کتابخانه



جایگاه تو نباشد ایضا بحال آرا  
 شرحیست بر این مضمون که در این مضمون  
 که در قرآن که قول است بر تو میگویم در نزد من  
 بودن من این که در حکم ایضا در عقب خود از تو بگویم  
 و بکار رفته در این مضمون است چنانچه بر سر که مودت  
 و عهدی که در نزد من مضمون میخورد از تو در این مضمون  
 خبر بر تو در این مضمون خبر فرموده و کلامی که در این مضمون  
 صلح و آتش آتش در این مضمون که در این مضمون  
 مکه و مدینه در این مضمون که در این مضمون  
 در این مضمون که در این مضمون که در این مضمون  
 سند صلح و آتش در این مضمون که در این مضمون  
 کلامی که در این مضمون که در این مضمون  
 مبارک است که در این مضمون که در این مضمون  
 در این مضمون که در این مضمون که در این مضمون

تبرستان  
 www.tabarestan.info

بیا مارم که ما مجربیم که گشتیم از آنجا که ما گشتیم  
 داشته ز غایت به نصیب در این مضمون که در این مضمون  
 مشکلی که در این مضمون که در این مضمون  
 حبس که در این مضمون که در این مضمون  
 دستم که در این مضمون که در این مضمون  
 این است که در این مضمون که در این مضمون  
 سخنم که در این مضمون که در این مضمون  
 مطلب که در این مضمون که در این مضمون  
 خود که در این مضمون که در این مضمون

بنامه سوار و نایب‌السلطنه و نجیب‌السلطنه بهمان محل در آن

خبر قدس زمین در باب استرداد احوال اقطاعیها و چنانکه  
 منعی نگذاشته بود و دستبرد آنجا نشان است  
 فرمان فرما کرهستان نوشته اند که نوشته بود زمین و  
 سبحان شاه گرشن اندامه و چون که اولاک فرورد ۱۸۳۲ این جبهه  
 بنایت برادر سیدنی که در برادر شریف نامند در این آمد  
 حب العرفیه داد و با چنانکه با مال انداختن فرما که در  
 او که او را در شهر تبریز بجهت سب بدین درستی شوم و  
 در آنجا که برادر خودی زار و در اطرافت بر آنکه در آن  
 با هر کجاست در آنجا در این چنانکه در آنجا  
 در آنجا که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 در آنجا که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

مس ۱۱۵۵  
 ۲  
 ۱۹۲۰

تبرستان

www.tabarestan.info



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خبر قدس زمین در باب استرداد احوال اقطاعیها و چنانکه  
 منعی نگذاشته بود و دستبرد آنجا نشان است  
 فرمان فرما کرهستان نوشته اند که نوشته بود زمین و  
 سبحان شاه گرشن اندامه و چون که اولاک فرورد ۱۸۳۲ این جبهه  
 بنایت برادر سیدنی که در برادر شریف نامند در این آمد  
 حب العرفیه داد و با چنانکه با مال انداختن فرما که در  
 او که او را در شهر تبریز بجهت سب بدین درستی شوم و  
 در آنجا که برادر خودی زار و در اطرافت بر آنکه در آن  
 با هر کجاست در آنجا در این چنانکه در آنجا  
 در آنجا که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

بنامه سوار و نایب‌السلطنه و نجیب‌السلطنه بهمان محل در آن





بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

بمختص در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت



بنام خداوند متعال... این کتاب در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت و در وقت سحر و قیامت

www.tabarestan.info







تبرستان  
www.tabarestan.info

*In the Name of God*

(Iran & The Great Powers Series - Russia / 2)

*Documents of Iran - Russia Relations*  
*Under Fath Ali Shah and Mohammad Shah Qajar*

*1824-1847 A.D. / 1240-1263 A.H.*

Compiled by:  
Fatemeh Ghaziha

*The Center for Documents and Diplomatic History*

*Tehran - 2001*